



شرح روی چلده در یادداشت سردبیر

Global Rug Specialist

شستشو، ترمیم، خرید، فروش و ارزیابی انواع فرش



825 W El Camino Real, Mountain View

(650) 965-7847 + (408) 892-7847

Selahi Insurance Agency

مشاور شما در انتخاب بهترین بیمه،
متناسب با نیازهای شخصی و تجاری،
از معتبرترین شرکت ها

♦ سلامتی ♦ مسکن ♦ اتومبیل، قایق و موتورسیکلت
♦ محل کسب و از کار افتادگی ♦ عمر و هزینه فوت

(408) 931-6434

4030 Moorpark Ave., Ste. 250, San Jose, CA



سحر سلاحي
Lic:0G47139

فرهنگسرا و مدرسه فارسی رازی



♦ آموزش فارسی ♦ تمامی سازهای موسیقی ایرانی ♦ آواز و تصنیف خوانی ♦ آرف ♦ رقص ایرانی
♦ کامپیوتر ♦ نقاشی ♦ کار دستی ♦ سلفژ و غیره، تحت نظر مدرسین و نوازندگان با تجربه و چیره دست!

* کلاس های موسیقی توسط متخصصین هر ساز موسیقی

* دو ماه کلاس های فارسی به طور رایگان

* ارائه کلاس های فارسی با روش جدید آموزشی و تلفیقی، همراه با استفاده از کامپیوتر لب،

فعالیت های آموزشی و سرگرم کننده و بازدیدهای آموزشی تحت نظر معلمین با تجربه

* روزهای دوشنبه تا جمعه، از ساعت ۲ الی ۶ بعد از ظهر، کلاس و برنامه های آموزشی برای

دانش آموزان، بعد از تعطیلی مدارس After School Program

برای اطلاعات بیشتر لطفا با دفتر مدرسه تماس حاصل فرمایید!

با همکاری شاعر و نویسنده، مسعود سپند

زمان: اولین جمعه هر ماه ساعت: ۶:۳۰ عصر ورودی: ۴ دلار

با صرف چای، قهوه و شیرینی

**شب شعر با
موسیقی زنده**



ما مفتخر هستیم که بعضی از اساتید فرهنگسرای رازی برندگان جوایز بین المللی هستند!

Like us on Facebook:

Razi Farsi School & Art Academy

www.raziacademy.com

info@raziacademy.com

(408) 828-8494



4125 Blackford Ave. #145, San Jose, CA 95117

پیام شایانی وکیل تصادفات و صدمات شدید بدنی

(800) 261-1314

- ♦ تصادفات رانندگی
- ♦ صدمات ناشی از کار
- ♦ زمین خوردگی
- ♦ صدمات منجر به مرگ
- ♦ آسیب از حیوانات

Payam Mark Shayani, ESQ
Accident Attorney

Auto, Motorcycle, Pedestrian, Slip & Fall, Work Injury

(916)442-9999

980 9th Street, 16th Floor
Sacramento, CA 95814

(408)777-8867

2880 Zanker Road, Suite 203
San Jose, CA 95134

(925)777-0432

425 Market Street, Suite 200
San Francisco, CA 94105

یادداشت سردبیر

زن ایرانی!

(به بهانه ۱۷ دی، سالروز کشف حجاب)

در داستان های روم قدیم آمده که رومولوس رومی و مردانش در میان خود زن نداشتند. نزد قوم همسایه یعنی سابین ها رفتند تا اجازه بگیرند با زنان آن قوم وصلت کنند. مردان سابین به آنها اجازه وصلت ندادند. مردان رومی اهالی سابین را به مناسبتی به روم دعوت کردند و در میانه جشن زنان را ربودند و مردان را راندند. این زنان با مردان رومی وصلت کردند و صاحب اولاد شدند. سالها بعد، افراد قوم سابین به قصد انتقام و بازگرداندن زنان، به رومیان حمله بردند. زنان سابین میانجی شدند تا آتش جنگ بین دو قوم شعله ور نشود، یعنی جسورانه کوشیدند تا در نبرد بین مردان قومشان و مردان رباينده شان، یعنی بین پدرانشان و همسرانشان میانجی شوند.

ژاک لویی داوید نقاش نامدار فرانسوی (۱۷۴۸ تا ۱۸۲۵) از مبارزان انقلاب فرانسه بود. در سال ۱۷۹۵، اندیشه خلق "میانجیگری زنان اهل سابین" در زندان به ذهنش راه یافت و پس از آزادی، آن را در سال ۱۷۹۹ به پایان رسانید. این اثر برخلاف کارهای رومی اش، جلوه ای از هنر یونانی دارد و مردان جنگنده را در هیأت برهنه نشان میدهد.

ژاک لویی با این تابلو برتری و پیروزی عشق را بر ستیزه جویی نشان داد، گروه های سیاسی را به صلح و آشتی فرا خواند و مردم را، که تازه از درگیری های داخلی و خونریزی فارغ شده بودند، به اتحادی نو دعوت نمود.

این تابلو "هرسیلیا"، همسر رومولوس رومی و دختر تیتوس تاتیوس رهبر سابینی ها، را با لباس سفید و دستهای ظریف از هم گشوده نشان می دهد که میان همسر و پدرش شتافته و کودکش را حائل کرده است. دیگر جنگجویان شمشیرها را غلاف کرده اند. می بینیم که میانجی، یک زن است و داستان داستانی ست سرشار از احساسات ناب زنانگی.



زن ایرانی فریب و نیرنگ و ربوده شدن را تجربه کرده است و نمی خواهد دوباره اشتباه کند. نمی خواهد سنگ پرت کند، چریک شود، سلاح به دست گیرد و خون بریزد. می خواهد با نور امید و گرمی عشق و دستهای کارساز پرتوانش آن سرزمین را سبز کند. وقتی از زن سخن می گوئیم، صدالبته که منظور نفی مرد و نادیده گرفتن نقش کلیدی او نیست، بلکه از زنانی می گوئیم که قدرتی ناشی از عقل و کفایت، صبر و متانت، و مهربانی و رأفت دارند. این بار، زن ایرانی دلش برای فرزندان خود و آن دیار می سوزد و دیگر دل به شهادت فرزند خوش نمی دارد.

بر می گردیم و نگاهی دیگر به روی جلد می کنیم.

افلیا پرویزاد

| | |
|---------|---|
| صفحه ۱ | اخبار |
| صفحه ۲ | یادداشت سردبیر-فهرست مطالب |
| صفحه ۳ | اخبار |
| صفحه ۴ | اخبار |
| صفحه ۵ | اخبار |
| صفحه ۶ | اخبار |
| صفحه ۷ | اخبار |
| صفحه ۸ | یک سینه سخن (مسعود سپند) |
| صفحه ۹ | با هادی خرسندی |
| صفحه ۱۰ | اخبار |
| صفحه ۱۱ | اخبار |
| صفحه ۱۲ | داستان فرود و طوس (هما گرامی-فره وش) |
| صفحه ۱۳ | آیا می توان پیش از اتمام... (کاوه میرشفیعی) |
| صفحه ۱۴ | ورزش از نگاه من (احمد طوسی) |
| صفحه ۱۵ | اخبار |
| صفحه ۱۶ | «کمپ کسالت بار» (سعید شفا)-اخبار |
| صفحه ۱۷ | نوشته، یوزخند، لیخند و زهرخند (عزت گودرزی) |
| صفحه ۱۸ | سیر و سفری در گلستان ادب پارسی (پرویز نظامی) |
| صفحه ۱۹ | مشقی تازه در روزهای غربت (حسینعلی مکوندی) |
| صفحه ۲۰ | یادداشتی بی تاریخ (صدرالدین الهی) |
| صفحه ۲۱ | آگهی |
| صفحه ۲۲ | از درگوشی ها (پیرایه) |
| صفحه ۲۳ | کمپانی یونیورسال (فرسیا اعتمادزاده)-اخبار |
| صفحه ۲۴ | گیله مرد (حسن رجب نژاد) |
| صفحه ۲۵ | نکاتی در مورد تغییر... (کاملیا محمودی) |
| صفحه ۲۶ | تازه های پزشکی (منوچهر سلجوقیان) |
| صفحه ۲۷ | نکات مهم برای داشتن دندان سالم (میشل حق پناه) |
| صفحه ۲۸ | انرژی مثبت... (پریناز کدخدایان)-اخبار |
| صفحه ۲۹ | هیچوقت دیر نیست (آتوسا یکان) |
| صفحه ۳۰ | آرامش در خانه یک رویا نیست (نسرین حسینی) |
| صفحه ۳۱ | اصل تضاد و اصالت... (حسن مسیح پور) |
| صفحه ۳۲ | آب زیر کاه (بهرام گرامی) |
| صفحه ۳۳ | تاریخچه کمانچه (سولماز مولوی)-نامه های رسیده |
| صفحه ۳۴ | تقویم برنامه های هنری - جدول |
| صفحه ۳۵ | نیازمندیها - فال ستارگان |
| صفحه ۳۶ | اگر وقتی بماند (نعیمه دوستدار) |
| صفحه ۳۷ | خیلی قدیم های تهران (عباس پناهی) |
| صفحه ۳۸ | یادی از گذشته (الی نژاد)-داستان |
| صفحه ۳۹ | گل نم (شیدوش باستانی) |
| صفحه ۴۰ | شعر |
| صفحه ۴۱ | آگهی |
| صفحه ۴۲ | اخبار |
| صفحه ۴۳ | تبلیغ |
| صفحه ۴۴ | اخبار |
| صفحه ۴۵ | اخبار |
| صفحه ۴۶ | دنباله مطلب |
| صفحه ۴۷ | اخبار |
| صفحه ۴۸ | آگهی |
| صفحه ۴۹ | دنباله مطلب |
| صفحه ۵۰ | دنباله مطلب |
| صفحه ۵۱ | دنباله مطلب |
| صفحه ۵۲ | دنباله مطلب |
| صفحه ۵۳ | دنباله مطلب |
| صفحه ۵۴ | دنباله مطلب |
| صفحه ۵۵ | دنباله مطلب |
| صفحه ۵۶ | دنباله مطلب |
| صفحه ۵۷ | انگلیسی |
| صفحه ۵۸ | انگلیسی |
| صفحه ۵۹ | انگلیسی |
| صفحه ۶۰ | انگلیسی |

ماهنامه پژواک از سری انتشارات شرکت پژواک صاحب امتیاز، مدیر مسئول و سردبیر: افلیا پرویزاد

شماره تلفن: ۰۸۶۲۴-۲۲۱۱ (۴۰۸)

شماره فکس: ۳۷۱۷-۶۹۳۳ (۴۰۸)

آدرس مکاتبه با نشریه پژواک:

PO BOX 9804,

SAN JOSE, CA 95157

مسئولیت صحت و سقم آگهی ها با صاحبان آگهی می باشد. شرکت پژواک هیچگونه مسئولیتی را در این مورد نمی پذیرد. *استفاده از طراحی های این نشریه بدون اجازه کتبی از شرکت پژواک (حتی برای صاحبان آگهی) غیر قانونی می باشد. *ماهنامه پژواک در انتخاب، حک و کوتاه کردن و اصلاح مطالب آزاد است. *نظریه های مقالات لزوماً عقاید مسئولین پژواک نمی باشد. مسئولیت نظریه ها به عهده نویسندگان می باشد.

www.pezhvak.com www.irany.com e-mail: info@pezhvak.com

Pezhvak was compiled as carefully as possible. Pezhvak of Persia can not guarantee the correctness of all information contained herein and does not accept responsibility for any errors and omissions.

در ماه نوامبر ۲۰۱۴ کشورهای تولیدکننده نفت اوپک توانستند بر سر کاهش عرضه نفت برای کنترل قیمت آن به توافق برسند. کشورهای عرب عضو اوپک ترجیح می‌دهند قیمت نفت و درآمدهای آنها کاهش یابد تا مشتریان آسیایی آنها به چنگ دیگر کشورها - نیجریه - نیافتند. قیمت نفت در اواسط این ماه (نوامبر) به حدود ۷۰ دلار رسید و در ماه دسامبر ۲۰۱۴ در برابر حیرت همگان رقم ۶۰ دلار را ثبت کرد.

پیامد کاهش قیمت نفت

اشیگل آنالین در ادامه گزارش تحلیلی خود می‌نویسد، کاهش تقریباً ۵۰ درصدی قیمت نفت، یک جریان عظیم بازتوزیع ثروت در سراسر جهان را به راه انداخت. با قیمت ۱۱۰ دلار برای هر بشکه، کل ارزش تولید جهانی نفت ۳/۶ تریلیون دلار (۳۶۰۰ میلیارد دلار) می‌شود. با قیمت نفت ۶۰ دلاری این ارزش به ۲ تریلیون (۲ هزار میلیارد) کاهش می‌یابد. این امر به معنای آن است که کشورهای مصرف‌کننده نفت رقم هنگفتی بالغ بر ۱۶۰۰ میلیارد دلار صرفه‌جویی می‌کنند و درست به همین میزان نیز کشورهای صادرکننده نفت از دست می‌دهند.

بحث بر سر "یک بازی با حاصل جمع صفر" نیست. بنابر ارزیابی صندوق بین‌المللی پول، اگر قیمت نفت ۱۰ درصد کاهش یابد، اقتصاد جهان به میزان ۲/۰ (دو دهم) درصد رشد خواهد کرد. علت این امر آن است که حجم عظیمی از پول از حساب تولیدکنندگان نفت به جیب مصرف‌کنندگان در سراسر جهان سرازیر می‌شود. با این حال اثرات مثبت کاهش قیمت نفت برای اقتصاد جهانی می‌تواند به سرعت به عامل منفی بدل شود. زیرا اگر قیمت نفت برای مدت طولانی پایین بماند اقتصاد کشورهایی که به تولید و صادرات نفت وابسته‌اند در معرض خطر فروپاشی قرار خواهد گرفت.

تقاضا پیشی گرفت. با این حال قیمت نفت بالای صد دلار باقی ماند. در اواخر ماه ژوئن ۲۰۱۴ دولت آمریکا برای نخستین بار پس از ۴۰ سال مجوز صدور نفت به خارج را صادر کرد. دلیل این امر افزایش بی‌سابقه استخراج نفت در آمریکا با استفاده از فن‌آوری فراکینگ بود. این کشور در سال ۲۰۰۸ روزانه تنها ۴ میلیون و ۷۰۰ هزار بشکه نفت تولید می‌کرد. این میزان در حال حاضر تقریباً به ۹ میلیون بشکه رسیده است. کارشناسان نفت برآورد می‌کنند که عرضه مازاد نفت همچنان ادامه خواهد یافت.

در ماه ژوئیه ۲۰۱۴ انقلابیون لیبی پس از یک سال کاهش در تولید نفت، دوباره تولید نفت از دو مرکز "راس لانوف" و "السدر" را افزایش دادند. این نفت از طریق مدیریتانه به‌طور مستقیم به اروپا انتقال می‌یافت. هم‌زمان نفت نیجریه که تاکنون بازار تقاضای اروپا را پوشش می‌داد، به سوی چین تغییر مسیر داد. اوایل سپتامبر ۲۰۱۴ شاخص‌های اقتصاد جهانی به‌طرز قابل‌توجهی پایین آمد. آژانس بین‌المللی انرژی از کندي "رشد تقاضا" برای نفت سخن به میان آورد. در این ماه قیمت نفت هنوز کمی بالای ۱۰۰ دلار بود.

اواخر سپتامبر ۲۰۱۴ کشورهای عرب تولیدکننده نفت درصدد برآمدند که از معامله درازمدت نیجریه با خریداران نفت در آسیا جلوگیری کنند. در نتیجه عربستان سعودی، ایران و کویت تصمیم گرفتند که بهای نفت خود را یک دلار نسبت به قیمت رسمی آن کاهش دهند. قیمت جهانی نفت در این روزها به ۹۵ دلار در هر بشکه کاهش یافت. در ماه اکتبر ۲۰۱۴ آژانس بین‌المللی انرژی پیش‌بینی خود برای رشد تقاضای نفت در جهان را به نصف کاهش داد. قیمت نفت در این مقطع به حدود ۸۴ دلار رسید.

علت کاهش سقوط فاحش قیمت نفت چیست؟

از تابستان گذشته تاکنون قیمت نفت در بازارهای جهانی تقریباً به نصف کاهش یافته است. اواسط ژوئن ۲۰۱۴ قیمت هر بشکه نفت ۱۱۰ دلار بود. اکنون حدود ۹۰ دلار است. در اغلب ارزیابی‌ها، این سقوط به رقابت دو تولیدکننده بزرگ نفت، عربستان سعودی و ایالات متحده آمریکا نسبت داده می‌شود. اما واقعیت امر چیزی بیش از "جنگ قیمت" میان دو کشور تولیدکننده بزرگ نفت است.

دووجه وله: بازار نفت در ماه‌های اخیر با تکان‌های شدیدی همراه بود. قیمت نفت پیوسته در حال سقوط بود و عربستان سعودی حاضر نشد با کاهش تولید از سقوط آن جلوگیری کند. علت چیست؟ آیا باید آن را به حساب توطئه آمریکا و عربستان گذاشت؟



سقوط قیمت نفت نقش دارند.

نگاهی به شش ماه نوسان بازار نفت در اوایل ماه مه ۲۰۱۴ تحلیل‌گران بازار نفت از افزایش تقاضای آن به میزان ۱ میلیون و ۴۰۰ هزار بشکه در روز خبر دادند. با این افزایش مجموع تقاضای جهان برای نفت حدود ۹۳ میلیون بشکه برآورد شد. متوسط قیمت نفت در آن زمان ۱۰۶ دلار بود. تا ماه ژوئن ۲۰۱۴ تقاضا برای نفت به تدریج افزایش یافت، اما تولید و عرضه نفت نیز بیشتر شد تا جایی که عرضه بر

از تابستان گذشته تاکنون قیمت نفت در بازارهای جهانی تقریباً به نصف کاهش یافته است. اواسط ژوئن ۲۰۱۴ قیمت هر بشکه نفت ۱۱۰ دلار بود. اکنون حدود ۶۰ دلار است. در اغلب ارزیابی‌ها، این سقوط به رقابت دو تولیدکننده بزرگ نفت، عربستان سعودی و ایالات متحده آمریکا نسبت داده می‌شود. اما واقعیت امر چیزی بیش از "جنگ قیمت" میان دو کشور تولیدکننده بزرگ نفت است.

"اشیگل آنالین" در گزارشی تحلیلی در این باره نوشته است، واقعیت آن است که ایالات متحده آمریکا به مدد فن‌آوری بحث‌انگیز "فراکینگ" (استخراج نفت و گاز از درون سنگ‌های زیرزمینی) نفت بی‌سابقه‌ای را استخراج می‌کند. میزان استخراج نفت آمریکا از سال ۲۰۰۸ تاکنون به دو برابر رسیده و از این طریق سهم خود در تولید جهانی نفت را ۱۰ درصد افزایش داده است. بازار جهانی نفت با چنین حجمی از استخراج، به‌طور قابل توجهی اشباع شده است.

با این حال تنها دو کشور آمریکا و عربستان

Let us build your custom dream home



(408)-898-6474

با مدیریت علی زمانی

With more than 16 years of experience we guarantee to exceed your expectations.

نقشه کشی ساختمان، اخذ جواز کار، ساختن ساختمان جدید، اضافه کردن اتاق، نوسازی آشپزخانه و حمام

◆ New Custom Home ◆ Room Additions ◆ Bathroom ◆ Kitchen Remodel

با تخفیف مخصوص برای هموطنان عزیز

www.alisconstruction.com

1011 S. De Anza Blvd., Cupertino, CA

Threading & Hair Design by Haleh



سالن آرایش هاله
(650)242-6477



*کوتاه کردن مو *رنگ *های لایت *بند ابرو *آرایش صورت
*براق و شفاف کردن رنگ مو *صاف کردن مو به روش کراتن

*Hair Cut *Hair Color *Highlights

*Threading *Make Up *High Gloss *Keratin

\$20 OFF
on Partial Highlights
FREE Eyebrow Threading with Haircut

Exp. 8/2014

www.halehkhairdesign.com

4060 S. El Camino Real, Suite A, Unit 26, San Mateo, CA

دستگیری ۵۰ زن به جرم پوشیدن ساپورت و چکمه

پالتوی بلند و گشاد به تن دارد و چکمه مشکی به پا دارد. مامور گشت ارشاد جلوی او را می‌گیرد و او را سوار ون می‌کند. او تنها نیست، همراه با پنجاه زن شهر کردی، مدفاصل سه راه سینما تا چهارراه فصیمی به دلیل استفاده از ساپورت و یا پوشیدن چکمه های زمستانی بازداشت شد.

بوده که توسط ماموران بازداشت می‌شود. او ساپورت کلفت زمستانی به پا داشته



و همسرش حاضر شده از مغازه‌های اطراف برای همسرش شلوار معمولی تهیه کند اما ماموران راضی نمی‌شوند و او را جلوی چشمان همسرش بازداشت می‌کنند. یکی دیگر از بازداشت شدگان به ایران وایر می‌گوید: «همه بازداشت شدگان، بسیار ساده لباس پوشیده بودند و فقط به جرم استفاده از ساپورت و چکمه‌های زمستانی دستگیر شدند. ماموران می‌گفتند اینها مصداق بدحجابی هستند.» دنباله مطلب در صفحه ۵۲

ایران وایر: یکی از بازداشت شدگان می‌گوید: «لباس هایم هیچ کدام کوتاه یا تنگ نبودند. شال بلند به سر داشتم. صورت‌م کوچکترین آرایشی نداشت. فقط جرم پوشیدن چکمه بود.» او با اشاره به دستگیری های گسترده به بهانه مبارزه با بدحجابی می‌گوید: «باور کنید بین کسانی که من دیدم هیچ کس با قیافه غیر عادی یا نامتعارف حضور نداشت. حتی کسی نبود که آرایش تند داشته باشد یا ماتوی کوتاه پوشیده باشد. حتی موقع بازداشت یکی از خانم‌ها که ظاهر بسیار ساده‌ای داشت به مامور پلیس اعتراض کرد و گفت ظاهر من چه ایرادی دارد. کجای تیپ و قیافه من مصداق بدحجابی است که باید با شما بیایم. مامور سر او فریاد می‌کشید و می‌گفت جرم شما همین طرز صحبت کردن و بی احترامی به مامور قانون است.»

یکی از خانم‌های دستگیر شده در سه راه سینما همراه همسرش در حال قدم زدن

کشف حجاب

میهن عزیز خود ادا نمایند و بلاخره خدمات و فداکاری خود را آنطور که شایسته است انجام دهند و حالا می‌روند علاوه بر امتیاز برجسته مادری که دارا می‌باشند از مزایای دیگر اجتماع نیز بهره مند گردند. ما نباید از نظر دور بداریم که نصف جمعیت کشور ما به حساب نمی‌آید یعنی نصف قوای عامله ی مملکت بیکار بود. هیچوقت احصائیه از



دختران سربلند ایران در روز ۱۷ دی ۱۳۱۴ در دانشسرای عالی جشن کشف حجاب

زن‌ها برداشته نمی‌شد مثل اینکه زن‌ها یک افراد دیگری بودند و جزو جمعیت ایران به شمار نمی‌آمدند، خیلی جای تاسف است که فقط یک مورد ممکن بود احصائیه زن‌ها برداشته شود و آن موقعی بود که وضعیت ارزاق در مضیقه می‌افتاد و در آن موقع سرشماری می‌کردند و می‌خواستند تا مین آذوقه نمایند.

من میل به تظاهر ندارم و نمی‌خواهم از اقداماتی که شده است اظهار خوشوقتی کنم و نمی‌خواهم فرقی بین امروز با روزهای دیگر بگذارم ولی شما خانمها باید این روز را یک روز بزرگ بدانید و از فرصت هایی که دارید برای ترقی کشور استفاده کنید. من معتقدم که برای سعادت و ترقی این مملکت باید همه از صمیم قلب کار کنیم. ولی هیچ نباید غفلت نمایند که مملکت محتاج به فعالیت و کار است و باید روز بروز بیشتر و بهتر برای سعادت و نیک بختی مردم قدم برداشته شود.

شما خواهران و دختران من، حالا که وارد اجتماع شده اید و قدم برای سعادت خود و وطن خود بیرون گذارده اید. بدانید وظیفه شماست که باید در راه وطن خود کار کنید، شما تربیت کننده نسل آتیه خواهید بود، انتظارمان از شما خانم های دانشمند این است که در زندگی قانع باشید و کار ننمایید و از تجمل و اسراف بپرهیزید. سعادت آتیه در دست شماست»

آزادی زنان ایران با کشف حجاب در روز ۱۷ دی ماه ۱۳۱۴ با فرمان رضا شاه آغاز شد و فصل نوینی در تاریخ زندگی زن ایرانی پس از یورش تازی گشوده شد. در این روز در ساعت سه و نیم پس از نیم روز رضا شاه به همراهی ملکه پهلوی، شاهدخت شمس پهلوی و اشرف پهلوی بدون حجاب به دانش سرای مقدماتی تشریف فرما شدند. در آیینی که بدین روی در دانش سرای مقدماتی برپا شده بود شمار بسیاری از زنان فرهنگی و دیگر بانوان بدون چادر بودند. رضا شاه پس از بازدید از بخش‌های گوناگون دانشسرا، دیپلم دوشیزگانی که در رشته‌های پزشکی و مامایی فارغ‌التحصیل شده بودند را به



ملکه پهلوی و والاحضرت شمس و اشرف پهلوی در جشن کشف حجاب در دانشسرای عالی دختران

آنها دادند و در سخنرانی خود فرمودند: «بی‌نیابت مسروم که می‌بینم خانم‌ها در نتیجه دانایی و معرفت به وضعیت خود آشنا و به حقوق و مزایای خود پی برده‌اند.



دختران پرستار در بدرقه خودروی رضا شاه پس از پایان جشن کشف حجاب و فارغ‌التحصیلی

زنهای این کشور به واسطه خارج بودن از اجتماع نمی‌توانستند استعداد و لیاقت ذاتی خود را بروز دهند بلکه باید بگویم که نمی‌توانستند حق خود را نسبت به کشور و

دختر حسابداری و امور مالیاتی بهنام

Accounting & Tax Services



با داشتن ۲۸ سال تجربه کلیه امور حسابداری و مالیاتی شما را به بهترین وجه انجام می‌دهیم

✓ Integrity ✓ Respect

✓ Commitment ✓ Expertise

Advisor You Can Count On!

Mitra Forozesh Behnam, MBA, RTRP, CRTP

- ♦ Accounting & Auditing
- ♦ Tax Consulting
- ♦ Tax Preparation
- ♦ Auditing Process, IRS, FTB, BOE, EDD

- ♦ حسابداری و حسابرسی
- ♦ برنامه ریزی مالیاتی
- ♦ مالیات بر درآمد
- ♦ کلیه امور حسابرسی

Work: (209)835-9655 (408)440-9622

Cell: (209)740-2764 Fax: (209)740-2764

www.behnamaccounting.com ♦ behnamaccounting@yahoo.com

504 W 11th Street, Tracy, CA 95376

با درج آگهی در نشریه پژواک پیشه و خدمات خود را به ایرانیان شمال کالیفرنیا معرفی کنید.

پژواک ماهنامه

(408)221-8624



که می‌تواند سرنوشت ریاست جمهوری آینده را نیز تعیین کند جنگ و درگیری آمریکا در خاورمیانه است. فاجعه‌ی جنگ عراق اوپاما را به ریاست جمهوری رساند. درگیری آمریکا در عراق و سوریه و اینکه چه اتفاقاتی رخ دهد خواه ناخواه در تصمیمات و سیاست‌های کاندیدها مؤثر است. به نتیجه رسیدن یا نرسیدن مذاکرات اتمی با ایران که اکنون مجدداً تمدید شده است خود می‌تواند سرنوشت جنگ سرد بین ایران و آمریکا را نیز تعیین کند. عناصری در کنگره وجود دارند که درگیری را به مذاکرات ترجیح می‌دهند. اکثریت یافتن جمهوریخواهان در کنگره می‌تواند مشکلات جدیدی از جهت ازدیاد تحریم‌ها بوجود آورد. سه ماه از جنگ آمریکا با «داعش» می‌گذرد و هیچکس از روند این جنگ راضی نیست. دست راستی‌ها، تئوکسنراتیوها و جنگ طلبان ادعا می‌کنند که اوپاما به اندازه کافی نیرو برای برنده شدن در این جنگ بکار نگرفته است. مخالفان جنگ که اصطلاحاً «کبوترها» نامیده می‌شوند نگرانند که این درگیری مانند ویتنام تبدیل به یک جنگ بزرگ و طولانی شود. گفته می‌شود که اوپاما دکتترین «پاول» را نادیده گرفته است.

انتخابات میان دوره‌ای این بود که به ۵ میلیون مهاجر غیر قانونی اجازه داده است که برای ۳ سال بدون ترس از اخراج در آمریکا زندگی کرده قانوناً کار کنند و ادامه تحصیل بدهند. این ۵ میلیون غالباً خانواده‌هایی هستند که فرزندان‌شان در آمریکا متولد شده‌اند.

ناگفته نماند در این دوره از کنگره که اکثریت سنا با دموکرات‌ها بود یک لایحه بسیار مهم که تکلیف حدود ۱۱ میلیون مهاجر غیر قانونی را معین کرد و بتدریج امکان سیتی‌زن شدن به آنها می‌داد از سنا گذشت ولی مجلس نمایندگان که اکثریت آن جمهوریخواهان دست راستی است حاضر نشد این لایحه را به رأی بگذارد. اکثریت یافتن جمهوریخواهان در کنگره امید تغییر و تعادل در دادگاه عالی را نیز از بین برده است. در حال حاضر ۵ نفر از ۹ نفع‌آنها دادگاه عقاید دست راستی داشته و تاکنون به نفع کمیانی‌های بزرگ، صاحبان سرمایه رأی داده‌اند. حتی اگر یکی از این ۵ نفر بنحوی کنار رود، کنگره به یک کاندیدای میانه رو و یا لیبرال رأی نخواهد داد.

محیط زیست قربانی دیگری است زیرا رئیس جدید کمیته محیط زیست، سناتوری است که شواهد علمی مبنی بر اینکه این تغییرات در محیط زیست واقعی است را قبول ندارد. سقط جنین از مسائلی است که جمهوریخواهان افراطی قصد دارند آن را غیر قانونی نمایند. دو دستگی و تنش به جهت گوناگون در جامعه‌ی آمریکا بالا گرفته که نمونه مهمی از آن را در نبرد سیاسی بین قوه‌ی مقننه و اجرائیه یعنی کنگره و دولت اوپاما می‌بینیم.

سیاست عقب‌نشینی

در دو سال آینده آمریکائیان شاهد مبارزات انتخاباتی رئیس جمهوری خواهند بود. از جمله موضوعات مهمی

تنش در جامعه‌ی آمریکا

شهلا صمصامی

انتخابات میان دوره‌ای نوامبر شکستی برای دموکرات‌ها بود که اکثریت را در مجلس و سنا به جمهوریخواهان داد. کنگره آمریکا که بویژه از ۲۰۱۰ و با قدرت یافتن دست راستی‌های افراطی معروف به «حزب چای» عملاً در بن بست قرار گرفته بود با این انتخابات چالش‌های جدیدی چه در امور داخلی و یا سیاست‌های خارجی آمریکا بوجود آورده است.

سیاست‌هایش ناامید شدند. دست راستی‌ها و جمهوریخواهان از ابتدا مشروعیت وی را مورد سؤال قرار داده و هر نوع اقدام و سیاست داخلی یا خارجی او را به انتقاد گرفتند. اکنون در دو سال آخر ریاست جمهوری دو طرف آماده‌ی یک نبرد بزرگ هستند. برنامه‌ی جمهوریخواهان این است که قانون بیمه بهداشت عمومی «اوپاماکر» را به نحوی لغو کنند و یکی از راههای آن تصویب نکردن بودجه‌ی است که برای ادامه‌ی این برنامه لازم است. در حال حاضر بخشی از این قانون در دادگاه عالی آمریکا مورد بررسی است که جمهوریخواهان ادعا می‌کنند، برخلاف قانون اساسی است.

از برنامه‌های دیگر اعضای کنگره‌ی جدید این است که قوانین اصلاحی مؤسسات مالی و بانکی را که محدودیت‌هایی برای این مؤسسات بوجود آورده بود از بین ببرند. همچنین مالیات ثروتمندان و کمیانی‌های بزرگ را کمتر کرده و در عوض برنامه‌های دولتی را که به مردم فقیر و کم درآمد کمک می‌دهد محدودتر کنند. در سیاست خارجی از جمله می‌خواهند با افزایش بودجه نظامی درگیری آمریکا در عراق و سوریه بیشتر شود و به تحریم‌ها علیه ایران افزایش دهد.

اوپاما در مقابل تصمیم گرفته است از قدرت خود به عنوان رئیس جمهور استفاده‌های بیشتری کرده و اولین اقدام وی پس از

اوپاما با شعار «تغییر» (change) بر سر کار آمد. از نظر داخلی وی می‌خواست در زمینه مشکلاتی مانند بیمه بهداشت عمومی، آموزش و پرورش، محیط زیست، انرژی و وضعیت میلیون‌ها افراد غیر قانونی تغییرات مهمی بوجود آورد. از جهات سیاست خارجی هدفش خاتمه دادن به جنگ‌های طولانی و پر خرج در عراق و افغانستان همکاری با جامعه‌ی بین‌المللی و بطور کلی حل مشکلات گوناگون در جهان با مذاکره و سیاست‌های مسالمت‌آمیز بود. اوپاما با مهمترین چالش ریاست جمهوری که ایجاد بیمه بهداشت عمومی معروف به «اوپاما کر» بود آغاز کرد.

در دو سال اول که اکثریت کنگره با دموکرات‌ها بود علیرغم مخالفت‌ها و کارشکنی‌های بسیار این قانون به تصویب رسید و اوپاما آن را امضا کرد. در همان دو سال اول و در بجهوه‌ی بحران اقتصادی، با کمک دموکرات‌های کنگره قوانین اصلاحی در مورد مؤسسات مالی و بانک‌ها نیز به تصویب رسید.

برنامه‌ی دیگری که توانست تا حدی انجام دهد اختصاص دادن میلیارد‌ها دلار برای بهبود اقتصاد، ترمیم زیر بنایی از جمله سدها، پل‌ها و جاده‌ها بود. ولی در نهایت تغییراتی که مردم مشتاقانه و در سطح وسیعی در انتظار آن بودند انجام نشد. ثروتمندان غنی تر شدند و طبقه‌ی متوسط فقیر تر گردید. باینگونه بسیاری از وی و

دکتر میشل حق پناه

متخصصی در دندانپزشکی اطفال - کودکان - نوجوانان



"Healthy smiles start here"



*روش‌های پیشگیری *رژیم غذایی *درمان با استفاده از داروهای آرامش بخش و یا تحت بیهوشی کامل *بیماری‌های لثه کودکان *درمان‌های اورژانسی

*Preventive Dentistry *Sedation & General Anesthesia *Special Care Patient Management

(408)866-3000

Dr. Michelle Haghpanah, D.D.S., M.P.H.

1480 Saratoga Ave., Saratoga, CA 95070

Advantage in Learning LLC

تدریس خصوصی و گروهی
دروس ریاضی و فیزیک

تحت مدیریت ایمان لاله پرور - برای تمام سنین



Iman Laleparvar
MS Electrical Engineering
UCLA Graduate

فارغ التحصیل دانشگاه (UCLA) در رشته فوق لیسانس مهندسی الکترونیک
عضو هیئت علمی کالج «وست ولی»

Professional Tutor, one on one & group all ages (1st-12th grade & College)
Specializing in SAT Math Prep, Study skills & all subjects of Math & Physics

Johns Hopkins University MBA Candidate

Faculty member at West Valley College, Dep. of Engineering

(408)605-9493 www.advantageinlearning.com

سال نوی جهانی و حسرت آزادی در ایران

شکوه میرزادگی

ایرانی های مقیم کشورهای غربی، بیشتر از دیگران این روزهای سراسر جشن و شادمانی و همبستگی را با حسرت نگاه می کنند. زیرا می بینیم که سال هاست در سرزمین دیکتاتور زده ی ما، علاوه بر انواع تبعیض ها، و علاوه بر نبود ساده ترین آزادی ها، ما را از داشتن طبیعی ترین آزادی های بشری، یعنی آزادی خندیدن و شادمانی کردن، آزادی رقصیدن و آواز خواندن، و آزادی داشتن جشن هایی همگانی محروم کرده اند.

یادداشتی برای آغاز سال ۲۰۱۵

این روزها مردمان بیشترین کشورهای جهان، با هر مذهب و مرام و عقیده ای، منتظر سال نوی هستند که اگر چه آغازگاه آن در تولد مسیح (که خود الگوبرداری از تولد مهر ایرانی ست) می باشد، اما دیگر وابسته به هیچ مذهبی نیست. اکنون نو شدن سال دیگر آن نو شدنی نیست که تنها وابسته به مسحیت بود و زیر سایه ی سیاه و تلخ کارگزاران مذهبی برگزار می شد.

پس از رنسانس اروپا و کنار گذاشتن مذهب از حکومت و آموزش و پرورش، نو شدن سال هم، مثل بسیاری از نمودهای دیگر فرهنگی، هویتی مستقل و آزاد پیدا کرد و رفته رفته متعلق به همه ی افرادی شد که در کشورهای غربی زندگی می کنند. و آنگاه، برخی

خانه ها و رستوران ها و میخانه ها و خیابان ها، آزاد و رها، و بی هیچ ترس و نگرانی، می نوشند و می رقصند و عشق می ورزند و شادمانی را با هم قسمت می کنند لذت نمی برد؟ همان مردمانی که با هر گرفتاری و مشکلی که داشته باشند حداقل در مسایل ساده و طبیعی و روزمره شان کاملاً آزادند.

مگر همه ی فلاسفه ی نیک اندیش و خردمندان برجسته و مصلحان جهان، و بهترین پیامبران حتی، نظریات و تئوری ها و پیشنهادات و فرامین شان برای بوجود آوردن شادمانی برای مردمان نبوده است؟ آنها، حتی وقتی از رفاه و عدالت سخن گفته اند، هدف شان آن بوده که در سایه ی این ارزش ها مردمان به شادمانی و آرامش برسند. اما، در قرن بیست و یکم،

و شادمانی کردن، آزادی رقصیدن و آواز خواندن، و آزادی داشتن جشن هایی همگانی محروم کرده اند.

از «پارتی های پنهانی» جوان ها در ایران می گویند و از رقصیدن ها و آواز خواندن های زیرزمینی برخی از مردمان مرفه خبر می دهند. و اگرچه این ها همه تلاشی برای لحظه ای نفس کشیدن است، اما کاملاً روشن است که همه ی این «پنهانی» ها و «زیرزمینی» ها و «یواشکی» ها نمی توانند یک در صد لذت و اثر مثبت روانی



در میانه ی قرون تاریکی نشسته ایم که حاکمان کشورهای شادمانی و آرامش را حق انسان نمی دانند؛ گریه را ثواب می خوانند و اندوه و ماتم و ترس از دوزخ را بر کل زندگی او مسلط کرده اند. و ما هنوز، همچون مردمان قرون وسطا از محتسب و تعزیر می ترسیم و دل مان خوش است که در سرزمین رنج دیده مان، در پستوها و زیرزمین ها، مردمان محروم از شادمانی و آزادی مان «پنهان باده می نوشند»؛ و حواس خیلی ها به این واقعیت نیست که این حاکمان بی خرد و در خیال های باطل خود اسیر، با نابودی آزادی و شادمانی «ناموس عشق و روق عشاق می برند» یعنی تنها اکسیر نجات دهنده ی انسان از توحش و عقب ماندگی را از او می گیرند.

و فیزیکی آزادی های آشکاری را داشته باشد که مردمان خوشبخت کشورهای دموکراتیک، سکولار و آزاد جهان دارند؟ همه ی جامعه شناسان و روانشناسان بزرگ جهان از زیان های کوتاه مدت و دراز مدت «ترس» و «اضطراب» بر روان و فیزیک انسان گفته اند. و کدام انسان سالمی است که وقتی پنهانی باده می نوشد، پنهانی می خندد، و پنهانی می رقصد و آواز می خواند، «ترس از محتسب» و پاسدار و ملا و زندان و شلاق و ... در گوشه ای از جان اش ننشسته باشد؟ و همین ترس تلخ است که جان اش را می کاهد و اثراتش به مرور بر همه ی رفتارهای آدمی آشکار می شود. کدام انسان سالمی می تواند بگوید که از تماشای میلیون ها مردمانی که در

FINE HOMES REALTY



Mohamad Harandi

محمد هرندی

مشاور آگاه و دلسوز جامعه ایرانی در امور وام مسکن و خرید و فروش خانه



Realtor & Mortgage Specialist
for San Jose & Bay Area

از موقعیت استثنایی پائین بودن نرخ بهره و وامهای بدون کارمزد استفاده نمائید

سال ها تجربه، قابل اعتماد و شناخته شده

(408) 605-1138

moeharandi@yahoo.com

DRE#01183647 ♦ NMLS#332989



MLS



4950 Hamilton Ave., Suite 211, San Jose, CA 95130

دکتر تینا نافی

کایروپراکتور

معالجه تصادفات رانندگی، کاری و ورزشی

*We take the time. We listen.
We partner with our patient.*



معالجه دردهای عضلانی و ناراحتی های مفاصل و استخوان، تصادفات رانندگی و صدمات کاری با پیشرفته ترین وسائل پزشکی، دستگاههای ورزشی و فیزیوتراپی

www.drnafei.com

اکثر بیمه های درمانی پذیرفته می شود!

Tel: (510) 791-6332 ♦ Fax: (510) 791-1923

1860 Mowry Ave. Suite 201, Fremont, CA 94538

رفتار یک ملت با حیوانات معیار و پیشرفت اخلاقی آن است

اوایل این ماه، مأموران قوه قضاییه و وزارت اطلاعات «علی طبرزدی»، فعال حقوق حیوانات را شبانه در خانه اش بازداشت کردند و بدون هیچ اتهامی دو روز او را مورد بازجویی قرار دادند.

ایران وایر: علی طبرزدی، فرزند «حسنت‌الله طبرزدی»، روزنامه نگار و فعال حقوق بشر زندانی، صفحه‌ای در فیس‌بوک به راه انداخته با عنوان «جنبش اعتراضی من و ۷۴ ضربه شلاق»، تا با تلاش نمایندگان اصول‌گرای مجلس برای محدود کردن نگه‌داری سگ‌های خانگی مقابله کند. حدود یک ماه پیش، شماری از نمایندگان مجلس طرحی ارایه کردند که به موجب آن، گرداندن یا بازی کردن با حیواناتی مثل سگ جرم تلقی می‌شود و برای صاحبان آن‌ها مجازات شلاق در نظر گرفته شده است. طبرزدی فراخوانی برای تجمع علیه ناپودی سگ‌ها و گربه‌های خیابانی نیز داده و در صفحه فیس بوک خود نوشته بود: «قساوت با دیگر موجودات، انسان را به هیولا بدل می‌کند.» مقامات حکومت ایران از بیش‌تر تجمع‌های عمومی و مردمی احساس نگرانی می‌کنند.

(وی‌اوی فرهنگی)

در سال ۱۳۲۱، «صادق هدایت»، نویسنده

باقی است؛ به گونه ای که مقامات حکومت مدام تأکید می‌کنند که علاقه ایرانی‌ها به سگ، تهدیدی برای اسلام و حکومت اسلامی است. «احمد سالک»، نماینده مجلس ایران و از مدافعان طرح مبارزه با سگ گردانی، در گفت‌وگویی

با «ایران‌وایر» تأکید می‌کند که سگ «نجس» است و کسی که چنین حیوانی دارد، نمی‌تواند عبادت‌هایش را انجام دهد: «چون وقتی موی سگ به لباسش باشد، لباس نجس است.» از نظر او، انقلاب اسلامی سال ۱۳۵۷، انقلابی فرهنگی و دینی بود و برای احیای ارزش‌های دینی طراحی شده بود: «داشتن سگ مال کسان است که به این ارزش‌ها اعتقاد ندارند.»

رفتار مسولان در ایران با سگ با قساوتی اسف بار همراه بوده است؛ برای نمونه، در یکی از مراکز معدوم کردن سگ‌ها در تبریز، سگ‌های بیمار را به جای آن که با روش‌های مرسوم از میان ببرند، با تیر می‌کشتند. در مواردی نیز آن‌ها را از گرسنگی تلف و یا با سیم خاردار خفه و زنده به گورشان می‌کردند. با این حال، گروه‌های مدنی حمایت از



حیوانات هم بی‌کار ننشسته‌اند؛ «ژیلا پورایرانی» در واکنش به وضعیت کشتار سگ‌ها در تبریز، «پناهگاه حیوانات پردیس» را افتتاح کرد و شورای اسلامی این شهر از مقامات و مسولان شهر خواست برای سامان دادن به وضعیت حیوانات خیابانی و ولگرد، آن‌ها را به این مرکز منتقل کنند. پناهگاه‌های خصوصی دیگری نیز مانند این در شهرهای بزرگ دیگر، از جمله در تهران وجود دارد.

انسان دیه انسان است

«مهاتما گاندی» جمله مشهوری دارد که می‌گوید: «رفتار یک ملت با حیوانات، معیار عظمت و پیشرفت اخلاقی آن است.» در سال ۱۸۷۶، «فئودور داستایفسکی» از خواست و اراده «انجمن روسیه برای حمایت از حیوانات» در جهت ارتقای جامعه روسیه از طریق شفقت با حیوانات سخن می‌گوید. دنباله مطلب در صفحه ۵۲

Ali Driving & Traffic School

کلاس های تعلیم رانندگی و ترافیک علی برای بزرگسالان و نوجوانان

- ♦ ترجمه فارسی آئین نامه رانندگی و راهنمایی برای امتحان به زبان فارسی.
- ♦ ما تضمین می‌کنیم که امتحان خود را قبول خواهید شد.
- ♦ به طور قانونی و در کوتاهترین مدت گواهینامه ضبط شده شما را برایتان پس میگیریم
- ♦ شما می‌توانید برای تعلیم رانندگی از اتومبیل‌های مدرسه ما نیز استفاده کنید.

افرادی که جریمه رانندگی دریافت کرده اند می‌توانند در مدرسه ما شرکت کرده و امتحان خود را به راحتی قبول شوند. این کلاس‌ها به زبان فارسی نیز عرضه می‌گردد.

We offer a Complete Course in Drivers' Education & Training with Professional Instructors



- ♦ Driving ♦ Training ♦ Traffic School
- ♦ Drivers Education ♦ Seniors, Teens & Adults ♦ Free Home & School Pick-up ♦ Hiring & Training Instructors
- ♦ Licensed & Bonded

آموزش رانندگی توسط کادری مجرب و حرفه ای

(408)370-9696 ♦ (408)394-5249

کامران پورشامی

متخصص و مشاور در امور

خرید و فروش املاک مسکونی و تجاری

Kamran Pourshams
Experienced Professional Realtor

Residential, Commercial,
Property Management

Proven Insights.
Proven Results.

DRE# 01066478



- ♦ چگونه تحت شرایط اقتصادی کنونی صاحب خانه شوید؟
- ♦ به چه طریقی در این موقعیت زمانی می‌توانید خانه تان را بفروشید؟

من میتوانم با آگاهی و شناخت درست از آخرین تغییر و تحولات در امور خرید و فروش خانه و املاک، شما را در موارد فوق مطلع و یاری نمایم!

Experienced Agent in Short Sale
& Bank Owned Properties

با در دست داشتن لیست کامل خانه های ضبط شده از طرف بانکها

Res: (408)879-9343 Bus: (408)369-2000

Dir: (408)369-2020 Cell: (408)781-1200

419 E. Hamilton Ave., Campbell, CA 95008

دستی را بطرف درخوجی کشید. پیرزنی که روسری روی سرش بود داشت میرفت. داد زد: ببخشید خانم! با شما هستم. پیرزن برگشت گفت: بله آقا! گفت: من غریبم، پسرم قرار بوده بیاید مرا ببرد، نمیدانم چش شده؟ میشه مرا راهنمایی کنید؟ پیرزن گفت: وایستین الان به عروسم می‌گم. داد زد: ماری ماری، باین آقا هلب! باین آقا هلب!

ماری بطرف پیرمرد آمد پرسید: چکار داری آقا؟ گفت: پسر، پسر، پسر قرار بوده اینجا باشد هنوز نیامده. گفت: نگران نباشید، من کمک کرد!

پیرمرد مثل اینکه دنیا را باو داده باشند نفس اش را که مدتها بود درسینه حبس کرده بود توأم با آهی عمیق بیرون داد و گفت: خداحفظت کند دخترم، من منتظر پسر هستم و هیچ جایی راهم بلد نیستم. پیرزن گفت: آقا نگران نباش عروس من همه چیز را حل میکند. مری شماره تلفن را یک بار دیگر گرفت و پرسید: آگا! اسم پسران چیست؟ گفت: محسن خانم، محسن! مری شروع کرد به انگلیسی صحبت کردن و این بارگویا پسر را پیدا کرد. مری گفت: موسین، موسین، پدرت اینجاست توی فرودگاه. گفت: بگو صبر کند می‌آیم. پیرمرد که دستهایش می‌لرزید گفت: خودش، پسرمه! بده باهاش صحبت کنم.

دنیاله مطلب در صفحه 81

جلورفت بصورت جوان ریشوئی خیره شد، جوانک زبانش را درآورد. پیرمرد تعجب کرد با خودش گفت: لاله الا الله. چند نفر ایرانی داشتند میرفتند و بلند بلند فارسی بلغور می‌کردند، جلورفت و گفت: آقا ببخشید مثل اینکه پسر من نیامده، من جایی را بلد نیستم. گفتند: خُب بهش تلفن کن. پیرمرد بیادش آمد، دفترچه تلفنش را درآورد و گفت: ایناهاش. جوان گفت: آقا پول خورد داری؟ پیرمرد گفت: نه. جوان چند تا ۲۵ سنتی توی قلک انداخت و شماره را گرفت. از آنطرف صدائی جواب داد. پسرک گفت: آفاضب است می‌گوید. اگر پیغام دارید بگذارید. گفت: بگو بابات توی فرودگاه منتظرته، اصلا بده خود من! گویی را گرفت. پسرک به او گفت: بگو دستگاه ضبط می‌کند. پیرمرد گفت: پسرم من فرودگاه منتظرت هستم. کجائی؟ صدای سوت دستگاه ضبط صوت تلفن درآمد و قطع شد. جوانک گفت: آقا متأسفانه من عجله دارم باید بروم.

جوان ایرانی که رفت دل پیرمرد پر از نگرانی شد. نمیدانست چکار کند. به چهره یکایک مردم که شبیه ایرانیها بودند خیره میشد، دنبال یک نفر راه افتاد: آقا شما ایرانی هستید؟ مردک برگشت نگاهش کرد و رفت. پیرمرد باواسائش راه افتاد و گاری



یک سینه سخن مسعود سپند

بیچاره پیر مرد!

و گفت: دوست عزیزمکن است پنده را قدری راهنمایی کنید؟ یکی از آنها پرسید: بفرمائید! پیرمرد گفت: من خیال کردم پسرم می‌آید اینجا! گفت: نه آقا، اینجا گمرک است حتما بیرون منتظر شماس. یکی از آنها چرخ بارکشی برایش تهیه کرد و گفت: باید و سائلتان را روی این چرخ بگذارید و ببرید پیش مأمور گمرک.

پیرمرد روی گردونه چشمش به چمدانش افتاد، خم شد که چمدان را بردارد، اما خودش هم با چمدانش بروی گردونه کشیده شد، چند نفر کمک کردند چمدانش را روی چرخ باربری گذاشتند و باهم براه افتادند. مأموران گمرک زیر چشمی مسافر ها را می‌پاییدند و پیرمرد هم آنها را می‌پایید. نوبت او که رسید چرخ دستی اش را به سوی مأمور گمرک راند. مأمور گمرک سوالهایی کرد و بعد به فارسی پرسید: پیسته؟ توکمه؟ پیرمرد یکی یکی ساکهای گردشش را گشود. گفت: یس یس تخمه، آجیل، پسته نوقابل، نوقابل!

مأمور گمرک کیسه های کوچک تخمه و پیسته را باز کرد و توی سطل بزرگی که مخصوص زباله بود ریخت و گفت: گو! پیرمرد، هاج و واج از این عمل مأمور گمرک، گفت: مستر، فورمای سان. اما مأمور گمرک گفت: گو، گو.

پیرمرد به زبان فارسی چندتا فحش آبدار نتارش کرد اما به اشاره هموطنش که آنطرف دستگاه منتظرش بود راه افتاد. گفت: دیدی چه کرد؟ هرچه آجیل و پسته و تخمه داشتم همه را ریخت دور! ناکس نامسلمون!

بیرون گمرک جمعیت سرک میکشید بعضیها تابلوهائی دردستشان بود که به انگلیسی اسمهایی رویش نوشته بودند. چند نفری با دسته های گل منتظر مسافرشان بودند، اما پیرمرد پسرش را بین مستقبیلین ندید، چرخ دستی اش را بسختی بجلو راند، یکی یکی مردم را بدقت ورنانداز کرد. نه خیر پسرش آنجا نبود، با خودش گفت: شاید من پیر شده ام و او مرا نمی‌شناسد، شاید او خیلی بزرگ شده! شاید ریش گذاشته!

از هواپیما که پیاده شد انگار دنبال گم شده‌ای می‌گشت، به صورت جواترها خیره میشد، لبخند میزد، آخم می‌کرد. ساکهای دستی که بردوش و گردش آویزان بودند کمرش راخم کرده بودند. به سختی خود را بجلو میکشید.

راهروی تنگ فاصله بین هواپیما تا محل گردونه چمدانها و گمرک را بسختی طی میکرد. برای چند دقیقه ای همسفرانش را که ساعتها باهم توی هواپیما گفتگو کرده بودند از یاد برد. به هن و هن افتاده بود، با جوی جمعیت بطرف سالن گمرک روان بود، لحظه ای ایستاد. دید چند نفری پشت سرش ایستاده اند، خودش را کنار کشید. همه عجله داشتند، بخصوص ایرانیها که نگو ونپوس. بازبراه افتاد.

بسته های تخمه و آجیل توی ساکهای دستی اش چنان با فشار جاسازی شده بودند که هر لحظه امکان پاره شدن و بیرون ریختن بسته هابود. راه رفتن او چنان مینمود که ساکها او را به جلو می‌برند نه او ساکها را. از قسمت ویزا به آسانی گذشت و وارد قسمت گمرک شد.

دستگاه چرخنده مخصوص چمدانها می چرخید، پیرمرد از پشت مردم سرک می کشید، چشمانش بدنبال گمشده اش می گشت، از بغل دستی اش که یک آمریکائی بود پرسید: یواسپیک انگلیش؟ مرد آمریکائی با تعجب نگاهش کرد با «تحقیر خنده ای» گفت: یس. پیرمرد گفت: گود! و بعد نتوانست سوال خود را مطرح کند و شروع کرد به من و من کردن. مرد آمریکائی نگاهش کرد و بعد رویش را برگرداند. پیرمرد هرچه به مغز خودش فشار آورد چیزی بیادش نیامد، می‌خواست بپرسد پسرم را ندیدی؟ یا اینکه کجا می‌توانم پسرم را ببینم؟ آنهمه تمرینی که درخانه اش در تهران کرده بود در یک آن همه از یادش رفت.

آنطرف دستگاه چرخنده چشمش به چند ایرانی همسفرش افتاد که چنان مشغول خود بودند که اصلا اشاره های او را نمی‌دیدند، دستش را بالا آورد، تکان داد، آنها چشمهایشان بدنبال چمدانها بود. از پشت سر مسافران خودش را به آنها رسانید

رستوران فیمس کباب



غذای هر ملتی بخشی از فرهنگ آن مردم است

رستوران فیمس کباب با غذاهای بسیار خوشمزه و با طعم و عطر منحصر بفرد ایرانی در مکانی متفاوت آماده پذیرایی از شما و میهمان های شماست



کیتیرینگ کامل میهمانی و جشن های شما در سراسر شمال کالیفرنیا

رستوران فیمس کباب با افتخار از شما پذیرایی می کند.

(916) 483-1700

www.famouskabob.com



1290 Fulton Ave., #C, Sacramento, CA 95825

خواهند اگر حکم قتالم بنویسند
من خود قلم و خود ورق و نیز دواتم

از حق و حقوق بشری سهم نبردم
هرچند خودم مبتکر این کلماتم

آماده نباشم به دموکراسی کامل
یکدزّه دمو هستم و یکخرده کراتم

باری مگر آینده بسازم ز گذشته
اکنون که شده تجزیه تحلیل صفاتم

ایرانیم و وارث شیرینی طنزم
قدم، عسلم، نیشکر، توت هراتم

هادی! همه شب فکر وطن بودم و افسوس
وقت سحر از غصه ندادند نجاتم!



که سوی فضا میروم و شیرزم من
که زائر شامات و گدای عتباتم

که از دل آتش گذرم همچو سیاهش
که فکر گذشتن ز پل نحس صراطم

بینایم و ناظر به عبودیت کورم
آقایم و مقهور اقلیت لاتم

بیدارم و در فکر گروه هپروتم
هشیارم و دلواپس جمع هپراتم

هر بار پی حادثه ای سوخت فیوزم
زیرا که بهم ریخته بود آمپر و واتم

من وارث وارونه ی دارائی خویشم
نفت است که انداخته در آیین ظلماتم

از خاک وطن لاله دمیده ست فراوان
کی گندم کافی دمد از خاک فلاتم؟

بر چهره ی من، سیلی اسلام مهاجم
ریشی است که پوشانده صفای کراواتم

ایرانیم و اهل دل و کاشف الکل
من شاعر ابیات میان قطراتم

ایرانیم و عاشق زیبایی انسان
دل داده ی مرد و زن شیرین حرکاتم

تاریخ نوشته است که من دشمن خویشم
تقصیر خودم بوده تمام تلفاتم



با هادی خرسندی

www.asgharagha.com
hadikhorsandi@aol.com

ایرانیم و...

که سنتی ام، شیریه ی سوهان قم ام من
که شیک و مدرنم، شکلاتم، شکلاتم

که تا به فلک فاصله دارم ز خرافات
گاهی ببرد جت به هوا با صلواتم

که کافر و بی دینم و لائیک و سکولار
که غسل کنان معتقد خمس و زکاتم

ایرانیم و مظهر تفریطم و افراط
که قطره چکانم به مثل، گاه قناتم

بخشم به طرف گاه سمرقند و بخارا
که فکر پس انداز نخ لای نباتم

استاد فنونم همه، جز فن تعادل
کشتی بلدم، بی خبر از آکروبانم

کارم ز تعارف بکشد سوی تملق
پیدا نبود سر ضمیر از وجناتم

هم صاحب سهم گوگل و سیسکو و ای بی
هم یار فلسطین ز زمان عرفاتم

ایرانیم و شاه و خمینی ثمراتم
من عامل تکثیر زن این حضراتم

انگار که آن شب که سرشتند گلم را
مانده می آنها ته پیمانای ی ذاتم

من مدعی عالم ام و خالق آدم!
راضی، متشکر ز خود از جمله جهاتم

من مبدأ تاریخم و توضیح مسائل
من مایه ی پیدایش فرهنگ لغاتم!

با هوشترین ملت منظومه ی شمسی!
من هستم و انگشت نما بین کراتم

که مرده ی مردادم و گه زاده ی خرداد
مبنای شب و روز بود مرگ و حیاتم

که دایره-دنبک زن ایام سرورم
که گریه کن تعزیه ی شام وفاتم

که فاتح و پیروز و پر و فول و برنده
گاهی کت و سگمارسم و بازنده و ماتم

حمید رئیسیه

مشاور در امور خرید و فروش املاک و وام

Hamid Reiesieh
Real Estate Broker & Finance Advisor

سرویس دوستانه،
سریع، مطمئن و حرفه ای

Cell: (408)234-5793

Office: (408)298-2591



DRE#01326116+NMLS# 344666

- ◆ Selling or Buying Residential and Commercial Properties
- ◆ Residential and Commercial Mortgages, FHA, HARP & Conventional
- ◆ Complimentary home evaluation
- ◆ No Cost Short Sales
- ◆ 1031 Exchange Transaction (Tax Deferred)

Your Trusted Advisor in
Real Estate & Mortgage



hamidr63@yahoo.com ◆ www.hamidreisi.com



1925 S. Winchester Blvd., Suite 200, Campbell, CA 95008



دکتر فرانک پورقاسمی

متخصص و جراح پا

◆ درمان بیماری های پا ناشی از امراض قند و روماتیسم ◆ درمان عفونت های
قارچ ناخن و پوست پا ◆ ترمیم پارگی ماهیچه، غضروف و شکستگی پا
◆ درمان بیماری های پا در کودکان ◆ صافی کف پا و صدمات ورزشی

◆ Foot related diseases ◆ Bunion, Callus, Corn ◆ Hammer Toe,
Ingrown Toe Nail ◆ Sports Medicine & Injuries ◆ Heel Pain &
Diabetic Foot Care ◆ Ankle Arthroscopy ◆ Pediatric Foot
Conditions ◆ Flat Feet & Orthotics ◆ Skin & Nail Conditions

Dr. Faranak Pourghasemi, DPM

My mission is to provide superior, comprehensive foot &
ankle treatment for patient's current and long-term needs.

اکثر بیمه ها پذیرفته می شود

National Foot & Ankle Center

(408)884-5851

14981 National Ave., Suite #2, Los Gatos, CA 95032

در سال ۲۰۱۴ بیش از ۹۰ هزار نفر در سوریه و عراق کشته شده‌اند

به گزارش خبرگزاری فرانسه، دیدبان حقوق بشر سوریه اعلام کرد که در سال ۲۰۱۴ کشته شدن ۷۶ هزار و ۲۱ نفر را در سوریه ثبت کرده است که ۳۵۰ تن از آنان کودک بوده‌اند.



راديو فردا: براساس همین گزارش، ۱۷ هزار نفر از اعضای گروه‌های جهادی و بیش از ۲۲ هزار تن از نیروهای دولتی در نبردهای سوریه کشته شده‌اند. بدین ترتیب، سال ۲۰۱۴ مرگبارترین سال از آغاز جنگ داخلی در سوریه تا بحال بوده است. دولت عراق نیز اعلام کرد که در سال گذشته میلادی ۱۵ هزار نفر در این کشور جان خود را از دست داده‌اند.

براساس این گزارش سال ۲۰۱۴ پرکشتارترین سال در عراق در هفت سال گذشته بوده است.

ایران و عراق با احداث خط آهن میان دو کشور توافق کردند

مقامهای ایران و عراق برای احداث خط آهن شلمچه به بصره یادداشت تفاهم امضا کردند.

راديو فردا به گزارش واحد مرکزی خبر، در دیدار عباس آخوندی وزیر راه و شهرسازی ایران با باقر جبرائیل‌وییدی، وزیر حمل و نقل عراق، دوطرف توافق کردند که راه آهنی به مسافت ۳۷ کیلومتر از شلمچه به بصره احداث شود. به گفته وزیر حمل و نقل عراق، خطوط ریلی دو کشور با استقرار امنیت بیشتر از طریق خانقین و مرز خسروی به کرمانشاه متصل خواهد شد.

آمریکا فهرست تحریم‌های ایران را طولانی‌تر کرد

وزارت دارایی آمریکا نام شش فرد و سه شرکت را به فهرست تحریم‌ها علیه ایران اضافه کرد. بنا بر اطلاعیه وزارت دارایی آمریکا، پنج نفر و یک نهاد به دلیل "کمک، پشتیبانی یا فراهم کردن حمایت مالی، مادی یا تکنولوژیک برای خرید یا دسترسی دولت ایران به اسکناس‌های بانکی آمریکا" به فهرست تحریم‌ها اضافه شده‌اند.

بی بی سی: وزارت دارایی آمریکا نام شش فرد و سه شرکت را به فهرست تحریم‌ها علیه ایران اضافه کرده است. توضیح نشان داده‌ایم که به اجرای تحریم‌های موجود ادامه خواهیم داد. تحریم‌های امروز هم تأکیدی است بر این تعهد. بر اساس توافق موقت ایران و کشورهای ۵+۱ قرار است تحریم‌های تازه‌ای علیه ایران وضع نشود و در مقابل ایران بخشی از فعالیت هسته‌ای خود را به حالت تعلیق یا توقف درآورد.

«سانسور اینترنت»

بنا بر اطلاعیه وزارت دارایی آمریکا، پنج نفر و یک نهاد به دلیل "کمک، پشتیبانی یا فراهم کردن حمایت مالی، مادی یا تکنولوژیک برای خرید یا دسترسی دولت ایران به اسکناس‌های بانکی آمریکا" به فهرست تحریم‌ها اضافه شده‌اند. نام این پنج نفر و شرکت مورد تحریم حسین زیدی، سید کمال یاسینی، عزیزالله اسدالله قلندری، اسدالله سیف، تیمور عامری و شرکت تجاری بلفاست اعلام شده است. دنباله مطلب در صفحه ۴۹

این وزارتخانه در اطلاعیه‌ای که منتشر کرده، دلیل تحریم این اشخاص و شرکت‌ها را کمک به دولت ایران برای دور زدن تحریم‌ها و همین‌طور مسائل مربوط به نقض حقوق بشر از جمله دخالت در سانسور عنوان کرده است.



دیوید کوهن، معاون وزیر دارایی آمریکا در امور تروریسم و اطلاعات مالی گفت که دولت آمریکا از وضع تحریم‌های تازه علیه ایران در حین مذاکرات هسته‌ای حمایت نمی‌کند، اما افزود: "ما در حرف و عمل به



هنرستان موسیقی نژاد

آموزش تمامی سازهای موسیقی (ایرانی و غربی) برای رده سنی ۴ تا ۸۴ سال

Individual & Group Lessons for All with Persian Traditional & Western Instruments



(408)559-7864

Cell: (408)771-3996

کلاس‌های خصوصی و گروهی

14505 Union Ave San Jose, CA 95124

www.nejadmusic.com



تلفن یکی از فروشندگان شیافهای ترمیم بکارت را از همان دوست مجازی می گیرم ، سلام و علیک میکنم و به عنوان مشتری سراغ قیمت و کیفیت محصول را میگیرم.

می گوید: خانم چند بسته می خواهی؟ می گویم: مگر چه خبر است؟ من یک نفرم. می گویم که بخوام بخرم به هر حال یک بسته کافی است؟

بعدش می پرسم: اول بگو قیمت هر بسته چقدر است؟

۳۰۰ هزار تومان که اگر بخواهید دم در منزل تحویل بدهیم قیمت کرایه راه یا هزینه پست هم محاسبه می شود.

همه جورش را شنیده بودم اما شیاف پرده بکارت به نظرم پدیده نوبری آمد، تصمیم گرفتم تا آخر بازی را بروم و به طور کلی سر از ماجرا در بیاورم.

می خواهم بدانم کارکردش چیست؟ به چه صورت عمل می کند؟

-شما چند سال است دچار مشکل شده اید؟ -مشکل؟

-منظورم این است که بکارتان از بین رفته؟

-من... راستش... یعنی هفت هشت سالی می شود.

-ببیند این بسته شامل دو عدد شیاف است. من هم تولید کننده نیستم بلکه یک بازاریابم.

۳۰۰ هزار تومان هزینه دختر نبودن

ماهرخ غلامحسین پور

گفته وگو با یک فروشنده شیاف ترمیم کننده بکارت

ای شد که تاوان سرپیچی یا حتی شبهه سرپیچی را جان زنانه می داند.

نام «شیاف ترمیم کننده بکارت» را اولین بار از یک دوست فیس بوکی شنیدم، دوستی که از یک صفحه فیس بوکی به نام «دختران مجرد» حرف می زد که در آن دختران عضو، به طرح مشکلات فیزیکی یا تجربه های دردناک و خوشایند دخترانه شان می پردازند و در آنجا از شیافی صحبت شده که ۳۰ تا ۴۵ دقیقه قبل از رابطه زناشویی در شب عروسی، در واژن قرار می دهند و سی دقیقه بعد پوسته ژلاتینی این شیاف پاره شده و محتوای آن به شکل خونریزی کاذب، این تصور را ایجاد کند که در آن لحظه از زاله بکارت انجام شده است.

به این شیاف در انگلیسی یا Plastic Membrane می گویند که پوست پلاستیکی معنا می دهد یا Vaginal Suppository که معنای آن شیاف واژن است. بیشترین مشتری های این پوست مصنوعی در کشورهای اروپای زنان مهاجر از کشورهای اسلامی هستند. شماره

رمز و راز باکرگی و حفظ پرده بکارت از دیرباز نشان از نوعی دست نخوردگی و حفظ معصومیت فیزیکی بوده و شاید بروز راهها و روش های تازه برای وانمود کردن اینکه پرده بکارت کماکان به قوت خود باقی است، نشان از همین تفکر عمیق و ریشه دار دارد. تفکر متعارضی که روشنفکر و بقال و راننده نمی شناسد و جایی که من بزرگ شده ام، یعنی خاک تفتیده جنوب، سرشار از قصه های دردناک و تاریک دخترکانی است که بابت برون افتادن راز و رمز تنانگیشان از چنبره تقدس زده بکارت، محکوم به مرگ شده اند، روشن ترینشان که ته ذهنم باقی مانده خودکشی همکلاسی زیبا و معصومی است که سوم راهنمایی روی یک نیمکت درس می خواندیم، زود عروسیش کردند، هنوز هم معصومیت و سادگی اش به خاطر مانده، دخترکی که شب عروسی اش مثل یک نگین زیبا می درخشید با موهای بافته شده و گل های رنگارنگی روی پیشانی که فردای زفاف قربانی فرهنگ در مانده

اما شما را مطمئن می کنم که به عملکردش صد در صد اطمینان خاطر داشته باشید، من خودم روزانه بیش از ۱۵ مشتری دارم و تا به حال هیچ کس تلفنی حمل بر ناراضی نکرده و اظهار دلخوری نکرده است. -قرص را چطور استفاده می کند؟ -در اصل قرص نیست بلکه نوعی شیاف است. آن را در دو سه سانتی دهانه رحم می گذارند، سی دقیقه تا یک ساعت قبل از نزدیکی. پوسته و غشایی که دور این شیاف قرار دارد با جذب رطوبت بدن بسته به طبع سرد یا گرم استفاده کننده، تولید خونا می کند. -ساخت ایران است؟ -بله. ایده آن اولین بار توسط یک کشور اروپایی اجرا شده اما بعدش توسط داروسازان داخلی تولید شده. دنباله مطلب در صفحه ۵۰



بابک رحیم زاده

Bobby Rahim

IRS Enrolled Agent



Personal & Business Federal & State Tax Return Filing

- Tax preparation (individual & Corporation)
- Specialized in "C," "S," & LLC Corporation
- Payroll taxes
- Monthly bookkeeping
- Tax Audit
- Accounting system & installation

- ♦ انجام کلیه امور حسابداری و حسابرسی
- ♦ رسیدگی به امور حقوق و دستمزد
- ♦ مشاوره و برنامه ریزی مالیاتی برای افراد و موسسات تجاری

(408)247-5626

(408)899-8727

1900 Camden Ave, Suite 204
San Jose, CA 95124

www.BandRAccounting.com



می شود با تندی از نام و نشان ایشان می پرسد و فرود پاسخ می دهد که: سخن نرم گوی ای جهان دیده مرد میالای لب را به گفتار سرد نه تو شیر مردی و من گوردشت بدین گونه بر ما نباید گذشت و بدینسان گفتگو آغاز کردند و فرود از نام و نشان بهرام و زنگه شاوران که هم شیرگان پدرش سیاوش بودند پرسید، بهرام دانست که او فرود پسر سیاوش است و از نشان پدرش پرسید: بدو گفت بهرام بنمای تن نشان سیاوش بنما به من به بهرام بنمود بازو، فرود ز عنبر به گل بر، یکی خال بود بدانست کو از نژاد قباد ز راه سیاوش دارد نژاد بر او آفرین کرد و بر دش نماز برآمد به بالای تند و فراز فرود از همه لشکر ایران دعوت می کند که نزد او بمانند و با یکدیگر برای جنگ با افراسیاب رای زنند و پس از آن به خونخواهی سیاوش همراه یکدیگر به توران روند، بهرام می پذیرد و ضمناً فرود را آگاهی می دهد که طوس را دانش و خرد کافی نیست و ممکن است که این دعوت را نپذیرد و می گوید: دنبال مطلب در صفحه ۵۱

نشان خواه از این دو گو سرفراز کزیشان مرا و ترا نیست راز همیشه سرو نام تو زنده باد روان سیاوش فروزنده باد از این هر دو هرگز نگشتی جدا کنارنگ بودند و او پادشا تو ز ایدر برو بی سپه با «تخوار» مدار این سخن بر دل خویش خوار چو پرسی ز گردان و گردنکشان تخوار دلاور بگوید نشان و بدینسان مادر فرزند را از جنگ با ایرانیان منع کرد و تخوار را به همراه وی فرستاد تا بزرگان لشکر ایران را به وی بنمایاند. برفتند پویان تخوار و فرود جوان را سر بخت برگشته بود سرنوشت بد در انتظار فرود بود، همراه تخوار به قلعه کوه برای نظاره سپاه ایران رفتند تخوار بیرق های لشکر ایران را یک به یک به او نشان می دهد و بر او می نمایاند که سپاهی عظیم از ایران برای جنگ به توران آمده اند. از طرف دیگر طوس آن دور را بر قلعه کوه می بیند و کسی را طلب می کند که بر قلعه رود و نشان ایشان بپرسد و کشتن ایشان را در صورتی که از سپاه ایران نباشند فرمان می دهد. بهرام عهده دار این کار می شود و راه قلعه در پیش می گیرد و چون به ایشان نزدیک



هما گرامی (فره وشی)

داستان فرود و طوس

بدان ره که گفت او سپه را بران مکن بر سپه کار رفتن گران بدو گفت طوس ای گو نامدار از این گونه اندیشه در دل مدار کزین شاه را دل نگردد دژم سزد گر نداری از آن هیچ غم بگفت و بفرمود تا بگذرند به سوی کلات و چرم ره برند چو فرمان خسرو نیاورد یاد نگر تا سرانجام چون جست باد پس چون این خبر به فرود رسید به نزد جریره رفت و از مادر برای روبرو شدن با سپاه ایران صلاح اندیشی کرد. جریره بدو گفت کای رزم ساز بدین روز هرگز مبادت نیاز به ایران برادرت شاه نوشت جهاندار بیدار کیخسروسست ترا نیک داند به نام و گهر

تراژدی فرود پسر سیاوش و جریره دختر پیران وزیر افراسیاب و برادر کیخسرو داستانی دیگر است که فردوسی استاد خالق تراژدی خواننده را به همراه خویش به این سرزمین آندوهبار می برد، فرود فرزند جریره دختر پیران وزیر افراسیاب پادشاه توران است و پدرش سیاوش شاهزاده بزرگ ایرانی و پسر کیکاووس است و برادر ناتنی او کیخسرو فرزند سیاوش و فرنگیس بعد از مرگ پدر (سیاوش) از توران به ایران بازگردانده شده و پادشاه ایران است. تراژدی از آنجا آغاز می شود که طوس سردار بی خرد ایران با لشکری گران برای خونخواهی سیاوش به جنگ با افراسیاب فرستاده می شود و گرچه کیخسرو او را از گذشتن از سرزمین کلات (مکانی میان ایران و توران) که مقر فرماندهی و حکومت برادرش فرود بود منع می کند با این حال طوس برخلاف فرمان پادشاه برای رسیدن به سرزمین افراسیاب گذر از سرزمین فرود را انتخاب می کند. گودرز، پیر جهان دیده سپاه او را از این راه برحذر می دارد و فرمان کیخسرو را برای دوری از سرزمین فرود یادآور می شود، و او با خیره سری گودرز را می گوید که او سپهسالار سپاه است و انتخاب با اوست. بدو گفت گودرز، همایه شاه ترا پیش رو کرد بر این سپاه

ز هم خون و از مهره یک پدر پس او را از جنگ با سپاه ایران برحذر داشت و به او گفت که تو نیز با سپاه ایران همراه شو و به کین خواهی سیاوش که به دست افراسیاب کشته شد با سپاه توران بجنگ در آی و چون فرود نشان پهلوانان و بزرگان ایران از مادر پرسید: جریره چنین گفت با گرد پور که چون گرد لشکر ببینی ز دور نگه کن سواران ز گند آوران چو بهرام و چون زنگه شاوران

حمید ابطحی

متخصص و مشاور در امور سرمایه گذاری خرید و فروش املاک مسکونی و تجاری

Hamid Abtahi



منطقه
منطقه
منطقه

آگاهی و شناخت درست از آخرین تغییرات و تحولات در امور خرید و فروش خانه و املاک، مهمترین مسئله می باشد. من می توانم شما را در این امر مهم مطلع نمایم!

Location! Location! Location!
Why Do You Pay Rent?!

Whatever my client's goals, my goal is to make it happen.
I am an expert seeking to add value to your next transaction.

hamid@true-vision.com + DRE# 01071456



(408)-366-2180 + (408)-253-5100

12376 Saratoga Sunnyvale Rd. Saratoga, CA. 95070



به مدیریت دکتر منصور سپهر

با بیش از ۲۰ سال تجربه در تمیز کردن آب و خاک در خشکسویی ها و پمپ بنزین هایی که آلودگی مواد شیمیایی دارند!

- ♦ Phase I & II Environmental Site Assessment
- ♦ Regulatory Compliance Monitoring
- ♦ Soil & Groundwater Remediation
- ♦ Site Closure

Tel: (925) 734-6400 Cell: (925) 381-3247

6620 Owens Drive, Suite A, Pleasanton, CA 94588

برای گرفتن طلاق تقسیم شده می توان به دو صورت اقدام کرد. ساده ترین و سریعترین شکل درخواست طلاق تقسیم شده از طریق توافق می باشد. به این ترتیب، زوجین می توانند با آماده کردن یک توافق کتبی (Stipulation) و تحویل آن به دادگاه پیش از اتمام پرونده خود از دادگاه حکم طلاق بگیرند. در صورت عدم توافق میان زوجین، زوجی که خواستار تقسیم کردن مساله زوجیت و گرفتن حکم طلاق است، می تواند با تنظیم و تحویل یک درخواست (Request for Order) به منظور خود برسد.

باید در نظر داشت که مساله طلاق تقسیم شده به همین سادگی نیست. قوانین کالیفرنیا شرایط خاصی را برای طلاق تقسیم شده در نظر گرفته اند که می تواند باعث انصراف یکی از زوجین یا هر دوی آنها از درخواست برای گرفتن حکم طلاق پیش از نهایی شدن کامل پرونده طلاق شود. از مهمترین این شرایط این است که اگر زوجین مالیات خود را در دوران ازدواج به صورت مشترک (Joint) انجام می دادند، زوجی که درخواست طلاق زود هنگام کرده است باید زیان مالی که زوج دیگر به واسطه انجام مالیات خود به صورت فرد مجرد با آن مواجه می شود را جبران کند.

دنباله مطلب در صفحه 07

Support) می باشد. در مورد مواردی چون نفقه، حضانت و کمک هزینه سرپرستی فرزندان می توان پس از مدت کوتاهی از شروع پرونده از دادگاه حکم موقت گرفت. گرفتن حکم نهایی و دائم درباره این موارد در صورت نبود توافق میان زوجین می تواند طولانی باشد. همچنین، وجود مسائل مالی می تواند پرونده طلاق را طولانی تر کند. به این ترتیب، دور از ذهن نیست که یک پرونده طلاق سالها طول بکشد تا به انتها برسد و به این ترتیب زوجین از دادگاه حکم طلاق دریافت کنند. با این همه، برخی از زوجین، به دلایل مختلفی می خواهند که پیش از به انتها رسیدن پرونده طلاق خود و بررسی کامل موضوعات مورد اختلاف پرونده خود حکم طلاق بگیرند. برخی از مهمترین دلایل چنین خواستی تمایل به ازدواج مجدد و مسائل مالیاتی می باشد. خوشبختانه، قوانین خانواده ایالت کالیفرنیا، به زوجین این اختیار را می دهد که از دادگاه بخواهند که مساله زوجیت (Issue of Marital Status) را از مسائل دیگر پرونده طلاق جدا (Bifurcate) کند و در مورد آن پیش از مسائل دیگر پرونده تصمیم بگیرد. به چنین مراحل طلاق تقسیم شده (Bifurcated Divorce) می گویند.



کاوه میر شفیعی
وکیل رسمی
دادگاههای کالیفرنیا و فدرال
KM@headwaylegal.com

آیا می توان پیش از اتمام مراحل کامل پرونده طلاق، حکم طلاق گرفت؟

در یک پرونده طلاق، موضوعات (Issues) مختلفی وجود دارد که باید یا از طریق توافق میان زوجین یا از طریق حکم دادگاه در مورد آنها تصمیم گرفته

همانطور که اکثر خوانندگان محترم این مقاله می دانند یا شنیده اند، مراحل طلاق در ایالت کالیفرنیا می تواند مرحله طولانی، سخت، پرهزینه و طاقت فرسا باشد. هرچه مسائل مورد اختلاف دو زوج بیشتر باشد، به همان نسبت به نتیجه رسیدن کامل یک پرونده طلاق طولانی تر و پرهزینه تر می شود. علاوه بر این، به دلیل کاهش قابل توجه بودجه دادگاهها در ایالت کالیفرنیا و به طبع آن کم شدن کارمندان و پرسنل دادگاهها، مراحل بررسی پرونده های حقوقی طولانی تر شده است. به این ترتیب، بسیاری این پرسش را مطرح می کنند که آیا زوجین می توانند پیش از حل شدن مسائل گوناگون مورد اختلاف پرونده خود از دادگاه حکم طلاق بگیرند؟



شود. این مسائل اغلب شامل تقسیم دارائیه و بدهیهای زوجین، نفقه (Spousal Support)، حضانت (Child Custody)، و کمک هزینه سرپرستی فرزندان (Child

نسرین حسینی

طراح و مشاور دکوراسیون داخلی

عضو انجمن طراحان داخلی آمریکا

Interior Designer-ASID Member
Home, Staging, Remodeling, Interior Design



من با در اختیار داشتن کادری مجرب و متخصص و با استفاده از جدیدترین متدها و استانداردهای روز دنیا و با هدف ارائه خدمات حرفه ای در زمینه مشاوره، طراحی و اجرای دکوراسیون داخلی، موفق شده گامی مؤثر در راستای صرفه جویی در هزینه و زمان برداشته تا آنچه را که در رویاهای شما بدنمایش هستیید در کمترین زمان و مناسب ترین قیمت در محیط کار و منزل شما اجرا نمایم.

برای اطلاعات بیشتر لطفاً با من تماس حاصل فرمایید!

www.Luxorinterior.com Nasrininteriors@gmail.com

(408) 800-2151

دکتر فتنه هوشداران

کایروپراکتر

Chiropractic care is more than just making the pain disappear. It is about learning, understanding & taking care of your body to improve your quality of life.



Fataneh Hooshdaran, D.C.

www.chiropracticusaca.com

تشخیص، معالجه و جلوگیری از ناراحتی های مفاصل و استخوان، ورزشی، صدمات کاری و تصادفات رانندگی با پیشرفته ترین وسایل پزشکی

سر درد + رماتیسم + دیسک + شانه و زانو درد + دردهای عصبی + دردهای گردن + دردهای کمر + دردهای دست



مطب مجهز به دستگاههای فیزیکیال تراپی و
ماساژ طبی، ورزشی، Aqua Med Massage

اکثر بیمه های درمانی پذیرفته می شود Serving: San Jose & Santa Clara

(408) 712-3788

1610 Blossom Hill Rd., Suite #1
San Jose, CA 95124

(408) 244-7677

2797 Park Ave., Suite #103
Santa Clara, CA 95050

دارم تمام حوادث، رویدادها و پدیده‌ها را در کنار هم قرار دهم و آنها را مانند قطعات موزائیک با بازیکنان کنارهم بچینم و بعد قالب های کلی تعمیرات را از میان آنها بیرون بکشم، منطق من منطق پیکاسو، انیشتن و تلویزیون است. مک لوهان از طبقه بندی کردن حذر می کند و تنها مفاهیم کلی را معتبر می داند. برای او تنها تصاویر کلی ارزش دارد که رابطه ها را در اجزای متفاوت و فراوان مشخص می کند. وی همه جا اصرار می ورزد به دست دادن معانی و مفاهیم «کلی» کلید حل مشکلات عصر او است. درست مثل مربیانی که امتیازها را از دست داده اند و از دوازده امتیاز ممکن فقط یک یا دو امتیاز دارند، درست مثل آقای کی روش که از ۹ امتیاز ممکن فقط یک امتیاز گرفت و قراردادش تمدید شد و حالا خیلی ها امیدوارند که در جام ملت های آسیا اتفاقی بیفتد و او جای خود را تثبیت کند. خیلی ها نمی پذیرند که تلویزیون آن سوی دهکده را نشان می دهد. تیم های دیگران خوب بازی نمی کنند، در دنیای الکترونیکی حوادث اشیاء و موجودات در یکدیگر فرو می روند و با یکدیگر رابطه پیدا می کنند. آیا یک متخصص حرفه ای یا یک مربی خوب، جواب مسایل را تنها در چهارچوب محدود تجارب خود می بیند و بهمین دلیل از درک و شناخت مسایلی که عصر تکنولوژی با آن روبروست عاجز می باشد. آیا فوتبال ما به کلی بین ها و کلی سازها نیاز مبرمی دارد.

منطق کار خوب و دارای کلاس برخلاف نیاز به متخصصین دایره بزرگی است با یک نقطه کوچک در مرکز آن و این نقطه مربی کار آزموده امروزی است. در عصر تکنولوژی، انسان مفهومی خاص از زمان و مکان دارد. او در حقیقت زمان و مکان عصر مورد نیاز خود را خلق می کند. انسان عصر الکترونیک ارزش های مدرن را در لباس جدید تکنولوژی عرصه می دارد چرا که به قول مک لوهان وسیله خود پیام است، مثل لب تاب آقای جلالی یا آنالیزهای تصویری آقای قطبی. آیا اندیشه های مک لوهان به قولی هم چون آئینه های جیبی به هریک از ما که در آنها بنگریم فرصت خواهد داد تا نقوش رنگارنگ و متفاوتی از تاثیرات سریع و جابجا شده بر حواس متفاوت خود بنشانیم؟! آیا تماشای بازی های لیگ برتر و ضعف های تکنیکی و تاکتیکی بروز عکس العمل های ناخوشایند را به تماشاگر وعده می دهد و بالاخره شاید تاثیر وسایل ارتباط جمعی رابطه ای با بد بازی کردن تیم ها و اندازه گرفتن درجه حرارت لیگ نداشته باشد و آیا اصولا می توان عمل کرد بد مربیان تیم

آیا برآستی در دهکده کوچک فوتبال ما حرفی برای گفتن و چیزی برای دیدن هست؟! آقای کی روش فوتبال ایران را تعطیل کرد و بازیکنان منتخب خود را برای اردو به آفریقای جنوبی برد. در میان نام های مسافران، از بازیکنان اصلی خبری نیست و اما چرا آفریقای جنوبی! کسی نمی داند، شاید یک روز بعد از رفتن آقای کی روش مشخص شود که چرا؟! فوتبال ما با آنکه همه هستی خود را در تار و پود همه جانبه ای گرفتار کرده است هیاهوی بسیار برای هیچ است. آیا باید چشم و گوش خود را بست؟! آیا باید دگمه کنترل از راه دور تلویزیون را خاموش کرد و به اطای دیگر رفت و به کار دیگری پرداخت و فوتبال را فراموش کرد؟! آیا باید شکوایتی برای مارشال مک لوهان دانشمند کانادائی و استاد دانشگاه تورنتو فرستاد که سالها پیش گفته بود اساس تغییرات تمامی تحولات در وسایل ارتباطی مان خواهد بود. او گفته بود در

ورزش از نگاه من

احمد طوسی

Email: tousi1515@aol.com

دنیای زندگی خواهیم کرد که وسایل ارتباطی آن را برای ما ساخته اند، هریک از ما ناگزیر آن هستیم به خاطر شناخت بهتر و دقیق جهانی که در آن زندگی می کنیم این وسایل را بشناسیم. محیط جدید ما زائیده وسایل ارتباطی است که انسان را از تمام جهات با قدرتی غیرقابل انتظار تحت تاثیر قرار داده است. به اعتقاد او وسایل ارتباطی رابطه حواس ما را بر یکدیگر برهم زده و فرهنگ دیگری را با خود به ارمغان آورده اند. مک لوهان فرهنگ بشری را عبارت از نظمی می داند که ما در هر عصر و زمانی به حواس خود می دهیم و این حس ها هستند که دستور خاموش کردن تلویزیون را می دهند چرا که از دیدن آنها لذت نمی بریم. مک لوهان با دیدی متفاوت به مسایل و پدیده عصر و دوره حاضر می نگرد و به قولی منطق خاص خود را دارد. گفته است منطق من موزائیکی است. درست مثل یک تیم فوتبال، والیبال یا بسکتبال و سعی

آیا برآستی در دهکده کوچک فوتبال ما حرفی برای گفتن و چیزی برای دیدن هست؟! آقای کی روش فوتبال ایران را تعطیل کرد و بازیکنان منتخب خود را برای اردو به آفریقای جنوبی برد. در میان نام های مسافران، از بازیکنان اصلی خبری نیست و اما چرا آفریقای جنوبی! کسی نمی داند، شاید یک روز بعد از رفتن آقای کی روش مشخص شود که چرا؟! فوتبال ما با آنکه همه هستی خود را در تار و پود همه جانبه ای گرفتار کرده است هیاهوی بسیار برای هیچ است. آیا باید چشم و گوش خود را بست؟! آیا باید دگمه کنترل از راه دور تلویزیون را خاموش کرد و به اطای دیگر رفت و به کار دیگری پرداخت و فوتبال را فراموش کرد؟! آیا باید شکوایتی برای مارشال مک لوهان دانشمند کانادائی و استاد دانشگاه تورنتو فرستاد که سالها پیش گفته بود اساس تغییرات تمامی تحولات در وسایل ارتباطی مان خواهد بود. او گفته بود در



لیلی و شاهین
مشاوران املاک
DOMINE GROUP
Residential & Commercials

Shawn Jahanbani & Lilly Yaz
Realtors

REALTY WORLD

We charge only 4.5% total commission to sell your house including complimentary Staging & Videography

دست خود را در دستان ما بگذارید و با اطمینان کامل قدم به عرصه خرید و فروش ملک بنمائید. ما معاملات «آس» مارکت را یافته و در اختیاران قرار می دهیم. ما شما را از آخرین وضعیت املاک در مارکت کنونی مطلع می نمائیم.

تنها با یک تماس تلفنی می توانید از آنها آگاه شوید!

Lilly: (408)761-7499 Shawn: (408)916-8665
BRE#01506610 BRE# 01952057
Email: lillyyazrealty@gmail.com
3194 De La Cruz Blvd., # 10, Santa Clara, CA, 95054



دیدم که نه فقط خانه ما که همه خانه‌های کوچه همسطح خاک شده‌اند.» در اثر این حادثه ۹۰ درصد از سازه‌های شهر بم به کلی تخریب شدند. طبق آمار رسمی این زلزله ۲۶ هزار و ۲۷۱ قربانی، ۳۰ هزار

روزها و شب‌ها و شویه دفن قربانیان حادثه اینطور گفته بود: «هیچ کدام را نشستیم، فقط دفن شان کردیم. آب نبود، بعضی‌ها هم اصلاً قابل شستن نبودند، بدن شان متلاشی بود، تاول زده بودند، پوسیده بودند. شهر بوی تعفن گرفته بود، علاوه بر بوی اجساد آدم‌ها، دام‌ها هم زیر آوار مرده بودند، بوی آنها هم می‌آمد. از هشتم دی آن سال، من گرچه داغدار بودم، در بهشت زهرا چادر زدم که مردم را دفن کنم. قبل از آن کمک می‌کردم، اما اوضاع به هم ریخته بود، بعد از هشتم، منظم شد. پلیس آگاهی از رفتگان عکس می‌گرفت بعد ما خاکشان می‌کردیم. یادم می‌آید که در آن سال، اجساد آنقدر زیاد بودند که آنها را داخل کانال‌هایی که در امتداد بهشت زهرا کنده شده بودند دفن می‌کردند.»

مجروح و بیش از صد هزار نفر بی‌خانمان بر جا گذاشت. این درحالی است که برخی معتقدند تعداد واقعی قربانیان به مراتب بیش از میزان اعلام شده بود. یازدهم دی‌ماه همان سال، اسماعیلی، رئیس وقت شورای شهر بم گفته بود با توجه به اینکه در برخی مناطق بم ۱۰۰ درصد منازل بر اثر زلزله تخریب شده‌اند، به نظر من تعداد تلفات بیش از ۵۰ هزار نفر است. به گفته وی در روزهای اول هر کس به فکر تدفین عزیزان خود بود و بوسیله لودر گودال‌هایی ایجاد می‌شد و اجساد به طور دسته جمعی به خاک سپرده می‌شدند و کسی در آمارگیری دخالت نداشته‌است.

علاوه بر این صدیقه کوهساری، غسل بهشت زهرا شهر بم که نقل قول ابتدای این گزارش از اوست در بخش دیگری از گفتگوی خود با روزنامه جام‌جم درباره آن

گورستان بم: گورستانی به بزرگی یک شهر

مونا حقیقی

دهم ریشتری زمین شدند خود را به اینجا می‌رسانند. صدای زجه و مویه از همه اطراف گورستان به گوش می‌رسد انگار که همه همین دیروز از دنیا رفته‌اند. زلزله بم صبح روز پنجم دی ماه و پیش از روشن شدن هوا به وقوع پیوست، آمد و با آمدنش شهر نخل و ارگ را ظرف چند ثانیه چنان تکان داد که بعد از آن کمتر ساختمانی سر پا باقی ماند. «رئوف» مرد جوانی که به گفته خودش بر اثر معجزه از آن حادثه جان سالم به در برد خاطره اش از آن روز را اینطور تعریف می‌کند: «من و پدر و مادر پیرم، در خانه خواب بودیم، پدر برای وضو گرفتن و خواندن نماز صبح به حیاط رفته بود که زمین لرزید، صدای مهیبی آمد و تکه بزرگی از سقف کنار رختخواب من بر زمین افتاد، بلند شدم دست مادرم را که از ترس در رختخوابش نشسته بود گرفتم و به سرعت بیرون رفتیم، بعد جلوی چشمان باقی ساختمان فرو ریخت. اول نمی‌دانستم چه اتفاقی افتاده، کمی بعد متوجه صدای ناله و فریاد از خانه‌های اطراف شدم به کوچه رفتم و

«بین همه کشته شدگان زلزله یکی از کسانی که خیلی واضح و روشن یادم مانده و هیچ وقت از خاطرم نمی‌رود، خانمی بود که از وسط نصف شده بود. نیمی از بدنش گم شده بود. وقتی او را از زیر آوار بیرون کشیدیم فقط بالاتنه اش را پیدا کردیم. هیچ وقت نیمه دیگر بدنش پیدا نشد و ما نیم تنه‌اش را دفن کردیم.»

این بخشی از خاطرات یکی از غسل‌های شهر بم درباره دفن کشته‌شدگان زلزله ویرانگر این شهر است. مردگان آن زلزله همه اینجا در گورستان اصلی بم دفن شده‌اند و حالا گورهای دسته‌جمعی پرشمار از آنها بر جای مانده است، گورهایی که در برخی از آنها بیش از ۱۰ نفر از اعضای یک خانواده آرام گرفته‌اند.

این گورستان که وسعت و فراوانی گورهایش خود به اندازه یک شهر است هر پنجشنبه وعده‌گاه بازماندگان با عزیزان درگذشته‌شان است. با این حال در یازده سال گذشته روزهای پنجم دی که همزمان با سالگرد آن زلزله است فرقی نمی‌کند چند شبه باشد اهالی شهر از دور و نزدیک برای گرمای داشت یاد و خاطره هزاران نفری که قربانی آن لرزش ۶٫۶



Immigration & Translation Services

۱۳۱۸-۵۵۴-۴۰۸

شرکت ساعی

مشکل گشای شهر شما



کارت سبز، ویزای نامزدی

امور مربوط به دفتر حفاظت ایران

ترجمه کلیه مدارک، عکس گذرنامه

تشکیل شرکت‌ها

تعویض نام

تابعیت

www.saeicompany.com

(408)554-1318

برای اطلاعات بیشتر با آقای داریوش کیلانی تماس بگیرید

940 Saratoga Ave., Suite #112, San Jose, CA 95129

به مناسبت هشتادمین سالروز تولد فروغ فرخزاد

دبیر ادبیات: شما دانشکده ادبیات رفتید؟
فروغ: نه. من ۹ کلاس درس خوندم و بعد هم رفتم هنرستان کمال الملک. دانشکده ای نرفتم.
دبیر ادبیات: پس شما چطوری می تونید شعر بگوید؟
فروغ: من کارهای دیگه هم بلدم. مثلاً بلام با دست این اسپاگتی رو بخورم (برداشت گذاشت تو دهنش)



آمد. پس از گذراندن دبستان و سه کلاس دبیرستان به هنرستان بانوان رفت و خیاطی و نقاشی فراگرفت.
دنباله مطلب در صفحه ۴۹

معادی) در نقش یک تروریست استفاده شده که اصولاً هالیوود هیچگاه نقش اصلی را به یک بازیگر غیرآمریکایی نمی دهد و اگرچند استثناء را کنار بگذاریم، بازیگران غیرآمریکایی باید بدانند به دلایل بسیار (چهره، لهجه، اسم...) جایی به عنوان بازیگر اصلی در هالیوود ندارند.

هر ساله در سالروز تولد فروغ، به رسم احترام یاد میشود از بانویی که پدیا آمد تا روزی سنت ها را شکسته و آزادانه از عشق سروده و از احساسات و نیازهای محبوس شده در سینه هزاران هم جنس خود (زن) بسراید تا شاید صدای آنان را به گوش جامعه مرد سالاری برساند که نمی توانستند بپذیرند که یک زن آزادانه از نیازهای جنسی و عاطفی خود سخن بگوید... از درد جامعه ای میگفت که آبتن هزاران درد و ناهنجار اجتماعی بود.

فروغ الزمان فرخزاد هشتم دی ماه ۱۳۱۳ در چهار راه گمرک در محله امیریه تهران به دنیا دربار بازی دو هنرپیشه فیلم هم که فقط دیالوگ رد و بدل می کنند، نمی توان چندانی پوئتی برایشان منظور کرد هرچند میان کارگردانی و فیلمنامه ضعیف فیلم، شاید فقط بازی این دو، فیلم را تاحدی قابل تحمل می سازد.
متاسفانه اینجا هم هنرپیشه ایرانی (پیمان

کمپ کسالت بار!

سعید شفا



که مجموعاً فیلم در آن حادث می شود چرا فقط بجز یکی دوبار، از زندانیان دیگر خبری نیست!، چرا در این راهرو باوجود رعایت مسایل امنیتی دوربینی وجود ندارد تا بحث و گفتگوهای طولانی میان زندانی و نگهبان زن که به رابطه نزدیک میان آن دو هم می انجامد، مانیتور شود؟! در ابتدای فیلم هم چنین گفته می شود شورشی که در محوطه زندان رخ می دهد به خاطر نگاهبانان زن است. پس چرا مامور زندان رازن انتخاب می کنند؟ بقیه زندانی ها کجا هستند؟ چرا دربار همین زندانی (علی) صحبتی نمی شود که او کیست؟ چکار کرده، از کجا می آید (در طول فیلم او انگلیسی صحبت می کند در



نتیجه نمی دانیم کجایی هست)، و چرا اگر از معتقدان اسلام است او را یک مشرک و کسی که از خواندن قرآن امتناع می کند، معرفی می کنند؟ هم چنین باوجود تفتیش بدنی و تماشای آنها در طول شبانه روز، این زندانی چگونه تکه آهنی در سلولش، داخل جلد قرآن، پنهان می کند و حتی سعی می کند با آن گلویش را پاره کند؟ این تکه آهن را از کجا می آورد معلوم نیست جز اینکه برای هیجان صحنه یی که زن نگهبان دست او را لمس می کند به فیلمنامه اضافه شده که پرسش برانگیز است.
فیلم به خاطر محدودیت در هر زمینه، فضا، محیط... روی دیالوگ بیش از اندازه تکیه می کند که همین فیلم را در کل پرچانه و کسالت بار می سازد. اگر حرفی اساسی و ارزشمند رد و بدل می شد، می شد آن را تحمل کرد. به خاطر همین محدودیت ها، فیلمبرداری فیلم هم با زاویه های بسته و نزدیک (کلوزآپ) مزید بر علت است و اکثراً چهره ها را خیلی نزدیک نشان می دهد که معمولاً این سبک کادربندی در تلویزیون که کادرس کوچک است مورد استفاده قرار می گیرد نه برای یک فیلم سینمایی که روی پرده وسیع نمایش داده می شود، مگر در مواردی معدود و نه در قسمت اعظم فیلم.

اوست و پیشتر فقط یک فیلم کوتاه به اسم «نیوتن» ساخته که او را چندان در حیطه فیلمسازی حرفه یی نشان نمی دهد.
داستان فیلم درباره یک زن ارتشی (کریستین استوارت) است که برای ماموریت به این زندان اعزام می شود. در آنجا او با یکی از این زندانی ها (پیمان معادی) آشنا و رابطه یی گفتاری و احساسی با او برقرار می کند. کل فیلم در راهرو و سلول این زندانی اتفاق می افتد و به خاطر این محدودیت، فیلمی پر حرف، آن هم حرف هایی که چندان اهمیتی در هیچ زمینه ندارد به وجود می آورد.
فیلم با یک صحنه طولانی، زمانی که یکی از نگهبان ها کتاب هایی را برای سرگرمی زندانیان به آنها ارایه می کند آغاز می شود و تا انتها در همین فضا ادامه پیدا می کند. فیلمنامه فیلم هم که توسط «ستلر» نوشته شده، باوجود اینکه کمابیش تازه است، اما از ضعف ها و کژی های بسیار برخوردار است که نمی تواند سوژه خود را تا انتها یک دست پیش ببرد. در فیلم گرچه یکی دوبار رئیس زندان هم نشان داده می شود ولی در کل معلوم نیست چه کسی آنجا را اداره می کند، چرا شب ها مراسم مشروبوخواری و سکس میان زندانیان برقرار است، یا با وجود اینکه در این راهرو

STUDIO 4726 Innovation in Design

ما می توانیم تصاویر مورد علاقه شما و یا نقاشی های آماده در آرشو را بر روی شمع، کراوات، شال گردن، لیوان و استکان، کاشی و... نقاشی آفرینی کنیم. این تحول جدید می تواند بهترین کادو برای عزیزانتان و یا زیباترین تزئین در منازل و یا محل کار شما باشد!



تزیین مراسم عروسی، تولد، پارتی و...

Like us on facebook



با محصولات ما جلوه دیگری دارد!

برای اطلاعات بیشتر به سایت اینترنتی ما مراجعه و یا با تلفن تماس بگیرید

www.studio4726.com (925) 899-6831

نفر بعدی در حالی که های های گریه می کرد و به زحمت می توانست صحبت کند بالای تریبون رفت. وقتی صحبتش تمام شد و آمد کنار همسرش بنشیند، در حالی که لبخندی بر لب داشت با صدای آهسته ای پرسید: موش من، چطور بود؟
خانم خندید و گفت: چی چطور بود؟ صحبتت عالی بود.

آقا گفت: نه خره، منظورم اشک ریختنم بود. خانم جواب داد که عالی بود، عالی بود. وقتی به هتل رسیدم، به اتاقمان رفتیم. از دوستم پرسیدم: حالا جدی جدی چقدر باید برای دوپیس بدهم؟
با تعجب گفت: دیوانه شده ای. سه هزار دلار قیمت این دوپیس است. امیدوارم که زیر بغلت اسپری زده باشی که بوی عرق ندهد و «tag» آن را هم که انشاء الله نکنده ای. درش بیار، باید پس بدم.
با خجالت گفتم: مگر می شود؟
جواب داد: آره بابا، نصف لباسهایی که دیدی، همین امشب به بوتیک ها پس داده میشه. همه آنها عاریه ای بود.
وقتی او رفت، با خستگی روی تخت افتادم و گفتم: ما چه استعدادهای کشف نشده ای داریم جل الخالق...

زیبای هتل زن و مرد گیلاس شراب به دست می چرخیدند. گیلاس ها را به هم می زدند و به پرده سینمایی که روی دیوار بود، نگاه می کردند. گاهی صدای زنی از وسط سالن برمیخاست که می گفت: آه، او جوجوی خودمه. یادش بخیر. به سلامتی تو جوجوی خوبم.
از دوستم پرسیدم: جو جو کیه؟
گفت: همان مرحوم را میگه.

و وقتی چهره چند نفر از خانم ها را نگاه کردن نتوانستم ساکت بمانم. آهسته گفتم: چرا صورت های خانم ها مثل ماسک سفید است و مژه ها سیاه و لب ها بیرنگ؟
با خنده گفت: گفتم آنقدر دهاتی بازی در نیار. این آرایش مخصوص مجالس ختمه. این همون Pale است که گفتم.
یک ساعت بعد که سرها از باده گرم و شکم ها سیر شده بود، همه سرحال مشغول خواندن سرود «ای ایران» شدند.
ساعتی بعد، سخنرانی ها شروع شد. یکی از سخنرانان از شدت تائر غش کرد. او را با برانکار به بیمارستان بردند.
وقتی او را روی برانکار می خواباندند، متوجه شدم که جیب شلوارش را محکم گرفته که کسی جیبش را نزنند.



نوشخند و پوزخند

لبخند و زهرخند

عترت گودرزی (الهی)

etratelahi@aol.com

در مجلس ترحیم عاریه ای

جواب داد: تو خیلی کلاحت پس معرکه است. برای مجالس ختم آرایشگر مخصوص هست. طوری صورت را آرایش می کنند که تمام چین و چروک ها را می پوشانند و در عین حال صورت حال غمزده پیدا می کند، تقریباً مثل روح می شود، پریده رنگ با ماتیک کمی سیاهرنگ.
تسلیم شدم. او حدود یک ساعت پای تلفن بود و هربار گوشی را روی تلفن می کوبید و می گفت: وقت ندارند. وقت ندارند. ماعقب هستیم. از ما زرنکترها همه وقت ها را گرفته اند.
بالاخره بعد از مدتی، جیبی زد و گفت: پیدا کردم، پیدا کردم. این هادی سلمونی واقعا ماهیه. یک شیشه شامپاین برایش می بریم، کارمان را راه می اندازد.

ناهار را با عجله خوردیم. یک شامپاین گرانتیتم خریدیم و به طرف آرایشگاه رفتیم. از آنجا به یک بوتیک رفتیم لباس «سنت جان» واقعا گران بود.
من گفتم: نه، نه؛ من نمی توانم. بودجه اش را ندارم. تازه این دوپیسی که تو دیدی، دوسال پیش شوهرم و بچه ها پول رویهم گذاشتند و برای تولدم خریدند.

دوستم ابرو درهم کشید و گفت: لایقت همینه. کمی به خودت برس. تازه چرا انقدر جوش می زنی؟ اصلا تو، توی مغازه نیا. بگذار به عهده من.
گفتم: بسیار خوب.

ده دقیقه بعد، با یک بسته بزرگ از بوتیک بیرون آمد و گفت: برویم پرسیدم: چکار کردی؟
جواب داد: به تو مربوط نیست. فقط مواظب باش «tag» آنها جدا نشود.
چون دو روز بعد می برم پس میدم و پولم را می گیرم.

ساعت چهاربعدازظهر وارد مجلس ختم شدیم. دم در به دوستم گفتم: مطمئن هستی که همین جاست؛ چون اینجا عده ای پارتی دارند.
دستم را کشید و گفت: آره، بیا دهاتی. دهانم از تعجب باز مانده بود. در سالن

امروز باید به یک مجلس ختم برویم در شهر دیگری دور از محل زندگی ام. قبل از سفر، دوپیس سیاهی را که داشتم به خشکشویی دادم. کفش و کیف سیاهم را تمیز کردم. لباسهای شوهرم را مرتب کردم و در چمدان گذاشتم.
بار سفر بستیم و به سوی مقصد روان شدیم. وقتی به هتل رسیدیم اولین کاری که کردم به دوستی که قرار بود ما را به مجلس ختم ببرد، تلفن کردم که زودتر بیاید تا درباره محل، مجلس، مراسم و این جور چیزها باهم صحبت کنیم. وقتی دوستم به هتل رسید، اولین سوالش این بود: چی می پوشی؟
فکر کردم شوخی می کند، گفتم: البته لباس سیاه؛ مگر تو چه می پوشی؟
جواب داد: معلومه که لباس سیاه، ولی بگذار اول لباس را ببینم.
با تعجب لباسی را که با دقت به چوب رخت آویزان کرده بودم، جلو چشمش گرفتم.

پوزخندی زد و گفت: تو با این دوپیس دُمده میخوای به این مجلس بیای؟
اصلا هم دُمده نیست. «سنت جان» است. آره جونم، ولی مال اقلا دوسال پیشه. «سنت جان» استایلش را عوض کرده. هرچه به این لباس نگاه کنه می فهمه دُمده است. میخوای اسباب مسخره باشی؟!
گفتم: پس چکار کنم؟
گفت: من راهش را بلدم. اگر «سنت جان» دوست داری، یک «سنت جان» جدید می خریم.

گفتم: نه، من پولش را ندارم.
خنده ای کرد و گفت: بچه نشو، من راهشو بلدم. ولی قبل از هرچیز باید برای سلمانی وقت بگیریم.
بازهم با تعجب گفتم: بابا، مگر چه خبر است. یک مجلس ختم که اینهمه قر و فر لازم نداره.
گفت: امل بازی درنیاز اگر بتوانیم کسی را در این وقت کم پیدا کنیم باید کلاهمان را بنادزیم هوا. گذشته از این، برای آرایش Pale هم باید کسی را پیدا کنیم.
پرسیدم: این دیگر چیست؟

Silicon Valley TaxSavers, Inc.

دفتر خدمات اجتماعی
لیدا کوچصفهانی

کار را به کاردان بسپارید!



Not a Law Office

- ♦ دریافت حقوق و مزایای دولتی
- ♦ دریافت حقوق پرستاری
- ♦ اخذ تابعیت آمریکا (بدون امتحان) برای واجدین شرایط
- ♦ دریافت گرین کارت از طریق خانواده و ازدواج
- ♦ تنظیم فرمهای اداره مهاجرت و پناهندگی
- ♦ اخذ ویزای نامزدی
- ♦ مدیکر و مدیکل، SSI
- ♦ گرفتن وقت از سفارت آمریکا جهت ویزای توریستی
- ♦ اخذ پاسپورت سفید

(408)269-7283

lida.taxsavers@gmail.com

1777 Hamilton Ave., Suite 1100, San Jose, CA 95125

اطلاعات کثیر داشت و علاقه به کتاب و دانش در او به درجه ای بود که در سفر و حضر همواره کتاب های خود را با خویشتن داشت و حتی در سخت ترین احوالی که در سفر بازگشت از عربستان به ایران داشته است آن کتاب ها را بر شتر حمل کرده و با بردارش پیاده طی طریق نموده است. در اشعار و آثار او اشارات فراوان به دانش او و اطلاعاتش از علوم گوناگون شده و از آن جمله است این ابیات از یک قصیده او که به عنوان مثال ذکر می شود:

به هر نوعی که بشنیدم ز دانش
نشستم بر در او من مجاور

بخواندم پاک توقیعات کسری
بخواندم عهد کیکاوس و نوذر

گه اندر ارثما طبقی که تا چیست
سماک و فرقدان و قطب و محور

گه اندر علم اشکال مجسطی
که چون رانم بر او پرگار و مسطر

گهی اقسام موسیقی که هر کس
پدید آورد بر الحان مکرر

گهی الوان احوال عقاقیر
که چه گر مست از آن چه خشک و چه تر

همان اشکال اقلیدس که بنهاد
ارسطالیس استاد سکندر

نماند از هیچ گون دانش که من زان
نکردم استفادات بیش و کمتر

نه اندر کتب ایزد مجملی ماند
که آن نشنیدم از دانا مفسر

اطلاعات وسیع ناصر خسرو وسیله ایجاد
آثار متعددی از آن استاد به زبان فارسی شد.

این آثار متعدد منظوم و منثور غالباً در دست
است. و اما در مورد سفرهایش می گویند

آغاز این سفرها با خوابی که در سال ۴۳۷
هجری قمری دید مرتبط است و بلافاصله پس

از آن قصد سفر حج کرد و در معیت برادر
بزرگ تر خود ابوسعید و یک غلام هندی

روانه حجاز شد. دنباله مطلب در صفحه ۵۵

سن ۴۰ سالگی ادامه می یابد از اعتقادات
شدید مذهبی به دور بود و علی رغم آنکه
قرآن را تماماً از حفظ داشت به کار علوم
متداوله عقلی و نقلی آن زمان مخصوصاً
علوم و دانش های یونانی و فلسفه و
هندسه اقلیدسی و طب و موسیقی به ویژه
علم حساب و نجوم و سرودن غزلیات و
اشعار طنز و هزل و مدیحه گوئی در دربار
پادشاهان و امرای وقت و حتی عشق ورزی
و گه گاه باده نوشی اوقات می گذراند.

مکنّت و ثروت بسیار فراهم آورد و خلاصه
روزگار به خوشی و خرمی در ناز و نعمت می
گذراند. در سفرنامه خود حتی به حضور در
دربار و مجالس سلطان محمود غزنوی و سلطان
مسعود غزنوی نیز اشاره می کند.

در حدود سن چهل سالگی به دلایلی که
معلوم نیست دچار یک استحالته و دگرگونی
روحی و فکری گردید از غزل سرائی به کلی
احتراز و دوری کرد و در جستجوی حقایق
عرفانی به سلوک و سیر و سیاحت و گردش
در اقصی نقاط جهان اطراف خود از دورترین
کشورهای شرق آسیا در مرزهای چین تا

منتهی الیه غرب آسیای صغیر و در جنوب تا
سواحل آفریقا به سفر پرداخت. چون در کار
انشاء و نگارش و تحقیق از همان زمان هایی
که با سمت منشی در دستگاه های دولتی به
کار اشتغال داشت تبحر و مهارت بسیار کسب
کرده بود تمام وقایع مسافرت های خود را به

صورت سفرنامه جزء به جزء ثبت می کرد و
بدین ترتیب سفرنامه ناصر خسرو که از اسناد
تاریخی بسیار مهم ایران است شکل گرفت
و در گنجینه فرهنگ ایران باقی مانده است.

وی از ابتدای جوانی در تحصیل علوم
و فنون رنج برده بود. قرآن را از حفظ
داشت و در تمام علوم متداول زمان خود
از معقول و منقول و علی الخصوص علوم
اوایل و حکمت یونان تسلط داشت و علم
کلام و حکمت متألهین را نیک می دانست
و درباره ملل و نحل تحقیقات عمیق و

سیر و سفری در گلستان ادب پارسی

گردآوری و نگارش:
مهندس پرویز نظامی



حکیم ناصر خسرو قبادیانی

زندگانی به دلیل دانش وسیعش در فلسفه
و عرفان و شعر و نگارش و ریاضیات و
جغرافیا و بسیاری از علوم دیگر رایج در
زمان از تمکن مالی و عزت و احترام و
جاه و مقام برخوردار گشت و پایان زندگی
غم انگیزش به دلیل اعتقاد ورزی به شیعه
گری و تبلیغ دیانت فرقه فاطمیه و مذهب
اسمعیلیه در جامعه ای که اکثر سنی حنفی
و رافضی و بسیار متعصب بودند با رنج و
ستم و ظلم و بیدادگری و فقر و مسکنت و
مألاً جان سپردن در تبعید، دور از خانه و
کاشانه و خانواده همراه گشت.

در بررسی زندگی پرمجرای این مرد
بزرگ تاریخ فرهنگ ایران دو دوره کاملاً
متفاوت و متمایز از یکدیگر به چشم می
خورد. در دوره اول که نوجوانی و دوران
تحصیل و دانش اندوزی اوست و تا حدود

حکیم عالی قدر- دانشمند بزرگ و صاحب
نظر در تمام علوم و فنون و هنرهای زمان
خود، ناصر فرزند خسرو که به ناصر خسرو
معروف است و از او در کتاب ها و تذکره ها
با نام حکیم ناصر بن خسرو بن حارث قبادیانی
یاد کرده اند و به دلایلی که بعداً خواهد آمد
ملقب و متخلص به «حجت» می باشد در ماه
ذی القعدة سال ۳۹۴ هجری قمری مطابق با
تیر یا مرداد سال ۳۸۲ هجری شمسی یعنی
یک هزار و پنج سال قبل در قریه قبادیانی از
نواحی بلخ به دنیا آمده و در سال ۴۸۱ هجری
قمری در قریه نمگان از نواحی بدخشان وفات
یافت. عمرش بسیار طولانی بود و آکنده از
حوادث بسیار و نشیب و فرازهای گوناگون.
از جاه و مقام و مرتبت عالی در نزد پادشاهان
و امراء تا هجرت و تبعید و بی خانمانی و
فقر همه را چشید و تحمل کرد. در اوایل

دکتر کاملیا محمودی

وکیل رسمی دادگاه های کالیفرنیا و فدرال



Law Office of
Camelia Mahmoudi

طلاق، لیونینگ تراست، وصیت نامه، مالیات

Family Law:

- Divorce (Litigation & Mediation)
- Pre-nuptial Agreements

Estate Planning:

- Wills & Living Trust

Taxation:

- IRS & State Tax problems

دعای خانوادگی:

طلاق: دعای و موافقتی

قرار دادهای قبل و بعد از ازدواج

انحصار وراثت:

تنظیم وصیت نامه، تراست و وکالتنامه

امور مالیاتی:

مشکلات مالیاتی و دفاع در مقابل IRS

Experience and results matter.

Our law firm has both.

Camelia Mahmoudi

Attorney at Law/J.D., LL.M. Taxation

(408)658-8580

camelia@camelialaw.com + www.camelialaw.com

2021 The Alameda, Suite 200. San Jose, CA 95126

سوپر مارکت زمزم

انواع لبنیات، جای، شیرینیجات ایرانی، ادویه جات،
میوه جات و سبزیجات تازه فصل و کلیه مایحتاج مورد نیاز شما

گروه شکر مرغ و گاو طبیعی، پنیرهای شور و شیرین و پنیر حلال

نان بربری ۲\$ * برنج باسماطی، ۱۰ پوند ۹۹،۹۹\$ * نان تافتون ۷۵ سنت
* پنیر بلغار، هر پاند ۴،۹۹\$ * خرمای درجه یک اعلا، هر پاند ۳،۹۹\$ * ماهیچه گوسفندی،
هر پاند ۳،۹۹\$ * کباب کوبیده با نان تازه ۳،۹۹\$ * کباب جوجه با نان تازه ۶،۹۹\$

انواع سوسیس، مارتادلا و سلامی تازه

Zam Zam Halal Supermarket

(510)226-1777

40645 Fremont Blvd., Fremont, CA 94538
(Grimmer & Fremont Blvd., next to Bank of America)

منطقه فضول آباد

من میگم ملانصرالدین از نوابغ بود. خووجه نصرالدین، بقول ترکیها یا بقول ما ملانصرالدین، از مردم ترکیه بود و آخرهای قرن هیجده بود که لطیفه هایش در ترکیه به چاپ رسید. سی سال بعد کتابش را به ایران آوردند و ترجمه کردند و خیلی زود کتابش مثل کتاب های ملک جمشید حسین کرد، فلک ناز، کلیله و دمنه بدست مردم ما رسید که بسیار مورد علاقه همه قرار گرفت. شک ندارم که مردم هنوز هم دوست دارند. همه این حرف ها درست ولی من میخوام بگم که ملا یک آدم طنزپرداز یا نکته دان گاهی هم ابله نبود بلکه این آدم تاریخی یکی از بزرگترین نوابغ روزگار بود و ماندنی نداشت و ندارد. اصلا یک هنرپیشه بود و در هر نقشی مهارت به سزایی داشت و در تمام زمینه ها و شاخه ها مانند: بذل و بخشش، تحلیل ها، بیان آرزوها، تعارف ها، چاره جویی، حاضر جوابی، حماقت ها، دلسوزی ها، دور اندیشی، رک گوئی، زرتگی، شجاعت شکرگزاری، قضاوت، موعظه، مهمان نوازی و واقع بینی از همه و همه سرت ر و جلوتر بود. شک ندارم در این جهان پهناور هنوز و همیشه مانند ندارد و باید این مرد ماندگار را دوباره شناخت، دوباره حرف هایش را فهمید و دوباره دانست این نبوغ و استعداد چگونه پیدا شد و جهانی شد. بگذار حکایت هایی از او بیاورم تا بدانید حرف مفت نمی زنی و بی بها کلامی. مردی پیش ملا آمد و گفت که سواد ندارم. نامه ای برابم بنویس تا بفرستم به بغداد برای برادرم. ملا گفت من حوصله ندارم بغداد نمی روم. آن مرد گفت نامه را می فرستیم شما چرا بروید! ملا جواب داد که خط من بد است و هیچکس نمی تواند آن را بخواند جز آنکه خودم بروم و آن را بخوانم.

حکایتی دیگر می گوید که ملا یک قبای جدیدی برایش دوخته و پوشیده بود. آمد توی خیابان قدم بگذارد جلو او را گرفتند و گفتند عجب قبای بی نظیری کجا دادی دوختند! متری چند خریدی و از این حرف ها. ملا دید اگر قدم بگذرد باید به ایستد و توضیح دهد از کار و زندگی می افتد فوراً برگشت خانه اش به نوکرش گفت همین الان برو به مردم شهر خبر بده ملا سگته کرد و مُرد. مردم سراسیمه دویدند و جلو خانه جمع شدند. همه که آمدند ملا رفت توی تراس خانه اش گفت برای اینکه به کار و زندگی برسیم یک بار بطور کامل جریان خرید پارچه و دوخت قبایم را برای همه تان تعریف می کنم و تعریف هم کرد. بعد همه راهشان را کشیدند و رفتند ملا هم از بیان توضیحات مکرر در مکرر آسوده شد.

مشقی تازه در روزهای غربت

حسینعلی مکرندی

فرمانت - کالیفرنیا

e-mail: ha@makvandi.com



حرف بزنیم ولی خب لهجه که داشتیم. ما حالا دیگه تهرانی شده ایم ولی من آبادان را دوست دارم. اون نخل های بلند یا اون بلم ها، اون سینمای قشنگ تاج که حالا اسمش چیه نمیدونم. من حالا که بزرگ هم شدم وقت گیر بیارم میرم آبادان- آنجا خاله دارم با خیلی از همکلاسی ها. میرم پیش همه شون، از تهران هم براشون شیرینی و کیک خوشمزه میبرم. هر وقت رفتم حتما یه سری هم میرم باشگاه ایران و خرمشهر. همه جای آنجا را دوست دارم و هنوز دلم میخواد ساعت ها با بچه ها، آبادانی حرف بزنیم. خالی بندی هم توش باشه اشکالی نداره یا لاف.

این نکته ها تامل انگیز است

✦ خانمی ایرانی می گفت وقتی ما یه جایی نشسته ایم و دوستان ایرانی انگلیسی حرف می زنند همیشه نمیگه بی انصاف ها فارسی حرف بزنی، این خانم تازه آمده و انگلیسی حالیش نیست. اما اگر چند نفر فارسی حرف بزندان یه خانم آمریکایی نشسته باشه فوراً همه میگن بی انصاف ها انگلیسی بگین این خانم که فارسی نمیدونه!

✦ یه خانمی که انجمن ادبی ماهم می آمد یه روز بما گفت که این بچه های من بی انصافند میدانند که من خیلی انگلیسی نمی دانم اما هروقت میان پیش من، باز می نشینند باهم انگلیسی حرف میزنند. اگه اینجور باشه من دق می کنم و آخرش میرم ایران... و رفت حالا برگشته یا نه نمی دانم!

✦ یه خانمی می گفت که توی لس آنجلس یه جوانی آمد با من فارسی حرف زد اما چه فارسی!! من که از حرفایش چیزی نفهمدم. وقتی دید من چیزی از حرفاش نمی فهمم گفت که خانم ببخشید من دیگه نمی تونم درست فارسی حرف بزنیم! پرسیدم که مگه چند وقته از ایران آمدی؟! جواب داد: شش ماهه! گفتم بی انصاف من خواهرم بیست ساله آمریکاست راحت با من فارسی حرف میزنه قاطی هم نمی کنه!

گوشه ای از خاطرات جمال زاده

وقتی که به بیروت رفتم آن قدر خردسال بودم که فارسی را درست نمی دانستم، به طوری که در نوشته های آن زمان من اغلاط املائی دیده می شود. دنباله مطلب در صفحه ۵۵

ما بلد نبودیم تهرانی حرف بزنییم پرسیدم چطور شد آمدید تهران؟! گفت بابام که فرنگی ها توی صنعت نفت او را مستر حسن صدا می کردند بعد از سی سال خدمت آپرومند توی شرجی و گرمای آبادان بازنشسته شد (ما جنوبی ها نمی گیم بازنشسته میگیم بازنشست). وقتی یه روزی بهش گفتند عامو (ما عمو نمی گیم) از فردا دیگه نیا سرکار سی سالت پر شد، همکاراش به ما گفتند اشک تو چشماش پر شد! آخه بابام عاشق کار بود. همه همکاراش هم دوستش داشتند. می گفتند آدم پاکیه، دروغ هم بلد نیست. بهرحال خبر که به عمو منصورم در تهران رسید یا همون عامو معطل نکرد و هر جور بود فوری با بابا تماس گرفت و به او گفت که کاکا مگه ما مردیم! پاشو بیا تهران آب خنک بخور. همین جا براتون خونه کرایه می کنیم، نزدیک خودمون تو امیریه. ما بچه بودیم که یه روز هرچه داشتیم ریختیم توی یه کامیون و خودمون هم سوار یه سواری شدیم و آمدیم تهران. وقتی به تهران رسیدیم قیامت بود، برف می بارید، چه برفی. ما شبنا به سختی حرکت می کردند، خیابونا خلوت بود، ما نه برف دیده بودیم نه درختی که روش برف نشسته باشه. از فردا هم شنیدیم یکی تو کوچه ما داد میزنه برف پارو می کنیم. ما پارو هم ندیده بودیم. همان روز از سرما یخ کردیم. هیچیمان درست نبود. فردا اول وقت بابام و عمو منصور ما را بردند بازار. بابام برامون همه چی خرید. پوتین، چتر، ژاکت، کلاه، دستکش. من خوشم نمی آمد پوتین بیوشم سنگین بود. بابام می گفت بیوش عادت می کنی. خونه ای که کرایه کرده بودیم یه خونه قدیمی بود. حوض داشت، زیرزمین داشت، درخت هم داشت. همه اش فکر می کردم حالا نم چطور میخواد با زن های تهرانی حرف بزنی ولی حرف میزد. خیلی زود با همه شون دوست شد. غذای آبادانی یادشون داد مثل قلیه ماهی، دال عدس، رنگینک. ما هم لهجه آبادانی داشتیم بلد نبودیم بگیم شیراب می گفتیم لوله آب، بلد نبودیم بگیم گوچه فرنگی، می گفتیم طماطه. خیلی زود یاد گرفتیم مثل بچه تهرونی ها

آرایش دائمی صورت توسط مینو پارسا



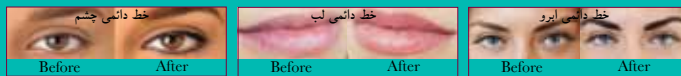
Mino Parsa/Beautician

با تکنیک منحصر به فرد در این مرکز، زیبایی طبیعی خود را نمایان کنید.

طراحی دائمی ابرو و هاشور زدن، خط لب، خط چشم، متناسب با چهره، کشیدگی پوست (lifting) از طریق ماسک و لایه برداری کامل پوست، بدون عوارض جانبی، با استفاده از مواد درجه یک و استریل در محیطی کاملاً آرام و بهداشتی

✦ Permanent Makeup Specialist

✦ Non-Surgical Facelift ✦ Phytic Skin Peeling



Take your pick from our affordable selection of treatments & Skin Care products, & we will take care of the rest.

Step into our discreet, relaxed clinics & you will feel instantly reassured that you have made the right choice.

Clinics in South, East & North Bay

(415) 370-3974

و یا چشمداشتی از ایشان نیست، برای روشن شدن حقایق و ثبت در تاریخ کمال ضرورت را دارد و وظیفه هر ایرانی است که با بیان واقعات و مشاهدات خود، حقایق را برای داوری نسلهای بعد به منظور پیشگیری از گمراهی و لغزشهای احتمالی محققان و پژوهشگران علوم اجتماعی و انسانی و مورخان بیان دارد و در دسترس آنان قرار دهد.

شاه به سلماسی در نارمک خانه داد
سلماسی در این مصاحبه چندین بار به حمایت مستقیم محمدرضاشاه از ورزشکاران اشارات صریح دارد. از او می پرسند:



در چهارم آبان سال ۱۳۲۳ که در رکوردگیری رسمی در میدان امجدیه، رکورد المپیک برلن را شکستم، اعلیحضرت مرا به جایگاه مخصوص احضار کردند. در آن موقع اعلیحضرت فوزیه هم در جایگاه بودند و چون با زیر پیراهن بودم و هوا سرد بود دستور دادند که برای من گرم کن بیاورند و با مهر و محبت خاصی مرا مورد

نظر شخص شاه نسبت به شما چگونه بود، زیرا همانطور که قبلاً هم سؤال کردم ایشان در کتاب مأموریت برای وطنم از شما به نیکی یاد کرده اند

البته اعلیحضرت شخصی بسیار مهربان و دارای سجایای اخلاقی خاص خود بودند و اگر هم کسی موجب دلگرمی و پیشرفت ورزشکاران ایرانی در محیط ناسامان و بی در و پیکر سازمان ورزش می شد، همان شخص شاه بود که نسبت به همه ورزشکاران نظر مساعد داشتند، من هم بسیار مورد مرحمت و لطف ایشان قرار داشتم. به همین جهت پس از بیست و دو سال که از مسابقات المپیک لندن می گذشت یعنی در سال ۱۹۷۰ میلادی که من به علت روی کار آمدن بعضی ها در عراق که ایرانیان را به بهانه های مختلف آزار می دادند، برای همیشه به ایران نقل مکان کردم و در ایران خانه ای از خود نداشتم. اعلیحضرت به محض اطلاع، دستور دادند خانه ای در نارمک تهران به من واگذار شود و دو باب خانه نیز در همان محل و کوچه به آقایان فیلابی و نصیری داده شد. این خانه ها در آغاز فاقد آب و برق و تلفن بود و آقایان نصیری و فیلابی بدون آب و برق در آنجا زندگی می کردند ولی من پیغام دادم که تا به این خانه آب و برق و تلفن داده نشود، من به آن نقل مکان نخواهم کرد.

صحنه ها که حقیقی آن اتفاق می افتاد برایم بدون کم و کاست در عالم خیال اتفاق افتاده بود، و می دیدم که روزنامه ها و نشریات معتبر جهانی عکس مرا به عنوان قهرمان المپیک چاپ و منتشر کرده اند.

تصویر و تجسم صحنه هایی که ممکن است سالها بعد به حقیقت ببینند از کودکی در من وجود داشته و این حس آینده نگری را بارها در خود تجربه کرده ام.

در جایگاه مخصوص
از خاطرات خوب دیگری که از اعلیحضرت دارم، مربوط به اولین برخورد و دیدار ایشان بود. همانطور که قبلاً هم اشاره کردم،

در چهارم آبان سال ۱۳۲۳ که در رکوردگیری رسمی در میدان امجدیه، رکورد المپیک برلن را شکستم، اعلیحضرت مرا به جایگاه مخصوص احضار کردند. در آن موقع اعلیحضرت فوزیه هم در جایگاه بودند و چون با زیر پیراهن بودم و هوا سرد بود دستور دادند که برای من گرم کن بیاورند و با مهر و محبت خاصی مرا مورد

تقدیر قرار دادند و راجع به وضع ورزش کشور از من سؤالاتی کردند. من آنچه را در ورزش آن روز ایران دیده و یا شنیده بودم، اعم از امتیازات و نقطه ضعف ها، به عرضشان رساندم.

نگاه سلماسی به محمدرضاشاه پهلوی
من به نام یک ورزشکار ایرانی، که از نخستین سالهای پادشاهی اعلیحضرت محمدرضاشاه پهلوی در فضای ورزشی ایران رشد کرده و به مقام قهرمانی جهان رسیدم، برای قضاوت آیندگان در برابر آنان که به لحاظ کینه توزی و دشمنی دیرینه ای که با رژیم شاهنشاهی گذشته ایران دارند و در کمین اند تا به نحوی از انحاء، تاریخ اجتماعی و سیاسی دوران پهلوی را تحریف کرده و خدمات این دودمان را نادیده بگیرند، به این حقیقت اعتراف و اعلام می دارم که اگر دلسوزی شخص شاه و علاقه شدید ایشان به موفقیت ما در رقابتهای ورزشی بین المللی نبود با وضعی که در سازمان ورزشی کشور و روابطی که میان بعضی مسؤولان و ورزشکاران فاقد صلاحیت وجود داشت، هرگز پای ورزشکاران واقعی به مسابقات جهانی نمی رسید و عده ای را صرفاً برای تفریح و جهانگردی با خرج دولت و به اسم ورزشکار به خارج از کشور اعزام می کردند.

این اعتراف در این هنگام که دست شاه از دنیا کوتاه شده و انتظار هیچ نوع پاداش

یادداشتهای با تاریخ

صدرالدین الهی



شاه و قهرمانان المپیک

از سلماسی بگوئیم

کتاب ۱۴۴ صفحه ای چاپ درشت، دو کار جالب کرده است: یکی این که ضبط صوت را باز کرده و پدر را در مقابل میکرفن نشانده و وادار به حرف زدن کرد؛ و بعد خود به اتفاق دکتر علیمحمد آقامحمدی با او مصاحبه ای به عمل آورده است.

حرفهای سلماسی از عمق مطالعات او در عرفان فارسی حکایت دارد و آنگاه در مصاحبه، سلماسی با زبان شیرین و در خور فهمی خود، خانواده اش را معرفی و سوابق خدماتش را بیان کرده و آنگاه در چند زمینه حرفهایی زده است که برای خوانندگان خالی از لطف نیست. مصاحبه در آمریکا در ماه مارس ۱۹۹۲ هنگامی که قهرمان هفتاد و شش ساله بوده صورت گرفته است. تکه هایی از این مصاحبه در خور خواندن است.

قهرمانی ام را دیده بودم

سلماسی در مورد لحظه ای که جای او روی سکو اعلام شده است می گوید: در مراسم روز دوم، ساعت یک و سی دقیقه بعد از نیمه شب که من حرکت دوزرب را انجام می دادم. وقتی که نام من به عنوان قهرمان سوم از بلندگوها اعلام شد و بر سکوی قهرمانی قرار گرفتم و پرچم ایران به اهتزاز درآمد، چنان حالی به من دست داد که بیان آن برایم امکان پذیر نیست و عجیب آن که بیست سال قبل از آن، چنین صحنه ای را من در عالم خیال و رؤیا دیده بودم، در آن هنگام تمام این

نام جعفر سلماسی یا به عبارت کاملتر، محمدجعفر سلماسی با تاریخ المپیک ایران چنان در آمیخته است که شیر و شکر. او نخستین قهرمان ایرانی است که در بازیهای ۱۹۴۸ لندن روی سکوی افتخار رفت و مدال برنز دسته پروزن را در سه حرکت پرس، یکضرب و دو ضرب، با مجموع ۳۱۲/۵ کیلوگرم به گردن آویخت. اگر قوانین امروز وزنه برداری در آن زمان جاری بود سلماسی در حرکت پرس مدال طلا و در یکضرب مدال نقره را می برد؛ در مجموع هم همان برنز را به دست می آورد. سلماسی در پرس از نفر اول و دوم پیش افتاد و با ۱۰۰ کیلوگرم رکورد ۹۲/۵ کیلویی المپیک ۱۹۳۶ را شکست.

من سلماسی را، برخلاف نامجو که با او رفیق و سپس همسفر بازیهای آسیایی ۵۸ بودم، خیلی کم دیده بودم. شاید چهار یا پنج بار. اما خاطره برخوردهایم با او فراموش نشدنی است. مردی متین و کم صحبت و به نسبت ورزشکاران آن روز اهل دل بود. شاید حرفه معلمی به او این وسعت رفتار را آموخته بود که با هر کس به زبان خود او صحبت می کرد. سالها بعد در آمریکا من توفیق یافتم که کتاب کوچکی را که فرزند ارشد او دکتر صادق سلماسی درباره او نوشته است به دست آوردم. دکتر صادق سلماسی در

لادن الهی



مشاور آگاه و با تجربه

در خرید و فروش املاک مسکونی و تجاری

My mission is to provide an excellent service & to exceed all your expectations!

فرید منزل می تواند بزرگترین سرمایه گذاری در طول زندگی شما باشد. با من در اجرای این امر مهم مشورت کنید!

Ladan Elahi, Broker Associate, CDPE, GRI BRE # 01866376

Cell: (925)336-0227 ♦ ladan@ladanhomes.us

760 Camino Ramon #200, Danville, Ca 94526



سوپر مارکت اطمینان



سماور های تمام اتوماتیک ساخت آلمان



Samovar
muxle
Germany

نماینده پخش سن حوزه: فروشگاه اطمینان

عرضه محصولات گوشتی در سوپرمارکت اطمینان:
کله، پاچه، زبان، گوشت و مرغ با ذبح حلال، ماهی سفید و ماهی دودی



عرضه کننده مجموعه ای از لوازم خانگی، آشپزخانه، کادویی، قلیان و انواع تنباکو

5754 Santa Teresa Blvd. San Jose, CA 95123

(408) 226-5992

خریدن چنین ضد و نقیضی خاطر ندارم. اختلاف سلیقه چرا، ولی مجادله و مخاصمه خیر که بالاخره دوستانه و خیرخواهانه کنار می‌آیند و اما در حال حاضر عناد، درگیری و تفرقه در جمیع شئون مرام و مسلک اجتماعی، سیاسی و حتی خانواده... بدون تعصب و یکجانبه نگری دوستانه و منصفانه داوری کنید تا شاید بد کند تفرقه اندازی و بهره‌کشی پی برید مذهب در مقابل مکتب. سنت مخالف نوجویی. جوان معترض پیر فقیر دشمن غنی. شرق بر ضد غرب. سنا مزاحم مجلس. دموکرات علیه جمهوریخواه، و شدیدتر از عموم مقابله رنگ و نژاد و موطن و مذهب در هر خط به علنا دشمن تراشی کن تا کامروا گردی. نتیجه سکوت و رضا بدون پرسشی و یا جویای گزارشی چرا که نیروی ارشد در کمین است و تنها نهاد مخالف خودکامگی، منفور و مقهور و چه بسا گرفتار کارشنکی و بازخواست. ناچار می‌آموزیم تماشا کنیم و دم نزنیم که تا بوده و هست اینجا و آنجا ندارد و حکومت مردمی و آزادی و مساوات و مراعات دستمایه عوامفریبی و تزویر مقام پروری است. مثبت باش. منفی باقی مکن. ایراد و حرف و نقل بانی و باعث دردمر می‌شود. بنشین و تماشاچی مثبت باش.

دنباله مطلب در صفحه ۵۲

روایاتی سه چهار دهه در حاشیه درجا زدن مردم را از کانون تفکر و اراده و حق طلبی دور کرده. در عین حال چه بسیار سالم تر و انسانی تر از چند سال اخیر که در حقیقت آدمها را در هیئت آدمک مصنوعی یا صورتک های هم شکل یکدست و یکه شناس به بیراهه سوق داده است.

نمی‌دانم توجه کرده‌اید در این چندسال اخیر چه‌ها گذشته و می‌گذرد و چه ماجراها در جریان بوده و در پشت پرده سیاه مردم سانسوری شدید پنهان مانده! «تفرقه انداز و حکومت کن.» حتما این فلسفه خفقان را شنیده‌اید. همه را به جان هم بینداز و با خیال راحت هر آنچه در طریق مصلحت شخصی و فردی تخت و تاج را دریابد اعمال نظر کن و کردند و می‌بینیم. عینک‌های بی‌خیالی را از دیدگان نیمه باز خسته بردارید به امیدی که روشن تر ببینید و بهتر قضاوت کنید. شاید از همشکلی پناهندگان آواره دور دنیا در آئید و از گله جدا شوید. صدا بی صدا. نه پرسشی و نه پاسخی. خواسته‌های فرمایشی بدون وقفه تحمیل و البته قابل تجلیل از اینهمه رعیت پروری بزرگوارانه به پابرخاستن، دست زدن، کتف و کول مالیدن که «خسته نباشی ای همه دانائی.» هرگز در گذران سی‌چهل سال کنج غربت

از درگوشی‌ها

به قلم: پیرایه

اندیشی که بدون تردید خود سانسوری آدم‌های ترسو خواهد بود. پرسش، گفتگو و سنجش احکام صادره مطلق نیست. باید پرسید انتقاد کاربرد مغز انسان متفکر است تا خودسانسوری و فکر و فرهنگ سانسور گسترش نیابد. چنان آلوده مالیات، بیمه، وام بانک‌ها، مخارج شبانه روزی، تورم، بیکاری، بیماری و هزار درد بی‌درمان دیگر نادر که رمقی باقی نمی‌گذارد. ناچار عادت می‌کنیم به امر و نهی موجود و پذیرش بی‌چون و چرای هرآنچه در جریان پیشبرد مقاصد صدر نشینان مقامات است. همین برکنار ماندن و سردرگریان بی‌تفاوتی و فروبردن استعداد مکالمه و پرسش و پاسخ را از جامعه ساکت می‌گیرد. به جای ما حرف می‌زند. تصمیم یک‌جانبه اتخاذ می‌کند. چنین است که در حال حاضر عامه در حرف و عمل و عقیده یکسان کله وار پیشاهنگ را دنبال می‌کنند. نه سؤالی نه انتقادی و نه انتظاری. در این هنگامه خشک سالی ساکن مزرعه

مثبت باش تا رستگار گردی. ببذیر، خودت را گول نزن و هرگز منفی نباش. انتقاد نکن و چه سالمتر که پاره‌ای مسائل بدیهی و مسلم را نادیده گیری. ایراد و اعتراض و موضع‌گیری مانع آسایش فکر و فرسایش روان می‌شود. به آسانی قبول کن، نفی نکن تا راحت و رها از خرده‌گیری و فرصت‌طلبی آسان پذیران در امان مانی، یعنی همیشه و همه جا و در هر موقعیت جهت حراست آرامش پیرامون خود سانسوری کن. نکته سنجی و سخت‌گیری در زمینه‌های رایج حقوق انسانی منفی باقی نیست. انتقاد سازنده است. این مثبت‌نمایی خود و دیگران فریبی بازدارنده است که سلب اندیشیدن و تفکر مثبت می‌کند و ما ایرانیان وطن‌گم کرده و به جمع آوارگان پیوسته روشن بینی و واقع‌گرایی را کلی‌گویی و گرایش‌های شخصی تلقی می‌نماییم و از انتقاد سالم که مظهر آزادی فردی است طفره می‌رویم. خودمان را آگاهانه گول می‌زنیم، به مفهوم مثبت

کاوه میرشفیعی

Attorney at Law

وکیل رسمی دادگاههای کالیفرنیا و فدرال
با دانش و تجربه در امور ورشکستگی،
امور خانواده و امور تجاری و بازرگانی



Kaveh Mirshafiei, Esq.

مشاوره اولیه رایگان

♦ کلیه امور ورشکستگی ♦ کلیه امور خانوادگی
♦ کلیه امور تجاری، بازرگانی، و ثبت شرکت‌ها

♦ Business Law

♦ Bankruptcy ♦ Family Law

I am committed to providing you with excellent legal service within a culture that encourages innovative problem-solving!

To schedule your free consultation, please call:

(408)663-6286

www.headwaylegal.com

4701 Patrick Henry Dr., Bldg. 6, Santa Clara, CA 95054



مشاور مالی و مالیاتی

Accounting, Auditing & Tax Services

سرویس مطمئن، قیمت مناسب، توجه کامل به نیازهای شما



خدمات دفترداری

مشاوره و برنامه ریزی مالی و مالیاتی

رسیدگی و جوابگویی در حل اختلافات با مراجع مالیاتی

تهیه و تنظیم اظهار نامه های مالیاتی (شخصی و شرکت‌ها)

Tax Planning

Tax Return Preparation

Business Bookkeeping

Tax Problem Resolution



Responsive to Your Needs

Reliable Service Reasonable Rates

www.mytaxmd.com

Tel: (408)236-2444 Fax: (408)236-2484

3550 Stevens Creek Blvd., Suite 330 San Jose, CA 95117

در گذشتگان سینما در سال ۲۰۱۴

سال ۲۰۱۴ هم به مانند همه سال‌ها، خبرهای خوب و بد زیادی داشت و از جمله خبرهای بد، درگذشت چهره‌های مختلفی بود که در یاد و خاطره سینمادوستان حک شده‌اند؛ از مرگ‌های طبیعی آن‌ها در سنین کجولت تا خودکشی‌های تلخ در سنین جوانی.

تابلوی معروف پیکاسو به همین نام) تا شب و مه (درباره هولوکاست) جای خود را برای همیشه در تاریخ سینما ثبت کرد و با دو بلند اولش، هیروشیما عشق من و سال گذشته در مارین باد به ترکیب شگفت‌انگیزی از واقعیت و رویا آن هم به شیوه‌ای شخصی رسید که این دو فیلم رابه شدت متمایز و کم نظیر جلوه می‌دهد. **دنباله مطلب در صفحه ۴۹**

سود آورتین کارهایش را برای یونیورسال کارگردانی کرد. آرواره (۱۹۷۵)، برخورد نزدیک از نوع سوم (۱۹۷۷)، JET (۱۹۸۲)، پارک ژوراسیک (۱۹۹۳) نیز ساخته این کمپانی می‌باشد. یکی از معروف‌ترین کارتونهای تاریخ تلویزیون یعنی وودی وودپیکر هم ساخت این کمپانی است. یکی از معروف‌ترین نقاط توریستی لس آنجلس شهرک سینمایی یونیورسال است که هر ساله میلیونها توریست را در خود پذیرایی می‌کند. از سودآورترین آثار یونیورسال باید از فیلم زلزله (۱۹۷۴) با بازی چارلتون هستون و آوا گاردنر نام برد.

دو سینماگر مولف
آلن رنه، فیلمساز معروف فرانسوی، در اول مارس ۲۰۱۴ در سن ۹۱ سالگی در پاریس درگذشت؛ تنها دو سه هفته پس از نمایش آخرین فیلمش، «زندگی رایلی» در جشنواره برلین. تاریخ سینمای فرانسه با نام آلن رنه پیوند تنگاتنگی دارد؛ فیلمسازی که با چند مستند درخشان نظیر گوئرینیکا (درباره

باید یاد کرد و همچنین از سری فیلمهای کینگ کنگ در سالهای ۱۹۳۳، ۱۹۷۶، ۲۰۰۵ باید نام برد. در دهه های ۱۹۵۰، ۱۹۶۰، ۱۹۴۰ دو کمترین به نامهای ابوت و کاستلو فیلمهای کمدی برای یونیورسال بازی کردند که بسیار مورد توجه عموم قرار گرفت.

این کمپانی فیلم‌های وسترنی خوبی را نیز روانه پرده های سینما کرد. در ضمن باید از نام آلفرد هیچکاک یاد کرد که برخی از بهترین کارهایش را برای این کمپانی ساخت که معروف ترین آنها فیلم روح (۱۹۶۰) است. همچنین استیون اسپیلبرگ



یونیورسال تغییر نام داد. در حالی که شرکت یونیورسال بطور مستقل بعنوان یکی از شرکتهای فرعی آن بی سی باقی ماند که با داشتن آرشویی غنی از فیلمهای دهه های گذشته و همچنین مجموعه های تلویزیونی

را از طریق شرکت تلویزیونی آن بی سی یونیورسال توزیع می‌کند. یونیورسال پیکچرز در حال حاضر مانند همه ی پنج کمپانی دیگر در کالیفرنیا مرکز صنعت سینمای ایالات متحده مستقر است.

در دهه های ۳۰، ۴۰، ۵۰ میلادی با تولید فیلمهایی متنوع مانند ترسناک، کمدی و هیجان انگیز در بین مردم انگشت نما شد. از سری فیلمهای ترسناکی مانند دراکولا، فرانکشتین، مرد گرگی و مرد نامرئی با بازی هنرپیشگان نام آوری مانند بلاد لوگوس، بوریس کارلوف، لان چینی و...

کمپانی یونیورسال از قدیمی ترین کمپانیهای هالیوود به حساب می‌آید که در سال ۱۹۱۳ توسط کارل لائمله، مارک دیتنفس، چارلز بومن، ادام کسل، پت پاورز، ویلیام سوانسون، دیوید هورسلی و



زول برالاتور تأسیس شد که این شرکت را به قدیمیترین استودیو فیلمسازی در آمریکا و سومین در جهان مبدل ساخت. از یازدهم می ۲۰۰۴ جنرال الکتریک با شرکت رسانه ای آن بی سی در مالکیت یونیورسال مشارکت کرد. در نتیجه این همکاری شرکت آن بی سی به آن بی سی

KHOBSURAT
THREADING SALON

سالن آرایش و زیبایی خوب صورت

Full Service Salon

30 years of Experience. Serving Bay Area

\$10 EYEBROW THREADING

بند ابرو ۱۰ دلار

♦ بند ابرو و صورت ♦ واکس ♦ آرایش عروس ♦ آرایش ♦ رنگ مو و های لایت ♦ حنا ♦ کوتاه کردن مو ♦ فیشال



♦ Threading ♦ Waxing ♦ Bridal ♦ Makeover ♦ Full Hair Service ♦ Facials ♦ Hair Color ♦ Henna...and much more!

All our facials are herbal & chemical FREE

www.khoobsuratsalon.com

(408)588-1215

Serving in Two Locations

(408)774-1214

3956 Rivermark Plaza
Santa Clara, CA 95054

Now Hiring

1014 East El Camino Real
Sunnyvale, CA 94087

Tues-Sat: 10am-8pm Sun. 10am-6pm
Closed Mondays

Threaders, Cosmetologist,
Estheticians, Full Time &
Part Time Receptionist

Mon- Sun: 11:am to 8:pm
Closed Mondays

پرسیدند: توالیت عمومی؟ چرا؟
گفت: برای اینکه مردم بروند به این شانس
و اقبال ما بشانند! آخر من در این پیرانه
سری هشتاد میلیون دلار را میخوام
چیکار؟

* اگر من جای این پیر مرد بودم یک
میلیون دلارش را برای خودم بر میداشتم
باقی اش را میدادم به صاحبان این
تلویزیون های لس آنجلسی که بروند کیف
شان را بکنند و دکان های رنگ و وارنگ
تلویزیونی شان را تخته کنند و دست از سر
ما خلائق ایرانی بر دارند. والله خفه شدیم
از دست اینها.



محمد مختاری میگفت: در خیابانی چادر
زده بودند و کتاب میفروختند.

کتاب «حلیه المتقین» را بر داشتم که
بخرم.
کتابفروش نگاهی به قیافه ام کرد و گفت:
بگذار سر جاش!

پرسیدم: مگر فروشی نیست؟؟
گفت: چرا؛ فروشی است؛ اما به شما نمی
فروشم!

پرسیدم: چرا؟؟
گفت: برای اینکه شما می خواهید بخوانید
و بخندید!!

آقای هوشتره اگر چه نامش غلامعلی
است اما خودش را از نوادگان بهرام گور
و خشایا رشا میداند و میگوید که در رگ
هایش خون پاک آریایی جریان دارد.
می پرسد: چریک فدایی که نبوده ای؟
میگویم: نه!

میگوید: پیکاری؟ مجاهد؟ مصدقی؟ خلق
مسلمان؟ جاما؟ رنجبران؟ خط سومی؟
حزب خزان؟

میگویم: والله چه عرض کنم؟
- در انقلاب شرکت داشتی؟

- نه آقا! آنوقت ها ما داشتیم توی
فرنگستان شلنگ تخته می انداختیم.

میگوید: یعنی میخوام بدانم شما چه جور
بنی بشری هستی. چپی؟ راستی؟ میانه ای؟
چیکاره ای؟

لحظه ای تامل میکنم و سخن شمس را
برایش واگویی میکنم که: در روزگاران
پیش؛ مردی بوده است بزرگ. نامش
«آدم». من از فرزندان اویم.

توالیت عمومی...

چند وقت پیش یک پیر مرد هفتاد و نه ساله
مافنگی هشتاد میلیون دلار برنده شد.

ازش پرسیدند: با این پول میخواهی چیکار
کنی؟

گفت: میخوام هزار تا توالیت عمومی در
شهر های بزرگ بسازم!



راضیه! حالا که داری میری درست
حسابی برو! نیم بظر ودکا تو خونه داشتم
و چند تا آبجو. قاطی کردم و رفتم بالا!
تو رختخواب دراز کشیدم. سرم گرم شد و
پرواز کردم. رفتم تو ابرها! وقتی چشمم را
باز کردم ظهر شده بود. دور و برم رو نگاه
کردم. بلند شدم. زنده بودم. توپ توپ!!
آقای هوشتره ...

اسمش غلامعلی است. کراوات زرد رنگی
به گردنش آویخته که رویش تصویری از
تخت جمشید و کلماتی هم بخط میخی
نقش بسته است. ما اسمش را گذاشته ایم
آقای هوشتره.

آقای هوشتره از من می پرسد: شما توده
ای هستی؟

میگویم: توده ای؟ من؟ چطور مگر؟
میگوید: آخر سبیل هایت شبیه سبیل توده
ای هست.

میخندم و میگویم: به حق چیز های ندیده
و نشنیده.

پستان اسفنجی...

...یک روز که مرا از زندان به دادگاه
میردند؛ میان یک مامور زن و شوهر
نشسته بودم «راننده دنده را چنان عوض
میکرد که دستش به سینه ام بخوره. هیچی
نگفتم تا رسیدیم. وقتی در رو باز کرد و
پیاده شدیم؛ دست کردم تو سینه ام و اسفنج
هایی رو که میداشتم سینه ها پر و پیمون
بشن (مد بود اونوقت) در آوردم. دادم به
شوهره و گفتم: با اینا بازی کن تا من بر
گردم! قیافه راننده تماشایی بود.

(از حرف های شادروان راضیه شعبانی)
راضیه شعبانی که چندی پیش در سن ۸۸
سالگی در گذشت؛ نخستین زن زندانی
سیاسی تاریخ معاصر ما بود.

او زنی بود که از آغاز جوانی پا به میدان
مبارزه گذاشت و از ۲۱ سالگی تا ۲۷
سالگی اش را در زندان شاه گذراند.

او میگوید: شبی حالم چنان خراب بود که
صدای پای مرگ را می شنیدم «گفتم:



تالار با شکوه رویال پالاس

Royal Palace Banquet Hall & Event Center

با خوشمزه ترین غذاهای ایرانی و با کیفیتی عالی زیر نظر

سر آشپز ماهر ایرانی، ژورا تلفن اطلاعات ۱۲۳۳-۵۶۱(۴۰۸)



Cuisine:
Afghan/Persian
Middle Eastern

Occupancy:
From 50 to 1200 people
With 3 large Banquet Halls

رویال پالاس دارای سالن های با شکوه و مجلل و با مدرن ترین امکانات و تجهیزات برای برگزاری جشن ها ، مراسم های عروسی ،
سمینارها، و همایش های بین المللی می باشد. مجموعه تالارهای پذیرایی رویال پالاس با حضور کارشناسان برگزاری مراسم و همچنین کارشناس
ارشد غذایی، برای نظارت کامل بر کیفیت خدمات و مواد غذایی، دارای بالاترین درجه کیفی در برگزاری مراسم های شما مهمان های گرمی می باشد!

(510)258-4637 www.RoyalPBH.com

Book Your Event Today & Get up to \$1000 OFF. Exp. 12/31/15

6064 Stevenson Blvd., Fremont, CA 94538

زمانی که یکی از طرفین هدایای نقدی مستمرا و به دفعات مختلف دریافت می کند، صلاح در این است که این مبلغ را جزو درآمد آن شخص محسوب کند. به این منظور، در این مورد بخصوص که شوهر بیشتر از مدت ۱۰ سال مقداری پول نقد از مادرش مرتباً دریافت می کرد، این مبلغ را جزئی از درآمد او

دیگری صادر کرد که طبق آن میزان نفقه همسر و کمک هزینه مالی فرزند را کاهش داد. حکم دادگاه این بود که طبق قانون خانواده، ضرورت این را دید که مبلغ کمک هزینه فرزند را تقلیل دهد حتی اگر حکم قبلی براساس توافق طرفین بر این بوده که مبلغ کمک هزینه فرزند مطلقاً تغییر دادنی نباشد.

تعیین کرد. مدت زمان و پرداخت مداوم این مبالغ نشانه این بود که شوهر پول کافی در دسترس داشته که بتواند کمک هزینه برای فرزندش به همسر سابقه بپردازد. مدارک کافی نشانگر این بود که مبالغی



که شوهر از مادرش دریافت می کرد به عنوان قرض نبود. به دلیل این که هر مورد طلاق شرایط خاص خود را دارند، تصمیم گیری در مورد مواردی که شرایط معمولی ندارند با صلاحدید دادگاه تعیین می شوند.

دادگاه همیشه این توانایی را دارد که اگر صلاح ببیند، میزان کمک هزینه فرزند را افزایش یا کاهش دهد، بدون توجه به این پدر و مادر موافقتنامه ای برخلاف آن امضاء کرده باشند در این مورد دادگاه همچنین اظهار کرد که

آدم شایسته، کسی است که با وجود داشتن دلی خونین از نامردمی ها، باز هم مهربان است و باور. حکیم ارد بزرگ

نکاتی در مورد تغییر مبلغ نفقه همسر و کمک هزینه مالی فرزند توسط دادگاه

کاملیا ممدوی، وکیل رسمی دادگاه های کالیفرنیا و فدرال

camelia@cameliaw.com

همسر محسوب نشوند. البته لازم به تذکر است که این تعریف درآمد فقط برای تعیین مبلغ پرداختی به همسر و فرزند بعد از طلاق، مورد استفاده قرار می گیرد. هیچ قانونی وجود ندارد که هدایای نقدی برای تعیین میزان کمک هزینه به همسر و فرزند، به عنوان درآمد حساب نشوند. البته این هدایا زمانی به عنوان درآمد محسوب می شوند، که نقدی باشند و به دفعات تکرار شوند. با وجود اینکه قانونی علیه این نیست که این هدایا به عنوان درآمد محسوب نشوند، همیشه این مسئله اینطور تصمیم گیری نمی شود و اگر دادگاه صلاح را طور دیگری ببیند، قدرت دارد حکم مناسب را در یک مورد صادر کند. اخیراً در یک پرونده طلاق در کالیفرنیا، دادگاه پس از بررسی حکم طلاق، حکم

نفقه مبلغی است که یک همسر به همسر دیگر بعد از طلاق می پردازد برای تعیین مبلغ نفقه و کمک هزینه مالی برای فرزند، قانون خانواده «درآمد» را به این ترتیب تعریف می کند: درآمد سالانه شخص (قبل از کسر مالیات) جمع مبالغی است که شخص در سال دریافت می کند و منبع درآمد از هرکجا که می خواهد باشد تفاوتی در نتیجه محاسبه نخواهد داشت.

این تعریف بقدری وسیع است که شامل هدیه های نقدی که یک همسر دریافت می کند و مانند حقوق ماهانه تکرار هم می شود، می باشد. این مسئله که شخصی که این هدیه را می دهد، هیچ وظیفه ای به ادامه پرداخت ندارد و یا اینکه این مبالغ در فرمهای مالیاتی همسر اعلام نمی شوند، باعث نمی شود که این هدایا به عنوان بخشی از درآمد

رستوران بیژن
Bijan Bar & Restaurant

فضایی گرم و خانوادگی با غذاهای متنوع ایرانی پذیرای شما و میهمان های عزیزتان می باشد

Bijan Resturant provides the ultimate setting for a traditional Persian dinner in a warm & family atmosphere

Fine Authentic Persian Cuisine

(510)440-1755

کیترینگ با کیفیت عالی و قیمت مناسب

www.bijanresturant.net

39935 Mission Blvd., Fremont, CA 94539

دقیق پزشک باشد. در کشورهای اروپایی بخصوص هلند و سوئد که مصرف مشروبات الکلی بسیار زیاد است میزان تورم ناگهانی لوزالمعده بیشتر دیده می شود.

گاهی تشخیص سریع این حالت ساده به نظر نمی رسد، چون علائم گوناگونی باعث دل درد می شوند ولی چنانچه ۳ حالت وجود داشته باشد تورم لوزالمعده حتمی می باشد ۱- درد در بالای شکم ۲- بالا رفتن میزان آنزیم های لوزالمعده در خون و ۳- تورم شدید لوزالمعده در عکس های CTScan. درمان: یکی از روشهای درمان آن است که بوسیله متد ERCP سنگ های کیسه صفرا را خارج می کنند و مجاری مسدود شده را باز می کنند. در موارد ملایم با دادن داروی ضد درد، مایعات فراوان، عدم خوردن غذا و مراقبت در بیمارستان بیمار را درمان کرده و از این بیماری نجات می دهند.

در صورت عدم درمان سریع، ارگانهای دیگر بدن نظیر قلب و ریه ها و کلیه ها آسیب می بینند و این بیماران به ICU منتقل می شوند تا مورد مراقبت دائم قرار گیرند. آزمایش خون هر روز انجام شده، میزان قندخون کنترل شده و جلوی ترشح اسید معده نیز گرفته می شود و بیمار از محلول های تزریقی خوراکی (TPN) استفاده می کند تا غذائی وارد دستگاه گوارش نشود. **دنباله مطلب در صفحه ۵۵**

در ابتدای درد، درجه حرارت بدن طبیعی بوده ولی پس از چند ساعت ممکن است به بالای صد درجه برسد، فشار خون گاهی بالا و پائین می رود در صورتیکه اقدام پزشکی نشود فرد تدریجاً به حالت بی هوشی رسیده، سفیدی چشم ها به زردی تبدیل شده و بیمار ممکن است وارد یک حالت شوک (shock) شود. در اثر مسدود شدن مجاری این دو عضو لوزالمعده و کیسه صفرا، آنزیم های موجود در ترشحات لوزالمعده در لوزالمعده بالا رفته و شروع و هضم بافت خود لوزالمعده شده و این علت درد شدید و التهاب آن می باشد.

همین طور بسیاری از داروهای ضد کلسترول، هورمون های زنانه، داروهای ادرار آور، بعضی داروهای ضد فشار خون و داروهای ضد ویروس باعث التهاب لوزالمعده می شوند. در بعضی موارد نیز دلیلی برای این نوع دل دردها نمی توان پیدا کرد و بایستی بیمار را زیر نظر گرفت.

موثرترین روش تشخیص سنگ های صفرائی روش CTScan می باشد. طبق آمار سالیانه از هر صد هزار نفر بین ۵۰-۳۵ نفر دچار این حالت درد شدید در طول زندگی خود می شوند. در تمام موارد این بیماری، بیمار بایستی در بیمارستان بستری شود و زیر نظر



تازه های دنیای پزشکی

دکتر منوچهر سلجوقیان

التهاب حاد لوزالمعده (Acute Pancreatitis)

مصرف بیش از حد مشروبات الکلی بمدت طولانی و بعضی از داروهای درمانی است. هر دو کیسه صفرا و لوزالمعده ترشحات خود را که شامل آنزیم های گوناگون می باشد از طریق یک مجرا به روده می ریزند. در صورت سنگ کیسه صفرا این مجرا مسدود شده و باعث تجمع این ترشحات در داخل لوزالمعده شده که باعث تورم و درد شدید می شوند.

یکی دیگر از علائم این درد حاد لوزالمعده آن است که درد از بالای شکم بطرف عقب و یا پشت بیمار جهت یابی کرده و گاهی پس از مصرف و خوردن یک غذای بسیار چرب اتفاق می افتد.

سرفه کردن، حرکت های ناگهانی و تنفس عمیق کشیدن این نوع درد را تشدید کرده و آن را بدتر می کند، در صورتیکه نشستن بطور مستقیم و گاهی خم شدن به جلو درد را کاهش می دهد.

بعضی افراد بطور ناگهانی شکایت از یک دل درد شدید می کنند. این درد غیرقابل تحمل بوده و فرد را بایستی سریعاً و در اولین فرصت به اورژانس بیمارستان رسانید. در اغلب موارد دل درد در بالای شکم و بطور ناگهانی می تواند آثار یک التهاب شدید در لوزالمعده باشد.

لوزالمعده یک عضو مهم بدن است که در پشت معده قرار گرفته و به تنظیم قندخون و هضم و جذب مواد غذائی کمک می کند و سلامت آن بسیار مهم می باشد.

پس از رسانیدن بیمار به اورژانس، پزشکان سریعاً به انجام آزمایش خون پرداخته و از روشهای تصویری (Imaging) و رادیولوژی جهت تشخیص علت دل درد استفاده می کنند.

مهمترین دلایل التهاب حاد لوزالمعده وجود سنگ های کیسه صفرا (Gallstones)،

We Cater!

بستنی و فالوده گل نظر و کیتزینگ دسر

Delicious

Family owned business with a tradition & history of fine hospitality, outstanding icecream & courteous service!



◆ Weddings



◆ Birthdays



◆ Private Events

◆ Corporate Events

◆ Graduation

(925) 803-6964

◆ عروسی

◆ تولد

◆ مهمانی های خصوصی

◆ گرد هم آبی اداری

◆ فارغ التحصیلی



Golnazar Gourmet Ice Cream, Inc. info@Golnazar.com www.Golnazar.com



Golnazar Catering can make your event an unforgettable one by providing you with our delicious ice cream and desserts in a variety of flavors and shapes.



هشت داروی طبیعی برای دندان درد

هیچ دردی را نمی توانید با آن قیاس کنید؛ وقتی می گیرد، تمرکز، آرامش و حواس تان را فلج می کند و رمق انجام هیچ کاری را برای تان باقی نمی گذارد. دندان درد، همان دردی که بعید است بارها و بارها گریبان شما را نگرفته باشد و یک روز آرام را برای تان سیاه نکرده باشد. اگر برای آرام کردن دردهای گاه و بی گاه دندان، همیشه انواع مسکن ها و اسپری های بی حس کننده را در کابینت آشپزخانه نگه می دارید، این مطلب را بخوانید. ما برای آرام کردن درد شما، نسخه های طبیعی، ارزان و بی ضررتری را در اختیار داریم.

طبیعی وجود دارد که البته در صورت استفاده درست، به آرام شدن درد شما کمک می کند. دنباله مطلب در صفحه ۴۶

روغن میفک

میخک، یک داروی گیاهی برای تسکین دندان درد است. در این گیاه، یک مسکن

پیشگیری

پیشگیری بهترین راه برای مقابله با آسیب دندانهاست. به هنگام ورزش هایی که امکان برخورد فیزیکی دارند، بهتر است که فرزندان از محافظ دندان استفاده کند. برای بهترین محافظ، از دندان پزشک اطفالتان در مورد محافظ دندان سفارشی بپرسید. محافظ دندان نه تنها از دندانها بلکه از لب، لثه، و گونه های فرزندانتان حفاظت می کند و فشارهایی که میتواند باعث بیهوشی بخاطر ضربه به مغز، آسیب گردن، و شکستن فک بشود را کاهش دهد. با انجام این پیشنهادات سالی پر از لبخند خواهید داشت.

فتن به دندان پزشک کودک

دندان پزشکان متخصص کودک طوری آموزش دیده اند که بتوانند با خردسالان ارتباط برقرار کنند. هر شش ماه دندان پزشکتان را ویزیت کنید

تغذیه

تحقیقات نشان میدهد رابطه نزدیکی بین سلامتی دندانها و تغذیه وجود دارد. تغذیه سالم نقش مهمی در جلوگیری از بیماریهای لثه و پوسیدگی دندانها دارد. اجازه دهید فرزندان در تهیه غذا یا انتخاب تنقلات سالم شرکت کنند. این کار باعث تشویق برای خوردن سالم تر میشود، و مهم است چون که عاداتی خوب که زود یاد گرفته میشوند، عمری باقی میمانند



نکات مهم برای
داشتن دندان سالم
دکتر میشل حق پناه
drnichellehdds@gmail.com



و بطور خانوادگی هم مشوق کودکان میشود.

نخ کشیدن و کار سلاچرگه کننده کردن نخ کشیدن هرچه کودکان یاد بگیرند که از



دستهایشان استفاده کنند برایشان آسان تر میشود. نخهای دندان در اشکال و رنگهای مختلفی تولید میشوند. به کودکان اجازه انتخاب نخ دندان مورد علاقه را بدهید

آغاز سال نو هیجان انگیز و زمانی با فرصت زیاد است. زمانی عالی برای تمرکز بر زندگیمنان و اندیشیدن در مورد مسائل مهم زندگی. ما اغلب تصمیمات جدید میگیریم مانند رفتن به ورزشگاه، بهتر غذا خوردن و در کل با سلامتی زندگی کردن. چطور است که امسال با هم تصمیم بگیریم تا فرزندانمان را تشویق به سلامتی دهان و دندان کنیم!

بهداشت دهان

مهم است که کودکان حد اقل دو بار در روز از مسواک و نخ دندان استفاده کند. خردسالان زیر شش سال به کمک پدر و مادر برای مسواک زدن احتیاج دارند. برای تشویق به مسواک بعد از صرف غذا به کودکان اجازه انتخاب مسواک و خمیر دندان دهید. مسواک با سر نرم و خمیر دندان با فلوراید توصیه میشود. آهنگ مورد علاقه فرزندان را هنگام مسواک زدن پخش کنید (تقریباً به مدت دو دقیقه)، یا آهنگی ساده برایش بخوانید. مسواک زدن بطور دسته جمعی

S & S Tire And Auto Repair

Complete Automotive Repair Service



Family Owned & Operated

Oil Change Special
Get \$5 OFF on
Regular Oil Change

Oil Change Special
Get \$10 OFF
Synthetic Oil Change

For Scheduled Maintenance & any other information please visit our website at
www.sstireandautorepair.com

(408)738-1960
597 S. Murphy Ave.
Sunnyvale, CA 94086

We Are #1
Established in 1996

(408)583-1200
1800 S. Winchester Blvd.
Campbell, CA 95008

شش فن برای آرامش روحی

استرس زیادی که دنیای مدرن به ما وارد می کند سبب شده است که آرامش دست نیافتنی به نظر برسد. با این حال باز هم هیچ دلیلی وجود ندارد که زندگی خود را پر از استرس و اضطراب نماییم. اگر هنر ایجاد آرامش را بیاموزید می توانید به راحتی لذت زندگی را بچشید. راز ایجاد آرامش کنترل ذهن است. به عنوان مثال شما می توانید برای سلامتی خود یک ساعت در روز ورزش کنید و همینطور می توانید نسبت به اضافه وزن خود بی تفاوت باشید و یک عمر با نگرانی دست به گریبان باشید.

در وضعیت فکری شما تاثیر عمیقی دارد. شاید ما آگاهانه این موضوع را درک نکنیم ولی اگر دقت کنید در بعضی اتاق ها آرامش بیشتری دارید و تمایل دارید هنگام استراحت آنجا باشید. به اتاق خود نگاه کنید اگر بسیار درهم و برهم و ریخت و پاش است مانند این است که مرتب کسی کاری را به شما یادآوری می کند ولی شما آنرا انجام نمی دهید. و این چرخه همینطور را ادامه دارد.

این یادآوری ناخودآگاه و مداوم در ذهن جای زیادی اشغال می کند. اگر اتاق خود را مرتب کنید و محیطی دلچسب برای خود فراهم کنید احساس بهتری نسبت به قبل خواهید داشت. راحتتر می توانید خود را آرام و ریلکس نمایید. برای خرید سیستم های تهویه و تصفیه هوا، گل و ... خساست به خرج ندهید تا شرایط بهتری برای خود فراهم کنید.

دنباله مطلب در صفحه ۴۷

غرب-شمال شرقی-شمال غربی-جنوب شرقی-جنوب غربی) با یکی از عناصر پنجگانه در ارتباط است و بر هم تاثیر دارند. هنگام دکوراسیون یا حتی هنگام ساختن ساختمان به این جهت ها دقت می کنند.
آب --> شمال
چوب --> شرق، جنوب شرقی
خاک --> مرکز، شمال شرقی، جنوب غربی
فلز --> غرب، شمال غربی

فنون ایجاد آرامش

مهمترین زمان اکنون است؛ بسیاری از ما زمان زیادی را در نگرانی آینده به سر می بریم. اگر در کل عمر خود این زمان ها را محاسبه نمایم متوجه می شویم از یک سال هم بیشتر شده است. محققان متوجه شده اند که نگرانی و تشویش برای آینده قسمت زیادی از فعالیت ذهنی فرد را اشغال می کند. در حالیکه این نگرانی هیچ کمکی به شما نمی کند به هیچ وجه. اگر بیشتر وقت خود را به فکر کردن درباره گذشته و نگرانی درباره آینده بگذرانید هیچگاه نخواهید توانست به اندازه کافی آرامش داشته باشید. برای رسیدن به آرامش روحی و فکری واقعی باید فقط در زمان حال از زندگی خود لذت ببرید نه افسوس گذشته را بخورید و نه نگران آینده باشید. محیط اطراف بسیار مهم است؛ جایی که کار می کنید و وقت خود را می گذرانید

ایجاد انرژی مخرب تعادل را در محیط به وجود می آوردیم.

هشت جهت

در فنگ شویی باستانی بر اساس شرایط جوی و محیطی زمین هر یک از عناصر پنج گانه را به یکی از جهات جغرافیایی اختصاص می دادند که تا به امروز در کلیه متون فنگ شویی به جای خود باقی است. جهت های قطب نما نیز در فنگ شویی مهم هستند. هر جهت (شمال-جنوب-شرق-

تیز است. زیرا چی در خطوط منحنی حرکت می کند و شاجی در خطوط تیز و شکسته.

یین و یانگ

یین و یانگ نیز در فلسفه فنگ شویی کاربرد دارد و سعی در به تعادل رساندن آنها می شود.

پنج عنصر

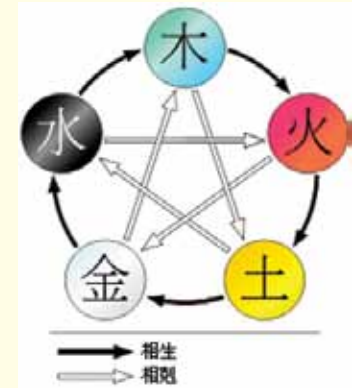
در فلسفه چینی عناصر اربعه نداریم بلکه پنج عنصر (Wu یا Wu shing یا xing) داریم! این پنج عنصر چوب، آتش، خاک، فلز، آب هستند. عدد ۵ در چین عدد بخت است. بر خلاف عناصر اربعه چینیان معتقد نبودند که جهان از عناصر پنجگانه ساخته می شود بلکه معتقدند این عنصرها نشانگر تغییر هستند و هر یک عنصر بعدی را می آفریند.

چرخه سازنده یا فلشهای سیاه (به شکل پنج ضلعی) و چرخه مخرب یا فلشهای صورتی (به شکل ستاره) نشان داده شده است.

چرخه سازنده: این عنصرها نشانگر تغییر هستند و هر یک عنصر بعدی را می آفریند یعنی: آب، چوب را تغذیه می کند. --> چوب، سوخت آتش است. --> آتش، خاک را (به شکل خاکستر) به وجود می آورد. --> فلز از خاک بدست می آید. --> فلز می تواند مانند آب جاری شود. چرخه مخرب: اگر این عنصرها نادرست استفاده شوند (یکی در میان استفاده شوند) خطرناک می شوند و چرخه مخربی ایجاد می کنند. زیرا: آب، آتش را خاموش می کند. آتش فلز را ذوب می کند. فلز، چوب را می برد. چوب، خاک را می فرساید. خاک، آب را آلوده می کند.

چرخه تحلیل برنده: برعکس چرخه سازنده است زیرا آتش چوب را تحلیل می برد. چوب آب را ضعیف می کند. آب فلز را، فلز خاک را، و خاک آتش را تحلیل می برد. چرخه تحلیل برنده با چرخه مخرب فرق دارد زیرا چرخه مخرب «شاچی» تولید می کند ولی چرخه تحلیل برنده انرژی منفی ایجاد نمی کند فقط عنصر مورد نظر را کمی ضعیف می کند و اگر عنصری بیش از حد وجود داشته باشد می توانیم از چرخه تحلیل برنده استفاده کنیم تا بدون

فانگ شویی به چینی که به معنای باد و آب است، یک فلسفه و فن باستانی در چین است و برای پیدا کردن دکوراسیون مناسب و چیدمان درست اشیا در ساختمانهای مسکونی، تجاری، باغ و غیره استفاده می شود تا بهترین اثر را بر سلامتی، شادی، موفقیت، هماهنگی و به طور کلی انرژی مثبت چی داشته باشد. مهم ترین چیزهایی که باید رعایت کرد، پرهیز از بی نظمی و هرگونه انباشتگی، استفاده از رنگهای مناسب، خطوط منحنی و در نظر گرفتن جهت های مناسب است.



چی

در فلسفه فنگ شویی، چی (Qi یا chi) نوعی انرژی است که اگر در حالت مثبت باشد شنگ چی (Sheng chi) یا (دم کیهانی) یا (انرژی حیاتی) نامیده می شود و شناس خوب را به انرژی فیزیکی، روابط عاطفی و رفاه مادی تبدیل می کند و جریان داشتن درست و مناسب چی در خانه بسیار مهم است. اما اگر چی را کد بماند و نتواند جریان آزادانه ای داشته باشد به انرژی مخربی تبدیل می شود که شاچی (Sha Chi) یا همان شا نامیده می شود. انباشتگی و بی نظمی (مثلاً اتاق نامرتب و کپه های لباس، یا وسایل بی مصرف در کیف، یا در راهرو و تراس ساختمان) موجب می شوند چی نتواند آزادانه به حرکت در آید و به شاچی تبدیل می شود. برای جریان داشتن چی باید از خطوط نوک تیز اجتناب کرد. مثلاً اثاثیه ای که لبه گرد دارند بهتر از وسایل نوک

پاریناز کدخدایان
مشاور با گواهینامه رسمی
ستاره شناسی و فنگ شویی بر اساس علم قدیم چینی
۵۶۸۷-۷۰۴(۶۵۰)

کمک به ایجاد جریان و حرکت مثبت انرژی در فضای منزل، کار و پیشتر شدن رابطه های خانوادگی و دوستی

جدول زندگی شما با آگاهی به دانش کهن ستاره شناسی و رابطه های نجومی

Transform your environment & transform your life

Feng Shui & Astrology Certified Consultant

برای آسایش روان و آرامش در زندگی با من تماس بگیرید!

www.FengShuiAndLiving.com ★ Parinaz@FengShuiAndLiving.com

شده معجزه کیفیت زندگی و لحظات پرارزش آن را درک می کردیم. آنگاه نیاز کمتری به حرص و محاسبه و دودن داشتیم. در هستی این همه سیارات، ستاره و کهکشان های بی شمار مشاهده می کنیم. زمین از بالای هوایما بسیار کوچک و خانه ها ریز هستند، پس آیا مشکلات خود را چرا باید چنین بزرگ و مسائل خود را چنین شگفت انگیز و مهم بیان کنیم؟ به نعمت های ساده، شاد و روزمره زندگی تمرکز کنیم و بتوانیم مانند کودکی خود قادر باشیم ساده لذت ببریم. دل خود را به یک پیاده روی زیبا، دیدار دوستی خوب، شادی در لبخند کودکی، شکفتن گلی زیبا، مزه خوشمزه یک چای و قهوه، منظره دریا و جنگل، کارهای خیریه و کمک به دیگران خوش کنیم. هرچند مدت زمان آن کوتاه باشد ولی به هر حال آنها را حس کرده و قدرانی کنیم. شاید یک پیاده روی در یک بعدازظهر پاییزی ارزش انتظار رسیدن پاییز را داشته باشد. شاید یک لبخند نیز ارزش بعد از دلتنگی و هجران را داشته باشد. شاید یک حقیقت کوچک هنوز برای کسی بزرگ باشد و در زندگی خود و دیگران تاثیری بگذارد. شاید بشود دوباره دنیا را در لبخند یک عاشق و یا اشک یک گناهکار، زیبا دید، بدیها را بخشید، غم ها را فراموش کرد، شادی های ساده را بپذیرا شد و عشق و گرمی زندگی را زیر پوست خود احساس کرد. عاشق عشق و شادی و زیبایی زندگی باشیم، بدون اما و چرا... حتی در سخت ترین شرایط باید به جستجوی عشق و زیبایی های جهان هستی بود. تا ماه دیگر با گرم ترین انرژی ها منتظر تماس تلفن شما برای هرگونه کمک و سؤال هستیم. با آرزوی سلامتی شادی و امنیت بیشتر و بیشتر.

و یا حفظ مشکلات دارند، زندانیان ما نیستند و کلید رهایی و شادی فقط دست خود ماست که باید طرز کار این قفل سخت و بازکردن آنرا یاد بگیریم. تمرکز و دور زدن در مشکلات و اختلالات باعث قدرت گرفتن آنها و یا تولید مجدد آن توسط قانون جذب و کشش می شود. چه بهتر که به راه حل ها و یا چیزی که جدید و مطلوب است تمرکز کنیم و نه روی مسائل و مشکلات و اختلالات. ساختارهای حل مشکلات و پیشرفت براساس اندیشه و تمرکز بکار برده می تواند برای ما کارساز و واقعی شود. خوب و بد در زندگی وجود دارد و هر دو باعث تکامل و بهتر شدن و آرامش ما هستند! حقیقت و دروغ، شادی و غم، نور و تاریکی، رنج و لذت، هجران و وصال، سرما و گرما... همه تضادهایی هستند که در زندگی وجود دارند و بدون وجود یکی، دیگری معنایی ندارد.

چندی پیش به فیلمی مستند نگاه می کردم که زندگی پروانه ای را نشان می داد که بسیار تلاش می کرد که از پیله اش خارج شود. بدون این تلاش و رنج بالهای او شکننده می شوند ولی با این تلاش و میل به رهایی از یک کرم به یک پروانه زیبا تبدیل می شود که ممکن است که یک روز طول زندگی او باشد و زنده بماند ولی پروانه چنان آرام و بی پروا در دل طبیعت و به روی گلها و چمن ها، دریاچه ها و صخره ها بال می زند و پرواز می کند که انگار هیچگاه نخواهد مرد و این کیفیت است و کمیت ارزش خود را از دست می دهد. برای پروانه تعداد ساعتی که زنده است مهم نیست ولی چگونه ساعات زندگی را بگذراند ارزشمند می باشد. کاش ما انسانها حداقل فقط مقدار کمی هم که

هیچوقت دیر نیست!



آتوسا یکان
مشاور و راهنمای زندگی
Professional Certified Life Coach
atoosa30@yahoo.com



هنر زندگی (کارهای جدید و مفید در سال جدید)

رسیدن به خوشحالی احتیاج به فعالیت برای رسیدن به نقطه تعادل دارد. حرکت و رسیدن به آن با عمیق ترین تمایلات و انگیزه های موجودات زنده سر و کار دارد و هیچگاه این تمایلات و انگیزه ها و خواسته ها را نباید و نمی توان از بین برد

با سلامی گرم و صمیمی به گرمی آفتاب و صمیمت آبی دریاها به شما خوانندگان باوفا و مهربان که با تلفن های خود پشتیبان و مشوق من در نوشتن این مقاله ها هستید. مربی زندگی بودن (Life Coach) مسئولیت و عشق را با هم ارمغان دارد.



بلکه باید آنها را در جهت درست و مثبت و با انرژی سازنده همراه کرد. شکل و نوع مثبت و سازنده به آن داد و کیفیت و کمیت آن را با کمک خود شخص عوض کرد. تبدیل و پیشروی (Transformation) به سوی شادی، تعادل، رضایت، هدف و تخصص Life Couch با تجربه می باشد. من می توانم از اول تا آخر این راه همراه و مربی شما برای بازیافتن آرامش و شادی و یا تعادل و بازیابی خوشبختی که امری درونی است، باشم. در سال جدید ما می توانیم انسانی راضی، بخشنده، مثبت و موفق برای خود و دیگران، در تمام زمینه های زندگی باشیم. خانه تکانی روحی، روانی، جسمی و کاری خود را شروع کنیم زندگی را به معنی واقعی آن، همراه با شادی و عشق بیشتر تجربه کنیم. اگر احساس می کنید که در میان شک ها و تردیدها، وعده و وعده های دست نیافتنی به خود و یا دیگران، خشم و کینه و غم و غصه ها، کمبودها و عدم رضایت از خود و دیگران، شکست های کاری و یا بی هدفی گرفتار هستید، قدم اول را بردارید و با من تماس بگیرید.

مسئولیت برای ادامه نوشتن مطالب مفید و پرجاذبه و لذت بخش و عشق برای تمام خوانندگان و متقاضیانی که تلفنی با من صحبت و کار می کنند.

در آستانه سال جدید ۲۰۱۵ دلم می خواهد که کمی مطالب این شش ماه را دوره کنم و به استقبال سال نو با آغوشی باز و فکری روشن و قلبی گرم برویم. خودسازی، پیشرفت روحی، جسمی و مالی لازمه پیشروی و شادی و موفقیت ما در جاده پرپیچ و خم ولی زیبای زندگیست.

جهان مثل یک جشن عروسی شاد و لذت بخش است که در انتهای آن وصال است. فرزند این وصال، عشق و تعادلی است که زاده می شود و انگیزه های جذاب برای رسیدن به آرامش و شادکامی زندگانی است. اساسا لازمه آفرینش و هر قانونی عشق است. برخلاف تصور ما انسانها، تضاد و سؤال بسیار خوب و سازنده است. بنا به عقیده فلسفه دانان، زندگی که هیچ وقت تحت سؤال نرود ارزش ندارد (A life without examining is not worth living).

یک مربی و یا مدیر خوب در صورت توانمند بودن، می تواند تضادها و تفاوت ها را طوری هدایت کند که صرفا هیچ خواسته ای را از بین نبرد. حرکت و



آتوسا یکان

مربی و راهنمای زندگی
Professional Certified Life Coach
atoosa30@yahoo.com

- ✦ رسیدن به شادی و موفقیت و نشاط درونی
- ✦ خودشناسی، خودسازی، هدف یابی
- ✦ اعتماد و حرمت نفس و تعادل
- ✦ تصمیم گیری های درست در زندگی شخصی و یا کاری
- ✦ روابط و حل اختلافات زوجی و یا خانواده ها
- ✦ صحبت های مثبت و سازنده برای نوجوانان و جوانان



۹۷۰۰-۲۹۷-۹۲۵

است که عادت کنید که میز ناهار خوری را همیشه تمیز و خلوت نگه دارید تا از دیدن آن احساس آرامش پیدا کنید.

نکاتی دیگر

گل‌های خشک و پلاسیده را بیرون ریخته و جای آنها را با گل‌های تازه پر کنید. حتی اگر کفپوش زیبایی چوبی و یا سرامیک مرغوب دارید؛ با افزودن یک قالیچه می‌توانید به گرم کردن فضای دکوری خانه بیافزاید. وجود قالیچه های نرم و گرم در کنار تخت خواب احساس گرما و آرامش را در اولین قدم و شروع روز را برای شما ایجاد میکند.

شمع های سفید رنگ در آرامش موثرند. ترجیحاً از شمع های بدون بو استفاده کنید، زیرشمع های معطر گاهی رایحه ای بیش از حد قوی دارند که نتیجه معکوس به پار می‌آورند. عکس هایی که برایتان یاد آور خاطرات شاد و دوست داشتنی هستند را در دکوراسیون فضاهای مختلف خانه بگذارید. سعی کنید هر روز سبزی از میوه های تازه روی سطح کابینت و یا میز به نمایش بگذارید. با آرزوی زندگی پر از آرامش برای یکایک شما عزیزان در سال جدید.

در هم پیچیده و نابسامان می‌باشد. اولین قدم استفاده کردن از تجهیزات بدون سیم و یا وایر لس است. اگر مجبور به استفاده از تجهیزات سیم دار هستید؛ تا جایی که می‌توانید آنها را مرتب و سازماندهی کنید. می‌توانید از پریش های نزدیکتر استفاده کرده و آنها را در پشت گلدان و یا کابینت پنهان کنید. همچنین کاغذ های متعدد و اشیای کوچک که در اتاق کار نگهداری میشوند؛ در به هم ریختگی و آشفتگی این اتاق نقش زیادی دارند. استفاده از سبدهای یک اندازه حصیری و یا پارچه ای یک رنگ؛ و دسته بندی اشیاء در هر کدام از سبدها و برجسب روی آنها بسیار کمک میکند.

اتاق نهار هوری

همیشه در اتاق ناهار خوری خود یک گلدان پر از گل های تازه و شاداب و همچنین تعدادی شمع، در جای از میز که مجبور نباشید هر بار برای خوردن غذا آنها را تکان دهید؛ قرار دهید. وجود یک اثر هنری زیبا بر دیوار که به شما حس آرامش را القا کند؛ خالی از لطف نخواهد بود. همچنین تا جایی که ممکن است از قراردادن ابزار محیط کار و عناصری مانند کامیوتر و تلویزیون در روی میز ناهار خوری خوداری کنید. خوب



آرامش در خانه یک رویا نیست!

با سلام خدمت تمام خوانندگان گرامی مجله پژوهش، در این شماره در مورد ارتباط آرامش و دکوراسیون داخلی نگاهی داریم. داشتن خانه ای مملو از آرامش، صفا و صمیمیت که بتوان در محیط ساکت و آرام آن یک استراحت جانانه کرد و آرامشی بی کم و کاست را تجربه نمود؛ خیلی جذاب و حتی آرزوی هر فردی است. شاید داشتن چنین خانه ای، کمی سخت و دست نیافتنی به نظر برسد؛ اما حقیقت این چنین نیست. بلکه اگر به درستی شروع کنید و قدم به قدم در مسیری صحیح حرکت کنید، خیلی زود و راحت؛ شاهد آرامش و سکونی و صف نشدنی در بخش های مختلف خانه خود خواهید بود. برای نظافت و مراقبت از دکوراسیون؛ ریتم خاص خود را داشته باشید. در این زمینه آنچه بسیار اهمیت دارد خودشناسی و سبک سیستماتیک کردن روش مرتب کردن است. از خود بپرسید که چه چیزی برایتان نشانه تمیزی و ترتیب در خانه است؟ به طور مثال برای برخی وجود آشپزخانه تمیز و مرتب و برای برخی دیگر فضایی خلوت و کوسنهای پف داده شده و با ترتیب چیده شده روی مبلمان، نشانه تمیزی محسوب میشود. بهتر است تعریف خود را از مرتب بودن مشخص کنید و آن را به ریتم برنامه هفتگی خود در خانه تبدیل کنید تا برایتان آرامش را به ارمغان بیاورد. حال به نکاتی چند در این رابطه میپردازیم.

فضای ورودی

در عین حال تنوعی زیبا بیافریند. البته اضافه کردن رنگ های خنثی؛ سفید و کرم، و حتی مشکی به رنگ اصلی اشکالی ندارد. تنظیم نور اتاق نشیمن یکی از دیگر موارد آرامش در دکوراسیون است. اگر اتاق کم نوری در روز دارید با کنار زدن پرده و یا نصب پردهای حریر ورودی نور طبیعی را با حد اکثر برسانید. و بر عکس اگر اتاق شما بیش از حد نور آفتاب دارد با نصب پرده آن را تنظیم کنید و حس آرامش را ایجاد کنید.

اتاق خواب

هر روز صبح تخت خواب هایتان را مرتب کنید. خیلی خوب است عادت کنید تا این کار را انجام ندهید، اتاق خوابتان را ترک نکنید. این عادت سازنده و مفید که تنها چند دقیقه از وقتتان را میگیرد و شما خیلی سریع و راحت به آن عادت میکنید، تاثیر بسیار زیادی در آرامش دکوراسیون اتاق خواب دارد. هیچ چیز مانند دیدن یک تخت خواب به هم ریخته در بدو ورود به اتاق خواب تشویش و نا آرامی را در شما ایجاد نمیکند. در حالی که هیچ چیز هم به اندازه یک تخت خواب مرتب، قادر نیست احساس آرامش را در نگاه اول در شما بوجود بیاورد.

دفتر کار

یکی از مهمترین عواملی که سکون و آرامش را در دفتر کار مختل میکند به چشم خوردن تعداد زیادی از کابل و سیم های

یکی از اقداماتی که در دکوراسیون ورودی خانه حال و هوایی آرامش بخش خلق میکند، قرار دادن عنصری مانند یک میز کنسول کشیده و کوتاه است، به چشم خوردن چنین عنصری در بدو ورود به خانه احساس آرامش عمیقی را به افراد القا میکند. این حس آرامش و سکون که توسط یک میز کنسول کشیده و کوتاه در ورودی حاصل شده، با قرار دادن یک اینه بزرگ در بالای میز و یا چند اینه کوچک به صورت گروهی آن را چند برابر میکند. نصب اینه فرصت چک کردن ظاهر را به افراد قبل یا بعد از ورود به خانه را میدهد. قرار دادن گلدان گل بر روی کنسول، اولین قدم خوش آمد گویی است.

اتاق نشیمن

یکی از مواردی که به آرامش و ثبات در دکوراسیون کمک میکند، وجود رنگ ها و طرح های خنثی و ملایم می‌باشد. سعی کنید از یک نوع گروه رنگ استفاده شود. و کمتر از طرح های پیچیده و یا رنگهای متضاد در عناصر دکوراسیون مانند: مبلمان، پرده و یا فرش استفاده کنید. اگر مبلمان رنگ آبی را انتخاب میکنید، با اضافه کردن رنگ آبی در لایه های مختلف پر رنگ تر و یا کم رنگ تر می‌توانید در دکوراسیون اتاق هماهنگی و



انجمن فردوسی زاد روز

حکیم فردوسی را گرامی می دارد!

سخنران: آقای محمد علی موسوی
پژوهشگر فرهنگ ایران و ادب فارسی

موضوع سخن: خدمت ترکان در ترویج زبان فارسی و شاهنامه فردوسی

برنامه شامل: پرسش و پاسخ، موسیقی و پذیرایی

موسیقی توسط هنرمند ارزنده بانو مهوش گرامی
با همکاری آقای هوشنگ پاکپور

زمان: شنبه بیست و چهارم ژانویه ۲۰۱۵
ساعت: ۶:۳۰ بعد از ظهر

مکان: مرکز بزرگسالان ایران در شهر سانتا کلارا

تلفن اطلاعات: (408)295-1240

Grace Adult Center
3010 Olcot St., Santa Clara, CA 94054

برای تامین هزینه این نشست، ده دلار ورودی در نظر گرفته شده است



اصل تضاد و اصالت عقل از دیدگاه مولوی و هگل

دکتر حسین مسیح پور

بحر بی پایان بود عقل بشر

بحر را غواص باید ای پسر

صورت ما اندر این بحر عذاب

می دود چون کاسه ها بر روی آب

در ابیات فوق مولوی نظر ما را به این نکته معطوف می دارد که برای جهان و تمام پدیده های عالم خلقت هر لحظه صعود و نزولی یا مرگ و برگشتی وجود دارد و این تجدید و تحول پیوسته و دائمی است و هیچ چیز در دو لحظه ثابت و یکسان نمی ماند و برای تأیید سخن خود، فرموده پیامبر اکرم را به کار می گیرد که الدنیا ساعته که عمر ما و زمان درگذر است. گذشته برگشت ندارد و آینده نیامده است تا بتوان درباره آن تصمیمی گرفت ولی آنچه در دست ماست زمان حال و لحظه ای است که در آن قرار داریم و ما باید از آن نهایت کوشش و مجاهدت را در راه تعالی و کمال خود بکار گیریم و برای تأیید کلام خود تیر و صدایی را که در هوا پایدار نمی ماند مثال می زند و نیز اضافه می کند که عمر ما نیز از این قانون طبیعی مستثنی نیست و گسسته و ناپیوسته است ولی به علت شتابی که دارد ما آن را پیوسته و مدام می دانیم چنان که اگر مشعلی را به اطراف بگردانیم آن را به صورت خطی مستقیم یا منحنی می بینیم در حالی که نقطه ای بیش از شعله نیست که بخاطر سرعت آن یک خط نمودار می گردد و بالاخره دنیا در هر لحظه در هر لحظه نو می شود و ما از این تجدید و تحول و دگرگونی که بر تمام عوامل آن حاکم است بی خبریم.

جلال الدین در موارد دیگری عقل کل را حقیقت و زیر بنای جهان هستی مانند ژرژ ویلهم فردریک هگل قرار می دهد. به ابیات زیر بنگرید:

کلی عالم صورت عقل کل است
کوست بابای هر آنک اهل قل است
این جهان یک فکرت است از عقل کل
عقل کل شاه است و صورتها رسل
البته متفکرین چون بادکلی بر این نظریه اشکال گرفته اند که هیچ کلی بدون تشخیص در ذهن نمودار نمی شود. مثلاً ما نمی توانیم یک خط مستقیم کلی تصور کنیم که نه کوتاه باشد و نه بلند نه ساکن و نه متحرک نه مستقل و نه منفرد ولی اشکال جامعیت ندارد زیرا اگر مشخصات هر چیزی را احاطه کند قابل رویت است و دیگر کلی مورد نظر هگل و مولانا نیست.

پس ترا هر لحظه مرگ و رجعتیست
مصطفی فرمود دنیا ساعتیست
فکر ما تیربست از هو در هوا
در هوا کی باید آید تا خدا
هر نفس نو می شود دنیا و ما
بی خبر از نو شدن اندر بقا
عمر همچون جوی نو نو می رسد
مستمری می نماید در جسد
آن ز تیری مستمر شکل آمده ست
چون شرکش تیزجنابانی به دست
شاخ آتش را بجنابانی بساز
در نظر آتش نماید بس دراز
این درازی مدت از تیزی صنع
می نماید سرعت انگیزی صنع
ابیات زیر تیزی ریزش و تجدد جهان هستی را تأیید می کند:

جهان کل است در هر طرفه العین
عدم گردد و لایقبی زمانین
دگر باره شود پیدا جهانی
به هر لحظه زمین و آسمانی
به هر لحظه جوان و کهنه پیر است
به هر دم اندر او حشر و نشیر است
که هر چیزی به یک ساعت بپاید
همان لحظه که می میرد بر آید

کشانند که جهان آفرینش و تمام عوامل و نمودها و پدیده های آن هر لحظه در حال ریزش و تجدد است و تمام موجودات هر لحظه مرگ و رجعتی یا صودی و نزولی دارند و هیچ چیز در دو لحظه یکسان باقی نمی ماند. به ابیات زیر توجه فرمائید:

روی پرده طبیعت دیده نمی شود. در پشت پرده قرار گرفته و جهانی را نمودار ساخته است و صور طبیعی ما مانند امواج یا نمی از آن دریای عقل کل است.
در ابیات بعدی دلیلی اقامه می کند که عقل کلی شناخته نخواهد شد و اضافه می کند که وقتی سازنده و وسایل معمولی از درک خود عاجز است چگونه این وسایل ساخته شده می تواند سازنده خود یعنی عقل را بشناسد چنان که تیری که از کمان پرتاب شده نمی تواند برگردد و تیرانداز را درک کند. او در فراز دیگر ابیات اشاره بر آن دارد که دریای بیکران اندیشه انسانی وقتی به تلاطم درآمد سخن و آواز را مانند موج دریا آشکار می کند. تو نمود موج و اندیشه را می بینی اما دریای اندیشه که نمود آواز و سخن امواج آن است را نمی بینی و از تو پنهان است و تو از لطافت و روح انگیزی سخن احساس می کنی که منبع اصلی آن باید بزرگ و با عظمت و لطیف باشد زیرا همیشه جزء از ذات کل بهره مند است ولی این جریان بسیار عالی تر و دل انگیزتر از آن است که می اندیشی. توجه فرمائید:

چون ز دانش موج اندیشه بتاخت
از سخن و آواز او صورت بساخت
از سخن صورت بزاد و باز مرد
موج خود را باز اندر بحر برد
صورت از بی صورتی آمد برون
باز شد که انا الیه راجعون
دانش انسان دریای اندیشه را به موج در می آورد. این تموج به صورت سخن در



بقیه از مقاله شماره قبل با عنایت به مطالب گذشته روشن می شود که مطلق همان ذهن است یعنی تعقل است که می تواند مطلق بوده باشد زیرا تعقل در فلسفه شرق هم عالیترین جلوه ذهن است و این ذهن که با تعقل متحد است یا تعقل افراد انسانی نیست مانند ذهن و تعقل این و آن بلکه مقصود از این ذهن و عقل یک حقیقت مجرد است و همان عقل کل است که صاحبان ادیان آن را مشیت الهی معرفی کرده اند.
مولانا جلال الدین در این قضیه نیز با هگل هم نظری دارد و معتقد است که عقل کل اصالت دارد و افراد و اشیا خارجی حقیقت ندارند بلکه مظاهر و جلوه های مقبول از آن حقیقت و وحدت کلی می باشند. او شکوه و عظمت و اصالت عقل را در ابیات زیر تأکید و تأیید می نماید:
تا چه عالمهاست در سودای عقل
تا چه با پنهانست این دریای عقل
بحر بی پایان بود عقل بشر
بحر را غواص باید ای پسر
صورت ما اندرین بحر عذاب
می دود چون کاسه ها بر روی آب
تا نشد پر پسر دریا چو طشت
چونک پر شد طشت در وی غرق گشت
عقل پنهانست و ظاهر عالمی
صورت ما موج یا از وی نمی
هر چه صورت می وسیلت سازدش
زان وسیلت بحر دور اندازدش
تا نبیند دل دهنده راز را
تا نبیند تیر دورانداز را
و در جای دیگر گوید:

صورت از معنی چو شیراز بیشه دان
یا چو آواز و سخن ز اندیشه دان
این سخن و آواز از اندیشه خاست
تو ندانی بحر اندیشه کجاست
لیک چون موج سخن دیدی لطیف
بحر آن دانی که باشد هم شریف
در ابیات بالا مولوی اشاره به فراخی و وسعت و عظمت دنیای عقل دارد و صورت وجودی ما را در روی این دریای بی کران عقل مانند کاسه های خالی می داند که در

بگذار آنها ساکن شوند تا عکس ماه و ستاره ها را در وجود خود ببینی.
مولانا

TOUCHFREEWASH.COM 3% DONATED MONTHLY TO HUMANITARIAN PROJECTS
OPEN 24 HOURS



آب زیر کاه

بهرام گرامی

bgrami@yahoo.com

غیر از زلال اخلاص با جمله دشمن و دوست
آبی نبوده هرگز در زیر کاه ما را
از کلیم کاشانی:
از ریاضت زرد رو مانند زاهد من نیم
کاب تخمیر وجود من به زیر کاه نیست
در بیت بالا، روی زرد زاهد به کاه، خمیره یا باطن او به آب، و خود زاهد به آب زیر کاه
یا آدم حیلہ گر تشبیه شده است.

آب را در زیر کاه (یا گه) پوشاندن یا نپنهان کردن کنایه از پنهان کاری است، با سه بیت
زیر از غزلی متعلق به خاقانی:
رویم ز گریه بین چو گلین کاه زیر آب
از شرم روی تست رخ ماه زیر آب
حال من و تو از تو و من نیست دور از آنک
تو آب زیر کاهی و من کاه زیر آب
خاقانیا به چاه فرو گوی راز دل
کز دوست رازدارتر آن چاه زیر آب

در بیت اول، گلین کاه همان کاه گل است و روی زرد به زردی کاه تشبیه شده است. رخ
ماه زیر آب هم به انعکاس ماه در آب و هم به رخسار زیر اشک اشاره دارد. امروزه نیز از
شرم و خجالت آب شدن و در آب یا زمین فرو رفتن اصطلاح متداولی است. در بیت دوم،
معشوق آب زیر کاه و مکاره و حیلہ گر است و روی زرد عاشق در زیر اشک غرق است.
در بیت سوم، چاه رازدار است، و راز دل به چاه گفتن مضمونی متداول در ادب فارسی
بوده است، آنچنانکه صایب می گوید: با دل پُر رخنه خود می کنم اظهار راز / نیست غیر
از چاه در روی زمین محرم مرا.

سه بیت زیر به ترتیب از خاقانی، مولوی و ادیب نیز با مضمون "آب زیر کاه" است:
حال خاقانی ار چه می داند
آب خود زیر کاه می پوشد

چند نظاره جهان کردن
آب را زیر کاه نپنهان کردن

بسیار آب ها که نپنهان کرد زیر کاه
تا کی کند زمانه نپنهان آب در کپش
و پنج بیت زیبایی زیر از صائب تبریزی است:
ز چرب و نرمی دشمن فریب عجز مخور
دلیر بر سر این آب زیر کاه مرو

چون شود هموار دشمن احتیاط از کف مدہ
مکرها در پرده باشد آب زیر کاه را

زین آب زیر کاه که چرخ است و کپکشان
ایمن مشو که موج خطرها در او گم است

سرسری نتوان به گنه حیلہ اندوزان رسید
کز تأمل آب زیر کاه روشن می شود

آب زیر کاه را باشد خطر از بحر بیش
صائب از همواری اهل زمان غافل مباش
انوری در قطعه زیر آب زیر کاه بودن را در مضمونی بدیع با مفهوم فرجام نیک آورده
است:

تویی کز زلف و رخ در عالم حُسن
ترا هم نیم شب هم چاشتگاه است
بسا خرمن که در آتش زنی، باش
هنوزت آب خوبی زیر کاه است

در بیت اول، سیاهی زلف و سپیدی رخسار به ترتیب به نیمه شب تاریک و سپیده سحر
تشبیه شده است. در بیت دوم می گوید هر چند روی زیبایی تو به خرمن هستی عاشق آتش
می زند، ولی خوبی و مهر درون تو همچون آبی هست که می تواند آن آتش را فرونشاند،
یعنی تو خوب تر از آن هستی که بگذاری عاشق تو در عشق تو بسوزد.

روشن است که عبارت آب زیر کاه به معنی آبی هست که در زیر کاه پنهان باشد، ولی در اصطلاح عامه آب زیر کاه به آدم مکار و حیلہ گر، ناصاف و ناصادق، و غیر قابل اعتماد گفته می شود که در ظاهر خوب و در باطن فتنه انگیز است و به صورت حق به جانب در انجام مقاصد خود بر می آید. ضرر و خطر چنین کسی که در لباس دوست و خیر خواه ظاهر می شود از دشمن علنی که با چهره دشمن به میدان می آید بیشتر است. گاهی آدم های از زیر کار دررو را هم آب زیر کاه می نامند، مثل شاگرد مدرسه ای که انشاء نمی نویسد و مسأله هم حل نمی کند و بیشتر وقت ها هم معلم متوجه تکلیف انجام ندادن او نمی شود، و در آخر سال هم نمره امتحانش به نمره بغل دستی اش بستگی دارد!

در آثار باستانی که از بین النهرین بدست آمده، متعلق به تقریباً چهار هزار سال قبل، بر لوحه ای به زبان Akkadian (زبانی که از دو هزار سال پیش از میلاد مسیح تا آغاز عصر مسیحیت بین سامی ها یعنی عربان و یهودیان متداول بوده و به زبان سامی / اکدی یا آسوری / بابلی نیز معروف است) چنین نوشته شده: "نشانه های دوستی مرد اشونایی (Eshnunna) نام شهری ست باستانی در چهل کیلومتری بغداد امروزی) چیزی جز فریب دادن و آب زیر کاه بودن نیست و من چنین کسی را در دامی خواهم انداخت که خود بافته است." شاید آب زیر کاه از ابتکارات قبایلی بوده که به علت ضعف جز با مکر و حیلہ یارای مقابله با دشمن را نداشته اند، که البته گفته اند مکر و حیلہ در جنگ رواست. به همین جهت برای مغلوب کردن حریف، در مسیر او، روی معبر یا باتلاقی پر آب را با کاه و کلش کاملاً می پوشانیدند تا کسی پی نبرد که در زیر کاه آبی وجود دارد. سوارکاران دشمن بی خیال و بی خبر از همه جا بر کاه و کلش پا می گذاشتند و در آب غرق می شدند. در مرزبان نامه آمده "...آب که در زیر کاه حیلت پوشانند، خصم را به غوطه هلاک زودتر رساند."

در ایران، تا همین اواخر که در ساختمان و بنایی کاه گل به کار می بردند، در کنار خیابان و پیاده روی یکی دو لنگه بار کاه می ریختند و غالباً این کاه ها توی جوی آب می ریخت و روی جوی را می پوشانید. جالب آن که با وجود حرکت آب در جوی کم ترین حرکتی در کاه های روی آب به چشم نمی آمد و همین به چشم نیامدن حرکت آب در زیر کاه است که انسان ناآگاه را ناگاه غافل گیر می کند. آب زیر کاه بودن مفهومی نزدیک به "گاو به چرم اندر بودن" را دارد، به این معنی که تا پوست گاو کنده نشود گوشت و درون آن معلوم و آشکار نمی شود. این اصطلاح فقط در شاهنامه فردوسی دیده شده، با دو بیت شاهد:

به چرم اندر است گاو اسفندیار
ندانم چه پیش آورد روزگار

ز جنگ آشتی بی گمان بهتر است
نگه کن که گاوت به چرم اندر است

در هر حال، "آب زیر کاه بودن" موضوع اشعار بسیار در ادب فارسی قرار گرفته و شاعران نکته سنج مضامینی بس بدیع از آن پدید آورده اند، از آن جمله اند چهار بیت زیر:

از اهلی شیرازی:

طوفان فتنه فلک آبی ست زیر کاه
ایمن مشو که بحر فلک آرمیده است
از سلیم:

شراب با رخ زردم چه کارها که نکرد
به روزگار چنین آب زیر کاهی نیست

در بیت بالا، رخ زرد به کاه تشبیه شده و آب به طراوت و تازگی رخسار پس از نوشیدن شراب اشاره دارد.

از واعظ قزوینی:



تا نظر شما چه باشد! نامه ها و شعرهای رسیده به دفتر پژواک

«خواب»

خواب تو می دیدم
در هاله ای از نور
رنگین چو پروانه
با دامنی از گل
در آسمان یاد
با بوسه های باد
رقصان گذر کردی
آرام و پاورچین
در آن سکوت شب
شوری بپا کردی
زیباتر از هرگاه
رخسار تو، چون ماه
با تندر بوسه
بر دیدگان من
مستانه جا کردی
با خنده ای خوابم
از من رها کردی
هر ذره ی جانم
بیدار تر از پیش
با جان تو پیوست
با سحر چشمانت
با روشنای ناز
خاکستر دل را
روش ز نو، کردی
♦♦♦♦♦
در پرتو عشقت
آتش شدم، آتش
در آن شب زیبا
پیرانه سر، ما را
از نو، جوان کردی
با مهربانی ها
با دلربایی ها
گوی می مرا، جانا
از من، جدا کردی
وین کلبه خاموش
غرق صفا کردی
وین کلبه خاموش
غرق صفا کردی
مصطفی موسوی

"سهراب های تنها"

سهراب گفته بود:
اگر این دنیا پر از آدمهاست
پس چرا این همه دلها تنهاست؟
-او نمیدانست مگر؟
دل هر کس دل نیست،
و هر آدم زاده ای آدم نیست؟
تو و من اگر میدانستیم اما
که سهراب نیز همچون ما،
(در این طولانی شب پر حيله وشوم
که انسان، به آسانی نگردد از دیو و دد معلوم)،
در جست و جوی باشرف آدم هاست
و دل پا کش در آن دم تنهاست.
شاید با سبیدی پر ز گل به دیدنش میرفتیم
یا که اورا با شادی و عشق، به خانه خود دعوتش میکردیم
و در آن محفل پر مهر،
که راستی و درستی، در اندیشه و گفتار و هم در کردار بود،
و انسانیت آنجا، اول شرط، بستن هر عهد و هر میثاق بود
"او"
و "من تنها"
و "توی خویشتن"
همگی باهم، ما میگشتیم، و باهم، ما همراه میگشتیم.
علی جعفرزاده، بهار ۲۰۱۴ سانفرانسیسکو

ای لبث چشمه نوشین و زبانت کندو
ای تنت حاصل پیوند انار و شب بو
کاشکی کشتی دلتنگی طوفان زده ام
باز در اسکله ی چشم تو گیرد پهلوی
می رسد موسم پروانگی دوشادوش
با من از تلخی پرواز غریبانه نگو
باز بگذار که بر شانه ی هم بگذارند
دور از هم سر ما را دو دل تو در تو
می شود نقش شقایق در افقها تکثیر
خوش برقصند اگر آینه ها رو در رو
غیر از دست دلم پای کسی نیست وسط
دیده ای شیر زند پیش غزالی زانو؟!
روی پیشانی تو مانده لبانم مبهوت
مو به ابروی تو می نازد و ابرو بر مو
برده عمریست مرا خواب تو بیدارم کن
صبح با چق چق شیرین النگو بانو
ج. لاهوتی

و انگشتان همان دست را روی دسته
می لغزاند و آرشه را با دست راست به
سیمها تماس می دهد.
نوازندگان شافص: از شاخص ترین
کمانچه نوازان ایرانی می توان به علی
اصغر بهاری، رحمت ا... بدیعی و مجتبی
میرزاده و اردشیر کامکار اشاره کرد.

شبهه ی نواختن: نوازنده ساز در حالت
نشسته پایه کمانچه را روی زمین
(یا صندلی) یا زانو قرار می دهد. ساز
در موقع اجرا کمی حول محور خود
می چرخد و همین عمل تماس آرشه با
سیمها را آسان تر می کند. نوازنده ساز
را به طور قائم در دست چپ می گیرد



گرد آورنده: سولماز مولوی

تاریخچه کمانچه

کمانچه یکی از سازهای ایرانی خاور زمین است. این ساز علاوه بر شکم، دسته و سر، در انتهای پایینی پایه ای دارد که روی زمین یا زانوی نوازنده قرار می گیرد.

پیشینه: نخستین نشانه های تاریخی درباره کمانچه در کتاب موسیقی الکبیر اثر ابونصر فارابی در سده چهارم هجری دیده شده است. او در این کتاب از کمانچه با نام عربی آن، رباب یاد می کند. کمانچه در دوران صفویه و قاجاریه جزو سازهای اصلی موسیقی ایران بوده است. نخستین صدای ضبط شده کمانچه به اوایل قرن بیستم میلادی بر می گردد.



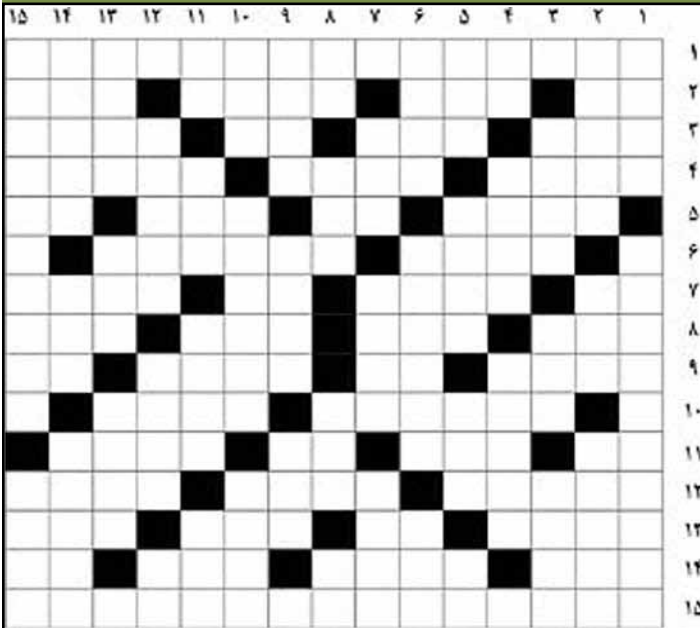
شکل ظاهری: شکم ساز کروی و توخالی است که مقطع نسبتاً کوچکی از آن در جلو به دهانه ای اختصاص یافته و روی دهانه پوست کشیده شده و بر روی پوست، خرکی تقریباً شبیه به خرک تار و نه کاملاً عمود بر سیمها قرار گرفته است.

دسته ساز، لوله ای تو پر است و به طور نامحسوس به شکل مخروط وارونه خراطی شده است. انتهای بالایی این لوله؛ توخالی و در طرف جلو شکاف دارد که نقش جعبه گوشی ها را می یابد. دسته فاقد پرده می باشد. سر ساز متشکل است از جعبه گوشی ها که در دو طرف آن هر یک دو گوشی کار گذاشته شده و یک قبه که در بالای جعبه قرار گرفته است. طول ساز تا سر قبه حدود ۸۰ سانتی متر است.

در گذشته این ساز بدون سیم گیر که به شکل کنونی وجود دارد بوده است در گذشته سیمها مستقیماً به ساز وصل می شدند همانند سه تار یا به وسیله قطعه فلزی سیم هابه آن ربط داده می شد. پس از ورود ویلن به ایران، تاندور ویلن (پیچ های کوچک تنظیم کوک) به سیم گیر

حل جدول در صفحه ۵۰

سرگرمی



پژواک ماهنامه

پژواک ماهنامه
پل ارتباطی ایرانیان شمال کالیفرنیا
۸۶۲۴-۲۲۱ (۴۰۸)

عمودی:

- ۱- جنگل - مجموعه شعری از «مهدی اخوان ثالث»
- ۲- جدار - شک و تردید - آ بگیر
- ۳- ویران - کل و تمامی - برقرار و آباد
- ۴- باران کم - آحاد - از اجزای آجیل
- ۵- دستور - پول زور - لاغر - ماه زمستانی
- ۶- زیارت کننده - هموطن خودمان - شیار باریک
- ۷- شهر خروس جنگی - جاسوس - ممسک
- ۸- افزونی برنج - از کشیدنی ها - از ادات تنبیه - چه کسی
- ۹- رفیق و یار - ریختن سقف - پروردگار
- ۱۰- ثروت و دارایی - از توابع سیستان و بلوچستان - از نام های دخترانه
- ۱۱- شورا - از انواع اتومبیل - سیاهی شهر از دور - قیمت
- ۱۲- یار عروس - سمت راست - مرورید درشت
- ۱۳- استان شعرا - خوب و عالی - دوشنده شیر
- ۱۴- نمایش - نامید - منهدم
- ۱۵- نویسنده آمریکایی «نهنگ سفید» - پادشاه دیوانه رم.

افقی:

- ۱- کتابی از «تامس هاردی» نویسنده انگلیسی
- ۲- حرف دهن کجی - ضمیر مودبانه - آهسته - جوش ریز روی پوست
- ۳- چرک بدن - خط راه آهن - نت بیمار - نمایشی غم انگیز
- ۴- مرض سگ بیمار - مستقیم و درست - موازات
- ۵- وسیله بازی تنیس - حرف راندن حیوانات - نقره - رود اروپایی
- ۶- فوق - قافله
- ۷- طلا - فرشته سوال و جواب - گشوده - واسطه گر معاملاتی
- ۸- خاندان - صدای مهیب جانور درنده - از قبایل عرب جاهلیت - نیم صدای گربه
- ۹- زمین خراب - حرف ندا - داستانسرا - عدد ماه
- ۱۰- مقابل برنده - پیک و برید
- ۱۱- گوشت آذری - چینه دیوار گلی - آب بسته - داور و حاکم
- ۱۲- مجبور - لبخند - علامت
- ۱۳- درود - تپانچه - اشاره به نزدیک - نهی از بردن
- ۱۴- پارچه - پول هخامنشیان - لقب اروپایی - تکرار حرف سی ام
- ۱۵- کلامی کتابی با مفهوم «از شرمساری و بدنامی کسی پیشگیری کردن» است.

تقویم برنامه های فرهنگی و هنری در شمال کالیفرنیا

انجمن ادبی شمال کالیفرنیا

هر دو هفته یکبار روزهای یکشنبه از ساعت ۱:۳۰ تا ۴:۳۰ پس از نيمروز برگزار می شود. ورود برای عاشقان شعر و ادب پارسی رایگان است. برای آگاهی بیشتر با شماره ۹۳۹-۹۹۸-۰۹۳۹ یا ایمیل mayheravi@yahoo.com تماس حاصل فرمایید.

جلسات انجمن فردوسی

هر دو هفته یکبار در دومین و چهارمین جمعه هر ماه
www.ferdosi.org
۴۰۸-۲۹۵-۱۲۴۰
ورود برای عموم آزاد است

جلسات شعر فریمانت

اولین و سومین شنبه های هر ماه میلادی در شهر فریمانت. مکان:
Fremont, Main Library
۵۱۰-۲۲۶-۷۱۶۰
۵۱۰-۷۴۵-۱۴۰۰
ورود برای عموم آزاد است

شب شعر در ساکرامنتو

اولین چهارشنبه هر ماه در رستوران فیمس کباب. تلفن اطلاعات: ۹۱۶-۴۸۳-۱۷۰۰
1290 Fulton Ave., #3
Sacramento, CA

برنامه تلویزیونی رهنمودهای مسیح

با کشیش فرید فروتن یکشنبه ها ساعت ۲:۳۰ بعد از ظهر از کانال ۲۹ سانفرانسیسکو شنبه ها ساعت ۱۰ شب از کانال ۱۵ سن حوزه

آموزش شعر و ادب با نصرت الله نوح

در کلاس تدریس حافظ و حافظ خوانی، غزلیات حافظ از نقطه نظر اسطوره شناسی، تاریخ، آیات و احادیث مورد تحلیل و بررسی قرار می گیرد. هر هفته در روزهای سه شنبه از ساعت ۷ تا ۹ عصر برگزار می شود. (۶۵۰)۵۶۵-۹۶۸۵
Ortega Park, 636 Harrow Way, Sunnyvale

شب بانوان

دومین چهارشنبه هر ماه شروع برنامه با شام و موزیک از ساعت ۷ عصر تا ۱۱:۳۰ ۱۲۳۴-۳۶۹ (۴۰۸) ۶۴۴۰-۳۷۱ (۴۰۸)
مکان: رستوران ساقی
1392 S Bascom Ave, San Jose
ورودیه با شام ۲۵ دلار

کلاس خصوصی

کلاس خصوصی عرفان و رفع مشکلات آثار مولوی، سعدی و حافظ توسط دکتر مسیح پور، استاد دانشکده ادبیات دانشگاه تهران برای کسب اطلاعات بیشتر لطفاً با ما تماس حاصل فرمایید. (۴۰۸)۷۲۵-۲۹۲۲

۸۶۲۴-۲۲۱(۴۰۸)

نیاز مندیها

استخدام

به خانمی ایرانی جهت نگهداری از مادرم برای روزهای یکشنبه و دوشنبه در شهر Half Moon Bay نیاز است.
۴۳۱۸-۴۰۱(۴۰۸)

جویای کار

خانمی تحصیل کرده، قابل اعتماد، قابل اتکاء آماده نگهداری از سالمند یا فرزند عزیز شما همراه با آشپزی غذاهای ایرانی و خانه داری سبک.
۶۹۹۲-۴۷۹(۵۱۰)

جویای کار

خانمی با ۱۲ سال تجربه و دارای مدرک Child Development و با گواهینامه معتبر رانندگی و داشتن اتومبیل، آماده نگهداری از فرزندان دلبنده شما.
۰۸۷۵-۷۲۸(۴۰۸)

آشنایی و دوستی

یک مرد بازنشسته سالم، خواهان آشنایی و دوستی با یک بانوی بالای ۶۰ سال می باشد. سپاسگزار خواهیم شد با تلفن ۰۸۸۳-۷۸۴(۵۱۰) تماس بگیرید.

استخدام

برای زندگی و نگهداری از مادرم به یک خانم با تجربه نیاز می باشد. برای دریافت اطلاعات لطفا با تلفن ۸۴۸۵-۳۴۷(۶۵۰) تماس بگیرید.

جویای کار

خانمی با تجربه، دارای گواهینامه معتبر، مسئول، با حوصله و مهربان، آماده نگهداری از سالمند شما در سن حوزه و شهرهای حومه از ساعت ۸ صبح الی ۲ بعد از ظهر می باشد. ۷۳۸۳-۶۰۱(۴۰۸)

فصل ستارگان

دای

سعی کنید خانه دلتان را تنها از دوستان پر کنید و هرگز گوشه ای از آن را در اختیار دشمنان نگذارید. بزودی هدایا و یا سوغاتی هایی به دستتان خواهد رسید. در یک میهمانی خبرهای امیدوار کننده و خوبی خواهید شنید. در محیط کار یا در امر تحصیل یا تمرکز، موفقیت و منفعت مالی خود را تضمین کنید. با اشخاصی که عادت دارند در مورد دیگران غیبت کنند دوری کنید.

مهر

افکار منفی شما بجز اینکه روابط شما را سست و ضعیف کند هیچ نتیجه دیگری ندارد. پیشنهاد دوستان شما برای گذراندن وقت بپذیرید. این روزها خبرهای غافلگیر کننده ای می رسد که باید از آنها پند بگیرید و قدرتان زندگی خود باشید. کم کم باید به فکر پس انداز باشید. هیچ کس نمی تواند در صورت بروز مشکل به شما کمک کند بجز خود شما.

تیر

دوره ای در راه است که زندگی عاطفی شما را آشفته و نابسامان خواهد کرد. خود را برای برخورد با مسائل و موانع تازه آماده کنید و با عقل و منطق به حل مشکل بپردازید. خبر یک قول و قرار شیرین در خانواده به شما هم می رسد. به بخاطر خدمتی از شما قدردانی خواهد شد. یکی از آرزوهای قدیمی برآورده می شود. به یک مسافرت کاری کوتاه خواهید رفت. تلفن خوشحال کننده ای خواهید داشت.

شرویدین

کوتاه آمدن در برخی مسائل به معنای پذیرش شکست نیست. بلکه ممکنه در اثر یک تغییر و دوراندیشی خردمندانه اتخاذ شده باشد. خود را برای تغییرات عاطفی جدید آماده کنید که به زودی از راه می رسد. شاید با رفتن به یک مسافرت بتوانید تا مدت ها خاطرات قشنگی داشته باشید. کمی به خودتان برسید و تفریح کنید. از رفت و آمد با اشخاص منفی دوری کنید.

بهمن

در زندگی عاطفی شما تحول تازه ای به وجود می آید که در نهایت خوب خواهد بود. بهتر است نگران نباشید و فکرتان را مشغول نکنید چون همه چیز رو براه است. کسی را که در انتظارش بودید، ملاقات می کنید و یا یک فرصت طلایی بدست می آورید. پس سعی کنید از این فرصت استفاده کنید. این ماه حوادثی اتفاق می افتد که در مجموع به نفع شما خواهد بود.

آبان

برخوردهای اخیر شما کاملا احساساتی و نسنجیده بوده و از این برخوردها باید درس گرفت و قبل از اینکه تاثیر منفی روی دوستانتان بگذارد آنها را تصحیح کرد. یک سفر این روزها مناسب خواهد بود. در این سفر روحیه تازه ای پیدا خواهید کرد و با دوستان جدیدی آشنا می شوید. همین موضوع در نگرش شما به زندگی تغییراتی را به وجود می آورد که پسندیده خواهد بود.

مرداد

بیش از حد تحت تاثیر حرف های این و آن قرار می گیرید. باید به جای احساسات، عقل و منطق خود را ملاک قرار دهید. به سود مالی می رسید که قابل توجه است. به فکر آینده باشید و آن را پس انداز کنید. با خوش بینی روز را شروع کنید. در این صورت هم با انرژی مثبت به کارهایتان می پردازید و هم به اطرافیان انرژی می دهید. یکی از دوستان نزدیک مشکلی دارد که با شما مطرح خواهد کرد.

اردیبهشت

اتفاقاتی می افتد که شما را دوباره امیدوار و خوش بین خواهد کرد. شما دوستدار زندگی هستید اما نباید خود را به رویاهای دور و دراز سرگرم سازید. نامه یا خبری می رسد که جالب و شنیدنی خواهد بود به شرط آنکه اعتماد به نفس خوبی داشته باشی. شهرت و ثروت در دسترس خواهد بود. باید با استفاده از استعداد و توانمندی های خود آینده تان را بسازید.

اسفند

این روزها مورد انتقاد و سرزنش قرار می گیرید. اما نباید ناراحت باشید چون همه اینها از روی دوست داشتن و علاقه زیاد به شماست. هر انسانی وقتی کسی را دوست داشته باشد و نگران آینده او باشد، عکس العمل های متفاوتی نشان می دهد. باید برای تغییر دادن وضعیت اقتصادی از هیچ کوششی دریغ نکنید. قراردادی را امضاء خواهید کرد. در موردش دقت کنید.

آذر

سوء تفاهم کوچکی به وجود آمده که به زودی برطرف می شود. نباید از تصمیم و نظر خود برگردید چون حق با شما بوده است و دیگران هم به زودی خواهند فهمید. خبرهای خوشی در انتظار شماست. یک دوست قدیمی به دیدارتان خواهد آمد. مرحله مهمی را پشت سر گذاشتید و سود خوبی به دست آوردید. این موفقیت راه را برای شما باز می کند. مسافری از راه دور می رسد.

شهریور

تردید و دودلی، مانع گرفتن تصمیم مهم و جدی خواهد بود. ادامه این شرایط به نفع شما نیست. پس بهتر است تکلیفتان را با خودتان روشن کنید. اگر می خواهید تکانی به اوضاع مادی خود بدهید، باید قدرت ریسک کردن داشته باشید و خود را نشان بدهید. رسیدن به سود نیازمند پذیرش مسئولیت تازه و نشان دادن شایستگی و توانمندی است. از ولخرجی اجتناب کنید.

فرورد

باید صبر کنید تا آبهای رفته به جوی باز گردد، در چنین حالتی می توانید پیش قدم شوید تا مشکلاتتان حل شود. روزهای آینده برای شما روشن و آفتابی خواهد بود. اگر بعضی بدبینی ها را از خود دور کنید، می توانید برای آینده تصمیم های مهمی بگیرید و برنامه ریزی کنید. خبرهایی می رسد که خوشحال کننده است و وضعیت مالی شما را برقرار می کند.



اگر وقتی بماند...

نعیمه دوستدار

همه ما ساعت‌های خسته‌کننده و طولانی کار را به امید روزهای تعطیل و اوقات فراغت سپری می‌کنیم. اوقات فراغت، به معنای فراغت از کار و زمان راحتی از دلمشغولی‌هاست. روز تعطیل آخر هفته، روزهایی به یاد ماندنی است که دست‌کم شاغلان سراسر جهان انتظار رسیدن آن را دارند.

برای بیشتر خانواده‌های ایرانی، فصل تابستان هم دغدغه اوقات فراغت را با خود دارد. بچه‌ها، امتحان‌های آخر سال را داده‌اند و پدر و مادرها کنار فکر کردن به چگونه پر کردن اوقات فراغت آنها به وقت‌های خالی خودشان هم فکر می‌کنند و زنان به عنوان نیمی از جمعیت فعال دنیا، نیازها و علاقت خاص خود را دارند، اما تاکنون به اوقات فراغت آنها و شیوه گذران آن به شکل خاص پرداخته نشده و به دلیل شرایط فرهنگی و اقتصادی، پرداختن به اوقات فراغت برای زنان ایرانی شرایط و موانع خاص خود را دارد.

فراغت تجربه‌ای است که فرد هنگام رهایی از الزامات کار روزانه براساس نیازها و علاقه‌های شخصی، داوطلبانه و متناسب با نیاز و ذوق خود آن را انتخاب می‌کند تا جسم، فکر و شخصیت او فرصت رشد و پرورش پیدا کند. فراغت این امکان را به فرد می‌دهد تا با بازسازی انرژی و توان از دست رفته، با قدرت و توان حرکتی مضاعف شروع به فعالیت کند. به همین علت است که چگونه گذراندن اوقات فراغت، یک نیاز ضروری تلقی می‌شود و نهادهای مختلف جامعه برای این که آن را به فرآیندی هدفمند، اصولی و برنامه‌ریزی شده تبدیل کنند، در تلاشند.

در این میان، اوقات فراغت زنان خانه دار شاغل، مسأله مهم و قابل توجهی است که به خاطر نقش کلیدی زن در خانه پررنگ‌تر هم می‌شود و از آنجا که زنان پایه‌های اصلی یک خانواده سالم هستند، سلامت جسم و روانشان اهمیت ویژه‌ای در سلامت روان بقیه افراد خانواده دارد.

اما نکته اینجاست که تلقی زنان خانه‌دار از فراغت، اوقات بیکاری است و با توجه به بار معنایی منفی بیکاری در فرهنگ ایرانی، زنان سعی می‌کنند بیکار نباشند و اصولاً زمانی به عنوان بیکاری را برای خود نمی‌پسندند. این که زنان خانه‌دار اصرار دارند بگویند وقت بیکاری ندارند،

قطعاً به این معنی نیست که سراسر روز را مشغول انجام دادن کارهای خانه هستند، بلکه از اطلاق این عنوان بر ساعت‌های فراغت خود بیزارند.

فراغت ممنوع

بسیاری از زنان، کنار مشغله‌های روزانه و کار بیرون از خانه، ساعت‌های بسیاری را در تنهایی بدون داشتن برنامه‌ای از پیش تعیین شده می‌گذرانند. برای خیلی از آنها داشتن زمانی به عنوان وقت آزاد و بدون مشغله، از نظر فکری و فلسفی محدودی ممنوع تلقی می‌شود. آنها خود را تمام و کمال متعلق به خانواده می‌دانند و به این ترتیب تلاش می‌کنند بیشتر اوقات، خودشان را به شکلی مشغول نگه دارند تا نه در خودشان توقع داشتن یک برنامه ویژه به وجود بیاید نه از سمت دیگران متهم به کم‌کاری و خودخواهی شوند.

غرق شدن در فعالیت‌های روزانه باعث می‌شود بسیاری از زنان از اوقات فراغت خود احساس رضایت نکنند. آنها افسرده می‌شوند و احساس می‌کنند عمرشان به بطلالت می‌گذرد. مهناز پاکدست، روان‌شناس زنان معتقد است: «زنانی که نمی‌توانند از اوقات بیکاری خود استفاده کنند، از نظر روانی آسیب می‌بینند و احساس نوعی ناامنی روانی می‌کنند. افسردگی ساده‌ترین شکل بروز نتایج این احساس است و در تداوم این احساس، هم جسم و هم روحشان فرسوده می‌شود و در نهایت کیفیت زندگی و روابط آنها با خانواده هم اثر می‌پذیرد و ممکن است حتی باعث طلاق و فروپاشی نظام خانواده شود.» کارشناسان براساس همین عواقب معتقدند سلامت روانی زنان در گروه برنامه‌ریزی برای همین اوقات فراغت است. پاکدست می‌گوید: «زنان وقتی از کارهایشان فراغت پیدا می‌کنند، تازه فرصت دارند درباره خود و دیگران فکر کنند. اگر برای پر کردن این ساعت‌ها که مدت آن کم هم نیست، فکری نشود و برنامه مشخصی ارائه نشود، سلامت روانی که یکی از مظاهر جامعه سالم است، اتفاق نمی‌افتد.»

این کارشناس روان‌شناسی اجتماعی معتقد است سختی‌ها و دشواری‌های زندگی به تنهایی هرگز قادر نیستند زنان خانه‌دار را افسرده و مایوس کنند، بلکه نداشتن برنامه برای ساعات فراغت و تغییر در

سرنوشت خود است که استرس را به جان آنها می‌اندازد. اگر شرایط طوری باشد که زنان خانه‌دار احساس کنند در سرنوشت خانواده تاثیر گذارند، زندگی‌شان پر از لذت و شادی می‌شود.

هر وقت بقیه بیکار شدند

یک بررسی کوتاه نشان می‌دهد رابطه معکوس معنی داری بین قدرت تصمیم‌گیری مردان درباره شکل گذراندن اوقات فراغت زنان و میزان پرداختن آنها به فعالیت‌های خاص اوقات فراغت وجود دارد؛ یعنی این که بسیاری از زنان هم به شکل کلی، این که اصلاً وقت فراغتی داشته باشند یا نه، و هم به شکل جزئی، این که اوقات فراغتشان را چگونه بگذرانند وابسته به تصمیم همسرشان هستند. زنان معمولاً با این توقع ناگفته مواجه‌اند که باید تمام توانشان را صرف خانه کنند و پرداختن به خود قبلی ناگفته دارد. این ترس در زنان وجود دارد که اگر مشغول به فعالیتی خاص خودشان شوند، از سمت دیگران متهم به خودخواهی و سهل‌انگاری شوند و به خاطر همین ترجیح می‌دهند فعالیت‌های سرگرم‌کننده‌شان را در قالب کارهای روزانه و در تعریفی دیگر انجام دهند. به عنوان مثال برای بسیاری از زنان، اوقات فراغت با تلویزیون یعنی تماشای فیلم و سریال شروع می‌شود و روزهای بیکاریشان را با خرید و بالا و پایین کردن مغازه‌ها می‌گذرانند. به این ترتیب آنها بدون این که تصور شود فعالیت‌های جدا از خانواده دارند، لحظه‌هایی برای تنفس از فشار کار روزانه پیدا می‌کنند.

وقت سفرانندن

مرز روشنی میان کار و فراغت زنان خانه‌دار وجود ندارد. یکی از عوامل تعیین‌کننده در فراغت زمان است. به نظر می‌رسد زنان خانه‌دار کمتر پیش می‌آید که زمان خاص و برنامه‌ریزی شده‌ای را به فراغت و فعالیت‌های فراغتی اختصاص دهند. دلیل این امر تپ کار خانگی است. کار خانگی از یک برنامه کاملاً مشخص پیروی نمی‌کند و یک کار مداوم است.

مهناز پاکدست می‌گوید: «معمولاً اوقات فراغت جمعی خانواده به وسیله مردان و براساس شرایط آنها تعیین می‌شود و زنان در این مورد تصمیم نمی‌گیرند. براساس مدت و زمان مرخصی شوهر از کار، خانواده‌ها تصمیم می‌گیرند به فلان سفر بروند یا عصر روزهای تعطیل را چگونه بگذرانند. از طرفی، بین میزان مشارکت مردان در انجام کارهای خانه با میزان اوقات فراغت زنان رابطه معنی‌داری وجود دارد.» یعنی اساس این که زنان فرصتی برای استراحت، تفریح یا فعالیت‌

سرگرم‌کننده پیدا کنند تا حد زیادی به این برمی‌گردد که همسرشان چقدر در مسائل بچه‌ها و کارهای روزانه منزل با آنها همکاری کند.

در واقع، نحوه گذران اوقات فراغت، کاملاً بستگی به کار و فراغت دیگر اعضای خانواده دارد. زنان خانه‌دار اوقات فراغت خود را با زمان کار و فراغت همسر و فرزندان‌شان تنظیم می‌کنند. مثلاً اگر بچه‌ها در حال درس خواندن باشند، از تماشای تلویزیون اجتناب می‌کنند. تعطیلات افراد خانه‌دار معمولاً تابعی است از تعطیلات همسر، افراد شاغل و محصل خانواده.

اول بچه‌ها، بعد خودم

بچه‌ها هم معمولاً بیشترین وقت یک زن خانه‌دار را به خودشان اختصاص می‌دهند و به خاطر همین، بین تعداد فرزندان خردسال و میزان رضایت زنان از گذران اوقات فراغت رابطه معنی‌داری وجود دارد. بیشتر زنان ترجیح می‌دهند تمام همشان را صرف چگونه گذراندن اوقات فراغت فرزندان‌شان کنند و هر چه تعداد فرزندان بیشتر باشد این مسوولیت بیشتر هم می‌شود. بسیاری از زنان معتقدند از قضا مسوولیت و مشغله آنها در روزهای تعطیل و هنگام فراغت اعضای دیگر خانواده، بیشتر هم می‌شود و آنها مجبورند برای انجام یک سفر یا گردش دست جمعی انرژی بیشتری صرف کنند.

پاکدست معتقد است چون روزهای تعطیل و فرصت‌های استراحت بر پایه قراردادهای اجتماعی تعیین شده‌اند، این فرصت‌ها را نمی‌توان به عنوان اوقات فراغت زنان در نظر گرفت و مقایسه میزان کارهای روزانه زنان خانه‌دار در یک روز تعطیل و یک روز غیر تعطیل، نشان می‌دهد آنها در روزهای تعطیل فراغت کمتری دارند. به عبارتی، فراغت همسران و بچه‌ها در خانه برای زنان کار ایجاد می‌کند: «مردان به این خاطر می‌توانند در داخل یا خارج خانه به فعالیت‌های فراغتی بپردازند که با پایان کار، مسوولیت‌شان تمام می‌شود، در حالی که کارهای روزمره خانگی و نگهداری از بچه‌ها به عهده زنان است.» به همین علت بعضی مواقع فعالیت فراغتی زنان خانه‌دار به شکلی در خدمت به اعضای خانواده و انجام کارهای خانه می‌گذرد.

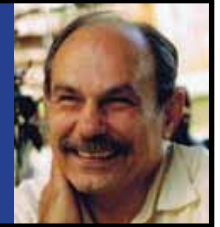
تنها در خانه

بیشتر زنان برای گذراندن اوقات فراغت‌شان جایی بهتر از خانه پیدا نمی‌کنند. تماشای تلویزیون، کتاب خواندن و گفتگوهای تلفنی از فعالیت‌های است که زنان در وقت‌های فراغت‌شان انجام می‌دهند و بیشتر این فعالیت‌ها در خانه انجام می‌شود و می‌توان گفت فراغت زنان خانه‌دار، شکل درون خانگی دارد.

خیلی قدیم های تهران

بخش پنجم

عباس پناهی



نرود. پیش از آنکه سپیده سحر بدمد، در تاریکی شب، بچه ها را زیر بغل میزدند و به حمام میرفتند. مادر ها بسکه بچه ها را میساییدند، پوست پدمان سرخ میشد و از اول تا آخر حمام، آزادی ای نداشتیم. اما وقتی با پدر به حمام میرفتیم، از حمام لذت میبردیم. هرچقدر شیطنت میکردیم، کسی دعویمان نمیکرد. اما در حمام زنانه مدام از زنهای دیگر نفرین میشدیم. یکبار که البته آخرین بارم بود که به حمام زنانه رفتم، پنج ساله بودم. پیرزنی را دیدم که در کنار حوضچه وسط حمام، چُمباتمه نشسته و با طاس حمام، آب بر میدارد و به قسمتی از بدنش میریزد که برایم شگفت انگیز بود. چون پدرم برس لباسی سیاه رنگ داشت که به آن ماهوت پاک کن میگفتند. در آن لحظه که پیرزن به آن بخش از بدنش آب میریخت و آنرا میسایید، بنظر آمد که در آنجا ماهوت پاک کن را گذاشته و با دستش آنرا میشوید و برایم عجیب بود که چرا آن ماهوت پاک کن به زمین نمی افتد. من غرق در حیرت بودم که پیرزن متوجه من شد و شروع به چیغ و داد کرد و فحش و ناسزا را به مادرم کشید و چون مادرم هم با او به مشاجره و دفاع از من بر آمد که این بچه چیزی نمی فهمد، زنهای دیگر هم شروع به داد و قال کردند که از سرو صدایی که از حمام زنانه در آمد، (زن اووستا) که باصطلاح مدیر بخش زنانه حمام بود، آمد که ببیند چه خبر شده، و از سمت حمله زنهای، فهمید که مسئله حمام، من هستم و بنابراین به مادرم گفت زود بچه را بشور و بپوش. زنهای به اعتراض به مادرم میگفتند دفعه بعد، پاپاش رو بیار و مادرم دیگر جواب هیچکدام را نداد. مرا تند و تند شست و در حوله پیچید و بیرون آورد. لباس تنم کرد.

دنباله مطلب در صفحه ۵۲

میشدند و وسیله ای برای باز کردن جاده ها وجود نداشت و اصولاً جاده ای که برآستی، جاده باشد، در هیچ جای کشور نبود. و به همین سبب، پس از هر بارش، میبایستی مدتی معطل میماندند تا برفها، آب شوند و حرکت کردن، امکان پذیر گردد. در زمستان های تهران تنها چیزهایی که توسط دست فروشان بر روی الاغ به شهر آورده و بفروش میرسید، عبارت بودند از؛ هویج یا زردک، چغندر یا لپو، ازگیل، انار، تَرَب سیاه، خرما، و بعضی میوه ها هم فقط به اندازه ای که برای شب چله کفایت کند، مانند؛ هندوانه و خربزه و انگور انباری که آنها را در انبار هایی به طناب هایی که از سرتاسر انبار ها کشیده بودند، می آویختند تا سالم بمانند، که در شب چله به مصرف برسد. بعلت برف گیر بودن راه های به بندر های شمالی کشور، هرگز در زمستان، ماهی تازه یافت نمیشد و در عوض ماهی هایی را که نمک سود کرده بودند و یا دود داده بودند، در انبار ها نگهداری و به فروش میرسیدند. که همیشه شب عید های نوروز، سبزی پلو با ماهی را با ماهی شور یا با ماهی دودی میپختند. پلو از خوراک های بسیار تشریفاتی بود که کسی بیشتر از هر ماه یکبار، توان مالی برای خوردنش را نداشت. وقتی از خانه ای صدای قاشقی می آمد که به ته قابلمه کشیده میشود که ته دیگ را پتراشد، همه همسایه ها میفهمیدند که در آن خانه، امروز پلو سر سفره بوده و همه با حسرت میگفتند: خوش بحالشان.

صبح جمعه ها، نوبت رُفت و روب کرسی بود و اصولاً پختن کوفته. از اغلب خانه ها، صدای هُونگ (هاون) می آمد که معلوم بود دارند گوشت کوفته ای را میکوبند تا در عین نرم شدن، پیوندشان گسسته نشود و کوفته، به اصطلاح (وا)

شلاق در هوا، صدایی از آن در میآورد تا اسب را متوجه حضور شلاق کند... هر وقت درشکه ای از محله میگذاشت، بچه ها به دو، خود را به عقب درشکه میسازدند و از زیر اتاقک، به محور دو چرخ عقب درشکه آویزان میشدند و تا مسافتی سوار بر آن، جلو میرفتند و درشکه چی هم بر حسب عادت و تجربه، هر وقت از محله ای رد میشد که بچه ها در آن محله بازی میکردند، در طول عبور از آن محله، چندین بار، شلاقش را به سمت عقب درشکه پرتاب میکرد و غالباً هم به سر و صورت بچه ها خورده میشد و بچه ها هم از ترس آنکه دوباره شلاقی بخورند، آنرا رها میکردند و برمیگشتند. بزرگترین وسیله حمل و نقل وسایل و مصالح ساختمانی و غیره، یابو و الاغ بود که گاه به گاری میبستند و گاه، به تنهایی بر رویش دو خورجین میگذاشتند و یا دو سبد هرمی شکل، که وارونه به اینطرف و آنطرف الاغ بسته میشدند. حمل میوه ها، بوسیله همان سبد های بزرگ هرمی شکل انجام میشد. گاری ها هم دو نوع بودند گاهی به الاغ میبستند و گاهی نفر آنرا میکشید.

آبی که مصرف میکردیم از جوی گرفته میشد. ماهی یکبار نوبت آب به هر خانه میرسید که توسط شخصی که او را میراب مینامیدند، این نوبت داده میشد. خانه ها، یک حوض داشتند و یک آب انبار که راه عبور آب به آنها از طریق راه آبی بود که توسط قطعات استوانه ای توخالی سفالی که بدنبال هم نصب میشدند، آب را به آب انبار و حوض میسازیدند. به این لوله های کوتاه سفالی، تنبوشه میگفتند. هنگامی که آب وارد حوض و آب انبار میشد، کاملاً گل آلود بود و میبایستی یکی دو روز صبر کنیم تا گل ها ته نشین شوند که بشود از آنها استفاده کرد. این آبها، برای شستشوی همه چیز استفاده میشد اما آب خوراکی را به دو طریق میشد بدست آورد. محله هایی که دارای چاه قنات بودند، توسط سطل و طناب، از آن، آب میکشیدند و سطل دیگر و یا کوزه ها را بر آب میکردند و برای نوشیدن میبردند و اگر چاه قناتی نبود، آب را از گاری هایی که بشکه بسیار بزرگ پر از آبی را حمل میکردند، سطلی یک ریال (یک قران) خریداری مینمودند.

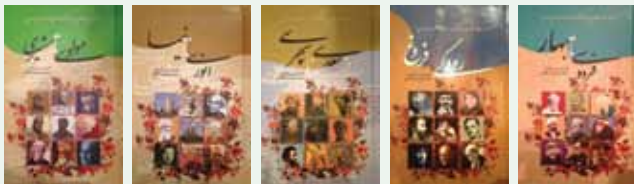
با آمدن برف، جاده های بین استانها بسته

...هنوز وسع مالی مردم به آن اندازه نرسیده بود که برای خود اتومبیلی خریداری کنند. اتومبیل هایی که در شهر تردد میکردند بیشتر دولتی و یا متعلق به اشخاصی بود که ثروتمند بودند و بازمانده شازده های قجری. گاهی که در محله مان برحسب اتفاق اتومبیلی میآمد و توقف میکرد، همه بچه ها برای دیدن آن بدورش جمع میشدند و بچه هایی که وابسته به راننده یا صاحب اتومبیل بودند، با غرور، جلو آن میایستادند و بچه هایی را که دست به آن اتومبیل دراز میکرد را میزدند. اتومبیل ها با (هندل) روشن میشدند. هندل یک میله فولادی بود که به شکل پله درست شده بود و یک سرش دارای شکافی بود که آنرا از جلوی ماشین و در زیر رادیاتور که دارای سوراخی بود و ادامه میل لنگ موتور در انتهای سوراخ قرار داشت فرو میکردند و آن شکاف هندل، به میل لنگ، جفت میشد و برای روشن کردن ماشین، باید هندل را حول محور آن سوراخ و میل لنگ، میچرخاندند تا مراحل سوخت و جرقه و انفجار در موتور انجام، و موتور به کار بیافتد. خیلی از مواقع میشد که ماشین با هندل روشن نمیشد و راننده از بچه ها خواهش میکرد که آنرا هل بدهند. بچه ها هم خوشحال میشدند و شروع به هل دادن میکردند تا ماشین روشن میشد و راننده هم به پاس آن زحمت بچه ها، همه را سوار میکرد و یک دور، دور محله میگردد و بر میگشت و بچه های خوشحال را پیاده میکرد و میرفت و پس از آن، ساعت ها، بچه ها در باره آنکه چگونه سوار آن اتومبیل شدند و شکل و اندازه و نرمی صندلی و غیره با هم گفتگو میکردند. وسایل رفت و آمد در شهر، درشکه بود و گاری. درشکه را اسب میراند و یک درشکه چی در یک صندلی تکی پشت دُم اسب مینشست و پشت سر درشکه چی هم یک اتاقک نیم کره ای از جنس چرم و معمولاً سیاه رنگ که در داخل آن نیمه اتاق، یک صندلی دونفره سوار بود. بدنه آن نیم اتاقک در پشت بود و سر نشینان آن به بدنه اتاقک تکیه میدادند و جلو شان برای سوار و پیاده شدن و دیدن مناظر روبرو باز بود. درشکه چی همیشه شلاقی در دست داشت و با زدن به حیوان راهش می انداخت و گاه به گاه هم با حرکت دادن

سیروسفری در گلستان ادب پارسی

گردآوری و نگارش مهندس پرویز نظامی

مجموعه کتاب در هفت جلد مشتمل بر شرح حال-تحلیل و معرفی آثار و گلچینی از زیباترین اشعار شاعران-عارفان و عالمان ایران در یکپهزار و دو بیست سال اخیر



قیمت هر جلد بیست دلار
تلفن سفارش و خرید

۷۷۸۷-۲۰۸-۵۱۶

parviznezami@yahoo.com

شاخه و برگ

نظر کرد. بعد از رفتن باغبان، مشاجره بین شاخه و برگ بالا گرفت و بالاخره دوباره شاخه مغروانه و با تمام قدرت چندین و چند بار خودش را تکاند تا اینکه به ناچار برگ با تمام مقاومتی که داشت از شاخه جدا شد و بر روی زمین افتاد. باغبان در راه بازگشت، وقتی چشمش به آن شاخه افتاد بی‌درنگ آن شاخه را از بیخ قطع کرد. شاخه بدون آنکه مجال اعتراض داشته باشد بر روی زمین افتاد.

ناگهان صدای برگ جوان را شنید که می‌گفت: «اگر چه به خیالت زندگی ناچیزم در دست تو بود ولی همین خیال واهی پرده‌ای بود بر چشمان واقع‌نگر که فراموش کنی نشانه حیات من بودم.»

فروش بوی غذا

تو خورده است؟»
آشپز گفت: «نه، ولی از بوی آن استفاده کرده است.»
بهلول چند سکه نقره از جیبش در آورد و به آشپز نشان داد و به زمین ریخت و گفت: «ای آشپز، صدای پول را تحویل بگیر.»
آشپز با کمال تحیر گفت: «این چه قسم پول دادن است؟»
بهلول گفت: «مطابق عدالت است؛ کسی که بوی غذا را بفروشد در عوض باید صدای پول دریافت کند.»

نویسنده آمریکایی کن فالت نگاشته شد و فیلم فرار عقابها نیز از روی آن ساخته شد. زندانی عادی اصولاً خودش حس می‌کرد که خطا کرده است. زندانی سیاسی مدعی بود که حکومت خطا کرده است. زندانی سیاسی خودش را صاحب مکتب و فکر می‌داند. با یک زندانی سیاسی نمی‌شود و نباید مثل زندانی عادی رفتار کرد و همین تفکر است که زندان را برای یک زندانی سیاسی محیطی آرام می‌کند. زندانی بودن در زمانی که حکومت را خطاکار می‌دانی به نوعی عبادت محسوب می‌شود. قسمت غیرقابل تحمل آنجاست که گاهی در بندهای زندان بین سیاسیون و اوپاش تداخل می‌شود و آنها با یکدیگر هم سلول و هم اتاق می‌شوند که آن هم قسمتی از شکنجه‌های روحی و روانی برای زندانیان سیاسی است.

به طور کلی زندان نامی رعب آور و ناخوشایند است که روح هر انسان آزاده ای را آزار می‌دهد ولی اکثر آدمها دوست داشتند حتی چند روز هم که شده در زندان باشند و از پشت دیوارهای بلند زندان خبری داشته باشند، مثل اینکه زندانی بودن افتخاری بود و از زندان آمده‌ها با تجربه تر و پخته تر از مردم دیگر بودند.

یک روز گرم، شاخه‌ای مغروانه و با تمام قدرت خودش را تکاند و به دنبال آن، برگ‌های ضعیف و کم طاق جدا شدند و آرام بر روی زمین افتادند. شاخه چندین بار این کار را دهمنشانه و با غرور خاصی تکرار کرد تا اینکه تمام برگ‌ها جدا شدند و شاخه از کارش بسیار لذت می‌برد.

برگی سبز و درشت و زیبا به انتهای شاخه محکم چسبیده بود و همچنان در مقابل افتادن مقاومت می‌کرد. باغبان تیر به دست، داخل باغ در حال گشت و گذار بود و به هر شاخه خشکی که می‌رسید آن را از بیخ جدا می‌کرد و با خود می‌برد. وقتی باغبان چشمش به آن شاخه افتاد با دیدن تنها برگ آن، از قطع کردنش صرف

یک روز مردی از بازار عبور می‌کرد که چشمش به دکان خوراک پزی افتاد. از بخاری که از سر دیگ بلند می‌شد خوشش آمد. تکه نانی که داشت بر سر آن می‌گرفت و می‌خورد. هنگام رفتن، صاحب دکان گفت: «تو از بخار دیگ من استفاده کردی و باید پولش را بدهی!»

مردم جمع شده بودند. مرد بیچاره که از همه جا درمانده بود بهلول را دید که از آنجا می‌گذشت. از بهلول تقاضای قضاوت کرد. بهلول به آشپز گفت: «آیا این مرد از غذای

اولین زندانی زندان قصر، سازنده آن یعنی سرتیپ درگاهی بود. او تنها دو روز پس از همراهی رضاشاه در مراسم افتتاح زندان، در همان زندان محبوس گردید. قوام السلطنه، صارم الدوله، صولت الدوله، عبدالحسین تیمورتاش، بزرگ علوی و علیمردان خان بختیاری و پنجاه و سه نفر معروف و همچنین دکتر تقی ارانی برخی از زندانیان معروف این زندان هستند. فرخی یزدی، شاعر سیاسی و پرواوزه ایرانی که خود از مقتولین دوران رضا شاه به شمار می‌رود، غزلی گفته با مطلع «ای دژ سنگدل قصر قجر قاجار» که مفقود شده است. همچنین بزرگ علوی نیز در آثار خود به این زندان و خاطرات خودش از آن اشاره نموده است. بزرگترین و معروف ترین مورد فرار از زندان قصر، در زمان رضاشاه مربوط به سیدفرهاد نامی از مخالفان رضاشاه بوده است. و در زمان محمدرضا شاه نیز معروف ترین فرار مربوط به اشرف دهقان از مبارزان مسلح می‌باشد. اندکی پیش از وقوع انقلاب اسلامی ایران، درهای زندان قصر باز و دیوار آن توسط زندانیان تخریب شد. در میان خلاص شدگان از زندان، دو آمریکایی متهم به اختلاس نیز حضور داشتند که ماجرای فرار آنها توسط

یادی از گذشته

گردآورنده: الی نژاد

زندان قصر

قرار داشت که هریک دارای اتاقی بود. بر دیوارهای بنا تصاویر شاهزادگان قاجار نقاشی شده بود. در بین تصاویری که بر روی دیوارها بود، تصاویر جنگ های چنگیزخان مغول و تیمور لنگ نیز دیده می شد که قاجارها ادعا می کردند نسبشان به آنها می‌رسد.

ناصرالدین شاه در سال ۱۲۸۶ ق در بنای قصر تغییراتی به وجود آورد و ملحقاتی به آن اضافه کرد. این قصر از اواخر دوره ناصرالدین شاه کارایی

اصلی خود را از دست داد.
دوره پهلوی اول
(۱۳۰۴-۱۳۲۰ شمسی)

پس از روی کار آمدن رضا شاه، سرتیپ درگاهی، رئیس نظمیۀ تقاضای یک محل وسیع تر برای زندانیان کرد. نیکلمارکوف روسی (معمار



و دوست رضا خان) مامور بررسی و انتخاب مکان مناسب برای احداث نخستین زندان به شیوه متمرکز شد. او قصر وسیع قاجار را برای ساخت زندان انتخاب کرد.

با انتخاب این مکان، بودجه لازم تامین شد و زندان قصر در روز ۱۱ آذر ۱۳۰۸ با ۱۹۲ اتاق، ۹۶ اتاق به صورت جمعی و مابقی انفرادی، ساخته شد. علاوه بر آن، در قسمت مریض خانه شش اتاق شش نفری و شش اتاق یک نفری ساخته شده بود. زندان قصر گنجایش ۸۰۰ نفر زندانی را داشت.

دوره پهلوی دوم (۱۳۲۰-۱۳۵۷ شمسی)

در دوران پهلوی دوم ساختمان های متعددی به مجموعه اضافه شد، از آن جمله ساختمان زندان شماره ۲ موسوم به زندان سیاسی که به ابتکار تیمسار رزم آرا بنا شد. در این زندان بسیاری از مخالفان رژیم پهلوی محبوس بودند. در دهه ۳۰ زندان از لحاظ خدمات و امکانات بسیار فقیر و ابتدایی بود. امکاناتی همچون آب آشامیدنی، حمام، امکانات درمانی قابل قبول، وسایل روشنایی و خنک کننده و حرارتی آن بسیار کم بوده است. می‌گویند در تابستان آب جوی را می‌جوشاندند، در کوزه می‌گذاشتند تا خنک شود.

در زمان ریاست سوئدی ها بر شهربانی (نظمیه) تهران، زندان نظمیه در محل ساختمان فعلی شهربانی در باغ ملی واقع بود. این زندان مرکب از دو سه اتاق کوچک معروف به حبس نمره یک و چند اتاق و یک زیرزمین برای زندانیان عمومی بود. در آغاز حکومت رضا شاه، محل قبلی تکفوی تعداد زندانیان را نمی‌کرد. لذا سرتیپ درگاهی رئیس نظمیه تقاضای یک محل وسیع برای ایجاد زندان تهران نمود و محلی که برای این کار در نظر گرفته

شد قصر قاجار (در چهارگوش سه راه زندان، پل سیدخندان، خیابان شریعتی و خیابان پلیس) بود که دارای ساختمان های وسیع قدیمی و متروکه بود. این مجموعه که در سال ۱۱۶۸ خورشیدی ساخته شده بود، بخشی از آن محل مناسبی برای ایجاد زندان تشخیص داده شد.

زندان قصر در تاریخ ۱۱ آذرماه ۱۳۰۸ به دست رضا شاه افتتاح گردید. فاز اولیه زندان در زمان افتتاح دارای ۱۹۲ اتاق، با گنجایش ۸۰۰ زندانی، بود. بعدها و تا زمان ساخت زندان اوین در دهه چهل، این زندان تنها زندان پایتخت بود. در این دوران زندان قصر توسعه زیادی پیدا کرد. پس از انقلاب اسلامی ایران این زندان محل حبس زندانیان غیر سیاسی بود.

این مجموعه که به دستور فتحعلیشاه قاجار ساخته شد، دارای یک عمارت بزرگ شامل اندرونی و بیرونی، باغ و کلاه فرنگی بود و این بنا به قصر قجر یا تخت قجر معروف شد. از ویژگی های این بنا آن است که در سه طبقه در بالای تپه قرار گرفته است. طبقه سوم شامل یک اتاق بزرگ می‌شد که از چهار طرف مناظر اطراف آن قابل دیدن بود و چهار برج در چهار سوی آن

آمده بود از شوق دست در گردنش انداختم و رویش را بوسیدم. جبرخان هم از فرصت استفاده کرده مرا در آغوش کشید. منکه انتظار این عکس العمل او را نداشتم خودم را از آغوش بیرون کشیدم و از او خواستم فوراً اتاق مرا ترک کند. جبرخان اول کمی روی خواسته اش پافشاری کرد ولی چون مرا خیلی جدی دید خودش را کنار کشید و گفت شناسنامه و چهار قطعه عکس بده تا برایت پاسپورت بگیرم. وقتی شناسنامه را به او می دادم گفت که این جسارت مرا هم فراموش کن و یادت باشد که با کسی صحبت نمی کنی.

باز یک چند روزی گذشت و من روز شماری می کردم تا ببینم جبرخان کی تاریخ رفتن مرا اعلام خواهد کرد. یک روز مرا صدا کرد در حالیکه یک پاسپورت و مقداری پول به من می داد گفت چمدانت را ببند و آماده برای رفتن باش. فقط یک مسئله پیش آمده و آن اینکه من با تو نمی توانم بیایم بنابراین ترا با یکی از کارمندان راهی خواهم کرد همه سفارش ها را به او کرده ام. مرد مورد اطمینان من است. برایت آنجا هتل گرفته ام تا خودم بیایم و بگویم چه باید بکنی.

این حرف او یک کمی ته دلم سنگینی کرد لیکن ذوق و شوق خارج آنقدر بود که به دلم بد راه ندادم ضمن اینکه تا آن زمان هیچ خلاقی چه از نظر اخلاقی و چه خانوادگی و یا دروغی از او ندیده و نشنیده بودم و گل بانو هم هیچوقت شکایتی از او نداشت. فردا ساعت موعود فرا رسید در غیاب گل بانو نامه ای برایش نوشتم که چون فوریتی در کار بود مجبورم به سندیج برگردم. با عرض معذرت و تشکر فراوان در فرصت مناسب تلفنی خواهم ماجرا را برایش تعریف خواهم کرد.

ماشین جلوی درب آماده بود. جوانکی کمی سیه چرده، لاغر اندام با سر و وضعی مرتب از ماشین پیاده شد و چمدان مرا برداشت و در صندوق عقب ماشین جای داد و سپس درب ماشین را برام باز کرد و بعد خود در پشت فرمان نشست و راه افتاد. پرسیدم کجا می روم؟

پاسخ داد: فرودگاه خانم و بعد از آینه ماشین نگاهی به من کرده گفت: برای اولین بار است دبی تشریف می بریدی؟

گفتم: بله مگر جبرخان با شما صحبت نکردند؟

گفت: من فکری کردم، اگر موافقت کنی شاید بهتر و زودتر به ارزویت برسی. با ذوق و شوق گفتم: باشه هرچه شما بگوئید. چکار باید بکنم؟

جبرخان گفت: حالا به موقعش بتو خواهم گفت. چند روزی گذشت ولی جبرخان دیگر صحبتی راجع به اون پیشنهادی که گفته بود نکرد.

یک روز او را تنها گیر آوردم و گفتم شما راجع به صحبتی که آن روز کردید هنوز موقعش نرسیده؟

خنده ای کرد و گفت: چرا این امتحان بود ببینم چقدر در حرفهای جدی هستی امشب برایت خواهم گفت.

ساعت نزدیکی های ۸ شب بود گل بانو به من تلفن کرد که به جبرخان بگویم که او شب منزل نمی آید و پیش یکی از دوستانش خواهد بود. جبرخان که برای کاری بیرون رفته بود ساعتی بعد آمد و چون گل بانو را ندید از من پرسید که او کجاست؟ منم پیغام گل بانو را به او دادم و چون دیر وقت بود به اطاقم رفتم و مشغول خواندن کتاب انگلیسی شدم که جبرخان به اتاقم آمد. وقتی با تعجب از او پرسیدم که اتفاقی افتاده؟ گفت نه آمده ام تا راجع به رفتن تو صحبت کنیم. آمد و روی لبه تخت نشست. من که لباس خواب تنم بود کمی ناراحت شدم و فوراً ملافه را بدور خود پیچیدم. جبرخان خنده ای کرد و گفت فکر نمی کردم پس از یک سال چندماه هنوز من برایت غریبه باشم؟

گفتم اینطور راحت ترم. شما می خواستید راجع رفتن من صحبت کنید من گوش می کنم.

جبرخان گفت: اول اینکه خوب درباره مطالبی که بتو می گویم فکر کن و دوم اینکه با هیچ کس صحبت نمی کنی بخصوص با گل بانو دل در دلم نبود که بالاخره چه پیشنهادی دارد.

او گفت: من در دبی شرکتی دارم که تو می توانی برای مدتی آنجا مشغول به کار شوی مخصوصاً که زبان هم یاد گرفته ای و این موضوع در پیشرفت تو بسیار میسر است. یکسال که برای من کار کنی به اندازه کافی پول برای تحصیل در اروپا و یا آمریکا خواهی داشت بعلاوه اینکه من کمکت می کنم که بهر دانشگاهی می خواهی بروی.

آنقدر ذوق زده شده بودم که زبانم بند

گل نم شیدوش باستانی

داستان دنباله دار



مقدمه: همراه با تشکر و قدردانی تقدیم به دوست زیبا و نازنینم گل نم. ۱۶ سال طول کشید تا توانستم گل نم را پیدا کنم و از او اجازه بگیرم تا داستان زندگی را همانگونه که بود به رشته تحریر در آورم. در این سرگذشت نویسنده از هر نوع تشابه اسمی و استراتژی رزمی و منطقه ای و یا اشتباهات تاریخی خود را معذور میدانم. سننا باربارا - کالیفرنیا

هایی فراهم آورده بود تا هرچه می تواند جلوی درس و تحصیل را به خصوص برای دخترها و زن جماعت بگیرد.

جبرخان خیلی کم در منزل پیدایش میشد، کارش بیشتر در جنوب و شیخ نشینها بود و ماهی یکی، دوبار به تهران میآمد، همسر جوان جبرخان، گیز بانو، زنی ۳۴ ساله بود و او را گل بانو صدا می کردند. اینطور که می گفت ۵ سالی از شوهرش جوان تر بود. صبح ها برنامه ورزش و بعدازظهرها کلاس موسیقی میرفت و همیشه ساعت ۸ شب به خانه برمیگشت. تنها وظیفه من این بود که غذا را حاضر کنم، میز را بچینم تا خانم که تشریف می آوردن بنشینیم و با هم شام بخوریم و بنده به حرفهای خانم گوش کنم و صبحها قبل از اینکه ایشان از خواب بیدار شوند صبحانه حاضر و قهوه آماده باشد. خوب من به این مقدار کار راضی بودم بهرحال بایستی به جای پول کرایه و خورد و خوراک کاری می کردم. خیلی هم جای شکرگذاری داشت. این وضع تقریباً حدود یک سال و چند ماه طول کشید. هیچ خبری از مادر و فامیل نداشتم این اواخر جبرخان کمتر مسافرت میرفت و در نتیجه ما همدیگر را بیشتر می دیدیم. اکثر اوقات ساعتها می نشستیم و درباره موضوعات گوناگونی صحبت می کردیم. در ظاهر مرد مطمئن و مهربانی به نظر می آمد.

روزی همانطور که بیرون سرمیز مشغول خوردن چایی بودیم روبه من کرد و گفت: گل نم تو برای آینده ات چه برنامه ای داری؟ منظورم این است که می خواهی چکار کنی؟ تحصیل کنی، کار کنی و یا شوهر کنی؟

- راستش الان نمی دانم خیلی دلم می خواست برم خارج!!

جبرخان حرفم را تکرار کرد و گفت خارج؟ خارج چکار کنی؟

- درس بخوانم و مدرک بگیرم و بعد کار و زندگی.

جبرخان سری تکان داد و گفت: خارج کجا؟ اروپا؟ آمریکا؟ کانادا؟ کجا؟

- نمی دانم شاید آمریکا اگر بشود که عالی.

در تهران آشنایی داشتیم به اسم جبرخان که سالها از او بی خبر بودیم تا اینکه چندی پیش از اینکه نا پدري ام كشته شود به دیدار ما آمده بود و در یک گرد هم آئی از فامیل، حالا به شوخی و یا جدی به مادرم گفت که گل نم را برای تحصیل به تهران بفرست من خودم از او نگهداری می کنم. مادرم هم که در آن موقع در تحت تسلط ناپدري بود گفت که باید اجازه این کار را از ناپدريم بگیرد که خوب جواب معلوم بود این شد که من پس از اینکه به تهران رفتم و به او تلفن کردم، بسیار صمیمانه و گرم آغوش خانواده اش را بروی من باز کرد و مرا پذیرفت. جریان زندگی و فرار خود را به او گفتم. مرا تسکین داد ولی من هنوز می ترسیدم که مبادا مرا به مادرم برگردانند. هرچند همسرش نشان نمی داد که از آمدن من به آن خانه راضی است لیکن از اینکه اقلاً جایی برای خوابیدن و گذرای زندگی داشتم خوشحال بودم. باید زمان می گذشت تا بتوانم برای آینده خود تصمیم بگیرم.

در اولین فرصت جای مطمئنی برای پنهان کردن پولها انتخاب کردم و زمانی که از بابت آنها خیالم راحت شد برنامه ای برای تحصیل و یاد گرفتن زبان انگلیسی درست کردم. از جبرخان خواهش کردم مبلغی بعنوان قرض در اختیارم بگذارد تا بتوانم در کلاسهای مورد نظرم اسم نویسی کنم و او هم بدون هیچ عذر و بهانه ای چند میلیون تومان به من داد و یادآور شد که هرگاه احتیاج به پول بیشتری داشتم او را در جریان بگذارم. از او تشکر کردم و با خود فکر کردم که این جبرخان چه آدم خوبی است و چقدر راحت پول خرج می کند ولی نمی دانستم که کارش چیست! آنها بچه ای نداشتند بنابراین کم و بیش از بودن من در آن خانه زیاد ناراضی نبودند. اتاقی با تمام وسائل در طبقه دوم به من داده بودند تا راحت باشم و به درس هایم برسم. منم واقعا زحمت می کشیدم تا هرچه زودتر حداقل زبان انگلیسی را یاد بگیرم، هر چند که انقلاب محدودیت

دنباله مطلب در صفحه ۰۴



شعری از بانو پروین اعتصامی در زمان کشف حجاب

پیشه اش، جز تیره روزی و پریشانی نبود
 زن چه بود آنروزها، گر زانکه زندانی نبود
 کس چون، در معبد سالوس، زندانی نبود
 در دبستان فضیلت، زن دبستانی نبود
 آشکارا بود این بیداد، پنهانی نبود
 در نهاد جمله گرگی بود، چوپانی نبود
 سرنوشت و قسمتی، جز تنگ میدانی نبود
 این ندانستن، ز پستس و گرانجانی نبود
 خرمن حاصل نبود، آنجا که دهقانی نبود
 بهر زن هرگز نصیبی زین فراوانی نبود
 در گلستان، نام این مرغ گلستانی نبود
 زیرک آنزن، کورش این راه ظلمانی نبود
 با زمرد یاره و لعل بدخشانی نبود
 عزت از شایستگی بود، از هوسرانی نبود
 قدر و پستی، با گرانی و به ارزانی نبود
 گوهر تابنده، تنها گوهر کانی نبود
 زبور و زر، پرده پوش عیب نادانی نبود
 پای را آسیبی از آلوده دامانی نبود
 وای اگر آگه ز آئین نهبانی نبود
 زانکه میدانست کانجا جای مهمانی نبود
 توشه ای و رهنوردی، جز، بشیمانی نبود
 چادر پوسیده، بنیاد مسلمانی نبود
 ورنه در این کار سخت امید آسانی نبود
 ساحلی پیدا از این دریای طوفانی نبود
 مهر رخشان را نشاید گفت نورانی نبود

نیمشب همدم من دیده گریان من است
 ناله مرغ شب از حال پریشان من است
 خنده ها بربل من بود و کس آگاه نشد
 زین همه درد خموشانه که بر جان منست
 قافل از حق شدم و قافله عمر گذشت
 ناله ام زمزمه روح پریشان منست
 در بر عشق بسی دم زدم از رتبت عقل
 گفت خاموش که او طفل دبستان من است
 مهدی سهیلی

دلا خوبان دل خونین پسندند
 دلا خون شو که خوبان این پسندند
 متاع کفر و دین بی‌مشتی نیست
 گروهی آن گروهی این پسندند
 بابا طاهر

با یار به بوستان شدم رهگذری
 کردم نظری سوی گل از بی‌نظری
 آمد بر من نگار و در گوشم گفت:
 رخسار من اینجا و تو در گل نگری؟
 فخرالدین عراقی

زن در ایران پیش از این گوئی که ایرانی نبود
 زندگی و مرگش اندر کنج عزلت می گذشت
 کس چون زن، اندر سیاهی قرن‌ها منزل نکرد
 در عدالتخانه انصاف، زن شاهد نداشت
 دادخواهی های زن میماند عمری بی جواب
 بس کسان را جامه و چوب شبانی بود، لیک
 از برای زن، به میدان فراخ زندگی
 نور دانش را ز چشم زن نهان می داشتند
 زن کجا بافنده می شد، بی نخ و دوک و هنر
 میوه های دکه دانش فراوان بود، لیک
 در قفس می آرمید و در قفس میداد جان
 بهر زن، تقلید تیه فتنه و چاه بلاست
 آب و رنگ از علم میبایست، شرط برتری
 جلوه صد پرنیان، چون یک قباب ساده نیست
 ارزش پوشنده، کفش و جامه را ارزنده کرد
 سادگی و پاکی و پرهیز، یک یک گوهرند
 از زر و زبور چه سود آنجا که نادان است زن
 زن سبکساری بنیند تا گرانسنگ است و پاک
 زن جو گنجور است و عفت گنج و حرص و آزدزد
 اهر من بر سفره تقوی نمی شد میهمان
 پا براه راست باید داشت، کاندرا راه کج
 چشم و دل را پرده میبایست، اما از عفاف
 خسروا، دست توانای تو، آسان کرد کار
 شه نمی شد گردر این گمگشته کشتی ناخدای
 باید این انوار را پروین به چشم عقل دید

به پرواز
 شک کرده بودم
 به هنگامی که شانه هایم
 از توان سنگین بال
 خمیده بود...
 شاملو

من نگویم که مرا از قفس آزاد کنید
 قفسم برده به باغی و دلم شاد کنید
 فصل گل می گذرد هم نفسان بهر خدا
 بنشینید به باغی و مرا یاد کنید
 عندلیبان گل سوری به چمن کرد ورود
 بهر شاد باش قدمش همه فریاد کنید
 یاد از این مرغ گرفتار کنید ای مرغان
 چو تماشای گل و لاله و شمشاد کنید
 هر که دارد ز شما مرغ اسیری به قفس
 برده در باغ و یاد منش آزاد کنید
 آشیان من بیچاره اگر سوخت چه باک
 فکر و بران شدن خانه صیاد کنید
 ملک الشعراء بهار

بی همگان به سر شود بی تو به سر نمی شود
 داغ تو دارد این دلم جای دگر نمی شود
 دیده عقل مست تو چرخه چرخ پست تو
 گوش طرب به دست تو بی تو به سر نمی شود
 جان ز تو جوش می کند دل ز تو نوش می کند
 عقل خروش می کند بی تو به سر نمی شود
 خمر من و خمار من باغ من و بهار من
 خواب من و قرار من بی تو به سر نمی شود
 جاه و جلال من تویی ملکوت و مال من تویی
 آب زلال من تویی بی تو به سر نمی شود
 گاه سوی وفا روی گاه سوی جفا روی
 آن منی کجا روی بی تو به سر نمی شود
 دل بنهند بر کنی توبه کنند بشکنی
 این همه خود تو می کنی بی تو به سر نمی شود
 بی تو اگر به سر شدی زیر جهان زبر شدی
 باغ ارم سقر شدی بی تو به سر نمی شود
 گر تو سری قدم شوم و تو کفی علم شوم
 و بر روی عدم شوم بی تو به سر نمی شود
 خواب مرا ببسته‌ای نقش مرا ببسته‌ای
 وز همهام گسسته‌ای بی تو به سر نمی شود
 گر تو نباشی یار من گشت خراب کار من
 مونس و غمگسار من بی تو به سر نمی شود
 بی تو نه زندگی خوشم بی تو نه مردگی خوشم
 سر ز غم تو چون کشم بی تو به سر نمی شود
 هر چه بگویم ای صنم نیست جدا ز نیک و بد
 هم تو بگو به لطف خود بی تو به سر نمی شود
 مولوی

دعوت

ترا افسون چشمانم ز ره برده ست و میدانم
 چرا بیهوده می گویی دل چون آهنی دارم
 نمیدانی نمیدانی که من جز چشم افسونگر
 در این جام لبانم پاده مرد افکنی دارم
 چرا بیهوده میکوشی که بگریزی ز آغوشم
 از این سوزنده تر هرگز نخواهی یافت آغوشی
 نیمترسی نیمترسی نیمترسی که بنویسند نامت را
 به سنگ تیره گوری شب غمناک خاموشی
 بیا دنیا نمی آرزد به این پرهیز و این دوری
 فدای لحظه ای شادی کن این رویای هستی را
 لبث را بر لبم بگذار کز این ساغر پر می
 چنان مستت کنم تا خود بدانی قدر مستی را
 ترا افسون چشمانم ز ره برده است و میدانم
 که سر تا پا به سوز خواهشی بیمار میسوزی
 دروغ است این اگر پس آن دو چشم راز گویت را
 چرا هر لحظه بر چشم من دیوانه می دوزی
 فروغ فرخزاد



Protecting our communities one home at a time.

1-888-298-9274



Health Response Systems



Living independently doesn't mean you're alone. Help is here with the ADT Companion Services Personal Emergency Response Systems.

Shop Now



From burglary & fire monitoring to complete home automation, we have an ADT Home Security package that is right for you.

ADT Pulse Remote Security



From almost anywhere, you can have the power to arm and disarm your home - it's home automation, climate and light control, and video.

piece of mind



ADT award winning home security offers your home 24-hour security monitoring for burglary, fire, carbon monoxide and more.

Video Surveillance



Keep an eye on what matters most, whether you're there or on-the-go. With home video surveillance, you can have peace of mind.

Help protect your home and family with a monitored alarm system. 24 hours a day, every day.

- ✓ Wireless Keypad
- ✓ Three Points of Protection
- ✓ Pet Sensitive Motion Detector
- ✓ Loud High Decibel Siren
- ✓ Yard Sign & Window Decal
- ✓ Lifetime Warranty

کدام بیماری ایرانی ها را بیشتر تهدید می کند؟

فیروزه رمضان زاده

۳۷۲۲۷۹ نفر، این آخرین آمار است که درباره تعداد افراد فوت شده در سال ۹۲ توسط مراجع رسمی در ایران منتشر شده است. اگرچه وزیر بهداشت با اعلام کاهش سن بیماری های قلبی به ۳۵ سال گفته ۵۰ درصد از مرگ و میرها مربوط به امراض قلبی است ولی تاکنون آمار تفکیکی دقیقی درباره علت مرگ اعلام نشده است. بر پایه رده بندی های رسمی دلایل فوت در پزشکی قانونی، بیماری های قلبی و عروقی، تصادفات و سوانح و سرطان به عنوان عوامل اصلی مرگ و میر در بین شهروندان ایرانی شناخته شده اند. آلودگی هوا را هم باید در زمره عوامل مرگ و میر ایرانیان برشمرد. معصومه ابتکار، رئیس سازمان حفاظت محیط زیست ایران دلیل یک مورد از هر هفت مورد مرگ شهروندان را آلودگی هوا دانسته است. تنها در پایتخت ایران روزانه ۳۱۰ شهروند تهرانی بر اثر پیامدهای آلودگی هوا می میرند.

هر ساله هزاران ایرانی به بیماری سرطان دچار می شوند و از میان مبتلایان، سالانه بیش از ۴۰ هزار نفر می میرند. وزیر بهداشت ایران گفته است که وضع خیلی نگران کننده نیست و نه تنها آمار سرطان در ایران نسبت به اروپا و آمریکا پنج تا شش برابر کمتر است بلکه این آمار در منطقه نیز کمتر است اما دکتر اکبری، رئیس انجمن سرطان کشور معتقد است روند رشد سرطان در ایران پرشتاب است و اگر کاری نکنیم آمارهای داخلی مان از متوسط جهانی بالا می زند. بر اساس گزارش ۲۷ آبان، روزنامه ایران «شیوع سرطان از سال ۶۸ تا ۸۸ در ایران، بیش از شش برابر افزایش داشته و پیش بینی می شود آمار ابتلا به سرطان در ایران تا ۲۰ سال آینده دو برابر شود.» در سال های اخیر از پارازیت به عنوان یکی دیگر از عوامل تشدید کننده سرطان ها در ایران یاد شده است.

دکتر ایرج خسرونی، رئیس انجمن متخصصان داخلی در گفتگو با ایران ویر به علل شیوع بیماری سرطان، شناخت بیماری، عواملی نظیر بالا رفتن سن و مراجعه به پزشک اشاره می کند و شیوع سرطان سینه در زنان و سرطان پروستات در مردان و نیز شیوع سرطان کولون در هر دو جنس را از موارد شیوع سرطان در بین شهروندان ایرانی می داند. او با اشاره به برخی موارد خاص مانند سرطان مری در شمال ایران، نوع غذا و برخی عوامل محیطی را موثر می داند و می افزاید: «مصرف ماهی دودی و کنسرو شاید از عوامل این نوع سرطان باشد.» بر اساس اعلام مسئولان وزارت بهداشت ایران سرطان های معده، ریه و کبد به عنوان

کشنده ترین سرطان ها در ایرانیان شناخته شده اند. افراد سرشناس بسیاری در چند سال گذشته به دلیل ابتلا به سرطان جان خود را از دست داده اند، از مرتضی پاشایی ۳۰ ساله گرفته تا مجید بهرامی ۳۷ ساله دو خواننده جوان و همچنین ایرج قادری، بازیگر و کارگردان سینما، حمید سمندریان، کارگردان و نویسنده تئاتر و خسرو شکیبایی، بازیگر سینما، غلامحسین مظلومی و ناصر حجازی دو پیشکسوت فوتبال، حسین معدنی مربی والیبال، همایون خرم، موسیقیدان و آهنگساز و ده ها شخصیت فرهنگی و اجتماعی دیگر.

رئیس انجمن متخصصان داخلی ایران همچنین بیماری سندرم متابولیک را از جمله بیماری هایی می داند که در سال های اخیر باعث مرگ واز کارافتادگی شهروندان ایرانی شده است. به گفته این متخصص، سندرم متابولیک که مجموعه چاقی، دیابت، فشار خون، تنگی رگ ها هستند، بیماری ست که بیشتر در اثر پرخوری و مصرف فست فود، عدم حرکت و استعمال دخانیات به وجود می آید و سکنه قلبی و مغزی از عوارض مهم این بیماری است. یک مورد کشنده دیگر دیابت است. سن ابتلا به دیابت در ایران ۱۰ تا ۱۵ سال کمتر از نرخ جهانی است و نزدیک به ۹ درصد از جمعیت ۲۵ تا ۶۰ ساله ایران مبتلا به این بیماری هستند. ۲۵ میلیون شهروند ایرانی اضافه وزن دارند و به گفته مسوولان وزارت بهداشت هر سال ۳۴ هزار نفر به نوعی به دلیل چاقی می میرند. از سوی دیگر دست کم ۱۰ میلیون نفر از ایرانی ها مبتلا به فشار خون بالا هستند که این بیماری زمینه ساز مرگ ۸۳ هزار نفر در



سال می شود. محمد و یکی از متخصصان بیماری های داخلی در ایران که نخواست نامش فاش شود در گفت و گو با ایران ویر بیماری های مزمن غیرواگیر نظیر آسم، دیابت و بیماری های قلبی و عروقی را از شایع ترین بیماری های ساکنان شهرهای بزرگ ایران می داند، به ویژه بیماری آسم یا تنگی نفس که در سال های اخیر به خاطر وجود برخی آلاینده ها رشد زیادی داشته است.

او بیماری های کبد چرب و پوکی استخوان را از دیگر بیماری های بسیار شایع در بین شهروندان ایرانی می داند که اغلب ناشی از بی تحرکی و تغذیه ناسالم در شخص به وجود می آیند. این پزشک متخصص ساکن ایران، شیوع بالای سرطان معده و مری و روده بزرگ به ویژه در میان مردان



ایرانی را ناشی از تغذیه ناسالم می داند و می گوید: «شیوع بالای سرطان پستان در میان زنان ایرانی در مقایسه با دیگر کشورها می تواند زنگ خطری باشد، چرا که این سرطان از همان مراحل بسیار ابتدایی قابل شناسایی و کنترل است.»

دکتر علی کرامتی، متخصص بیماری های اطفال ساکن ایران نیز در گفتگو با ایران ویر بیماری های آلرژیک را یکی از شایع ترین بیماری ها در بین کودکان ایرانی می داند و می افزاید: «این بیماری ها در همه فصول شایع هستند که البته در فصل زمستان بیشتر شاهد شیوع این بیماری ها به ویژه آلرژی های تنفسی و آسم کودکان هستیم.»

دکتر کرامتی در ادامه توضیح می دهد: «امسال پوشش واکسیناسیون تعدادی از بیماری های تنفسی نظیر هموفیلوس انفلونزا که سال ها در اروپا و آمریکا رایج است و به قیمت ۳۰ هزار تومان وارد برنامه واکسیناسیون کشوری شده است.» وی با بیان اینکه هنوز واکسن بیماری پنوموکوک وارد برنامه واکسیناسیون کشوری نشده می گوید: «این واکسن به قیمت ۱۳۰ هزار تومان در بازار موجود است و اگر در چند نوبت تزریق شود، فرد باید تا حدود ۵۰۰ هزار تومان برای خرید این واکسن هزینه کند.

وی نیز با بیان اینکه بیماری سرطان در همه جای دنیا رو به افزایش است می افزاید: «سرعت این بیماری در ایران بیشتر است و در این میان، روند شیوع بیماری سرطان کودکان همانند سایر گروه های سنی رو به افزایش است.»

جنین به این بیماری مبتلا شده اند. دکتر کرامتی در ادامه به معضل افزایش شیوع بیماری اچ آی وی در بین کودکان ایرانی اشاره می کند و می گوید: «این روند ناشی از افزایش شیوع ایدز در کل جامعه است که منجر به شیوع بیماری در بین اطفال شده است. بیشتر کودکان مبتلا به اچ آی وی که این پزشک در کرمانشاه، محل سکونتش با آن ها برخورد داشته است کودکانی بوده اند که از طریق انتقال مادر به جنین مبتلا به اچ آی وی شده اند. به گفته وی، شهر کرمانشاه دارای بیشترین آمار بیماری ایدز و اعتیاد است.

سایت خبرآنلاین به نقل از گری لوییس، هماهنگ کننده سازمان ملل متحد در ایران میزان مرگ و میر در ایران به دلیل ایدز را ۵ هزار نفر اعلام کرده و نوشته است تخمین زده می شود ابتلا به ویروس اچ آی وی ۷۵ هزار مورد است، ولی تنها ۲۹ هزار مورد از آن ها ثبت شده اند و دسترسی به مداوا دارند. به این سبب، می توانید مشکلات روانی را هم اضافه کنید. اسفند ۹۲، دکتر احمد جلیلی، رئیس منتخب انجمن علمی روانپزشکان ایران در گفت و گو با سایت فرارو ادعا کرد: «یک چهارم جمعیت کشور نیاز به خدمات روانپزشکی دارند.» همچنین، سایت خبرآنلاین خرداد ماه ۱۳۹۳ به نقل از احمد جلیلی، نوشت، آمار مربوط به بیماری های روانی و افسردگی در سطح جامعه ایران، حدود ۲۱ تا ۲۵ درصد است. وی گفت: «بالا تر از ۵۰ درصد بیماران در کشور، مبتلا به گونه های مختلف بیماری روانی از جمله افسردگی هستند.»

FUGU TASTING DINNER

TEPPI

blowfish skin with monkfish liver & uni shuto

USHIO JIRO

blowfish stock soup with lotus root cake

TESSA

thinly sliced blowfish sashimi with chidori ponzu

KARAAGE

fried blowfish collar and center-bone served with shishito peppers

FUGU NIGIRI

blowfish sushi nigiri served with oh toro nigiri

OKUCHINAOSHI

green tea ice cream with kuramitsu on top of french toast

1 FUGU

\$280 * 2 GUESTS
\$340 * 3 GUESTS
\$400 * 4 GUESTS

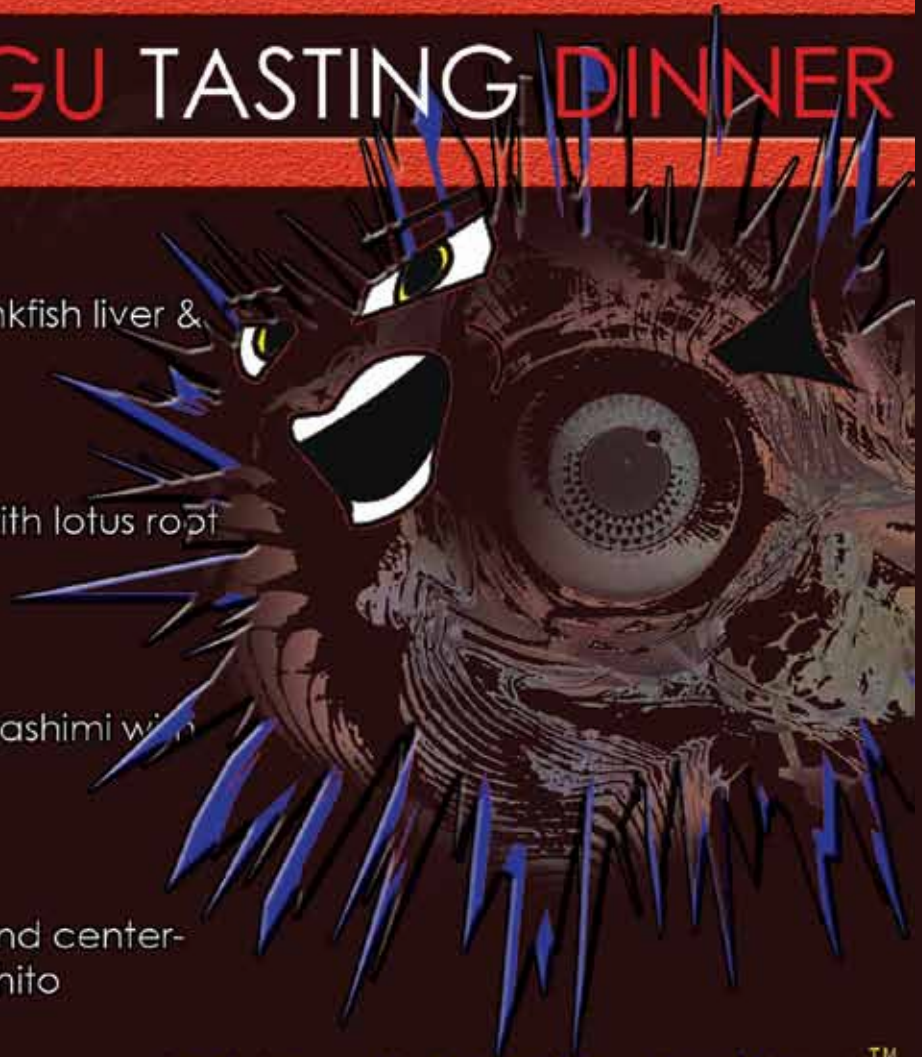
2 FUGU

\$560* 4 GUESTS
\$620 * 5 GUESTS
\$680 * 6 GUESTS

Limited availability. Reservations must be made at least **48 HOURS** in advance. Available **5:30 pm - 7:30pm Sunday** only

s u s h i
t o d i e f o r
415-285-FUGU

w w w . b l o w f i s h s u s h i . c o m



BLOWFISH™

سازمان جهانی هواشناسی: ۲۰۱۴ گرمترین سال ثبت شده در تاریخ

در حالی که داده‌های آب و هوایی نشان می‌دهند سال ۲۰۱۴ گرم‌ترین سال ثبت شده در تاریخ هواشناسی است. سازمان جهانی هواشناسی ادعای وقفه در روند گرم شدن کره زمین را رد کرده است.

به گزارش خبرگزاری آسوشیتدپرس، سازمان جهانی هواشناسی اعلام کرد که دمای کره زمین در ماه‌های ژانویه تا اکتبر به طور متوسط ۰.۵۷ درجه سانتیگراد بالاتر از حد متوسط بوده و شبیه دمای سال ۲۰۱۰ است.



این گزارش حاکی است که دمای اقیانوس‌ها در یک دوره ۹ ماهه رکوردی تازه به جا گذاشت. در همین دوره دمای

زمین نزدیک به چهار یا پنج رکورد هوای گرمی است که از ابتدای ثبت دمای هوا در قرن نوزدهم گزارش شده است. گزارش تازه سازمان جهانی هواشناسی در نشست آب و هوایی لیما پایتخت پرو و در مقر این نهاد در ژنو منتشر شد. میشل ژارو دبیرکل سازمان جهانی هواشناسی در بیانیه‌ای گفت: «این داده‌های

دنباله مطلب در صفحه ۴۱

دست مصنوعی که از مغز فرمان می‌گیرد!

یک نمونه دست مصنوعی که می‌تواند با موفقیت علائم ارسال شده از سوی مغز را اجرا کند، آزمایش شد.

به گزارش وبسایت «نیو ساینسیست» این دست مصنوعی با علائم ارسال شده از سوی مغز یک زن که به فلج چهاراندام - دو دست و دو پا - مبتلاست، کار کرده است. حوزه حرکتی دست مصنوعی حدود ۱۰ تنهایی توانایی این کار را دارند اما ویژگی خاص این آزمایش، ترکیب فرمان‌پذیری اعضای مصنوعی از نوروها یا سلول‌های عصبی است. همچنین «پیتسبورگ گازت» هم گزارشی

در مورد این پروژه نوشته و به جزئیات آن پرداخته است. این پروژه در دانشگاه «پیتسبورگ» در ایالت پنسلوانیای آمریکا و با مدیریت «جینفر کالینگر» اجرا شده است. برای این کار، دو حسگر موضعی روی بخش چپ



دست مصنوعی که فرمان مغزی «جان شومن» زنی که از فلج چهار اندام رنج می‌برد را اجرا می‌کند

مغز که کنترل سمت راست بدن را برعهده دارد نصب شده است. این حسگرها علائم مغز را گرفته و برای کامپیوتری می‌فرستد که آن را برای دست مصنوعی و روی صفحه‌ای با ۹۶ نقطه حسگر، ترجمه و ارسال کند. درجه بوده ولی توانسته تمامی اجسام از جمله سنگ با شکل غیرمتعارف را جایجا کند. حتی در یک آزمایش که در فیلم این آزمایش آمده، این دست مصنوعی با موفقیت یک تخم‌مرغ را برداشته و جابه‌جا می‌کند. دست‌های رباتیک و مصنوعی به

برنامه هفتگی کلاس‌های رایگان

مرکز برابری پارس در شهر سن جوزه

| دوشنبه | سه شنبه | چهارشنبه | پنجشنبه |
|---|---|--|---|
| فلسفه کاربردی ۱۰ صبح تا ۱۲ ظهر | زبان انگلیسی (مبتدی) ۱۰ صبح تا ۱۲ ظهر | مکالمه انگلیسی ۱۰ صبح تا ۱۲ ظهر | زبان انگلیسی (مبتدی) ۱۰ صبح تا ۱۲ ظهر |
| کامپیوتر ۳:۳۰ تا ۵:۳۰ بعد از ظهر | زبان انگلیسی (متوسطه) ۱۲:۳۰ ظهر تا ۲:۳۰ بعد از ظهر | کامپیوتر ۱ تا ۳ بعد از ظهر | زبان انگلیسی (متوسطه) ۱۲:۳۰ ظهر تا ۲:۳۰ بعد از ظهر |
| ساده نویسی در زبان انگلیسی ۴ تا ۵:۳۰ بعد از ظهر | زبان انگلیسی (مبتدی متوسط پیشرفته) ۶ تا ۸ عصر | سببیتین شیب (کسب تابعیت) ۴:۳۰ تا ۶:۳۰ بعد از ظهر | زبان انگلیسی (مبتدی متوسط پیشرفته) ۶ تا ۸ عصر |

کلاس‌های رایگان زبان انگلیسی، کامپیوتر، اطلاعات در مورد تابعیت آمریکا، مشاوره، راهنمایی و آماده شدن برای مصاحبه شغلی

(408)261-6400

www.parsequalitycenter.org

1635 The Alameda, San Jose, CA 95126



ارتش آمریکا استخدام می‌کند!

به عنوان مترجم با حقوق و مزایای بسیار عالی به ارتش آمریکا بپیوندید!



Earn your *Citizenship* within six to eight months

Sergeant Jamie Laurent

650-248-4760

شهر سوخته

شهر سوخته نام بقایای دولت شهری باستانی در ایران است که در ۵۶ کیلومتری زابل در استان سیستان و بلوچستان و در حاشیه جاده زابل - زاهدان واقع شده است. شهر سوخته در ۳۲۰۰ سال قبل از میلاد پایه گذاری شده و مردم شهر سوخته در بیابانی دارد و فقط درختان گز در آنجا دیده می شود، در پنج هزار سال قبل از میلاد منطقه ای سبز و خرم با پوشش گیاهی متنوع و بسیار مطلوب بوده و درختان بید مجنون، افرا و سپیدار فراوانی در آنجا وجود



داشته است. دریاچه هامون در ۳۲۰۰ سال قبل از میلاد دریاچه ای بزرگ و پرآب بوده و چندین رودخانه دائمی مانند هیرمند آنرا تغذیه می کرده و هم اکنون نیز کم و بیش هیرمند و رودخانه های دیگر این دریاچه را غالباً به صورت فصلی تغذیه می کنند. ولی افت بیش از اندازه آب در این رودخانه ها به علت عدم رعایت پروتکل های فی مابین دو کشور همسایه، ایران و افغانستان برداشت بی رویه آب درون خاک افغانستان مسبب خشکی دریاچه هامون و مناطق اطراف آن شده است. در اطراف دریاچه هامون، در آن زمان نیزارهای وسیعی



از این جام برای نوشیدن استفاده می شده است. ارتفاع این جام ۱۰ سانتی متر و روی یک پایه استوار شده است

وجود داشته است. همچنین کاوشها نشان می دهند که نهرا و شاخه های قوی آبیاری از آن منشعب می شده است. در بررسی های منطقه ای در اطراف شهر سوخته بستر نهرا و آبراه های گوناگونی پیدا شده که می توان گمان برد به مزارع کشاورزی آن شهر آب می رسانده اند.

رود هیرمند پیش از آنکه در میان شنزارهای سیستان گم گردد، در جلگه های مجاورش وضعی شبیه به دره نیل بوجود آورده بود، به این معنی که در مواقع معینی بعلت بالا آمدن سطح آب، در نتیجه جذر

و مد دریاچه هامون، زمین های ساحلی آن مشروب و لذا، خاک آنها حاصل خیز می شده است. این امر سبب شده بود که ساکنان این ناحیه بتوانند به کار زراعت بپردازند و در مراحل شهرنشینی موفق به



جسمه زن صاحب چشم مصنوعی شهر سوخته

پیشرفت هایی کردند. در آن دوران نیز این منطقه بسیار گرم بوده، اما آب رودخانه هیرمند و شاخه هایش به خوبی زمین های کشاورزی شهر سوخته را سیراب می کرده است. شهر سوخته در ۵۵ کیلومتری شهر زابل است. تمدن شهر سوخته یکی از شگفتی های دنیای باستان است. یافته های جدید باستان شناسی گواه این ادعا است. بر اساس کشفیاتی که در طی سال های

متمادی در شهر سوخته انجام گرفته، می توان گفت که شهر سوخته مهمترین مرکز استقرار و در حقیقت پایتخت منطقه در دوران مفرغ است.

شهر سوخته مرکز بسیاری از فعالیت های صنعتی و هنری بوده، در نوبت ششم کاوش در شهر سوخته نمونه های جالب و بدیعی از زیورآلات به دست آمد.

در جریان حفاری های نوبتهای گذشته در شهر سوخته مشخص شد که جهت صنایع ساخت سفال و جواهرات در این منطقه، ساکنان شهر سوخته از درختان موجود در طبیعت اطراف برای سوخت استفاده می کرده اند.

باستان شناسان با یافتن مهره ها و گردنبندهایی از لاجورد و طلا در یک گور، پس از پژوهش درباره روش های ساخت ورقه ها و مفتول های طلایی، محققان دریافتند که صنعتگران شهر سوخته با ابزار بسیار ابتدایی در آغاز

صفحات طلایی بسیار نازکی به قطر کمتر از یک میلی متر تهیه کرده و بعد آنها را به شکل استوانه ای لوله نموده و فی مابین استوانه های طلا مهره های لاجورد قرار میدادند.

در شهر سوخته انواع سفالینه ها و ظروف سنگی، معرق کاری، انواع پارچه و حصیر یافت شده که معرف وجود چندین نوع صنعت، به ویژه صنعت پیشرفته نساجی در آنجا است.

تاکنون ۱۲ نوع بافت پارچه یکرنگ و چند رنگ و قلاب ماهیگیری در شهر سوخته به دست آمده و تحقیق در باره اشیاء حصیری مشخص کرده که مردم این شهر با استفاده از نیزارهای باتلاقی اطراف دریاچه هامون سید و حصیر می بافتند. از این نی ها نیز، برای درست کردن سقف ساختمانها استفاده می شده است. صید ماهی و بافت تورهای ماهیگیری نیز از دیگر پیشه های مردمان شهر سوخته بوده است.



اسکلت کامل پیدا شده از یک دختر ۱۴ ساله که مورد جراحی مغز قرار گرفته است. چهره این دختر توسط اندام شناسان باستان شناس در تصویر فوق باز سازی شده است.

شهر نیز قابل مشاهده است. شهر سوخته دارای تشکیلات منظم و مرتبی بوده است. آثار باقی مانده نشان دهنده این امر است که در این شهر طی هزاره سوم پیش از میلاد، دارای یک نظام مرتب و منظم آبرسانی و تخلیه فاضلاب بوده است. در نخستین مرحله کاوشهای باستان شناسی، در شهر سوخته کوچه ها و خانه های منظم و لوله کشی آب و فاضلاب با لوله های سفالی پیدا شده که نشان دهنده وجود برنامه ریزی مدنی در این شهر است.

دنباله مطلب در صفحه ۴۷

TOUGH FREEWASH.COM 3% DONATED MONTHLY TO HUMANITARIAN PROJECTS

OPEN 24 HOURS

ادامه مطلب سازمان جهانی ... از صفحه ۱۴۴

درک پدیده‌های آب و هوایی است». در حالی که دانشمندان ۹۵ درصد یقین دارند که افزایش دما از نیمه قرن بیستم به این سو ناشی از فعالیت‌های انسان روی کره زمین است، با این حال نمی‌توانند با قاطعیت بگویند چگونه گرمایش زمین روی پدیده‌های جوی از جمله سیلاب‌ها و توفان‌ها تاثیر می‌گذارد.

بنا به آمار این سازمان، تا روز ۱۳ نوامبر ۷۲ توفان استوایی رخ داده است که از تعداد متوسط یعنی ۸۹ مورد کمتر است. اقیانوس منجمد شمالی در ماه سپتامبر امسال در یکی از کوچکترین اندازه‌های خود در تاریخ ثبت شده است. در همین حال میزان یخ اقیانوس منجمد جنوبی برای سه سال متوالی افزایش یافت.

تمرکز اکسید کربن در جو زمین، که یکی از نشانه‌های اصلی وجود گازهای گلخانه‌ای است، سال گذشته به میزان بی‌سابقه ۳۹۶ واحد در میلیون یعنی ۱۴۲ بار بیشتر از دوران پیش از انقلاب صنعتی رسید.

سازمان جهانی هواشناسی می‌گوید آمار سال ۲۰۱۴ هنوز کامل نیست.

هیات‌های شرکت کننده در نشست لیما از ۱۹۰ کشور جهان برای تبیین مقدمات معاهده گازهای گلخانه‌ای که قرار است سال آینده تصویب شود گردهم آمده‌اند.

فاصله بین کشورهای فقیر و ثروتمند از سرعت گفت‌وگوها کاسته است.

ساماناسمیت از مسئولان سازمان طرفدار محیط زیست دبلیو دبلیو اف (WWF) گفت: «این نکته که سال ۲۰۱۴ گرمترین سال است باید همه کسانی که تغییرات آب و هوایی برایشان مهم است، به خصوص شرکت کنندگان در نشست لیما را نگران کند».

تقویت نمی‌کند. این داروی طبیعی علاوه بر اینکه نمی‌گذارد هر نوع بیماری سراغ تان بیاید و بیهوده درد بکشید، مسکن خوبی برای درد دندان هم به حساب می‌آید. برای گرفتن بهترین نتیجه از سیر درمانی، به این توصیه عمل کنید: یک حبه سیر را روی دندان تان بگذارید و آن را بجوید. درد شما چند دقیقه بعد از جویدن سیر آرام می‌شود. پس اگر نتیجه را فوراً مشاهده نکردید، به جویدن سیر ادامه ندهید. این گیاه نه تنها درد شما را آرام می‌کند، بلکه مصرف مداومش دندان تان را محکم تر هم می‌کند.

مایکل اوپنهاایمر یکی از استادان دانشگاه پرینستون در آمریکا می‌گوید به نظر می‌رسد الگوی گرم شدن در درازمدت با ناپایداری پدیده‌های طبیعی همراه است. این تغییرات ماهیت چرخه‌ای دارند، به این معنی که به دنبال یک دوره گرما، دما پایین‌تر می‌آید و در پی آن شاهد یک دوره افزایش سریع دما هستیم.

مایکل اوپنهاایمر می‌افزاید: «نمی‌توانیم بگوییم که چنین دوره‌ای شروع شده است یا نه. ولی سال گرم ۲۰۱۴ به ما یادآوری می‌کند که گرم شدن زمین متوقف و یا دچار وقفه نشده است و تغییر دمای زمین در درازمدت به سمت بالا، بالا و بالا بوده است».

آسوشیتدپرس در ادامه گزارش خود می‌نویسد بخش‌هایی از کره زمین از جمله ایالات متحده، کانادا و بخش مرکزی روسیه سردتر بودند. اما با موج هوای گرم در آفریقای جنوبی، استرالیا و آرژانتین در ماه ژانویه و بخش‌های زیادی از آمریکای جنوبی، سازمان جهانی هواشناسی در اکتبر نتیجه‌گیری کرده است که در بیشتر نواحی کره زمین دمای هوا بالاتر از حد متوسط بوده است. سازمان جهانی هواشناسی که داده‌های خود را از دو مرکز یکی در آمریکا و دیگری در اروپا به دست می‌آورد، افزود دمای آب اقیانوس‌ها در نیمکره شمالی به ویژه در ماه‌های ژوئن تا اکتبر بالا بود.

این نهاد وابسته به سازمان ملل متحد گفته است: «نزدیک به ۹۳ درصد از انرژی ناشی از گازهای گلخانه‌ای که در جو زمین حبس شده‌اند ناشی از سوخت‌های فسیلی و فعالیت‌های انسان هستند. این انرژی مازاد سرانجام در چرخه خود به اقیانوس‌ها ختم می‌شود. در نتیجه حجم گرمای اقیانوس‌ها کلید

این صمغ التهاب دهن تان را کم کرده و به از بین رفتن باکتری‌ها کمک می‌کند. اگر یک عطاری کاردرست می‌شناسد که این صمغ در آن پیدا می‌شود، پس از تهیه کردن، آن را به این شیوه مصرف کنید: یک قاشق چای خوری از پودر مر را در دو فنجان آب به مدت ۳۰ دقیقه بجوشانید و اجازه دهید محلول تان خنک شود. بعد هم برای هر بار استفاده، یک قاشق چای خوری از این دارو را در یک فنجان آب بریزید و ۵ تا ۶ بار در روز غرغره این محلول را ادامه دهید تا به نتیجه مورد نظر تان برسید.

سیر

خوردن سیر تنها سیستم ایمنی بدن تان را

ادامه مطلب ۸ داروی ... از صفحه ۱۷

نفع نیست که درد شما را آرام می‌کند، بلکه جای سیاه هم خاصیت ضد التهاب دارد و با کم کردن تورم می‌تواند به کاهش درد هم کمک کند. برای گرفتن نتیجه بهتر از این دو نوشیدنی، به شیوه زیر عمل کنید: یک قاشق چای خوری نعنا خشک را در یک فنجان آب جوش بریزید و برای دم کشیدنش ۲۰ دقیقه صبر کنید. وقتی که دمنوش تان خنک شد، آن را در دهانتان بچرخانید و بعد بیرون بریزید. اگر هم نعناع در دسترس ندارید و می‌خواهید از چای سیاه استفاده کنید، یک تی بگ را خیس کنید و روی ناحیه دردناک بگذارید و یا اینکه جای سیاه گسی را درست کنید و پس از خنک شدن، آن را چند بار در دهان تان غرغره کنید.

آب اکسیژنه

اگر درد دندان شما با بدمزگی دهان و حتی تب همراه بود، بهترین راه برای کم کردن مشکل، استفاده از آب اکسیژنه است. اما مثل تمام روش‌های طبیعی، این هم یک روش موقتی است و تنها تا روز ویزیت پزشک شما را آرام نگه می‌دارد و عفونت دندان تان را کمتر می‌کند. اگر چاره‌ای جز تسکین خانگی درد ندارید، از این روش کمک بگیرید: برای کشتن باکتری‌ها و کم کردن ناراحتی تان، کمی آب اکسیژنه ۳ درصد را قرقره کنید. از این محلول تنها برای شستشو استفاده کنید و پس از چرخاندن آن در دهان تان، محلول را بیرون بریزید. بعد هم چند بار دهان تان را با آب خالی شست و شو دهید.

یخ

فرقی نمی‌کند درد دندان شما را کلافه کند یا پا درد عذاب تان دهد؛ یخ همیشه مسکن موقتی خوبی برای انواع درد‌ها بوده است. اگر می‌خواهید تا رسیدن به مطب دندانپزشکی سریا بمانید، از این روش کمک بگیرید: چند قالب یخ را در یک کیسه پلاستیکی بریزید، پارچه نازکی را روی کیسه ببچید و برای بی حس شدن دندان تان، ۱۵ دقیقه آن را روی قسمتی از صورت خود که دندان دردناک در محدوده آن قرار دارد، بگذارید. قدیمی‌ها می‌گفتند اگر دست تان را با یخ ماساژ دهید، درد دندان تان آرام می‌شود. آنها ادعا می‌کردند وقتی یخ را بین انگشت سیاه و شست می‌گذارید، اعصاب انگشت شما پیغام سرما را به مغز تان می‌فرستند و پیغام آرام شدن درد هم به دندان شما می‌رسد.

صمغ مر

شیره درخت مرمکی یا همان صمغ مر می‌تواند دندان درد شما را آرام کند، پس اگر تا امروز نامش را نشنیده بودید، همین حالا برای تهیه کردنش به عطاری محله تان بروید.

اگر بافت لثه یا زبان تان حساس باشد، ریختن روغن روی منطقه درد می‌تواند حال تان را بدتر کند، پس برای گرفتن نتیجه دلخواه تان از این روش کمک بگیرید: دو قطره از روغن میخک را روی یک پنبه بریزید و آن را تا زمان فروکش کردن درد، پشت دندان تان قرار دهید. اما می‌توانید سراغ راه طبیعی تری هم بروید. کافی است یک دانه میخک را آنقدر بجوید که روغنش بیرون بیاید. میخک را می‌توانید به مدت نیم ساعت یا تا زمانی که درد تان آرام بگیرد، در دهان خود نگه دارید.

سس زنجبیل و فلفل

زنجبیل و فلفل هر دو داروهای ضد درد هستند. شما می‌توانید هر کدام از این دو ادویه را به طور جداگانه مورد استفاده قرار دهید، چراکه هر دوی این مسکن‌ها پیام تسکین درد را به مغز می‌فرستند. اما برای گرفتن نتیجه بهتر، می‌توانید مخلوطی از این دو ادویه را تهیه کنید. از روش زیر کمک بگیرید: میزان مساوی از این دو ادویه را با آب مخلوط کنید و یک سس بسازید. توپ کوچکی از پنبه درست کنید و به میزان کافی به سس مورد نظر آغشته اش کنید. بعد هم آن را درست روی دندان تان (جایی که لثه و زبان شما به آن برخورد نکند) بگذارید و تا زمان فروکش کردن درد یا حداقل تا زمانی که طاقتش را دارید، پنبه را از دهان تان خارج نکنید.

محلول آب نمک

نمک یک ضدعفونی کننده قوی است؛ پس اگر درد دندان شما به خاطر عفونت ایجاد شده باشد، استفاده از نمک می‌تواند زودتر از هر راه دیگری شما را آرام کند. آب نمک دور دندان را ضدعفونی می‌کند و مایع‌هایی که باعث التهاب می‌شوند را خارج می‌کند. از این روش درمانی می‌توانید هر زمان که به آن نیاز پیدا کردید، به روش زیر استفاده کنید: یک قاشق چای خوری نمک را در یک فنجان آب جوش حل کنید تا داروی فوق العاده‌ای بسازید. این محلول التهاب را کم کرده و بقایای آلودگی را از دهان شما پاک می‌کند. ۳۰ ثانیه آن را در دهان تان بچرخانید و بعد بیرون بریزید. اگر هم حوصله درست کردن آب نمک را ندارید، یک سرم نمکی از داروخانه بخرید و تا چند روز از محلولی که در سرم وجود دارد غرغره کنید.

دم کرده نعناع

دمنوش نعناع هم عطر خوبی دارد و هم می‌تواند به عنوان یک بی حس کننده خوب مورد استفاده قرار بگیرد. البته تنها دمنوش

هرگز خوشبختی خود را نمیشناسیم،

اما خوشبختی دیگران همیشه در جلوی دیدگان ماست.

ادامه مطلب ۶ فن برای ... از صفحه ۲۸

عقاید دیگران در زندگی خود را کمتر کنیم. رسیدن به آرامش زمانی مقدور می شود که ما فکر کردن به حرف های مردم را متوقف کنیم.

(زمانی برای هود اقتصاص دهید؛ اجازه ندهید تمام وقت شما صرف دیگران شود طوری که برای خود وقت کافی نداشته باشید. اگر کار شما به گونه ای است که مدام با تلفن و ایمیل درگیر هستید بهتر است از آنها در زمان استراحت فرار کنید. مثلاً می توانید ساعات مشخصی را برای پاسخگویی به تلفن ها مشخص کنید. به این صورت به دیگران می فهمانید که شما هم به زمانی برای استراحت و آرامش نیاز دارید و نباید مزاحم شما شوند. وقتی به فشار های روحی اجازه می دهید ساخته شوند ایجاد آرامش کار سختی می شود. اما با استراحت کافی می توانید هنگام کار با انرژی و توان بیشتری به وظایف خود را انجام دهید که نتیجه آن یک رضایت درونی است.

یک تغییر به اندازه یک استراحت ارزش دارد؛ زندگی نباید تکرار مکررات باشد اگر متوجه شدید که در چرخه ای نا تمام از روزمرگی گیر کرده اید کار هایی کاملاً متفاوت انجام دهید. مثلاً اگر هر روز بعد از ظهر وقت خود را با روزنامه خواندن و تماشای تلویزیون می گذرانید و پس از آن احساس خوبی ندارید می توانید برای قدم زدن با خانواده یا دوستان بیرون بروید یا در فعالیت های ورزشی با دوستان شرکت کنید. این تغییر رویه به شما کمک می کند احساس آرامش بیشتری داشته باشید و نه تنها از روزمرگی نجات پیدا می کنید بلکه فعالیت های روزانه خود را هم بهتر انجام خواهید داد.

ریلکسیشن به سادگی یک نفس عمیق کشیدن است

اگر احساس استرس می کنید چند دقیقه بیرون بروید. فقط به تنفس خود دقت کنید. به آرامی نفس بکشید این کار اثری قدرتمند برای آرام کردن دارد. وقتی که هوا را به داخل شش های خود فرو می برید آرامش درونی را وارد بدن خود می کنید. و وقتی که هوا را به بیرون می رانید تجسم کنید تمام نگرانی ها و تشویش ها را بیرون رانده اید. بدست آوردن آرامش به همین سادگی است پس سعی نکنید آنرا پیچیده نمایید.

برای آرام ساختن خود هدف آرام نگه داشتن مغز است. که نتیجه آن آرامش روحی است. این بهترین نوع ریلکسیشن است چون ما را نسبت به کار هایی که خود باید انجام دهیم آسوده خاطر می کند. هر روز ۱۰ تا ۱۵ دقیقه وقت برای مدیتیشن مشخص کنید در طول مدیتیشن می توانیم روح و فکر خود را از دل بستگی های مادی رها کنیم.

سازنده بودن به جای به تصویق انداختن؛ رسیدن به آرامش و آسودگی خیال فقط با استراحت کردن تمام وقت در ساحل دریا بدست نمی آید. بلکه باید بیاموزیم چگونه آرامش را بدست بیاوریم. مهم نیست که در حال کار باشیم یا استراحت مهم این است که بدانیم چه بکنیم. بنابراین کار هایی را که باید انجام شود اولویت بندی کنید. اگر هر کاری را با برنامه و از راه صحیح انجام دهید احساس استرس و فشار کمتری خواهید داشت. وقتی که می خواهیم چند کار را با هم انجام دهیم خود را زیر بار فشار زیادی قرار داده ایم. و در این حال ایجاد آرامش بسیار سخت و دشوار است. زندگی را برای خود سخت نکنید. برای هر کاری زمان مشخص نمایید و آنقدر به خود وقت بدهید که از انجام آن لذت ببرید. یک کار را تکمیل نمایید و هر چه لازم است برای آن انجام دهید. آنگاه پاداش شما لذتی است که از انجام بی عیب و نقص آن کار نصیب شما خواهد شد.

با تأثیر دیگران بر هود مقابله کنید؛ چقدر به نظر دیگران وابسته هستید و به آن اهمیت می دهید. وقتی که ما نگران حرف مردم هستیم در حقیقت یک بار فکری به ذهن خود تحمیل کرده ایم. و ناخودآگاه به سمتی حرکت می کنیم که دیگران را خوشحال کنیم. و این هم ایجاد آرامش فکری را غیر ممکن می سازد. مهم نیست که ما چه کار می کنیم یا چه می گوئیم همیشه عده ای هستند که ایراد بگیرند. بنابراین باید در خود روحیه ای را تقویت کنیم که نه با ستایش و نه با انتقاد تحت تأثیر قرار نگیریم. این بدان معنا نیست که ما افکاری متفاوت با دیگران داریم، بلکه فقط به این معناست که نمی خواهیم به دیگران اجازه دهیم با عقاید خود آرامش روحی و فکری ما را به هم بریزند. البته این کار ساده ای نیست اما به مرور زمان می توانیم اثر

ادامه مطلب شهر سوخته ... از صفحه ۴۵

شکستهای شهر سوخته

چشم مصنوعی جهت نگهداری و اتصال آن به حلقه چشم استفاده می شده است. بررسی ها نشان داده که به احتمال بسیار زیاد زن مزبور دارای سنی بین ۲۵ تا ۳۰ سال بوده و دو رگه (سیاه و سفید) بوده است. اشیاء پیدا شده در این قبر دو قسمتی عبارت بوده اند از ظرفهای سفالی، مهرهای تزیینی، یک کیسه جرمی و یک آینه مفرقی. قدمت این قبر و چشم مصنوعی به حدود ۲۸۰۰ سال پیش از میلاد و ۴۸۰۰ سال پیش از این می رسد. مطالعه جهت دستیابی به اطلاعات بیشتر در این مورد چشم و اسکلت ادامه دارد.

جراحی مغز در شهر سوخته: یکی شکست انگیزترین یافته های شهر سوخته، پیدایی نشانه های کهن ترین جراحی مغز در شهر سوخته است. جمجمه ای از دختر دوازده یا سیزده ساله که در ۴۸۰۰ سال پیش، پزشکان آن دیار برای درمان بیماری هیدروسفالی (جمع شدن مایع در جمجمه) بخشی از استخوان جمجمه او را برداشته و جراحی کردند که مدت ها بعد از این عمل زنده مانده است.

خط کش ۵ هزار ساله در شهر سوخته: در طی کاوش های انجام گرفته در شهر سوخته یک خط کش ساخته شده از چوب آبنوس کشف شد. دکتر سید منصور سید سجادی، سرپرست هیات باستان شناسی شهر سوخته درباره خط کش کشف شده گفت: این خط کش به طول ۱۰ سانتیمتر یا دقت نیم میلیمتری و از جنس چوب آبنوس است. کشف خط کش در شهر سوخته زابل نشانگر این است که ساکنان این شهر باستانی دارای پیشرفت های زیادی در زمینه علم ریاضیات بوده اند.

قدیمی ترین تخته نرد جهان در شهر سوخته: از گور باستانی موسوم به شماره ۷۶۱ کهن ترین تخته نرد جهان به همراه ۶۰ مهره ی آن در شهر سوخته پیدا شد. این تخته نرد بسیار قدیمی تر از تخته نردی است که در گورستان سلطنتی «اور» در بین النهرین پیدا شده بود. این تخته نرد از چوب آبنوس و به شکل مستطیل است. روی این تخته نرد، ماری که ۲۰ بار به دور خود حلقه زده و دمش را در دهان گرفته، نقش بسته است. این تخته نرد ۲۰ خانه بازی و ۶۰ مهره دارد. مهره ها که در یک ظرف سفالی در کنار تخت نرد قرار داشتند از سنگ های رایج در شهر سوخته یعنی از لاجورد، عقیق و فیروزه است.

در روزگاران دور که بشر تازه یک جانشین شده بود، شهری در سیستان پدید آمد که به گفته ی باستان شناسان به لحاظ بافت شهری، جمعیت، برنامه ریزی شهری و... اولین شهر جهان بود. شهر سوخته و تمدن هوشمند و خلاق آن با بیش از پنج هزار سال قدمت، به عنوان بزرگ ترین استقرار شهرنشینی در نیمه ی شرقی فلات ایران، نمونه ای منحصر به فرد و حکایت گر واقعی علم، صنعت و فرهنگ گذشته های دور این مرز و بوم می باشد. اینک به برخی از این پیشرفت های شگفت انگیز اشاره می کنیم:

نخستین چشم مصنوعی جهان در شهر سوخته: برای نخستین بار در شهر سوخته یک چشم مصنوعی متعلق به ۴۸۰۰ سال پیش کشف شد. این چشم مصنوعی متعلق به زنی ۲۵ تا ۳۰ ساله بوده که در یکی از گور های شهر سوخته مدفون شده بوده است. جمجمه زن صاحب چشم مصنوعی شهر سوخته، چشم مصنوعی روی جمجمه او دیده می شود.

چشم مصنوعی یافت شده در چشم چپ او کار گذاشته شده و با وجود گذشت زمان نزدیک به ۴۵۰۰ سال از ساخته شدن آن هنوز سالم است. جنس این چشم مصنوعی یافت شده هنوز بطور کامل مشخص نشده است اما به نظر می رسد در ساخت آن از قیر طبیعی مخلوط به نوعی چربی جانوری استفاده شده است. در روی این چشم مصنوعی ریزترین مویرگ های داخل چشم توسط مفتول های طلایی به قطر کمتر از نیم میلی متری طراحی شده اند. مردمک این چشم در وسط طراحی شده و تعدادی خطوط موازی که تقریباً یک لوزی را تشکیل می دهند در پیرامون مردمک دیده می شود.

همین مطالعات نشان می دهند که زیر طاق ابروی زن مذکور آثار آبنوس دیده می شود. به علت طول زمان زیادی که بخش زیرین این چشم مصنوعی با پلک چشم در تماس بوده است آثار ارگانیک پلک چشم نیز در روی آن مشهود است.

در روی این چشم مصنوعی ریز ترین مویرگ های داخل کره چشم توسط مفتول های طلایی به قطر کمتر از نیم میلی متر طراحی شده اند مردمک چشم در وسط طراحی شده و جز از آن تعدادی خطوط موازی که تقریباً یک لوزی را تشکیل می دهند در پیرامون مردمک دیده می شود. از دو سوراخ جانبی واقع در دو سوی این





**THE PEOPLE
HAVE SPOKEN.
NOW IT'S
HIS TURN.**

REAL TIME
WITH
BILL MAHER
LIVE! FRIDAYS AT 10PM **HBO**

ادامه مطلب آمریکا فهرست ... از صفحه ۱.

برای اجرای پروژه‌های دولتی نظارت بر فعالیت‌های مجازی تحریم شده است. بنا بر اطلاعیه وزارت دارایی آمریکا، شرکت ایرانی "ایسک" هم به دلیل کمک به سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در زمینه "آموزش مهارت‌های سایبری و قابلیت‌های مربوط به حملات اطلاعاتی" مشمول تحریم‌های آمریکا شده است.

ادامه مطلب به مناسبت ... از صفحه ۱۶

همیشه او را توبیخ می‌کرد و می‌گفت: فروغ تو این‌ها را از کتاب‌ها می‌دزدی؟ فروغ گویا به خیاطی علاقه‌ی وافر داشت و می‌گفت وقتی از خیاطی برمی‌گردم بهتر می‌توانم شعر بگویم.

ادامه مطلب شهر سوخته ... از صفحه ۱۷

نه تنها بز به سمت درخت حرکت می‌کند، بلکه جهش وی و پریدن بز روی برگ درختان کاملاً دیده می‌شود.



تاس‌های بازی کشف شده به همراه تخته نرد در شهر سوخته

از دیگر اشیای مهم از میان هزاران شی یافت شده، می‌توان از سفال با امضای سفال‌گر بر روی آن، چکش، سوزن، شهرک‌های مسکونی و ساختمان‌های همه‌گانی هم‌چون آپارتمان، بذرخیزه، حبوبات، ماهی خشک کرده، برنج، زیره، کوره‌های سفالگری، کوره‌های ذوب فلزات، دکمه، تیر، بندکفش، قلاب، شانه سر، طناب، سبید، گل مو، قاب‌های چوبی، کفش، کمربند و ... نام برد.

شناخته شده برای فیلم‌هایی چون چه کسی برای راجر ریبت پاپوش دوخت (۱۹۸۸) و مونالیزا (۱۹۸۶). گوردون ویلیس، فیلمبردار آمریکایی - هجدهم مه در سن هشتاد و دو سالگی - شناخته شده برای فیلمبرداری مجموعه پدرخوانده‌ها و فیلم‌های معروفی از وودی آلن؛ نظیر منهتن (۱۹۷۹) و آنی هال (۱۹۷۷).

در ادامه این اطلاعیه نام آن‌ها به تصدیق به چشم می‌خورد که به کمک مالی و تکنولوژیک به بانک مرکزی ایران متهم شده است. بانک مرکزی ایران پیشتر از سوی دولت آمریکا تحریم شده است.

شرکت نرم‌افزاری "دوران" هم به اتهام کمک به "گازگروه تعیین مصادیق محتوای مجرمانه" در فیلتر کردن صفحات اینترنتی و همین‌طور فروش تجهیزات تا سال سوم در دبیرستان "خسرو خاور" درس خواند. یکی از هم‌کلاسی‌های فروغ می‌گفت: زنگ‌های انشا برای فروغ بدترین ساعات درس بود؛ همیشه می‌گفت که من از انشا متنفرم و بیزارم چرا که معلم انشا

نخستین انیمیشن جهان در شهر سوخته: باستان‌شناسان هنگام کاوش در شهر سوخته، در گوری ۵ هزار ساله جامی را پیدا کردند که نقش یک بز همراه با یک درخت روی آن دیده می‌شود. آنها پس از بررسی این شی دریافتند نقش موجود بر آن برخلاف دیگر آثار به دست آمده از محوطه‌های تاریخی شهر سوخته، تکراری هدفمند دارد، به گونه‌ای که حرکت بز به سوی درخت را نشان می‌دهد. هنرمندی که جام سفالین را بوم نقاشی خود قرار داده، توانسته است در ۵ حرکت، بز را طراحی کند که به سمت درخت حرکت و از برگ آن تغذیه می‌کند. باستان‌شناسان با نزدیک کردن این تصاویر به یکدیگر موفق شدند نمونه‌ای از یک تصویر متحرک را در قالب یک فیلم ۲۰ ثانیه‌ای به دست آورند.

سرپرست تیم کاوش در شهر سوخته درباره کشف اخیر خود گفت: «حرکت بز به سوی درخت و تغذیه او از برگ درختان در ۵ حرکت مصور شده است. در این تصاویر چون «خوب، بد، زشت» (۱۹۶۶)، «هفت دلار» (۱۹۶۰) و «بیبی دال» (۱۹۵۶). میکی رونی، بازیگر آمریکایی - ششم آوریل در سن ۹۳ سالگی - بازی در بیش از سیصد فیلم طی هشتاد سال، از جمله عزیزان در آغوش (۱۹۳۹) و کمدی انسانی (۱۹۴۳).

باب هاسکینز، بازیگر انگلیسی - بیست و نهم آوریل در هفتاد و یک سالگی -

ادامه مطلب در گذشتگان در ... از صفحه ۳۳

از دست رفتن یکی از مشهورترین بازیگران سینماگران کمدی است که با فیلم‌هایی چون خانم دات فایر (۱۹۸۹) و انجمن شاعرانه مرده (۱۹۹۳) جاودانه شد.

جسد فیلیپ سیمور هافمن هم که این سال‌ها به جمع بازیگران تراز اول هالیوود پیوسته بود، در دوم فوریه در آپارتمانش در نیویورک پیدا شد، در حالی که بسته‌های مواد مخدر در کنارش بود. این بازیگر چهل و شش ساله از مدت‌ها قبل از مشکل اعتیاد رنج می‌برد، اما نقش‌های او در فیلم‌هایی چون «کاپوته» در نقش ترومن کاپوته نویسنده معروف، و «کوهستان سرده»، او را در سینما جاودانه کرد.

فداهافظ فانج باکال

یکی از آخرین بازمانده‌های دوران طلایی هالیوود در دهه چهل، در دوازدهم اوت در سن هشتاد و نه سالگی در نیویورک درگذشت: لورن باکال، همبازی و همسر همفری بوگارت. باکال زیبا تنها نوزده سال داشت که در نقش روبه‌روی همفری بوگارت در «داشتن و نداشتن» (۱۹۴۴)، ساخته هوارد هاکس بر اساس داستانی از ارنست همینگوی ظاهر شد و با آنکه بوگارت بیست و پنج سال از او بزرگ‌تر بود، عاشق هم شدند و سال بعد ازدواج کردند.

حاصل این عشق، چندین فیلم تراز اول در تاریخ سینماست که بوگارت و باکال در آن‌ها می‌درخشند. فیلم‌هایی چون خواب بزرگ (۱۹۴۶)، گذرگاه تاریک (۱۹۴۷)، کی لارگو (۱۹۴۸).

و دیگران...

مایک نیکولز، فیلمساز آلمانی/آمریکایی - نوزده نوامبر در سن هشتاد و سه سالگی - سازنده فیلم‌های تحسین شده‌ای چون کچ ۲۲ (۱۹۷۰) و فارغ‌التحصیل (۱۹۶۷).

ریچارد آتن برو، بازیگر و کارگردان انگلیسی - بیست و چهارم اوت در سن نود سالگی - برنده اسکار برای ساخت فیلم گاندی (۱۹۸۳) و شناخته شده برای بازی در فیلم‌هایی چون پارک ژوراسیک (۱۹۹۳). ماکسیمیلیان شل بازیگر و کارگردان اتریشی/سوئیس - اول فوریه در سن هشتاد و سه سالگی - برنده اسکار بهترین بازیگر مرد برای فیلم دادگاه نوربرگ (۱۹۶۱)

پل مازورسکی، فیلمساز آمریکایی - سی‌ام ژوئن در سن هشتاد و چهار سالگی - شناخته شده با فیلم‌هایی چون زن شوهر نکرده (۱۹۷۸).

الی والاس، بازیگر آمریکایی - بیست و چهارم ژوئن در سن نود و هشت سالگی - شناخته شده برای نقش‌هایش در فیلم‌هایی

رنه حال و هوای غریب فیلم‌های اولیه‌اش را در یکی دو دهه بعد ادامه داد و فیلم‌های رمز آلود متفاوتی نظیر موریل را هم به کارنامه‌اش اضافه کرد. اما سال‌های آخر فیلمسازی‌اش، به نوعی به ترکیب تئاتر و سینما علاقه عجیبی نشان داد. فیلم‌های آخر رنه کمدی‌های گاه دیدنی‌ای هستند درباره دنیای تئاتر. در «زندگی رایلی» و فیلم قبل‌تر، «شما هنوز هیچ چیز ندیده‌اید»، همه چیز به غایت تئاتری است؛ تلاشی متفاوت که برخی را خوش آمد و برخی را نه.

میکلوس یانچو، معروف‌ترین فیلمساز مجاری، هم در سی و یکم ژانویه در سن ۹۲ سالگی در بوداپست درگذشت.

یانچو با فیلم‌هایی چون سرخ و سیاه (۱۹۶۷) و سرود سرخ (۱۹۷۲) به دلیل جو سیاسی جهان با تحسین زیادی روبه‌رو شد اما این روزها کمتر نامی از او برده می‌شود و با آنکه تا پیش از مرگ هنوز به فیلمسازی ادامه می‌داد، فیلم‌هایش چندان مورد توجه واقع نشد.

با این حال فیلم‌هایی چون سرخ و سیاه که امروز به دلیل مضامین ایدئولوژیکشان کهنه به نظر می‌رسند، تجربه‌های جذابی از سبکی هستند که به شدت متکی بر نماهای بسیار بلندی است که امضای یانچو را شکل می‌دهند.

برنده اسکاری که از امید می‌گفت

یکی از بهت‌آورترین اخبار عالم سینما، خودکشی مالیک بن جلول، مستندساز سوئدی در سیزدهم ماه مه در ۳۶ سالگی بود. بن جلول یکی از زیباترین مستندهای تاریخ سینما را به تازگی خلق کرده بود: «در جست‌وجوی شوگرمن»؛ داستان زیبایی خواننده‌ای که در آمریکا تنها پنج نسخه از صفحه‌هایش را فروخته بود، اما در آفریقای جنوبی از پس چند دهه میلیون‌ها طرفدار یافته بود، بی‌آنکه خود بداند.

تنها یک سال قبل، بن جلول روی صحنه مراسم اسکار حاضر شد تا جایزه اسکار بهترین مستند را به حق دریافت کند، اما جسد سازنده فیلمی پر از امید که اشک را از چشمان تماشاگرش سرریز می‌کند، زیر یکی از پل‌های استکهلم پیدا شد؛ با انبوهی اما و اگر و داستان سرایی درباره علت این خودکشی.

مرگ در اتاق دربسته

رابین ویلیامز که همیشه خنده بر لب‌های تماشاگرانش می‌آورد، در خانه‌اش در یازدهم اوت در سن ۶۳ سالگی خودکشی کرد.

این ستاره سینما از مدت‌ها قبل از مشکلات روحی رنج می‌برد، بی‌آن که کسی از آن خیر داشته باشد. ظاهراً مشکلات مالی هم به دیگر مشکلات او علاوه شده و نتیجه‌اش



ادامه مطلب گورستان بم... از صفحه ۱۵

اگر چه آنسوی دیوارهای این گورستان، شهر زنده است و در حال زندگی، اما گورهای دسته جمعی اینجا که روی همه آنها تاریخ فوت ۱۳۸۲،۱۰،۵ نوشته شده برگی خونین از تاریخ این شهر است. شهری که پیش از این تنها با ارگ تاریخی و پر ابهت و خرمای مرغوبش شناخته می شد حالا همه ایران آن را به زلزله ویرانگر و خونینش می شناسند.

هر سال در سالگرد این روز بم در عزای عمومی و کاملاً تعطیل است، تردد عابران و خودروها در گوشه و کنار شهر در کمترین حد ممکن است. اما در سوی دیگر شهر و خیابانهای اطراف گورستان، پر است از جمعیت و ماشین، هر کس با اعضای خانواده اش - البته اگر آن زلزله خانواده ای برایش باقی گذاشته باشد - رهسپار گورستان شده تا خود را به خاک عزیزانش برساند.

بعضی پزشکان زنان و زایمان برای ترمیم پرده بکارت چقدر شلوغ و آشفته است. برای بعضی ها شده کاسبی. رقم های کلان می گیرند و خانواده بیچاره هم ناچارند با تحمل استرس و قرض و هزار بدبختی هزینه ترمیم بکارت را تهیه کنند. من اگر اجازه بدهید باید بروم. چندین پشت خطی و مشتری را به خاطر تلفن شما از دست دادم.

- ممنونم. می توانم حرف هایتان را منتشر کنم؟
- بله خانم به هر حال شما که اسم مرا نمی دانید اما خواهش میکنم شماره تلفنم را به دوستانتان ندهید. به هر حال می فهمید که؟ ما هم کاسبیم. هی نمی خواهیم تحت نظر باشیم.
- باشه حتما. ممنونم و روزتان خوش.

در گوشه ای از گورستان مردی تنها کنار یک دسته ۸ تایی قبر ایستاده است، نامش «هرتضی» است، مردی چهل ساله که از اجزای صورتش غم می بارد، وقتی سلام می کنم و برای جواب سرش را بلند می کند اشک چشم هایش را با دستمالی پاک می کند و جواب می دهد. کمی بعد به قبری که کنارش ایستاده اشاره می کند و حرف می زند، این بخشی از حرف های اوست: «زیر این سنگ سیاه، نامزدم خوابیده است، ده سال پیش سی سالم بود و بعد از چند سال عاشقی بالاخره توانستیم خانواده هایمان را برای ازدواج راضی کنیم، در گیر و دار پساظ نامزدی و عقد و عروسی بودیم که آن روز شوم رسید و عشقم به همراه همه اعضای خانواده اش که در این شهر غریب بودند از بین رفتند، فکر کنم تا همه عمرم عزادار باقی بمانم از بس که آن زلزله نحس حسرت بر دلم گذاشت.»

لا بد ایران نیستید؟ آنجا که جان و امنیت خانمها تهدید می شود به نظرتان کار بدی است ما کمکشان کنیم؟ من کاملاً احساس آرامش خاطر دارم. به یک عده کمک می کنم تا به ادامه زندگی شان امیدوار باشند. تحت فشار و شکنجه و قضاوت نباشند و از افسردگی و انزوا خارج بشوند بروند بی زندگی عادی شان.
- شاید بهتر است پسرانمان را جوری بار بیاوریم که بدانند وقتی خودشان قبل از ازدواج حق تجربه جنسی دارند، همسران آینده شان هم این حق را دارند.

- ول کنید خانم تو رو خدا. تا شما بیابید فرهنگ سازی کنید چند نسل نابود شده این وسط. بفرمایید بیابید فرهنگ سازی کنید؟ فرهنگ کیلویی چند است؟ بروید ببینید اوضاع بعضی جراحان عمومی و

آزادی را نمی توان با هزار سخن نیز تعریف نمود، برای پیدایش آن، نیاز به همراهی تمامی مردم یک سرزمین دارد. حکیم ارد بزرگ

با درج آگهی در نشریه پژواک کسب و خدمات خود را به ایرانیان شمال کالیفرنیا معرفی کنید.



۸۶۲۴-۲۲۱(۴۰۸)



ادامه مطلب ۳۰۰ هزار تومان ... از صفحه ۱۱

هم روراست باشند و مثلاً به گذشته هم کاری نداشته باشند؟
- خانم شما اگر از اداره پلیس یا وزارت بهداشت تماس می گیرید باید بگویم ما برای کارمان مجوز داریم می توانیم پاسخگو باشیم.

- نه، من خبرنگارم. ببخشید باید از همان اول گفت و گو می گفتم ولی ترسیدم شما مکالمه را قطع کنید. الان هم اگر تمایلی نداشته باشید این گفت و گو را منتشر نمی کنم.
- نه اشکال ندارد. به هر حال شما که اسم را نمی دانید. اما بهتر بود همان اول می گفتید. اما نگفتید به نظرتان این کاری که می کنید اخلاقی است؟ از اینکه به یک پروسه دروغگویی کمک می کنید احساس عذاب وجدان ندارید؟

- خیر مطلقاً. ببیند دخترانی هستند که از سر کم توجهی و غفلت و بدون اینکه به دنبال بی اخلاقی یا تنوع بوده باشند با یک انتخاب اشتباه بکارتشان را از دست داده اند. بعضی ها به علت خودارضایی این اتفاق برایشان افتاده. اتفاقاً بیشتر کسانی که با من تماس می گیرند و گاهی درد دل می کنند دخترانی هستند که حین خودارضایی دچار مشکل شده اند. اما اینها هم حق زندگی دارند. یکی دو مورد مراجعه کننده هم داشته ام که به خاطر افتادن از بلندی و ورزش های سنگین دچار مشکل شده اند.

- استقبال از این شیافها چطور بوده؟
- باورتان نمی شود خانم. فوق العاده است. من هر روز بیش از صد تماس را جواب می دهم و تقریباً ۱۵ بسته می فروشم. به هر حال روش جراحی مشکلات خودش را دارد بعضی هاشان هزینه عمل جراحی بکارت را ندارند. ضمن اینکه با جراحی تشت رسوایشان پیش سایر اعضای خانواده که در جریان نیستند از بام می افتد. کل خانواده متوجه بستری شدن و جراحی کردن دخترک بیچاره می شوند. احتمال عفونت و درد و مشکلات دیگر هم هست و البته در روش جراحی، پرده بکارت ترمیم شده فقط نه ماه تا ۱۳ ماه دوام دارد و بعدش به خودی خود زایل می شود. اما این بسته شیاف نه هزینه بالایی دارد نه رسوا کننده است. می خوری و نیم ساعت قبل از نزدیکی و دخول می گذاری داخل دهانه رحمت و دیگر تمام.

- باز هم به نظر من کار اخلاقی و درستی نیست. اینکه یک نفر مجبور باشد گذشته اش را و هویتش را انکار کند یا خفت بار تلقی کند. - بروید بابا. خانم جان اخلاق کیلو چند است؟ شما مگر کجا زندگی می کنید؟

- یعنی تولید و فروش آن مجاز است؟
- خانم اصول الدین می پرسید؟ شما یک مصرف کننده اید چه کار به کار این مسائل دارید؟ شما سفارستان را بدهید اگر شیاف عمل نکرد من به شما قول می دهم پولتان را برمی گردانم.
- به نظرتان یک بسته یا یک شیاف برایم کافی است؟

- یک بسته که کافی است چون بسته های ما دو شیاف دارند. یکی را قبل از شب زفاف به طور امتحانی مصرف می کنید تا طبعتان مشخص شود. چون شیافها بسته به طبعتان و میزان حرارت بدنتان عمل می کنند، کسانی که سردمزاجند چیزی حدود ۴۵ تا ۵۰ دقیقه زمان لازم دارند تا غشای بیرونی شیاف رطوبت بدنشان را جذب کند ولی آنان که مزاجشان گرم است ۳۰ تا ۳۵ دقیقه کافی است.

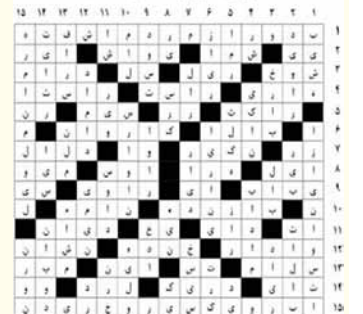
- رنگ و بوی خنوخ چه؟ به شکلی نیست که طرف مشکوک بشود به کل ماجرا؟

- نه، رنگی که تولید می کند و بوی آن شبیه به خون طبیعی است. میزانش هم به میزان خون طبیعی پرده بکارت است که از دهانه رحم خارج می شود و حتی روی آلت مرد هم باقی می ماند.

- قابل استفاده مجدد هم هست؟ مثلاً کسی بخرد و بعد به دوستش هم بدهد؟
- چقدر سوال می پرسید خانم؟ یک بسته قرص ۳۰۰ هزار تومانی می خواهید به اندازه سه میلیون تومان وقت مرا گرفتید.
- راستش خیلی کنجکاو شدم!

- نه یک بار مصرف است اما به علت ترکیباتش تا دو سال توی دمای معمولی اتاق دوام می آورد، یعنی اگر خریدید و عروسی به هر دلیل بهم خورد تا دو سال برای شما باقی می ماند. شما کافی است با تلفن های ما تماس بگیرید آن را دو روز بعد به هر جای ایران که خواستید باریتان می فرستیم.

- به نظرتان انجام این کار اخلاقی است؟
اینکه کمک کنید تا یک نفر به نفر دیگری که قرار است یک عمر با هم زندگی کنند، دروغ بگوید؟ بهتر نیست در ابتدای مسیر زندگی طرفین ماجرا با



ادامه مطلب تنش در... از صفحه ۵

ژنرال «کلن پاول» که در ۱۹۹۰ ریاست سازمان ستاد ارتش را به عهده داشت بر این نظر بود که آمریکا دیگر نباید به جنگ‌های محدود قناعت کند مانند آنچه در ویتنام انجام داد. در جنگ‌های بعدی باید تمام نیروی نظامی خود را بکار برد که در کوتاه مدت و بطور قطعی موفق شود.

این نظریه بود که در جنگ اول عراق در ۱۹۹۱ و در حمله و اشغال عراق در زمان جورج بوش به کار رفت و آمریکا صدها هزار نیروی خود را به میدان جنگ فرستاد. اوپاما این نظریه و تئوری را عملاً دنبال نکرد حتما در مورد «داعش» که می‌توانست خطری برای شهروندان آمریکایی و منافع این کشور در منطقه باشد به فرستادن چند هزار مشاور، کمک‌های مالی و تسلیحات قناعت کرد.

وی بارها گفته است که این جنگ بین مردم منطقه است. وقتی از اوپاما سؤال شد که در چه صورتی ارتش آمریکا درگیر خواهد شد وی پاسخ داد: «تنها زمانی که ما دریابیم داعش دارای سلاح‌های اتمی است و باید طی عملیات نظامی این سلاح‌ها را از چنگ آنها در آوریم، در غیر این صورت هیچوقت.» ژنرال «دمسی» رئیس فعلی سازمان ستاد ارتش از سیاست اوپاما پشتیبانی کرده و در گزارشی به کنگره گفته است، دکترین «پاول» مبنی بر استفاده از تمامی نیروهای نظامی در مقابله با «داعش» مناسب نیست. حضور نیروهای آمریکایی با این هدف که مردم منطقه باید علیه «داعش» بجنگند مغایرت دارد. وی گفته است که پس از تجربه‌ی شخصی ۳ بار جنگ در عراق معتقد است این بار باید این درگیری را به عراقی‌ها سپرد.

اوپاما بویژه از جانب جمهوریخواهان مورد سرزنش است که استراتژی معینی ندارد و سیاست وی عقب نشینی بوده است.

«برت استیون» (Bert Steven) مفسر سیاسی نشریه‌ی وال استریت جورنال اخیراً در کتابی به نام «آمریکا در حال عقب نشینی» (America in Retreat) ادعا می‌کند که سیاست‌های اوپاما انزوآگرایانه بوده و موجب شده است که از قدرت این کشور کاسته شود و در نتیجه نظام جهانی بر هم ریخته است.

«استیون» چنین استدلال می‌کند که اوپاما می‌گوید القاعده در حال شکست است. ما باید به مسائل خودمان بپردازیم و بقیه دنیا را به حال خود بگذاریم. ولی چنین سیاستی موجب شده است که پوتین به اوکراین حمله کند و اسد از خط قرمز اوپاما نترسد. زیرا رئیس جمهور آمریکا نقش خود را به عنوان مهمترین نیرو در برقراری نظام جهانی از دست داده است. وی می‌گوید نمونه‌های دیگر ضعف اوپاما اینست که بودجه‌ی نظامی نسبت به زمان ریگان کاهش یافته و آمریکا به کشورهایی مانند اوکراین، استونیا و اسرائیل پشتیبانی نمی‌دهد.

«پیتر بین آرت» (Peter Beinart) مفسر و استاد دانشگاه نیویورک می‌گوید: آمریکا از سالهای ۱۹۷۰ در حال عقب نشینی بوده است بویژه پس از جنگ‌های فاجعه آوری مانند جنگ ویتنام و سپس عراق و افغانستان، ولی هنوز بیشترین نیرو را در آسیای مرکزی، اروپا و خاور میانه دارد که حتماً برای ریگان قابل تصور نبود. نحوه‌ی فعالیت‌های نظامی آمریکا در جهان نیز تغییر کرده ولی حضور نظامی آن لزوماً کمتر نشده است. به اینگونه این ادعا که اوپاما عقب نشینی کرده است درست نیست، سیاست خارجی وی انعطاف پذیر و جسورانه بوده است ولی در عین حال از کشورهای دیگر نیز نظر خواهی کرده است. واقعیت اینست که آمریکا دیگر تنها قدرت بزرگ جهان نیست و کشورهایی مانند چین، ژاپن، هند، برزیل و حتی ترکیه دارای قدرت و نفوذ سیاسی، نظامی و اقتصادی هستند.

فرگوسن و تنش‌های نژادی

در یک روز داغ تابستان در ماه اگوست جوان ۱۸ ساله سیاه‌پوستی به همراه دوستش وارد یک مغازه می‌شود و سیگاری می‌دزدد و وقتی صاحب مغازه اعتراض می‌کند با دستش به سینه او می‌کوبد و از مغازه خارج می‌شود.

صاحب مغازه به پلیس اطلاع می‌دهد. دقایقی بعد «دارن ویلسون» پلیس فرگوسن به محل می‌رسد «مایکل براون» و دوستش را می‌بیند که در خیابان قدم می‌زنند. به آنها دستور می‌دهد به پیاده رو بروند. ویلسون ادعا می‌کند که مایکل براون بطرف او که در ماشین نشسته بود می‌آید و می‌کوشد هفت تیر او را بگیرد و مشتی به صورت پلیس می‌زند. در نتیجه وی مجبور به شلیک گلوله می‌شود. ولی جسد مایکل براون در فاصله نسبتاً دوری از ماشین پلیس قرار گرفته بود. حتی ویلسون گفته است بران در حالی که زخمی بوده با چهره‌ای غضبناک بسوی او می‌آمده و وی مجبور شده است چند بار دیگر شلیک کند و گلوله نهایی را به پیشانی او زده است. کسانی که شاهد این تیراندازی بوده‌اند گفته‌اند که مایکل براون بدون اسلحه بوده و در حالیکه دستهایش را به علامت تسلیم بلند کرده بود با شلیک گلوله‌های متعدد در روز روشن کشته می‌شود و جسدش ساعتها در خیابان باقی می‌ماند.

فرگوسن از نواحی ایالت میسوری و منطقه‌ای فقیر و سیاه نشین است که پلیس و غالب نمایندگان و مأموران دولتی در آن سفید پوست هستند. قتل این جوان ۱۸ ساله موجب شد که صدای اعتراض صدها هزار نفر در سراسر آمریکا برخیزد و موضوع خشونت پلیس علیه سیاهان و اختلافات نژادی بار دیگر در جامعه مطرح شد. از روز قتل مایکل براون تظاهر کنندگان به خیابانها آمدند و با شعار «بدون عدالت صلح وجود ندارد» خواهان محاکمه دارن ویلسون پلیس سفید پوست شدند.

دادستان فرگوسن به جای محاکمه پلیس در یک دادگاه علنی، یک هیئت ژوری مخفی معروف به «گراند ژوری» (Grand Jury) انتخاب کرد. هیچکس نمی‌داند چه کسانی عضو این هیئت ژوری بودند و چه نوع مدارکی ارائه شده است. وظیفه این ژوری محکوم کردن یا نکردن نیست بلکه با ارائه مدارک و شواهد ژوری باید تصمیم بگیرد آیا شواهد کافی وجود دارد که متهم محاکمه شود. اشکال عمده‌ای که وجود دارد این است که دادستان اختیار کامل در انتخاب شاهدان و مدارک دارد. ولی هیچکس از جانب مقتول حضور ندارد.

پس از ماه‌ها انتظار بالاخره دادستان اعلام کرد که رأی هیئت ژوری مخفی را در اختیار همگان قرار می‌دهد. در ساعت ۸ شب دادستان در یک گزارش مفصل گفت که ژوری دلایل کافی برای محاکمه دارن ویلسون پیدا نکرده است. با اعلام این خبر جمعیتی که در خیابان و جلوی اداره پلیس جمع بودند با خشم و عصبانیت بسیار به آتش زدن ساختمان‌ها و مغازه‌ها دست زدند. اعتراضات به شهرهای دیگر نیز سرایت کرد و جمعیت زیادی در لوس آنجلس، نیویورک، فیلادلفیا، اوکلند، بستون و سایر نقاط به راه پیمایی و اعتراض پرداختند. پرزیدنت اوپاما بلافاصله پس از سخنان دادستان در کاخ سفید پشت میکروفون قرار گرفت و از مردم خواست که آرامش خود را حفظ کنند و ادعا کرد که مشکلات نژادی هنوز در آمریکا حل نشده است. کشته شدن بویژه جوانان سیاه‌پوست بدست

ادامه مطلب سال نوی جهانی... از صفحه ۶

با این همه، چه زیبا و امیدبخش است که هر ساله می‌بینیم همچنان، در نو شدن سال جهانی، عطر شادمانی در خیابان‌های آذین بسته‌ی چراغان شده‌ی کشورهای زیادی در جهان پراکنده می‌شود، و میلیون‌ها تن از هم‌زمینی‌های ما، این خوشبختی را دارند که می‌توانند آشکارا و آزاد شاد باشند، و مهربانی و خنده را با هم تقسیم کنند. و چه زیباست که می‌بینیم در این سرزمین‌ها هستند بسیار انسان‌های آگاه و شریفی که می‌کوشند این آزادی و شادی را، و همه‌ی آن‌چه‌های دیگری را که دارند، با همه‌ی مردمان جهان تقسیم کنند و شریک شوند. گویی آنها بیشتر از ما دریافته‌اند که انسان واقعی نشانه‌ی روشن مهربانی و تجسم عشقی همگانی است.

سال نوی جهانی شاد باد

ادامه مطلب خیلی قدیم های ... از صفحه ۱۳۷

زانو مینشستند و دلاک به بالای کمرشان میرفت و با کشیدن دست و پا و عضلات او، صدهای شکسته شدن گرفتگی های عضلانی، که اصطلاحاً به آن (شکستن قولنج) میگفتند، در می آورد، یک ماساژ درست و حسابی انجام میداد و انعامی دریافت میکرد. برای ورود به خزینه، باید از چند پله بالا میرفتیم و از دریچه ای کوچک عبور مینمودیم و در آنسوی دریچه هم باز پله هایی بود که در زیر آب قرار داشتند. و پس از عبور از پله، به قسمت نسبتاً عمیق آن میرسیدیم. بعضی از مردم آنقدر وحشی و حیوان بودند که قضای حاجتشان را (فصله) در داخل خزینه میکردند. من چند بار به چشم خودم فصله یکی از آن حیوانات دوپا را که بر روی آب شناور بود دیده بودم. خزینه، در زمان رضا شاه ممنوع شده بود. اما به محض رفتن رضا شاه، مذهبیبون که اکثریت قاطع جمعیت ایران را تشکیل میدادند، از همان فضای سیاسی طلایی دوازده ساله دمکراسی دوران اولیه سلطنت محمد رضا شاه (از شهریور ۱۳۲۰ تا شهریور ۱۳۳۲) استفاده کردند و خزینه ها را در حمام ها بنا کردند. چون برای غسل جنابت، حتماً میبایستی همه بدن را در آب فرو کنی تا در پایه های دینت اشکالی پیدا نشود که فردای قیامت بتوانی پاسخگو باشی. اصولاً بستن خزینه ها و احداث دوش در حمام ها، خلاف قانون اساسی بود. چون خلاف شریعت اسلام و خلاف رای علمای اعلام بود و از فتاوی علمای بر می آمد که با دوش گرفتن، غسل جنابت درست انجام نمیشود و شخص مومن به این ترتیب نمازش قبول نیست. این هم یکی از مواردی بود که رضا شاه، پا روی قانون اساسی گذاشته بود و خلاف آنرا انجام داده بود!!!... در حمام های مردانه، مرد ها، خود را با لنگی میپوشاند ولی در حمام های زنانه از هیچ پوششی استفاده نمیکردند و تنها زنانی که ملاحظه فرزندان را میکردند و یا شرم حضورشان میشد، تن پوشی را همراه داشتند و کاملاً لخت نمی شدند. بامداد روز جمعه، آنقدر زود به حمام میرفتیم که وقتی بیرون هم میآمدیم، هنوز آفتاب ندیده بود. اما بوی فضا، پس از آنکه مسیر تنفسی مان پاک میشد، آنقدر دل انگیز بود که همیشه آرزوی استشمام دیگر باره آن هوای روح افزا دارم.

پناهنده فریب دهم، شاید در رنگین کمان یادهای دیار دورم گم شدم و لحظه ای فراموشم شود امروز کجا هستم و چشم و گوش بسته سقوط را بپذیرم. دم فرو بندم و مثبت باشم. خاله خوش وعده خوش بین!!

گفت همینجا پیش زن اوستا بشین تا ما هم بیاییم. زن اوستا یک لیوان آب خنک دستم داد و گفت ماشالله دیگه بزرگ شدی و برات خوبیت نداره با مامانت بیایی حوم. از این بعد با بابات برو. منم که هنوز سر در نیآورده بودم که اصلاً قضیه چیست و برای چه آن پیرزن مرا دعوا کرد و بقیه زنها چرا سر مادرم جیغ و داد میکردند، گفتم چشم. زن اوستا گفت باریک الله بچه حرف گوش کن. باز هم نفهمیدم چرا زن اوستا تشویقم کرد؟! این محرومیتی که برای من ایجاد شد، باعث گردید که از آن پس، یا به حمام نمره برویم و یا با پدرم به حمام عمومی. فرق میان حمام نمره و حمام عمومی این بود که، حمام نمره، یک حمام کوچک بود که تک نفری و یا اعضای یک خانواده به آن میرفتند و حمام ها را طوری میساختند که در یک راهرو دراز، در دو طرف، تعداد زیادی مثلاً بیست حمام نمره بنا میشد که دو درب، پی در پی داشت از درب اول که رد میشدیم و آنرا میبستیم، سکوی جالباسی داشت و آن قسمت رختکن بود. برای شستشو باید از درب دوم عبور کنیم که در آنجا هم، یک سکوی دراز بود و دوش و بالای سقف هم نورگیر شیشه ای داشت. البته برای استفاده از دوش، فتوایی صادر میشد که متفاوت بود و برخی از علماء!!! اسلام، دوش گرفتن را برای غسل، جایز نمیدانستند.

اما حمام عمومی، فضای بزرگی بود که همه لباس را در میاوردند و هریک لباس خود را در یک کمد یا جالباسی میگذاشتند و آنرا قفل مینمود و کلید آنرا که به کشی وصل بود به دور مچشان میبستند. بالای سر (اوستا) حمام، این شعر نوشته شده بود ---- هرکه دارد امانتی موجود ---- بسپارد به بنده وقت ورود ---- بسپارد، اگر شود مفقود ---- بنده مسئول آن نخواهم بود ... وارد فضای اصلی حمام که دارای حوض و سکوی صابون گیری و دوش ها و خزینه بود میشدیم. در کف زمین، تعدادی از مردان، کنار هم دراز میکشیدند و دلاکانی هم به نوبت به تن و بدن آنها کیسه میکشیدند و چرک تن را بصورت لوله در میآوردند و برای آنکه حاصل زحمتشان را برخ بکشند، همه لوله های چرک را روی سینه و در معرض دید شخص قرار میدادند. و پس از شستن و در انتهای کار شستشو، در مقابل دلاک به

به این می گویند منطق مثبت. می روم سرخاب و ماتیک تدارک بینم تا مگر بی رنگی اواخر عمر را در تیرگی بی وطنی و رنگ و ریای غربت آب و رنگ پشیم و خودم را همرنگ جماعت رنگارنگ

ادامه مطلب اگر وقتی بماند ... از صفحه ۱۳۶

زنان را دور هم جمع می کند، خیلی از آنها از گذراندن وقت در این مکانها لذت می برند.»

پول تفریح نداره!

یکی از مسائلی که بر شیوه گذران اوقات فراغت زنان اثر می گذارد، پایگاه اقتصادی - اجتماعی زنان است. زنان اگر شاغل باشند یا نباشند، درآمد مستقل داشته باشند یا نداشته باشند بر شکل گذران اوقات فراغت آنها یا رضایت آنها از گذران این اوقات اثر می گذارد. زنانی که از خود درآمد مستقل ندارند، در انتخاب نوع فعالیت های جانبی شان دچار محدودیت می شوند. مهنای پاکدست می گوید: «اگر زنی خودش درآمد داشته باشد دستش در انتخاب فعالیت های مربوط به اوقات فراغت بازتر است. اما معمولاً میزان درآمد زنان در میزان پرداختن آنان به فعالیت های اوقات فراغت تأثیری ندارد. یعنی زنان بیشتر به دلایل فرهنگی برای اوقات فراغتشان برنامه ندارند و به همین علت بسیاری از زنانی که درآمد قابل قبولی هم دارند، اولویتی برای این کار قائل نیستند.» به اعتقاد کارشناسان، شرایط اقتصادی جامعه ما طوری است که بیشتر خانواده ها توان پرداخت هزینه های جداگانه برای گذران اوقات فراغت خود را ندارند و همین موجب می شود زنان با توجه به کار زیاد در خانه یا اداره، به مرور شادابی و نشاط خود را از دست بدهند و افسرده شوند. به همین دلیل، نهادهای فرهنگی باید برای رفع این مشکلات و بالا بردن سطح آگاهی و توانمندی، تعاملات و رفاه اجتماعی و همچنین رفع اضطراب و تنش زدایی زنان تلاش کنند و با کاهش هزینه ها و با ایجاد مکان های تفریحی و ورزشی برنامه ریزی و اقدامات لازم را انجام دهند تا زنان هم بتوانند از اوقات فراغت خود به درستی استفاده کنند. اگر گذران اوقات فراغت زنان، با نوعی تحرک فیزیکی هم همراه باشد، باعث می شود بسیاری از بیماری های آنها مانند پوکی استخوان از میان برود. به طور حتم، زنان شاغل و خانه دار می توانند با برنامه ریزی کارهای خود در طول روز، زمانی را به نیازها و علاقه های خود اختصاص دهند و با کمبود زمان روبه رو نخواهند شد.

ادامه مطلب از درگوشی ها ... از صفحه ۱۳۳

من یک قوطی سرخاب و یک لوله ماتیک بالای سرمه. تا صبح بیدار میشم سرخابو میمالم و لبامو قرمز می کنم که وقتی چشمم به آینه بیفته وحشت نکنم و بینم رنگ و رویم خوبه و سرخالم والا ناراحت میشم. کار خوبی برای روحیه ما خوبه. تو هم یاد بگیر.»

درست به همان شکل که جداسازی کار و فراغت از نظر زمانی دشوار است، بسیاری از زنان از فضای یکسانی برای کار و اوقات فراغت بهره می گیرند که عمدتاً همان خانه است. از آنجا که فراغت زنان عمدتاً در خانه سپری می شود نحوه گذران آن هم متفاوت است. خواندن کتاب و مجله و تماشای تلویزیون و حتی برپایی جلسات زنانه نوعی گذران فراغت در داخل خانه است.

پاکدست، درباره این که چرا زنان بیشتر اوقات فراغتشان را در خانه می گذرانند معتقد است: «شاید یکی از دلایلی که زنان بیشتر اوقات فراغت خود را در خانه می گذرانند، غیر از تأمین نیازهای خانواده، نبود فضاهای دیگری برای گذراندن این ساعت هاست. در واقع جاهای زیادی وجود ندارد که زنان بتوانند وقتشان را آنجا بگذرانند. مکان های فرهنگی و کلوپ های زنانه چندان مرسوم نیست یا اگر وجود داشته باشد، هم محدود است یا زنان عادت به استفاده از آنها را ندارند.»

جوایای احوال آشنائی شدم، مبتلای آلام سالخوردگی، مقیم اطاقکی فقیرانه دولتی در حومه لس آنجلس، بیگس، بی همزبان و بی پول. طبق معمول آمریکای مدرن پس مانده و دورانداخته اولاد. گفت «خوبم. تو هم همیشه بگو خوبم. حتماً بهتر میشی. نگو حال ندارم. اگه بگی خوبم، خوب میشی.

ادامه مطلب رفتار یک ملت ... از صفحه ۷

می‌کنند تا خشونت و قساوت را بر مردم اعمال کنند؛ برای نمونه، «خمرهای سرخ» در کامبوج از نیروهای جدید خود می‌خواستند تا سگ‌ها و گربه‌ها را به سرنیزه بکشند تا از این راه خشونت در آن‌ها بیدار شود. یکی از بازی‌های آن‌ها هم این بود که حیوانات را زنده درون آتش بیاندازند.

به گفته یکی از شاهدان، نیروهای خمرهای سرخ به شکنجه اعتیاد داشتند. در فاصله سال‌های ۱۹۷۵ تا ۱۹۷۹، این ایدئولوژی موحش حدود ۷/۱ میلیون تن از شهروندان خود را از میان برد؛ یعنی ۲۱ درصد از کل جمعیت کامبوج.

انسان‌ها و حیوانات

فقط سگ‌ها نیستند که از چشم محافظه کاران حکومت ایران نجس محسوب می‌شوند؛ چندی پیش «غلامحسین غیب‌پرور»، فرمانده سپاه فارس، اصلاح طلبان ایران را «نجس» خواند. با وجود تمرکز محافظه کاران ایران بر سگ، حقیقت انگار این است که آن‌ها از صاحبان سگ بیم دارند؛ کسانی که خواهان اصلاح در وضع حکومت هستند.

با این که نگاه و زبان خصم آلود نمایندگان محافظه کار مجلس نسبت به سگ‌ها سبب شده صاحبان این حیوانات، آن‌ها را در کنج خانه نگاه دارند ولی در صورتی که طرح ارایه شده به مجلس تصویب شود، این فقط سگ‌ها نخواهند بود که قربانی خواهند شد. اگر صاحبان سگ‌ها را شلاق بزنند، این نوع شکنجه در سراسر کشور عادی تر و فراگیرتر از پیش می‌شود؛ و قوه قضاییه باید برای مجازات صاحبان سگ، شکنجه‌های تازه‌ای پیدا و یا حتی تولید کند.

درست همان گونه که گذار از آزار حیوان به انسان می‌تواند کوتاه و سریع باشد، گذار از دفاع از حقوق حیوانات به حقوق بشر هم می‌تواند کوتاه و سریع باشد. قاعدتا مقامات ایران پیش از بازداشت طبرزدی، باید به این حقیقت پی برده باشند. اگر مقامات اجازه برگزاری تظاهرات علیه کشتار حیوانات را می‌دادند (تجمعی که طبرزدی فراخوان آن را داده بود)، شاهدان و ناظران می‌گفتند در ایران، تظاهرات علیه کشتار حیوانات از تظاهرات علیه اعدام انسان‌ها آسان تر است؛ و این اظهار نظری است که به مذاق حکومت هیچ خوش نخواهد آمد.

از روی اجبار اطاعت می‌کنند. بعد دوباره دور از چشم شان عکس می‌گیرند و می‌فرستند برای صفحه آزادی‌های یواسکی.»

داستایفسکی در نوشته خود از اعمال سنگ‌دلانه‌ای می‌گوید که خود به چشم خویش علیه حیوانات دیده است؛ «اعمالی که بی تردید مردم و به ویژه کودکان را متوحش می‌کند و به تباهی می‌کشاند.»

او همچنین نشان می‌دهد که چه گونه قساوت با حیوانات در ساحت بزرگ تری از بی عدالتی گسترش می‌یابد. او خود دیده بود که یکی از مسوولان حکومتی محکم به پس گردن درشکه چی جوان می‌زند و او را تحقیر می‌کند. درشکه چی هم اسب‌های خود را با ضربی شدید شلاق می‌زد.

به شهادت داستایفسکی، اسب‌ها بدون هیچ شکی رنج می‌بردند و درد می‌کشیدند. او معتقد بود: «انجمن روسیه برای حمایت از حیوانات مشکل بتواند درشکه چی بی نوا را به دلیل قساوت با اسب‌های خود توبیخ کند، چراکه هر ضربه‌ای که بر حیوان فرود می‌آید، نتیجه مستقیم ضربه‌هایی بود که بر آن مرد فرود می‌آمد.»

در سال ۲۰۱۴، «پلیس فدرال امریکا» (اف بی آی) این پیوند را به شکل دیگری نشان داد؛ براساس تحقیق این سازمان، انسان‌هایی که هم‌نوع‌های خود را مورد آزار و اذیت قرار می‌دهند، اغلب کارشان را با شکنجه و کشتن حیوانات شروع می‌کنند.

این ارتباط آن قدر آشکار است که اف بی آی خشونت علیه حیوانات را جزو جرم های گروه «A» اعلام کرد و مأموران و ضابطان قانون را واداشت تا موارد خشونت علیه حیوانات را به این سازمان گزارش دهند. تحقیق اف بی آی نشان می‌دهد که بسیاری از قاتلان زنجیره‌ای سرشناس، خشونت را در ابتدا بر حیوانات اعمال می‌کردند. از جمله ای موارد می‌توان به «جفری دامر» (Jeffrey Dahmer) اشاره کرد؛ متجاوز آدم خواری که پیش از آن که ۱۷ مرد و پسر بچه را به قتل برساند، سگ‌ها و گربه‌ها را می‌کشت و سر آن‌ها را بر چوب آویزان می‌کرد. همین‌طور «آلبرتو دسالوو» (Alberto DeSalvo)، قاتلی که پیش از کشتن ۱۳ زن، سگ‌ها و گربه‌ها را در محفظه‌هایی چوبی می‌گذاشت و آن‌ها را با تیرکمان نشانه می‌گرفت.

بعضی از رژیم‌هایی که ایدئولوژی قتل را در ضمیر خود دارند، از شکنجه حیوانات به عنوان روشی برای آموزش نیروهای خود استفاده کرده و از این راه، آن‌ها را آماده تلف نشود دیگر از این لباسها استفاده نمی‌کنند.» او با خنده می‌گوید: «کسی که به حرف آنها معتقد نمی‌شود، آدم‌ها فقط

ادامه مطلب علت کاهش ... از صفحه ۱۳

آینده چه خواهد شد؟

طبق برآورد اکثر کارشناسان، قیمت نفت به این زودی‌ها دوباره افزایش نخواهد یافت زیرا مازاد عرضه در بازار جهان بسیار زیاد است. در میان‌مدت اما تقاضای جهانی به دلیل رشد اقتصادی کشورهای در حال توسعه افزایش خواهد یافت. بنابر برآورد کارشناسان، تا سال ۲۰۳۰ نیاز جهان به نفت تا ۱۰۳ میلیون بشکه در روز افزایش خواهد یافت.

علاوه بر این ممکن است سقف تولید نفت نیز سقوط کند. بنابر ارزیابی موسسه آمریکایی «گلدمن ساکس»، با قیمت زیر

ادامه مطلب دستگیری ۵۰ زن ... از صفحه ۴

پوشیدن چکمه و کشیدن آن روی شلوار از سال ۸۶ به عنوان یکی از مصادیق بدحجابی از سوی نیروی انتظامی عنوان شده است. آنها برای توجیه منوعیت استفاده از چکمه روی شلوار از کلمه تبرج استفاده کرده‌اند. تبرج از کلمه «برج» به معنای ظاهر شدن و جلب نظر کردن ریشه گرفته است. این دستگیری گسترده در شرایطی در شهر کرد صورت گرفته که چند هفته پیش نیروی انتظامی بار دیگر از برخورد با بدحجابی خبر داد و مصادیق بدحجابی در زمستان را مطابق هر سال اعلام کرد. این در حالی است که امسال از پوشیدن چکمه به عنوان مصداق بدحجابی حرفی به میان نیامد اما استفاده از کلاه به جای روسری و پوشیدن ساپورت مصداق بدحجابی و تبرج عنوان شد.

به گزارش ایسنا محمد مسعود زاهدیان رئیس پلیس امنیت اخلاقی ایران پس از توضیح درباره حضور پررنگ و فعال گشت‌های امنیت اخلاقی در سطح جامعه گفته است: «مصادیق حجاب که مورد پذیرش ضوابط شرعی و عرفی است، مشخص بوده و افراد نباید با لباس‌های بدن نما عفت عمومی را جریحه دار کنند که در این صورت مورد پیگرد قرار می‌گیرند. بطور حتم کلاه حجاب کاملی برای بانوان محسوب نمی‌شود و با استفاده کنندگان مانتوهای کوتاه، تنگ و منقوش به تصاویر نامأنوس با فرهنگ ایرانی و ساپورت‌های بدن نما و منقش به طرح‌های مبتذل برخورد شده و در صورت مواجهه گشت‌های پلیس، این افراد برای اصلاح وضع ظاهری خود به مقرهای تعیین شده، هدایت می‌شوند.»

حالا گشت ارشاد شهر کرد فعالیت خود را آغاز کرده است. بازداشت‌شدگان، چند ساعتی را در کلاتری شهر کرد می‌گذرانند

ادامه مطلب ورزش از نگاه ... از صفحه ۱۴

آیا از ۹۰ درصدی که از آن سخن گفتیم که وقایع و حوادث را در بر می گیرد در برابر آن ده درصدی که از آن سخن گفتیم که متاسفانه تنها اشتغال فکری ما است، باید ده درصد مرده و ساکتی باشد که هیچ چیز در آن علت تغییرات و تحولات نیست بلکه همه زائیده دلالتی های پنهان خواهد بود. متاسفانه باشگاه های ما غالب اوقات خود را در منطقه و ناحیه ده درصدی سرگرم می کنند و کار آنها هرگز اساسی و اصولی نیست و فقط می تواند چرخ های کهنه و قدیمی را در گردش مداوم تدریجی و فرساینده خود کمک کند. استعدادها و انرژی ها، هزینه ها فقط در این راه به کار گرفته می شوند، آنهم بدون کوچکترین بهره و سودی.

در اغلب این بازی ها فکر و اندیشه ای را نمی توان دید. در انتهای جدول رده بندی ملوان در پانزده بازی سه مربی را روی نیمکت خود دیده است. بعد از گذشت سی سال ورزشگاه همان است که بود، بازیکنان کلیدی و بومی ملوان در شهر خود هو می شوند. آیا مشکل بازیکنان هستند یا مربیان و یا تماشاگری که بیشتر و بیشتر می خواهد. در دنیای دیجیتالی امروز مهمترین مساله ای که دنیای تعلیم و تربیت را تکان داد دو رکن اساسی یادگیری است:

۱- تمرین برای یادگیری

۲- فکر کردن به هنگام تمرین

تعبیر و تفسیر حرکت استفاده از فضاها زدن ضربه های اول، سرعت تصمیم گیری، دقت در پاس ها و دقت در شوت زدن ها، ضربه های ایستگاهی، بازی با سه دفاع منطقی و بدون خشونت، عمق در حمله و دفاع کنترل رفتار، کنترل خشم و کنترل دردهای ناشی از درگیری های بدنی و یا به عبارتی ساده تر مشکلات فوتبال مدرن. آیا آنچه در زمین تمرین و کلاس درس می گذرد با این جریان طبیعی سازگار و منطبق است یا فوتبال ما درجا می زند و یک طبل تو خالی می باشد. مارک تواین می گوید چه تفاوتی است بین انسانی که می تواند بخواند و این مهم را انجام نمی دهد و انسانی که اصولاً قادر به خواندن نیست. شاید این دو انسان تفاوتی باهم نداشته باشند آیا فوتبال ما به مربیان و بازیکنانی با چشمان باز و فرصت خواندن و مطالعه نیاز دارد! می توان تحقیق و بررسی کرد و البته می توان به فکر بود که هنوز هم در بسیاری از بازی ها پاس های بد از پاس های خوب بیشتر است. آیا روزهای بهتری در انتظار ما خواهد بود آیا این جنگ سردها در مطبوعات صبح، تنها یک منازعه و اختلاف حسی است؟

ادامه مطلب گل نم ... از صفحه ۱۳۹

قیافه و سر و وضع و ادب سیامک کمی از نگرانی من کاست. پس از تشریفات گمرکی سوار هواپیما شدیم و دقایقی بعد هواپیما از روی باند بلند شد.

من روی صندلی هواپیما کنار پنجره نشستم، صندلی پهلویم خالی بود. نگاهی به اطراف انداختم سیامک با مرد دیگری چند صندلی آن طرف تر نشسته بود و گرم گفتگو بود و هرچند وقتی برمیکشست و من را نگاه می کرد. در این موقع خانمی که حدود ۴۰ سال کم و بیش سن داشت به طرفم آمد و گفت: اسم من فرشته است. شوهرم فرید خوابیده، امدم اینجا که هم او راحت تر بخوابد و منم یک هم صحبتی داشته باشم که حوصله ام سر نرود. می توانم از این صندلی خالی استفاده کنم؟

-البته، بفرمایید.

فرشته پرسید: مثل اینکه تنها مسافرت می کنی؟ دبی آشنا، فامیل، کسی را داری که بروی پیش آنها؟

-قرار است در شرکتی کار کنم که صاحب شرکت آشنا است. فرشته گفت: خوب است چون میدانی دختر جان اینجا در دبی خیلی از دختر ها را گول می زنند و می آورند و می فروشدند و یا به کارهای خلاف و ادار می کنند. حالا خوبه که می گوئی صاحب شرکت آشناست.

تا آن تاریخ راجع به این مسئله فکر نکرده بودم. در آنی تمام حرف هایی که بین من و جبر خان رد و بدل شده بود و همچنین حرف های راننده دوباره از ذهنم می گذرد. هنوز مطمئن نبودم ولی وقتی خوب فکر کردم آن بهانه جویی جبرخان از رفتن به دبی و پنهان کردن حرفهایش از گل بانو من را به شک و اداس داشت بعلاوه اینکه اصلاً مطمئن نبودم که جبرخان شرکتی داشته باشد.

دنباله داستان در ماه آینده

مربیان جوان تری خواهیم دید؟! پاس ها دقیق تر خواهند شد و بازیکنان با پاس های بلند بی دقت توپ را به سادگی از دست نخواهند داد. شوت ها دقیق تر و زیباتر خواهند شد و واکنش دروازه بان ها دیدنی تر. بازیکنان تحت رهبری مربیان کمتر خشونت های بی دلیل خواهند کرد، چرا که هیچ مربی خوبی خشونت را آبیاری نمی کند. آیا مربیان بهتر، مربیان دیگر را به فکر کردن و خواهند داشت و آیا ما در برابر تلویزیون میخکوب خواهیم شد و یا آن را خاموش کرده به کار دیگری خواهیم پرداخت.

گفت: خانم من فقط یک راننده هستم و باید شما را ببرم فرودگاه، آنجا حتما کسی هست که شما را راهنمایی کند. فهمیدم که این آن شخصی که جبرخان می گفت نیست.

راننده پرسید: خانم شما دختر جبرخان هستید؟

نمی دانم چرا به دروغ گفتم بله.

گفت: شما خواهر هم دارید؟

- نه چطور مگر؟

راننده گفت: هیچی و دیگر صحبتی نکرد. مانده بودم که این جوان چی می خواست بگوید که حرفش را نیمه کاره قطع کرد. این بود که دوباره پرسیدم نکفتی چرا این سؤال را کردی که من خواهر دارم یا نه؟

گفت: خیلی پیش از این ها من خانمی را از همین جا بردم فرودگاه که می گفت دختر جبرخان است.

برایم تعجب آور بود. جبرخان که دختری نداشت، اصلاً بچه نداشتند پس این جوان چی می گوید و چون عقلم به جانی نمی رسید اینطور نتیجه گرفتم که شاید جبرخان در این رفت و آمدها در غیاب گل بانو تجدید فراش کرده و صاحب دختری هم شده؟ ولی راننده می گوید که از همین آدرس او را سوار کرده؟ پس آن دختر در همین منزل زندگی می کرده و مسلماً گل بانو هم او را دیده. باز کمی دلم شور افتاد.

راننده جلوی درب ورودی ترمینال ایستاد. مردی که حدود سی تا سی و پنج سال سن داشت، بسیار شیک، با کراوات و کفشهای واکس زده، درب ماشین را برای من باز کرد، سلام کرد و با اشاره خواست که پیاده شوم. راننده چمدان مرا از پشت ماشین آورد و خداحافظی کرد و رفت. آن مرد خود را معرفی کرد و گفت: اسم من سیامک است. جبرخان از بنده خواستند شما را تا دبی همراهی کنم. بفرمائید من چمدان شما را می آورم.

شدن فوتبال ما شود؟! آیا ما به گویندگان بهتر، مفسران قوی تر و یا متفکرانی بهتر نیاز داریم که همه چیز را از سلیقه خود و باتوجه به رفاقت و دوستی خود تجزیه و تحلیل نکنند؟! بنابراین هر پیام گزارشگر یک پیام ارتباطی است.

بهرحال این تلویزیون است که ما را به ورزشگاه در تهران، اصفهان، تبریز، اهواز و یا کرمان می برد و ما یک دهکده بزرگ و صمیمی فوتبال را در ذهنمان تصویر می کنیم و فوتبال ما نیاز به بهتر شدن دارد. آیا ما در آینده ای بسیار نزدیک تیم های بهتری را با

من فکر می کنم برای سالیان دراز همه ما در مرزهای محدود خود با منازعات و برخوردهایی که از تعصبات، جاه طلبی و قضاوت ریشه و مایه می گرفته بروبرو بوده ایم. البته بسیاری از آنها را نیز انتظارات اقتصادی موجب شده است. با این همه تمام این برخوردها و زندان رفتن ها مبالغه آمیز نیز هستند و از اختلافات حسی ناشی می شوند، آیا از آنجا که ما نتوانسته ایم طبیعت اصلی و خصوصیات برخوردها و اختلافات در فوتبال خود را بشناسیم در حل و فصل آنها نیز موفق نبوده ایم؟ بنابراین کمبودها و کاستی ها و اشکالات در فوتبال امروز ما ارتباطی با روش های تمرین و عقب ماندگی تکنیک و تاکتیکی فوتبال ما ندارد. به طور مثال بازیکنی که اشکال در کنترل توپ نداشته باشد، زمان در بازی را از دست نمی دهد، کنترل درست توپ و درک درست تاکتیکی سبب می شود ضمن اینکه در زمان صرفه جوئی کند از تلف کردن انرژی نیز جلوگیری کند و یا در حقیقت یک اصل کلی را که در فوتبال ما در حال فراموش شدن است زنده کند. مهمترین عامل در ورزش همکاری اعصاب و عضلات است. به گمان من جنگ امروزی بدون وجود مربیانی آگاه و با اطلاع از علم روز نمی تواند شکل گیرد.

می گویند درگیری های بدنی بازیکنان در فوتبال سبب پیشرفت جریان فکری آنها می شود، ما در محیطی زندگی می کنیم که از هر جهت جنبه اطلاعاتی دارد می دانیم که در برپا کردن و ادامه حرکت نیز سر و کار ما بیشتر از همه چیز با اطلاعات است. به بخش لیگ برتر انگلیس و جام باشگاههای اروپا از تلویزیون نگاه کنید، اینکه تلویزیون با نمایش این بازی ها می تواند مردم را آگاه کند، حرف تازه ای نیست، هرگز روزنامه ها نمی توانند تاثیر تلویزیون را داشته باشند. مردم به هنگام خواندن روزنامه در آن غرق نمی شوند، اما به هنگام تماشای برنامه تلویزیونی خود را یکسره در اختیار آن قرار می دهند و تار و پود تصاویر آن را لمس می کنند. بدین طریق است که مربیان در روز بعد از بازی می توانند فیلم بازیشان را بارها بارها ببینند و بازیکنانشان را از انجام دادن اشتباهات مکرر منع کنند. این تلویزیون است که می تواند یک توپ از خط گل گذشته را نشان دهد چیزی که از چشم داوران پنهان مانده است و یا خطای زشت یک بازیکن را بارها و بارها نشان دهد و یا همه چیز را بهم ریخته و آشوب به پا کند. آیا تلویزیون ما می تواند سبب بهتر

ادامه مطلب یادداشت‌های بی تاریخ... از صفحه ۱۰

بلافاصله به امر شاه تمام کوچه را آب و برق داده و برای من تلفن هم وصل کردند.

جهان پهلوان و حق کسوت

سلماسی در مصاحبه خود سه قهرمان بزرگ را نام می برد که بدانان دلپسته است. جسی اونز قهرمان آمریکایی ۱۹۳۶ برلن که هفته پیش درباره اش نوشتیم؛ «پادونورمی» قهرمان دوهای استقامت فنلاندی که از ۱۹۳۰ تا ۱۹۲۸ نه مدال طلا در دو و میدانی برده و سرانجام غلامرضا تختی جهان پهلوان و مرد بزرگ کشتی ایران. او درباره تختی می گوید: سومین نفر که او نیز در جوانمردی و داشتن اخلاق و رفتارهای یک قهرمان راستین زیانزد خاص و عام بود، پهلوان غلامرضا تختی قهرمان برجسته کشتی ایران است که در بسیاری از مسابقات جهانی، مدال طلایی رقابت‌های کشتی در وزن خود را برای کشورش به ارمغان آورد.

به خاطر دارم که در مسابقات المپیک سال ۱۹۶۰ که من به عنوان مربی تیم وزنه برداری ایران اعزام شده بودم

ادامه مطلب تازه های پزشکی... از صفحه ۱۶

در مواردیکه بافت لوزالمعده دچار عفونت شود از آنتی بیوتیک ها نیز استفاده می شود و در صورت عدم بهبودی قسمت هائی از آن را از طریق جراحی (Necrosectomy) بر می دارند.

هرگونه درد شدید شکم بخصوص درد در

ای یکبار دورهم جمع می شدیم. مقرر بود که صاحب مجلس نوشته ای را که در ظرف هفته تهیه نموده است به زبان فارسی بخواند. عموما این مقاله ها یک ربع هم بیشتر تجاوز نمی کرد. شبی که نوبت من رسید، با ترس بسیار، داستانی را که بعنوان فارسی شکر است نوشته بودم برای آنها خواندم. بیشتر از همه از میرزا محمدخان قزوینی که بسیار سختگیر بود می ترسیدم، اما برعکس همه نوشته های مرا پسندیدند و مخصوصا محمد قزوینی با شدت و اصرار از من خواست که داستان های دیگری بنویسم و می توانم بگویم که کار من از همان شب آغاز گشت. سالها گذشت و کسی متوجه کار من نبود اما روزگار کار خود را کرد و هموطنانم متوجه شدند که طرز جدیدی در نثر فارسی شروع گردیده است

میتور شد که نویسنده شدی؟

گوتترگراس نویسنده آلمانی که در سال ۱۹۹۹ برنده جایزه نوبل شده در مصاحبه ای که در کتاب هنر نویسندگی به کوشش

ادامه مطلب سیر و سفری... از صفحه ۱۸

غیره. با همه آنها به بحث و چون و چرا می پرداخت و در مورد مشکلات و معضلات و مسائلی که در دل داشت مباحثه می کرد، تا بالاخره به مصر رسید و در آن جا بود که به فرقه فاطمیه و مذهب اسمعیلیه معتقد شد و گروید و زندگی اش را از آن پس در گرو آن مذهب و در خدمت تبلیغ و ترویج و اشاعه آن گذارد.

به هنگام بازگشت به بلخ با عنوان سفیر و لقب «حجت» از طرف خلفای فاطمیه، پنجاه سال از عمرش می گذشت. در مراجعت به بلخ بود که کتاب «زادالمسافرین» را که به معنای سوغات مسافرت می باشد به سال ۴۵۳ هجری قمری تالیف کرد. این کتاب شامل تفصیلی است از فرار او از بلخ در این زمان به دلیل مشکلات و تبعیضات و تهدیدهایی که علمای سنی و حکام وقت برایش فراهم آورده بودند. ناصر خسرو در این زمان زهد و عبادت و ترک دنیا اختیار کرده بود و اکثر اوقاتش را به کار تبلیغ و ترویج مذهب شیعه اسمعیلیه می پرداخت و قطعاً به واسطه شهرت و معروفیت زیادی که در فضل و حکمت و دانش داشت و نیز قدرت عظیمش در فن مناظره شفاهی و کتبی پیشرفت و موفقیت قابل ملاحظه ای در این کار به دست آورد که موجب خشم و نفرت علمای سنی شد و با سعایت و دخالت آنها امرای سلجوقی به اذیت و آزارش برآمدند. او را از بلخ تبعید کردند و از خانه و کاشانه خود که در آن همه گونه وسایل آسایش و راحتی برایش فراهم بود ناگزیر از فرار شد. می گویند پس از فرارش از بلخ مردم به خانه اش هجوم بردند، آن را غارت کردند و به شعله های آتش سپردند. این فاجعه در زمان فرمانروایی پادشاه سلجوقی ابوسلیمان جُغری بیک پدر آلپ ارسلان به وقوع پیوست.

کاری که ناصر خسرو به عهده گرفته بود در آن زمان کاری بسیار مشکل و خطرناک بود زیرا در خراسان عده شیعه اسمعیلی بسیار کم بود و مخالفین آنها هم خیلی زیاد. با قدرت و نفوذ و نیروی بزرگ و بسیار متعصب و کینه توز و وحشی، مجازات دعوت به مذهب شیعه اسمعیلی، تبعید و شکنجه و حتی قتل بود.

دنباله مطلب در ماه آینده

ادامه مطلب مشقی تازه... از صفحه ۱۹

برلن رفتیم. جمعی وطن پرستان و فضایی ایرانی کم کم در آنجا گرد آمدند، از قبیل محمد قزوینی، استاد پورداود، حسین کاظمزاده ایرانی و تقی زاده. در آنجا هفته

این مسافرت که هفت سال طول کشید با مراجعت به بلخ پایان یافت و مبدأ یک دوره جدید در زندگانی اوست. در این سفر چهار بار به زیارت حج رفت و شمال شرقی و غرب و جنوب غربی و مرکز ایران و کشورهای ارمنستان - آسیای صغیر، دمشق - طرابلس - شام و سوریه و فلسطین و عربستان و مصر و تونس و سودان را سیاحت کرد. در طول این سفر سه سال در مصر اقامت نمود و چون مصر در آن زمان پایتخت خلفای فاطمی بود به مذهب اسمعیلیه و طریقه فاطمیه گروید.

در طول اقامت در مصر به دلیل دانش و علم و اطلاعات وسیعش در کلیه زمینه ها مورد توجه و عنایت خاص خلفای فاطمیه قرار گرفت و از طرف ایشان ماموریت یافت که به خراسان برگردد و مذهب اسمعیلیه و طریقه فاطمیه را در آنجا که اکثریت قریب به اتفاق مردم سنی حنفی و رافضی بودند تبلیغ کند. از طرف خلفای فاطمیه به او لقب «حجت» داده شد که به معنای سفیر و سرپرستی شیعیان بخش خراسان بود. تفصیل مسافرت حج و مصر و کشورهای که به شرح قبل در آنها به مدت هفت سال سفر کرد و از روی یادداشت های روزانه سفر خود پس از مراجعت به بلخ تنظیم نمود موضوع کتاب سفرنامه اوست که به قول خودش شرح مسافرتی است به مسافت ۲۲۲۰ فرسنگ یا برابر با ۱۳۲۲۰ کیلومتر.

در پایان این سفرنامه وعده می دهد که سفری نیز به شرق خواهد کرد و شرح آن سفر را نیز خواهد نوشت.

ناصر خسرو در طول این سفرها در جستجوی یافتن حقیقت و پاسخ به سوالات معضل بسیاری بود که برایش در دوره دوم زندگانی یعنی از ۴۰ سالگی به بعد مطرح گشته بود. قصد او از این سفرها فقط دیدار شهرها و ممالک نبود. در طول این سفرها به حشر و نشر با بزرگان و عرفا و دانشمندان زمان می پرداخت و در پی یافتن جواب به سوالات خود بود. با پیشوایان مذاهب مختلف، با فلاسفه و منجمین و اطباء و دانشمندان و حکمای هر شهر و دیار نشست و گفتگو داشت به خصوص با ارباب مذاهب از تسنن و شیعه و انصار و یهود و مانوی و هندی غیره و

ادامه مطلب یک سینه سخن ... از صفحه ۸

اودست داد. همراه محسن دخترکی بود که سروروش تفاوتی بامحسن نداشت. پدرگفت: چطوری پسر؟ پسرگفت: خوبم، خوبم. بعد دوست دخترش را معرفی کرد که این «گرل فرند» من است و اینهم پدر من است. پیرمرد گیج و مبهوت به همراه پسرش به پارکینگ فرودگاه رفتند. پدر به داخل ماشین که نگاه کرد دید دوتا سگ سیاه دارند به او نگاه میکنند. اثاثیه پدر را در صندوق عقب گذاشتند، دختر و پسر جلو نشستند و پدر را درصندلی عقب کنار سگها جای دادند. سگها اول غرغر کردند و یکی از آنها جلو آمد و شروع کرد به لیسیدن پیرمرد. پیرمرد گفت: چخه، چخه! اما سگ به فراست دریافته بود که پیرمرد خیلی ترسیده است، توی ماشین پایش را بلند کرد و پیرمرد احساس کرد پایش گرم شده، پاچه شلوارش خیس شده بود. گفت: محسن، محسن، بابا جان جلوی این سگ را بگیر. محسن گفت: ترس بابا اینها به توکاری ندارند. گرل فرند محسن بانگلیسی چیزهایی به او گفت و پیرمرد مثل یک مشت استخوان درصندلی عقب ماشین گوشه ای کر کرد تا به آپارتمان محسن رسیدند. یک ماه بعد پیرمرد از فرودگاه شماره تلفن پسرش را گرفت. توی ضبط صوت چنین ضبط کرد: خداحافظ پسر، خداحافظ، خدا را شکر که مادرت مرد و نیامد پاره جگرش را ببیند و خواست بیشتر حرف بزند که تلفن سوت کشید. گوشه را گذاشت. بیچاره پیرمرد!

ادامه مطلب آیا می توان پیش ... از صفحه ۱۳

فرد درخواست کننده باید هزینه بیمه خصوصی زوج دیگر را به طور کامل پرداخت کند. شرط مهم دیگر طلاق تقسیم شده این است که فرد درخواست کننده تمامی حسابهای بانکشستی خود را به پرونده طلاق الحاق (join) کند تا به این ترتیب نتواند پیش از اتمام کامل پرونده طلاق از حساب بانکشستی خود برداشت کند.

ادامه مطلب کدام ایرانی ... از صفحه ۱۴

سال، ۶۰ درصد افزایش پیدا کرده و به اندکی بیش از ۳۴ درصد رسیده است. میزان ابتلا به اختلالهای روانی در کشور ما سالانه رشدی ۵، ۲ درصد دارد.»

سلام پسر من کجا بودی؟ چی؟ رفته بودی سگهایت را بگردانی؟ مگر نمیدانستی من میام؟ میدانستی رفتی سگها را بگردانی؟ آخه نمیدانستی من توی این مملکت بی صاحب سرگردان میشم؟ سگ واجب تر بود یا من؟

پنداری پسرک با فارسی شکسته بسته میگوید که سگ واجب تراست که پیر مرد جوشی دادش درآمد: پسر خجالت بکش! من اینجا از ناراحتی بخودم میلرزم و تو میگوئی ساعت گردش سگهایت بود؟ بهرحال من منتظرت هستم.

پیرزن که به گفتگوی پیرمرد با پسرش گوش میکرد گفت: آقا ناراحت نشین. اینجا همه اینطوری هستن، ببین پسر منم کار میکرد نتوانست دنبالم بیاید، عروسم آمد، پیرمرد گفت: خانم، کارداشتن غیرازسگ دواندن است، من شنیده بودم که مردم عوض میشوند اما فکر نمیکردم پسر من سگهایش را بمن ترجیح بدهد.

پیرمرد باغم خنده ای گفت: پسر من گفته همانجا باش تا من بیایم. پیرزن گفت: آقا نگران نباش می آید و همراه عرووش خداحافظی کرد و رفت.

ساعتی بعد محسن پیدایش شد، درنگاه اول پدرش را او نشناخت، گوشواره ای بگوش و سمت راست سرش را تراشیده بود و سمت چپ را نیز رنگ کرده بود و بقیه را (دمب آسبی)!! پیرمرد نگاهش که به پسر افتاد لحظه ای مکث کرد، فریاد زد: پسر! دوید جلو، خواست او را در آغوش بگیر، اما پسرش فقط با

از شرایط مهم دیگر این است که اگر زوج درخواست کننده برای زوج دیگر بیمه پزشکی فراهم می کند، پس از گرفتن حکم طلاق و تا پایان پرونده باید به فراهم کردن بیمه پزشکی زوج دیگر ادامه دهد.

به این ترتیب، حتی اگر زوج دیگر مجبور شود به واسطه طلاق از فرد درخواست کننده بیمه پزشکی خصوصی بگیرد،

احمد نوربالا، عضو هیئت علمی دانشگاه علوم پزشکی تهران نیز با استناد به تحقیقات انجام شده طی سالهای ۷۸ تا ۸۷ گفته است: «میزان شیوع اختلالهای روانی در میان ایرانیان در فاصله ۹

ادامه مطلب داستان فرود ... از صفحه ۱۲

دژ در پیش می گیرند، گرچه فرود برادر کیخسرو پادشاه ایران است ولی در اینجا حیثیت طوس سپهسالار ایران نیز پایمال گشته است، پس گوی و بیژن و رقام بر او تاختند، فرود به خاطر خودداری از جنگ با سپاه ایران به دژ روی آورد در راه دژ «رهام» که به قصد کشتن او تیغ هندی در مشت داشت و به دنبالش بود.

بزد بر سر سفت آن مرد شیر فرو ماند از کار دست دلبر به نزدیک دژ بیژن اندر رسید

به زخمی پی باره او برید پیاده خود و چند از آن چاکران تبه گشته از جنگ گند آوران به دژ در شد و در بیستند زود

دریغ آن دل و نام جنگی فرود فرود چون به دژ می رسد در آغوش مادر جان می سپارد. کنیزکان وی خود را از بالای دژ بر خاک می افکنند و هلاک می کنند، جریره پس از آنکه شکم اسبان می درد و همه را می کشد، آتشی می افروزد همه گنج و آنچه را که نیاستی به دست سپاه دشمن بیفتد به آتش می کشد و بعد از آن:

بیامد به بالین فرخ فرود بر جامه او یکی دشنه بود دورخ را به روی پسر بر نهاد شکم بر درید و برش جان بداد با ورود سپاه ایران به دژ. بدو زار بگریست گودرز و گویو

چنان نامداران و گردان نیو تند و تیزی طوس سپهسالار ایران و بی توجه بودنش به گفتار کیخسرو و پند او برای دوری از سرزمین فرود بار آور این فاجعه دردناک بود که تیزی نه کار سپهبد بود

سپهبد که تیزی کند بد بود به گفته دکتر محمود صنایعی استاد بزرگ شاهنامه شناس، داستان فرود از شاهکارهای فردوسی است، تراژدی به معنی واقعی کلمه است، دست سرنوشت و تقدیر در کار است و از آدمیان کوچک و فناپذیر چیزی ساخته نیست. محال است سیل خروشان فاجعه ناگهان باز ایستد یا تغییر مسیر دهد.

آنچه بودنی است، خواهد بود. در اینجا شاهزاده ایرانی و سردار ایرانی در برابر هم ایستاده اند و سرنوشت برای رقم زدن آنچه می خواهد آن دو را در برابر یکدیگر قرار می دهد و تراژدی اتفاق می افتد و قهرمانان تراژدی فدای سرنوشت می شوند.

بزرگ ترین مصیبت برای یک انسان این است که نه آگاهی کافی برای حرف زدن داشته باشد، نه شعور لازم برای خاموش ماندن.

ولیکن سپهبد خردمند نیست

سرو مغز او از در پند نیست

سزد گر بیچیز ز گفتار من

گراید به تند و پیگار من و فرود را پند می دهد که اگر کسی با لباس جنگی به نزد تو آید آگاه باش که طوس او را برای قهر و ستیز فرستاده است و نباید که بر او ایمن باشی. پس خود به نزد طوس باز می گردد و از نام و نشان فرود شاهزاده ایرانی با طوس می گوید و او را پند می دهد که فرود برادر کیخسرو پادشاه ایران است.

بترس از خداوند خورشید و ماه

دلت را به شرم آور از روی شاه

که پیوند شاه است و همزاد او

سوار است نام آور و جنگجوی

بر آن کوه بر خویش کیخسروست

که یک موی او به ز صد پهلواست گفتار بهرام طوس را خشمگین تر می کند و داماد خود «ریونیز» را به جنگ فرود می فرستد و او را فرمان می دهد که کشته یا زنده فرود را به نزد وی ببرد. فرود چون از ستیغ کوه «ریونیز» را می بیند که سراپا مسلح است از «تخور» نام و نسب وی را می پرسد و می داند که داماد طوس است و به جنگ با وی آمده است و او راهی جز جنگیدن در پیش روی ندارد پس:

ز بالا خدنگی براند از سرش

که بر دوخت با ترگ روی سرش

بیفتاد و برگشت از او اسب، تیز

به خاک اندر آمد سر «ریونیز» چون طوس چنین دید پسرش «زراسب» را که پهلوانی یگانه بود به جنگ فرود فرستاد که او نیز با تیر فرود از بلندی بر خاک غلطید. طوس تاب این همه شکست را نمی آورد پس خود با سی هزار سوار جنگی به مقابله با فرود می رود، فرود قصد جنگیدن با سپاه ایران را نداشت و به توصیه تخوار از جنگ با طوس روی می گرداند، تخوار می گوید:

چه باید ترا تند و جنگ شیر

به دژ شو مکن جنگ بر خیر خیر

اگر طوس از زین گزندی رسد

به خسرو ز دردش نژندی رسد تخوار او را می گوید به دژ بر می گردیم و تو تنها اسب طوس را بر خاک افکن تا از جنگ با تو بازگردد. فرود چنین کرد و با تخوار راه برگشت به دژ پیش گرفت.

بزرگان ایران تاب خواری سپهسالار خویش را نمی آورند و پشت سر فرود راه



Caroline Nasser
Accident Lawyer

An employee asks for time off. Are you prepared to grant it? If so, how much time off must be provided and under what circumstances? We address these leave of absence questions in the following scenarios:

REQUEST: *Can I have time off for my illness? What if my child is sick?*

There are a number of laws that may impact whether your company is required to provide an employee with time off for their illness or a family member's illness, including:

♦**FMLA.** Under the federal Family and Medical Leave Act (FMLA), eligible employees are entitled to up to 12 weeks of unpaid leave for, among other things, their own or a covered family member's "serious health condition." The federal FMLA covers employers with 50 or more employees, but several states have enacted their own family and medical leave laws, some of which apply to employers with fewer employees.

♦**ADA.** If the employee's condition qualifies as a disability under the Americans with Disabilities Act (ADA) you may be required to provide a reasonable accommodation, such as an unpaid leave of absence, unless it would impose an undue hardship on the business. The ADA applies to employers with 15 or more employees, but some state laws have similar requirements that apply to employers with fewer employees. A family member's disability, however, wouldn't entitle an employee to an accommodation under the ADA.

♦**State and local sick leave laws.** More states and local jurisdictions are requiring employers to provide sick leave to employees. In many cases, the sick leave must be paid,

Top 10 Employee Leave Requests Are You Required to Grant Them?

but some jurisdictions allow smaller employers to provide unpaid leave. Typically, these laws entitle employees to leave for their own illness or a covered family member's illness. To date, the following jurisdictions have adopted sick leave requirements:

♦**California** (effective July 1, 2015)
♦**Connecticut** (employers with 50 or more employees must provide paid sick leave to their "service" employees)
♦**District of Columbia**
♦**Massachusetts** (effective July 1, 2015)
♦**New York City**
♦**Oakland, CA** (effective March 2, 2015)
♦**Portland, OR**
♦**San Francisco, CA**
♦**Seattle, WA**
♦**Eugene, OR** (effective July 1, 2015)
♦**Eight cities in New Jersey** (East Orange, Irvington, Jersey City, Montclair, Newark, Passaic, Paterson, and Trenton). Note: The sick leave requirements in Jersey City and Newark are already in effect. The others are scheduled to take effect in the coming months.

REQUEST: *I just found out that I am pregnant. Do I get pregnancy leave?*

Whether an employer is required to provide leave for pregnancy-related conditions depends on a variety of factors, including employer size, state of operation, and how the employer treats other employees similar in their ability or inability to work.

♦**FMLA.** The FMLA requires covered employers to provide female employees with job protected leave for incapacity due to pregnancy, for prenatal care, or for their own serious health condition following the birth of the child. Eligible employees may also use all or part of their FMLA leave entitlement to bond with their baby after childbirth or for a child's serious health condition.

♦**State Leave Requirements.** While the FMLA applies to employers with 50 or more employees, several states have family leave laws that cover employers with fewer employees. Some states have pregnancy leave laws, and in some states, employers must provide a reasonable accommodation for pregnant employees, which may

include a leave of absence. Check your state law to ensure compliance.

♦**EEOC Guidance.** An employer is generally required to treat a pregnant worker the same as other employees who are similar in their ability or inability to work. This means an employer may be required to provide leave to pregnant employees if it does so for other employees similar in their ability or inability to work.

Note: While a typical pregnancy won't qualify as a disability under the ADA, complications during the pregnancy or childbirth may result in a disability requiring a reasonable accommodation, such as leave, unless it would impose an undue hardship.

REQUEST: *My spouse is pregnant. Can I have time off to bond with the baby once she is born?*

Both mother and father are entitled to FMLA leave for the birth of their child or placement of a child for adoption or foster care. Your state may have similar requirements that apply to smaller employers. In the absence of a requirement, employers may choose to voluntarily provide bonding leave, but you must apply the policy in a consistent and nondiscriminatory manner.

REQUEST: *Can I take time off for two weeks of required military training?*

Under the federal Uniformed Services Employment and Reemployment Rights Act (USERRA), all employers must allow employees to take time off to serve in the military, including training activities. Employees are generally entitled to an unlimited amount of leave for military training and drills. At the end of the leave, the employer must generally reinstate the employee as if he or she had not been absent. Additionally, many states require leave for state military service, including training.

REQUEST: *My spouse is in the Army and is deploying to Iraq. Can I take time off so I can make alternative childcare arrangements?*

Under certain circumstances, employers covered by the FMLA must provide unpaid time off when an employee's spouse, child, or parent is on covered active duty, or has been notified of an impending call to active duty. This leave is intended to allow eligible employees to take time off to address issues that arise when a

covered service member is deployed, such as attending military-sponsored functions, making financial and legal arrangements, and arranging for alternative childcare. Note: Some states have their own family military leave requirements that cover employers with fewer employees and/or offer additional protections.

REQUEST: *I'd like to observe a religious holiday on Friday but the company is open. Can I have the day off?*

Title VII of the Civil Rights Act ("Title VII") requires employers to provide reasonable accommodations for employees' sincerely held religious observances and practices, unless doing so would impose an undue hardship. Generally, this means that covered employers must allow employees to take time off for religious reasons, regardless of whether the employer observes the holiday. Title VII applies to employers with 15 or more employees, but some states have similar requirements that apply to employers with fewer employees.

REQUEST: *Can I have time off for jury duty? Will I be paid during jury duty?*

Under federal and most state laws, providing time off for jury duty is required. Employers are prohibited from disciplining or otherwise retaliating against employees who serve on a jury. Some states require employers to pay employees for jury service, which in some cases, can be the difference between payments received for jury service and the employee's regular wages.

REQUEST: *My child has a parent-teacher conference. Can I take time off to attend it?*

Several states have adopted laws that grant employees time off to tend to certain routine family matters, such as school activities or parent-teacher conferences. Generally, these laws provide eligible employees with a certain number of hours of leave annually, per month, or per school year. States and jurisdictions with these laws include:

♦**California** ♦ **Colorado** ♦ **District of Columbia** ♦ **Illinois** ♦ **Massachusetts** ♦ **Minnesota** ♦ **Nevada** ♦ **North Carolina** ♦ **Rhode Island**

REQUEST: *Can I have time off to vote in the election?*

At least 30 states have adopted laws intended to ensure employees have sufficient time off to vote.

Continued on Page 59





The Internal Revenue Service and the Treasury Inspector General for Tax Administration continue to hear from taxpayers who have received unsolicited calls from individuals demanding payment while fraudulently claiming to be from the IRS.

Based on the 90,000 complaints that TIGTA has received through its telephone hotline, to date, TIGTA has identified approximately 1,100 victims who have lost an estimated \$5 million from these scams.

“There are clear warning signs about these scams, which continue at high levels throughout the nation,” said IRS Commissioner John Koskinen. “Taxpayers should remember their first contact with the IRS will not be a call from out of the blue, but through official correspondence sent through the mail. A big red flag for these scams are angry, threatening calls from people who say they are from the IRS and urging immediate payment. This is not how we operate. People should hang up immediately and contact TIGTA or the IRS.”

Additionally, it is important for taxpayers to know that the IRS:

- ◆ Never asks for credit card, debit card or prepaid card information over the telephone.
 - ◆ Never insists that taxpayers use a specific payment method to pay tax obligations
 - ◆ Never requests immediate payment over the telephone and will not take enforcement action immediately following a phone conversation. Taxpayers usually receive prior notification of IRS enforcement action involving IRS tax liens or levies.
- Potential phone scam victims may be told that they owe money that must be paid immediately to the IRS or they are entitled to big refunds. When unsuccessful the first time, sometimes phone scammers call back trying a new strategy.

Other characteristics of these scams include:

- ◆ Scammers use fake names and

IRS badge numbers. They generally use common names and surnames to identify themselves.

- ◆ Scammers may be able to recite the last four digits of a victim’s Social Security number.
 - ◆ Scammers spoof the IRS toll-free number on caller ID to make it appear that it’s the IRS calling.
 - ◆ Scammers sometimes send bogus IRS emails to some victims to support their bogus calls.
 - ◆ Victims hear background noise of other calls being conducted to mimic a call site.
 - ◆ After threatening victims with jail time or driver’s license revocation, scammers hang up and others soon call back pretending to be from the local police or DMV, and the caller ID supports their claim.
- If you get a phone call from someone claiming to be from the IRS, here’s what you should do:

- ◆ If you know you owe taxes or you think you might owe taxes, call the IRS at 1.800.829.1040. The IRS employees at that line can help you with a payment issue, if there really is such an issue.
- ◆ If you know you don’t owe taxes or have no reason to think that you owe any taxes (for example, you’ve never received a bill or the caller made some bogus threats as described above), then call and report the incident to TIGTA at 1.800.366.4484.
- ◆ You can file a complaint using the FTC Complaint Assistant; choose “Other” and then “Imposter Scams.” If the complaint involves someone impersonating the IRS, include the words “IRS Telephone Scam” in the notes.

Taxpayers should be aware that there are other unrelated scams (such as a lottery sweepstakes) and solicitations (such as debt relief) that fraudulently claim to be from the IRS.

The IRS encourages taxpayers to be vigilant against phone and email scams that use the IRS as a lure. The

IRS encourages taxpayers to be vigilant against phone and email scams that use the IRS as a lure. The



The start of a New Year is very exciting and full of possibility. It is a great time to reflect on our lives and think about the things that are most important to us. We often make resolutions to go to the gym more, eat junk food less and to be healthier overall. This year, let’s resolve to help motivate and encourage our children to keep their teeth and gums healthy.

Here are some ways to encourage healthy teeth and gums in children:

Resolution #1: Make brushing fun. It is important for children to brush at least twice daily and floss. Younger children, under age 6, will need the help of an adult to brush the harder to reach areas. To encourage children to brush after every meal, allow them to pick out their own toothbrush and toothpaste. Look for a toothbrush with soft bristles and a fluoride containing toothpaste.

Download a favorite song and play it for your child during brushing (about 2 minutes) or sing a simple song such as ABC’s with them while brushing. Also, brushing as a family can be encouraging for children.

Resolution #2: Spruce up flossing. Dental flossers are an easier way to floss while children are building dexterity. The flossers come in different designs, colors and flavors. Let children pick out their own

floss or flossers to make flossing more fun.

Resolution #3: Visit your Pediatric Dentist

Pediatric dentist are specially trained to interact with and cater to the needs of children. Visit your pediatric dentist every 6 months for regular check ups.

Resolution #4: Nutrition
Research shows that there is a strong relationship between diet and oral health. A well balanced diet plays a major role in the prevention of gum disease and tooth decay. Teaching children good health habits early on will lead to a lifetime of healthy living. Allowing children to participate in preparing meals or choosing healthy snacks can help encourage eat healthier.

Resolution #5: Wear a mouthguard.

Wear a mouthguard during contact sports. Ask your pediatric dentist about custom-fit mouthguards for the best protection. Wearing a mouthguard will protect a child’s teeth, as well as their lips, cheeks and gums, and may reduce the forces that can cause concussions, neck injuries and jaw fractures.

Practicing these resolutions will give you and your children plenty of reasons to smile this year!

If you're not ready to die for it, put the word 'freedom' out of your vocabulary. Malcolm X

IRS does not initiate contact with taxpayers by email to request personal or financial information. This includes any type of electronic communication, such as text messages and social media channels. The IRS also does not ask for PINs, pass-

words or similar confidential access information for credit card, bank or other financial accounts. Recipients should not open any attachments or click on any links contained in the message. Instead, forward the email to phishing@irs.gov.



Continued from Page 60

The removing...

Then a group of state officials, courtiers, and their wives made their first appearances in the public while wearing Western appearances in the public while wearing Western style clothes. This is why historians consider the uniform dress law as the first practical step taken by Reza Shah's government in its effort to prohibit the Islamic dress as worn by the Muslim Iranian women.

The original masterminds and promoters of the removal of hijab were well aware that to officialize this phenomenon they had to first provide suitable grounds inside the Iranian families. From their viewpoint, opposition of the Iranian men to the appearance of their wives on the streets and in public without hijab was the main reason behind slow pace of removing hijab in the Iranian society. Therefore, preliminary plans were made to change the mentality of households which were later introduced officially. As a first step, they started with the civil servants who were under rigid control of the government and on whom the state swayed more power. On the other hand, accepting this change of style by them would have paved the ground for other social classes to do the same.

Another step taken by Reza Shah to promote removal of the women's hijab was holding the Congress of Women of

the East in the capital city, Tehran, in 1932, to which a great number of women without hijab from other countries had been invited. During the congress, which was headed by Reza Shah's daughter, Shams Pahlavi, the lack of hijab was mentioned as a sign of civilization and huge propaganda hype was launched around it.

Taking advantage of educational schools to promote lack of hijab and establishing modern schools after the European model were other measures taken to fight hijab under Reza Shah. Although similar schools had been established under Nassereddin Shah, the Qajar king, it was Reza Shah who promoted development of such schools as a means of removing hijab.

On May 13, 1935, the Society of Freedom-Seeking Iranian Women was established with Shams Pahlavi as its chairwoman in order to take further steps toward the banning of hijab.

On May 13, 1935, the Society of Freedom-Seeking Iranian Women was established with Shams Pahlavi as its chairwoman in order to take further steps toward the banning of hijab.

In the next stage, the Ministry of Interior decided to create more harmony between the men's uniform dress and removal of women's hijab. To do this, they passed new laws on the style of people's clothes. Then, the Shah told the ministers and members of the parliament to take steps and remove the hijab of the Iranian women. The first steps were taken by

removing the hijab of the wives of ministers, their deputies, members of parliament, and other state officials. A circular banning hijab was approved by the government and sent by the prime minister to the palace for the final endorsement by Reza Shah on December 19, 1935. In late January, a decree was sent to all Iranian provinces for the unofficial implementation of the law banning hijab.

On January 8, 1936, Reza Shah took part in the graduation ceremony of girls students of Preliminary Faculty who did not wear hijab to put personal emphasis on the need to remove hijab. Upon implementation, the law was met with bloody resistance from the Iranian people an example of which was the uprising and subsequent bloody suppression of people at Goharshad Mosque in northeastern Iranian city of Mashhad in July 1935.

Ayatollah Qomi, Grand Ayatollah Sheikh Abdolkarim Haeri, Ayatollah Seyed Younes Ardebili, Ayatollah Seyed Mohammad Taqi Khansari, Ayatollah Hojjat Kouhkamarei, and Ayatollah Mirza Mohammad Aqazadeh were among renowned sources of emulation and ulema who voiced their vehement protest to Reza Shah's efforts to promote lack of hijab. Many of those ulema and

clerics were later sent into exile over their protest to the removal of hijab.

Removing hijab became mandatory toward the end of Reza Shah's rule and the Islamic hijab was considered reactionary. As a result, removing women's covers by force had become part of routine duties of the Iranian police.

Following the fall of Reza Shah, removing hijab was apparently not mandatory anymore, though state-run media continued to laud Reza Shah's efforts and wrote many articles about the manifestations of "civilization," and "modernity" and also about the need for "not lagging behind European-style social progress."

The general agenda of the government throughout the Pahlavi regime was promoting the removal of hijab and repressing all those who acted in the opposite direction or tried to promote hijab in their activities. At the same time, a great many of Iranian women who had been forced to abandon the Islamic cover in the era of Reza Shah, were given relative freedoms under the second Pahlavi monarch and following the fall of Reza Shah. This enabled them to substitute their Islamic hijab.

Continued from Page 57

Top ten...

Generally, voting leave laws require employers to grant a "reasonable" or "sufficient" amount of time off to vote. When making this determination, take into account the hours polls are open, the time it takes to vote, including driving time to and from the polls, and the employee's work schedule.

REQUEST: Can I take unpaid time off this week and make up the time next week?

Allowing employees who are non-exempt from overtime, commonly referred to as hourly employees, to make up missed time in the following week

may result in overtime pay obligations. A non-exempt employee who works more than 40 hours in any workweek is entitled to overtime pay. Employers are prohibited from averaging work hours over two or more workweeks. For example, if a non-exempt employee works 20 hours in workweek A and 60 hours in workweek B, the employee would be eligible for 20 hours of overtime for workweek B.

Conclusion: Employers must comply with all applicable federal, state, and local leave requirements, some of which are covered above. It is a best practice to have written policies addressing leave entitlements that reflect current laws and company practices.

TOUCHFREEWASH.COM 3% DONATED MONTHLY TO HUMANITARIAN PROJECTS
OPEN 24 HOURS

DJ Alireza
Music at Its Best
(408)772-6463
www.djalireza.com
Quality Mobile DJ Service
State of The Art Lighting Services
Complete Audio Visual Equipments
Ambiance Lighting for Wedding Receptions
Like Me on facebook

Iranian Women Under the cosh

Economist: THERE is much to be unhappy about in Iran. Depression, drug addiction and cancer are at record rates, while divorce is nearing Western levels. But most worrying are new attempts to control women. Restrictions in Iran may not rival Saudi Arabia—Iranian women are

relatively moderate cleric, admitted the following day that Iran has “plenty of shortcomings in women’s rights and gender issues”.

For their part, women are ignoring a government campaign to get married, stay at home and bear at least five children. With an economy strangled



permitted to drive and openly socialise with male friends—but a political debate has broken out about how they should conduct themselves in public. It has gained more urgency after a spate of acid attacks against women in Isfahan, Iran’s third city, this month, apparently for not conforming to Iran’s Islamic dress code. In another blow, on October 25th Iran said it had executed Reyhaneh Jabbari, a 26-year-old woman who killed a man she said was trying to sexually abuse her.

A series of recent decisions—taken by men—have left women reeling. In July Tehran’s mayor, Muhammad Bagher Ghalibaf, a conservative trounced by Hassan Rohani in last year’s presidential election, ordered gender segregation in municipal offices to ensure women’s “dignity.” On September 3rd Khalil Helali, a national police chief, said the law should ban women from serving in cafes and restaurants because such jobs allow men to ogle them. (They could work in kitchens and non-public areas, he said.) And in Isfahan, the country’s top tourist attraction, female musicians have been banned from performing.

At the heart of the debate over women is Iran’s unease about Western culture overtaking Islamic teachings. Iran’s supreme leader, Ayatollah Ali Khamenei, and Mr Rohani are at odds. Mr Khamenei, who is struggling to stay relevant, in April derided the notion of gender equality as a Western concept. Mr Rohani, a

by sanctions, most couples can neither afford nor want a big family. But the hardline conservatives who dominate parliament and oppose Mr Rohani are using gender politics to jab at the president’s reform agenda and curry favour with Mr Khamenei, whose support for Mr Rohani appears lukewarm.

The mandatory wearing of the hijab is a touchpaper issue. On October 20th parliament started to debate a bill proposing new powers for volunteer militias to enforce the head covering, despite Mr Rohani’s pleas that police be kinder. He is not alone in opposing harsher rules. “Down with the religious extremists,” protesters chanted on October 22nd in a rare public protest in Isfahan over the acid attacks against at least eight women. Problems for Iran’s women run deep. Iran ranks 109th out of 152 countries on the UN’s gender inequality index. Only 3% of its MPs are women. In June Ghoncheh Ghavami, a 25-year-old dual British-Iranian law graduate, was arrested outside Tehran’s Azadi (“Freedom” in Farsi) stadium for trying to attend a game of Iran’s male volleyball team.

The actions of the judiciary—Ms Ghavami has been held for more than three months and awaits the verdict from a closed trial—embarrassed Mr Rohani at September’s opening of the UN General Assembly in New York. They also make his liberal election promises seem a distant memory.

The Removing of Hijab in Iran

The forceful removing of hijab (Islamic code of dress for women) in Iran signified a special part of the contemporary Iranian history under the rule of Reza Shah Pahlavi during which Iranian women and girls were banned from wearing hijab including various kinds of chador, veil, and headscarf.

The first signs of removing of hijab were seen at the royal court of the Qajar king, Nassereddin Shah, and among the intellectual circles. However, it became official under the rule of Reza Shah.

Under Qajar kings, frequent trips made by Iranian monarchs to Europe, which made them familiar with the clothing of the European women, greatly influenced the viewpoint of the Iranian royal court. The issue of “removing hijab” was gradually brought up in the form of a modernization drive in intellectual as also promoted by certain poets and the Iranian print media.

The first rumors about the formulation of a new law started circulating when Reza Shah, who was greatly impressed by democratic reforms in the

neighboring Afghanistan, invited that country’s King Amanullah Khan and his queen, Soraya Tarzi, to pay an official visit to Iran in 1929.

During the visit, the Afghan queen did not wear hijab and this led to heated debates among the Iranian clerics who urged Reza Shah to make the Afghan queen observe the Islamic code of dress in Iran. Reza Shah, who was infatuated with her dress, rejected their demand. It was then that the first rumors about the ban on hijab got around.

Following his foreign trip to Turkey on June 2, 1934, Reza Shah was greatly influenced by the Western-minded leader of Turkey, Mustafa Kemal Atatürk. At that time, more rumors circulated among the people about a possible ban on hijab in girls’ schools, though no law was passed to that effect.

During late December 1928, the National Consultative Assembly passed a law requiring uniform clothes to be worn by the Iranian men. Pursuant to that law, wearing suit in addition to European ties and hats became mandatory for the Iranian men.

Continued on Page 59





WEB DESIGN



MARKETING

CALL FOR FREE CONSULTATION

www.conuremedia.com

408.913.6060 • info@conuremedia.com

رستوران سنتی ساقی

با بیش از ۱۵ سال سابقه، با افتخار از شما پذیرایی می کند!

عروسی ها، جشن ها و میهمانی های خصوصی خود را در سالن مجلل رستوران ساقی همراه با پذیرایی کامل با انواع غذاها و دسرهای لذیذ ایرانی برگزار کنید.

نان تازه تافتون با کباب داغ

دیزی، حلیم، کله پاچه،

میرزا قاسمی و انواع غذاهای سنتی



هفته روز هفته نهار را با انواع غذاهای خوشمزه در رستوران ساقی میل کنید

بوفه کامل ۸,۹۹ دلار



رستوران ساقی مجهز به

کادر ورزیده کیتچرینگ،

به جشنها و میهمانی های شما

جلوه بیشتری می دهد!

Catering Saaghi

Let us prepare our delicious food at your location so you can focus on your guests.

(408) 998-0122

1392 S. Bascom Ave. San Jose, CA 95128 ♦ www.saaghi.com



Caroline Nasser
Attorney at Law

کارولین ناصری

وکیل رسمی دادگاه های کالیفرنیا و فدرال

با بیش از ۲۵ سال تجربه

❖ تصادفات اتومبیل، موتورسیکلت و عابر پیاده

❖ صدمات شدید بر اثر تصادفات

❖ مرگ بر اثر تصادفات

❖ صدمات ناشی از حمله حیوانات

1(800)525-6060

دسترسی به معالجات پزشکی،
بدون پیش پرداخت، در اسرع وقت

هیچگونه وجهی تا قبل از دریافت
حقوق قانونی شما در امور تصادفات،
از شما دریافت نخواهد شد!

Tel: (408) 298-1500

e-mail: cnasser62@yahoo.com

Fax: (408) 278-0488

Website: carolinenasserilaw.com

675 North First Street, San Jose, CA 95112